توانا بود هر که دانا بود

تاریخ صنایع ایران

تألیف

دکتر ج. کریستی ویلسن

ترجمهٔ

عبدالله فریار

طبق دستور وزارت معارف چاپ و نشر گردید

۱۳۱۷ - ۱۹۳۸

چاپخانهٔ روشنی - تهران



تمثال مبارک والاحضرت همایون ولایتعهد

وزارت معارف واوقاف وصنایع مستظرفه
اداره کل انطباعات

شماره ۴۲۰۱ / ۱۰۲۴۰
تاریخ ۱-۴-۱۷

تقریظ

کتاب تاریخ صنایع ایران که سهم بزرگ ایران را در فرهنگ و تمدن دنیا نشان میدهد و برای شناختن نفائس صنعتی ایران مورد استفاده کامل ایرانیان است بر حسب دستور وزارت معارف از طرف آقای دکتر کریستی ویلسن تألیف و چاپ شده و از اینکه قبول این زحمت را نموده این خدمت را بطور شایسته انجام داده اند موجب مسرت اینجانب است و بدینوسیله از زحمات ایشان قدرشناسی مینماید

از آنجائیکه بر هر ایرانی فرض است که کاملاً پی باهمیت میراث و نفائس صنعتی تاریخی کشور خود ببرد ' بررسی این کتاب نفیس را بعموم و مخصوصاً بدانشجویان ودانش‌آموزان توصیه مینماید

وزیر معارف و اوقاف
علی اصغر حکمت

دیباچه

اگرچه دربارهٔ صنایع ایران کتابهای زیادی بزبانهای اروپائی نگاشته‌شده، ولی جای تعجب است در ایران که آن باید مورد علاقهٔ هر ایرانی میهن دوست باشد، تاکنون در این موضوع کمتر چیزی نوشته شده. این کتاب شامل شرح مختصری از صنایع و معماری ایران است و نیز خلاصه ای از حفریات و اکتشافات باستان شناسی که تاکنون بعمل آمده و نمایندهٔ فرهنگ و تمدن زمانهای قدیم میباشد.

البته تاریخ طولانی و میراث بزرگ و گوناگون صنعت ایران در چنین کتابی ناچار مختصر و مجمل خواهد بود، ولی امیدواریم که همین مختصر مردم این کشور را بشناختن و اهمیت صنعت میهن خود تهییج و ترغیب نماید. هنوز کتابی در این رشته بزبان فارسی نوشته نشده است وبعلاوه مقدار زیادی از مطالب این کتاب تازه و تاکنون بهیچ زبانی طبع و نشر نگردیده است. نگارنده اغلب از آثار تاریخی ایران را مشاهده و بازدید نموده وحتی‌المقدور مستقیما مطالعه وتدقیق کرده است. کتابها ونوشته های زیادی در این فن مطالعه و برای جمع آوری و تحقیق در مطالب، مختلف با باستان شناسان و متخصصین تبادل نظر نموده است.

بیش از هرچیز باید از وجود عزیزی که سبب اوست و موجب این وسائل زنده کنندهٔ ایران است یعنی **شخص اعلیحضرت همایون رضاشاه پهلوی**، سپاسگذاری نموده و امیدواریم در سایهٔ توجهات همایونش آثار باستانی ایران که یادگار مفاخر ادوار عظمت ایران باستان است محفوظ ماند و بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا اهالی کشور خودرا بهتر بشناسند.

فهرست مندرجات

صفحه

از جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر دانشمند معارف باید قدردانی نمود که نگارنده را مأمور تألیف این کتاب فرمودند و همواره از بذل کمک و مساعدت مضایقه نفرموده وسائل طبع و نشر آنرا فراهم آوردند

از مسیو آندره گدار مدیر دائرهٔ آثار باستان و خانمشان مادام یدا گدار که لطفاً نسخهٔ انگلیسی این کتاب را مطالعه و عقائد خود را در تصحیح آن اظهار داشتند تشکر مینمایم زحمات آقای دکتر فرهمندی رئیس ادارهٔ باستان شناسی در تهیهٔ عکسها و کمکهای دیگر مورد امتنان اینجانب است

آقای دکتر ارنست هرتسفلد اجازه دادند که از کتاب تاریخ عتیقهٔ ایران که تألیف نموده اند، دو نقشه که در صفحات ۱۵ و ۱۲۱ این کتاب گراور شده، اقتباس شود آقای دکتر اریک اشمیت درخصوص اکتشافات خود در دامغان، ری و تخت جمشید اطلاعات مفیدی بنگارنده دادند بعضی از عکسهای این کتاب از بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو گرفته شده و آقای ا. ت. اولمستد عضو آن بنگاه در موقع مسافرت خود بایران باینجانب کمکهای مفیدی نمودند پرفسور آرتر پوپ و خانمش دکتر فیلیس آکرمان در فرستادن فرمهای کتاب بزرگ «صنایع ایران» و تهیهٔ تصاویر از بذل هیچگونه مساعدت دریغ نداشتند مستر دونالد ویلبر، جان مکول و پیتر بکر در موقع مأموریت خود از طرف بنگاه امریکائی صنایع و معماری ایران باینجانب کمک نموده اند و آن بنگاه تصاویری هم فرستاده است مستر مایرون اسمیت نیز حضوراً اطلاعات مفیدی به نگارنده داده است دکتر ویلیام وایشم عضو مسیون امریکائی تهران و آقای ع. بواسحقی در تصحیح فرمها و دقت و رسیدگی درچاپ این کتاب زحمت فراوان کشیده و نگارنده قلباً از آنها متشکر است

در خاتمه از آقای عبدالله فریار عضو وزارت معارف که با نبودن وسائل و فقدان اصطلاحات فنی در این رشته ترجمهٔ این کتاب را بعهده گرفتند تشکر مینمایم

این کتاب بدینگونه تقدیم خوانندگان گرام میگردد و امید است که مورد قبول افتد و در آموزشگاههای ایران قابل استفادهٔ دانش آموزان واقع گردد

فصل اول

مقدمه

یکی از بزرگترین خدمات ایران بتمدن دنیا از راه صنعت بوده است. تاریخ صنعت افتخار آمیز این کشور از ادوار پیش از تاریخ آغاز گشته و پس از هزاران سال بما رسیده است که شاید قالی و قالیچه بهترین نمونهٔ آن صنعت باشد. در طی فصول این کتاب سعی میشود خدمات بزرگ این مملکت و جلوهٔ عظیم صنعتی آنرا بنظر خوانندگان برساند. بر هر ایرانی برست نامه واجب است همانطوریکه به کشور خود علاقمند و مفتخر است، بصنعت مرز و بوم خود سرمباهات کند و بخدماتیکه از این راه بعالم بشریت و بحکم بنای تمدن امروزهٔ دنیا شده پی برد. مقصود از تألیف این کتاب که دورنمائی مختصر از تاریخ با عظمت صنایع ایران میباشد اینست که نوباوگان این سرزمین را بقدرت صنعتی نژاد خود و رمـوز آن آگاه نموده و آنانرا تشویق و ترغیب کند که ذوق صنعتی را که در نهاد شان جایگزین میباشد بکار انداخته خدمات گذشتگان خود را در نظر آورند و از آنان پند گیرند.

در مقدمه چنین کتابی قبل از هر چیز باید معنی لفظ صنعت را دانست و آنرا تشریح و توصیف نمود. تعریف صنعت آسان نیست زیرا این لفظ شامل معانی بسیار میباشد و راجع بآن کتابها نوشته شده است. بعلاوه مفهوم صنعت چیز محسوسی نیست که بتوان بتوسط محسوسات آنرا تعریف کرد. با اینوصف سعی میکنیم بطور اختصار چند معنی صنعت را ذیلاً شرح دهیم.

۱ـ تعریف صنعت

صنعت بطوریکه در این کتاب از آن صحبت میشود تنها باشیائی اطلاق میگردد

اصطلاح ادب، نویسندگان دارای اسلوب خاص و مشترک را مکتب مخصوص خوانند، در صنعت نیز مکتب مخصوص را توسط سبک از سایر مکتبها امتیاز میدهند

سلیقه عبارتست از شناختن و تشخیص خوبی و بدی در صنعت وحسن انتخاب و درک و احساس زیبائی و خوبی صنعتی گذشته از تولید صنعت که بدست صنعتگران انجام میباید، بموضوع مهم دیگری نیز باید توجه داشت و آن عبارتست از قوهٔ درک وتقدیر صنعت، و هر شخص تربیت شده متمدن برای درک احساسات عالیه زندگی باید آنرا در خود ایجاد کرده بپروراند ما همه نمیتوانیم صنعتگر توانا باشیم و شاید آن استعداد و هنر در ما نباشد که شیء صنعتی بوجود آوریم ولی برای همه ما ممکن است که حسّ تقدیر صنعت را در خود پرورده و سلیقه برای تشخیص خوبی و بدی باشیم تا از شاهکارهای صنعت محظوظ شویم

در اروپا و امریکا بین صنایع مستظرفه و صنایع عملی فرق نهاده میشود صنایع مستظرفه یعنی صنایعی که پیدایش آنها فقط برای ایجاد و تنها بمنظور ارائه زیبائی وجمال باشد نه استفادهٔ مادی مراد از صنایع ظریفه رفع احتیاجات روزانه و عمومی نیست، بلکه برای عشق بزیبائی و جمال و ایجاد چیزهائیست که انسان از دیدن آن خوشوقت شده حظ و لذت روحی برد ما میل داریم مردم این کشور را بدان تشویق و ترغیب کنیم که صنعت را بخودی خود و برای خاطر صنعت دوست بدارند

همانطور که عشق بحقیقت و خوبی وجود دارد باید عشق بزیبائی و جمال را نیز بوجود آورد و صنعت را از جنبهٔ صنعتی آن پرستند در این کتاب صنایع ظریفه را مورد توجه قرار خواهیم داد معماری، تزئین، تذهیب، نقاشی و مجسمه سازی از صنایع ظریفه بشمار می‌آیند

صنایع عملی عبارت از ساختن اشیائی است که نه تنها دارای زیبائی و جمال میباشند بلکه بیشتر استفاده مادی از آنها میشود ذوق و سلیقه صنعت همیشه در میان ایرانیان وجود داشته و جزء زندگانی روزانهٔ آنان بوده است پس اغلب صنایع ایران جنبهٔ

که با دست بشر ساخته شده باشد. البته بزرگترین و عالیترین صانع خداوند تبارک و تعالی است و بشر هیچوقت موفق نشده و نخواهد شد بزیبائی درختی پوشیده از برف و یا جمال منظرهٔ غروب آفتاب چیزی بوجود آورد. بنا براین مقصود ما از صنعت چیزی است که در مخیلهٔ صنعتگر ترسیم پذیرفته، سپس بواسطهٔ هنر و مهارت او بصورت شیء در آمده باشد. پس باید در نظر داشت که قشنگی و زیبائی طبیعت در توصیف ما وارد نیست. برای صنعت سه تعریف مختصر میتوان کرد

۱ ـ صنعت عبارتست از بکار بردن مهارت و سامعه در جلوه زیبائی و جمال بواسطه تقلید یا ابتکار

۲ ـ صنعت عبارت از وسائلیست که بشر بدان عقائد خود را راجع بکمال بیان میکند

۳ ـ صنعت عبارتست از نگاهداری و ضبط زیبائیهائیکه ضمیر آدمی آنرا دریافته است

صنعت چنانکه از تعاریف فوق مستفاد میشود دو صورت دارد، یکی باطنی و ذهنی، و دیگری عملی. مرحله نخستین عبارتست از پیدایش تصورات و احساسات در خود صنعتگر که وی باید اول در عالم تصور و مخیله خود صنعتی را دریابد، بعد عملاً نمونه خیالی خود را توسط اجسامی که در دسترس او است بصورت شیء واقعی در خارج مجسم سازد. در اینکار باید بدانگونه هنر و مهارت ورزد که مصنوعش مظهر تخیلات او بوده و در عین حال زیبا و با شکوه باشد تا بیننده از دیدن آن لذت برد و احساسات او متأثر و حس جمالش تحریک گردد

برای اینکه شیء دارای خواص صنعتی و از بدایع بشمار آید باید زیبا و باشکوه بوده و در ساختن آن سبك و سلیقه بکار رفته باشد

سبك عبارتست از خصائص انفرادی کارهای یك یا چند صنعتگر. این عده را میتوان در یك طراز جای داد و کارهای آنانرا از سایرین تشخیص کرد. همچنانکه در

در باب نفوذ صنایع ایران و یونان تحقیقات زیاد شده و این مسئله هنوز مورد بحث اهل فن میباشد. شکی نیست که ستونهای عالی تخت جمشید ولی از ساختمانهای کلاسیک یونان از قبیل " پارتنون " ساخته شده ولی از نوشته‌های کتیبه داریوش معلوم میشود که کارگران یونانی در ساختن تالارهای بزرگ شوش شرکت داشته و از هنر و استادی آنان استفاده شده است. پس از حملهٔ اسکندر کبیر بر ایران نفوذ صنعتی یونان رو بفزونی رفته و در زمان اشکانیان، که زبان رسمی دربار یونانی بود، استمرار داشت

درعهد اشکانیان ایران رابطهٔ صنعتی با امپراطوری روم داشته و ساسانیان این سود را نگسستند، بلکه پس از انقراض امپراطوری روم در مغرب، ایران رابطهٔ صنعتی خودرا با جانشین آن یعنی امپراطوری روم شرقی در قسطنطنیه دوام داد

سبك منسوجات ایران در تمام ممالک شرقی مدیترانه مورد توجه و تقلید بوده است. سبك ساختن ظروف سفالین مغرب ایران که زری نامیده میشد در سراسر شرق و پس از آن در خود ایتالیا مورد توجه قرار گرفته تقلید میگردیده است

پس از فتح اعراب و تشکیل ممالک اسلامی تمدن و صنایع ایران بر اعراب بدوی فائق آمد و نفوذ صنعتی ایران بزودی در تمام ممالک مفتوحه انتشار یافت. معماری ایران در سراسر بلاد اسلامی تقلید میشد و معماران ایرانی تا دورترین نقطهٔ ممالک متصرفهٔ اسلام یعنی اسپانیول رفته اقامت کردند

کتابهای اروپا در قرون وسطی از حیث شکل از کتب ایران تقلید میشد
تمدن، ادبیات و صنایع خلفای عباسی در قرن نهم میلادی تابع نفوذ و تأثیر تمدن مزبور بوده و عظمت و جلال خلافت بنی عباس رهین سعی واهتمام ایرانیان و بدست نویسندگان و هنرمندان ایرانی نژاد شهرت یافت

راسل استرجیس (Russell Sturgis) در کتاب تاریخ معماری خود جلد ۲ صفحهٔ ۵۸ مینویسد که معماری ایران باندازهٔ معماری روم باروپای قرون وسطی خدمت کرده است. اصل ومبداء پیدایش گنبد وطاق هلالی در معماری هنوز روشن و معلوم نگشته ولی محقق است که ایران نه تنها این شکل بلکه بسیاری از نکات دیگر معماری را باروپا

عملی داشته و از صنایع عملی شمار میآمد از این رو میتوان گفت در زبان و ادبیات ایران صنایع مستظرفه و صنایع عملی را تفاوتی نیست

۲ - روابط و تماس صنعتی ایران با ملل دیگر

تا چندی پیش علما و متبحرین را عقیده بر این بود که قسمت عمدهٔ صنایع اولیهٔ ایران از تمدن ملل جلگه بین النهرین اخذ و کسب گردیده است ولی اکتشافات سالهای اخیر عقیده فوق را نقض کرده و بطور قوی میرود که تمدن از فلات ایران رو بمغرب و جلگه بین‌النهرین قدم نهاده باشد در اینجا نامناسب نیست که آیهٔ دوم باب یازدهم سفر پیدایش توره را نقل کنیم « و واقع شد که چون از مشرق کوچ میکردند همواریئی در زمین شنعار یافتند و در آنجا سکنی گرفتند » مشرق عراق البته ایران است و این آیه عقیده جدید علمارا که تمدن از فلات ایران بجلگه عراق رفته و ایران قدیمترین مهد تمدن دنیا بوده ، تقویت و تائید مینماید

پرفسور لئونارد وولی (C Leonard Woolley) که یکی از معروفترین باستان شناسان عراق میباشد درکتاب خود « **اور کلده** » صفحهٔ سی میگوید «سومریها عقیده داشتندکه قبل ازآنکه بجلگهٔ عراق بیایند خود دارای تمدن و از فلاحت وساختمان و تعمیر شکل فاراب و خط بهره‌مند بوده و این اطلاعات را با خود بعراق آورده‌اند »

محقق است که در قرون سابق رابطهٔ صنعتی بین ایران و ممالك همجوار مستقر بوده و حتی ایران تماس صنعتی با مصر و یونان از طرف مغرب و با چین از طرف مشرق داشته است رابطهٔ ایران و چین قبل از زمان کورش کبیر شروع شده و قرنها وجود داشته و آثار آن در صنایع مملکتین مشهود است حمله و تسخیر مصر توسط سلاطین هخامنشی و همچنین سالهای بعد توسط ساسانیان آثار صنعتی ایران را آنگونه برجای نهاده که در قسمت کاشی کاری هنوز باقی است در زمان هخامنشی صنعتگران مصری نیز بایران آمدند و نفوذ صنعتی آنان در شوش و تخت جمشید کاملاً هویدا است تأثیر نفوذ صنایع آشور نیز در همین زمان در ایران مشاهده میشود

قابل و لائق نشان داده و آنچه از دیگران گرفته بصورت صنایع ملی خود در آورده و در شیوه تقلید و اقتباس سر آمد اقران بوده اند و اصول زیبائی را هیچوقت از دست نداده و در تمام آثار خود آنرا آشکار ساخته اند

۳ - جمع آوری مطالب راجع بصنایع ایران

صنعت ایران بقدری مهم و عظیم است که تاکنون هم بتدریج و روز بروز بر ترقی وجلوهٔ آن افزوده میشود قسمت زیادی از اطلاعات راجع بصنایع ایران در سالهای اخیر کشف شده و بدست ما رسیده است سابقا اسناد و نمونه‌های صنعتی در نقاط مختلفهٔ این کشور یافت میشد و از اینرو میدانستند که ایران باید دارای تاریخ صنعتی بزرگی باشد ولی کشف حقائق و ترتیب آنها از روی مدارك علمی موضوعی تازه و جدید است تا اینحال در بعضی قسمتها هنوز اطلاعات ما باندازهٔ کافی نیست و مسائل زیادی در دست است که تا بحال بتوفیق حل آنرا نیافته ایم بنا براین برای اهل این کشور فرصتی مناسب موجود است که بحسب عظمت و ترقی صنعت خود پی برده از آن دست تتبع و تحقیق کرده اطلاعات جدیدی دراین رشته بدست آورند جای تأسف است که تا حال کسی از اهل ذوق متوجه این قسمت نبوده و آنرا مورد مطالعه قرار نداده است و حکمت مصنوعات ایران بدست دلالان تجارت بوده است که جز استفادهٔ مادی منظوری نداشته اند

مطالب و حقائق زیادی که امروز بر ما مجهول است وقتی روشن خواهد شد که عموم یا عدهٔ زیادی از مردم این سر زمین بتاریخ صنعت گذشتهٔ این کشور علاقه یافته و در آن مطالعه و تحقیق علمی کنند موزهٔ دولتی در تهران وقتی یکی از بزرگترین گنجینه های دنیا خواهد شد که ایرانیان اسناد و نفائس صنعتی خود را از نظر تجارتی و مادی ننگرند و آنها را تکه های کوچکی بدانند که وقتی بر روی هم گذارده بهم پیوندند پردهٔ با عظمتی از تاریخ صنعت و تمدن قدیم ایران پدیدار گردد

اشیاء صنعتی قدیمی که در نقاط مختلفهٔ ایران پیدا میشود البته از نظر صنعت گرانبها است و نکات مهمی از آنها کشف میگردد ، ولی تاریخ صنایع ایران تنها بوسیلهٔ

برده و اروپائیان از آن نمونه گرفته اند ترکان صنعت و تمدن خود را از ایرانیان اقتباس کرده و در تمام دورهٔ تاریخ خود تحت نفوذ صنعتی ایران باقی ماندند اروپا با ایران ارتباط صنایع وام بسیار دارد صحافان ایتالیائی از روی کتب ایرانی کار کرده از آنها تقلید مینمودهاند تصور میرود که عده ای از فارکاران سرتر ۵۰۰ سال قبل دکانی در شهر ونیس داشتند میگویند چارلز دوم (۱۶۶۰ـ۱۶۸۵) پادشاه انگلستان را بقدری از اسلوب لباس ایران خوش آمده بود که تا مدتی لباس رسمی دربار انگلیس از لباس ایرانیان تقلید میشد

در زمان مغول نفوذ صنعتی چین در ایران رو بازدیاد رفت ولی بزودی مقهور و مغلوب صنعت ایران گردید

در زمان صفویه مینیاتور و نقاشی ایران باعلی درجهٔ ترقی خود رسید صنایع ایران در این زمان بدربار سلاطین مغولی نژاد هند راه یافته و درآنجا نرقیات شایان کرد وقتی انقلابات مغول و خونریزی در ایران زیاد شد صنعتگران و پیشه وران ایرانی بدربار مغول هند پناه برده در آنجا مشغول کار شدند تماس و رابطهٔ صنعتی ایران با ممالك دیگر تا زمان حاضر ادامه دارد

از این گزارش مختصر راجع بتماس و رابطهٔ صنعتی ایران با ملل دیگر چنین بر میآید که ایران بسیاری از نکات صنعتی را از ممالك دیگر کسب کرده ولی بطور مسلم صنایعی که بملل دیگر جهان ارزانی داشته از آن بسی بیشتر است در طرف اینمدت و خلال تمام تغییرات و حوادث و تماس و روابط با دیگران صنعت ایران از خود سبکی مخصوص داشته و از آن انحراف نپذیرفته است درست است که ایران مانند سایر ملل از دیگران تقلید کرده ولی آنچه گرفته باندازهای با صنایع خود وفق داده که جزء لاینفك صنایع ایران گردیده است . این نکته باعث افتخار ایران است که در قسمت صنعت نیز مانند قسمتهای دیگر هیچگاه مغلوب اراده و نفوذ دیگران نشده بلکه آنچه گرفته چنان آنرا هم آهنگ خود کرده که مانت و اصلیت اولیهٔ آنرا از میان برده و ایرانیساخته است

در خاتمه این مبحث باید یادآوری کرد که صنعتگران ایرانی همیشه خود را



بشقاب کنده‌کاری سفالی از اوائل عصر اسلامی

تحقیقات علمی دانشمندان باستان شناس و حفاریهای آنان بدست خواهد آمد. اشیاء بسیاری توسط روستائیان و برزگران و اشخاص بعلاوه حفاری بدست آمده و حقائق زیادی راجع بتاریخ صنایع ایران از همان زمینه بعلت آنکه این اشخاص از روی اصول و قواعد علمی بحفاری نپرداخته اند و منظور آنان فقط استفادهٔ مادی بوده است ناشناس مانده. باستان شناسان تپه ای در یکجا و قصر یا معبدی در جای دیگر کشف کرده کشفیات خود را جمعاً مورد مطالعهٔ دقیق قرار داده از روی آنها یک صفحه از تاریخ حقیقی صنعت و تمدن ایران را نمایان میسازند امروز مطالب زیادی از تمام نقاط این کشور و از تمام اقطار عالم جمع‌آوری شده و میشود این مطالب را باید با دقت تمام مانند حل یک معما پیش هم نهاد تا استفادهٔ کافی از آنها برده شده رموز و مجهولاتی بر ما آشکار گردد

تاریخ صنایع ایران را میتوان بکاشی کاری بزرگی تشبیه نمود که قسمتهای مختلف آن پراکنده و در زمین پنهان گردیده است و باید تمام این قسمتها پیدا شده پیش هم گذارده شود تا نقشهٔ کاملی از تاریخ صنعت ایران بدست آید. البته روزی تمام این قسمتهای پراکنده کشف خواهد شد و تصویر بزرگی از خدمت یک ملت بعالم تمدن آشکار خواهد گردید

۴ - طول تاریخ صنعتی ایران و وسعت آن

حفاریهای اخیر نشان میدهد که ایران باستانی دارای صنعتی قدیمتر از آن مصر و بابل باشد. نقاطی که در شوش، تپه حصار و دامغان حفاری شده تاریخ صنعتی ایران را تا شش هزار سال قبل میرساند و ظروف سفالینی که بدست آمده نشان میدهد که باید قرنها طول انجامیده باشد تا بتدریج به این درجه پیشرفت حاصل شده باشد. اکنون باید دید تمدنی از این قدیمتر بوده یا نه. از شباهت تامی که کشفیات و اسناد نقاط مختلفهٔ ایران و اطراف آن بهم دارند چنین معلوم میشود که مرکز تمدن صنعتی اطراف در فلات ایران بوده است. مدارک و علاماتی در دست است که این مرکز را در آذربایجان نشان میدهد. در اطراف دریاچهٔ رضائیه تپه‌هائی پیدا شده است که متعلق بعصر حجر میباشد. در این حدود

هنوز حفاریهای علمی نشده و اگر کاوشهای علمی در این منطقه شود ممکن است تمدنی ابتدائی‌تر و قدیمتر از آنچه در باستان شناسان در نقاط ایران مشهود گشته بدست آید با مدارکی که در دست است تاریخ صنایع ایران از شش الی هفت هزار سال قبل آغاز میشود . این تاریخ ترقی و تکامل بشر را از دورهٔ بربریت تا مرحلهٔ تمدن مینمایاند

شاید تصور شود که کتابی باین کوچکی گنجایش آنرا ندارد که تاریخ صنعت هفت هزار سالهٔ این مملکت را شرح دهد البته گنجانیدن آن در این کتاب بسی دشوار است ولی اگر بتوانم بدینوسیله ایرانیان را بعظمت‌واهمیت ایموضوع یعنی صنایع ایران آگاه ساخته و آنها را تشویق و علاقمند بناموس صنعتی خود کنم ، مطلوب خود را از نوشتن آن یافته ام

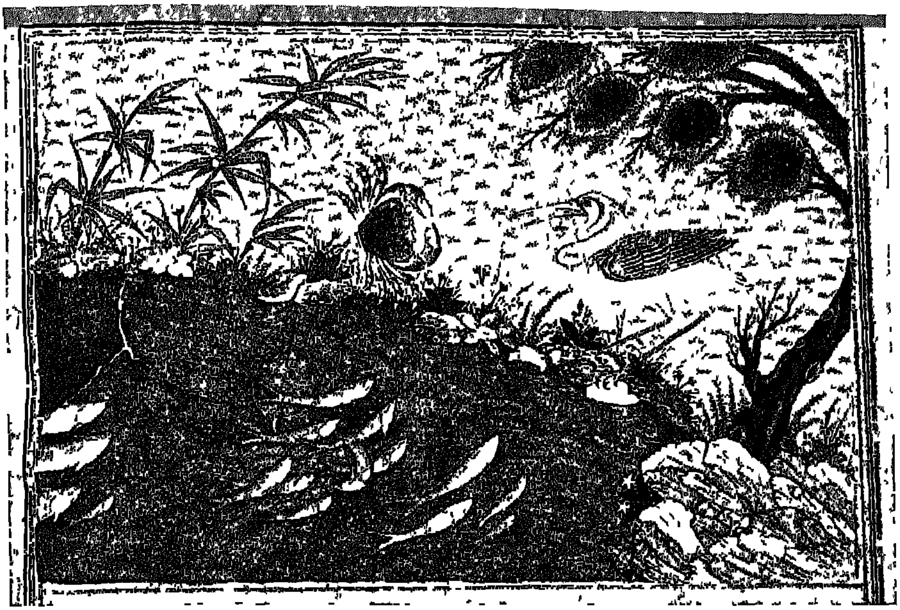
تاریخ صنایع ایران گذشته از قدمت زمان در هر عصر ، گونا گون و دارای قسمتهای بسیار میباشد زیرا که از کوچکترین مهرهای سنگی آغاز و به کتیبه های عظیم در دامنهٔ کوه ها ختم میشود و شامل مینیاتورهای کوچك که بانداز‌ هٔ یك تمبر پست بیش نیستند تا قصر های با شکوهی که پس از هزاران سال هنوز مورد حسرت و تعجب عالمیان میباشد ، میگردد

باید مجدداً یاد آور شویم که در این کتاب نمیتوانیم از جزئیات تاریخ صنایع ایران سخن برانیم ولی امیدوارم که کلیات موضوع را بنظر خوانندگان رسانده و آنانرا بعظمت صنعتی نژاد خود متوجه سازیم تا بدان مباهات و افتخار کنند

۵ ـ خصائص صنایع ایران

صنایع ایران دارای خصائص مخصوصی‌است که در تمام ادوار تاریخی نمایان و در هر عصر که بخواهیم در آن باب نظر کنیم بدان برخورده آثارش را هویدا مینگریم .

یکی از خصائص آن رنگ آمیزی و هم آهنگی است این خاصت از زمان بسیار قدیم و از بدو صنایع ایران دیده میشود . نمونه های آن در کاخهای با شکوه پادشاهان



تصویر حکایت خرچنگ و ماهیخوار و ماهی
(متعلق به دولت شاهنشاهی ایران)



جنگ شتران کار بهزاد در سن هفتاد
(متعلق به دولت شاهنشاهی ایران)

نباشد گرچه صناع ایران از روی اصول و [illegible] معلومی [illegible]
بدین معنی که در کلیهٔ مصنوعات ایران، یک طرز و سبک اسلوبی خاص و ممتاز دیده میشود وهمین وحدت سبک صنایع ایران را بدرجهٔ عالی رسانده است صبر وحوصله‌ای که از خصائص نژادی ایرانیان است، در صنایع آنان بخوبی مشهود و هویدا است، و اگر جز این بود ممکن نبود، زیرا صنایع مانند بافندگی بادست، بافتن قالی و قالیچه، منبت‌کاریهای اعلا و مینیاتور های دقیق محتاج صبر و دقتی است که از عهدهٔ همه کس ساخته نیست
بالاخره میتوان گفت که صنعت ایران بواسطهٔ قدرتی که در ترکیب و رنگ آمیزی آن بکار رفته مشخص شده است در طرح، صنایع ایران راهنمای تمام عالم بوده و تمایل صنعتگران باین بوده است که تمام اشیاء را از روی اصول و سبك مخصوصی جلوه دهند بعضی از شاهکار های ایران نمونهٔ کاملی است از شکیبائی و دقت ایرانیان این خصائص و بسیاری دیگر که ارائه و تعریف آن مشکل میباشد صنایع ایرانرا یکی از بزرگترین خدمات بشر بزیبائی و جلوهٔ صنایع دنیا کرده‌است

۶ ـ تقسیم بندی صنایع ایران و طرز مطالعه در آن

صنایع ایران در این کتاب بصورت تاریخ بیان گردیده است و سعی شده ترقی و نمو صنعت از روی گذارش زمان نشان داده شود شاهکار ها و کارهای برجستهٔ هر عصر و سلسله بطریق ذیل مورد توجه قرار خواهد گرفت

الف ـ سفال سازی و ظروف سفالین

این قسمت از زمان دیرین یعنی پیش از تاریخ شروع میشود بدون شك کارگران ایرانی را در ترقی و تکامل اولیهٔ این صنعت سهم بزرگی‌است. ظروف سفالین و شیشه سازی وکارهای گلین عهد صفویه با صنایع چین که اول مملکت دنیا در سفال سازی‌است برابری میکند

هخامنشی، در کتیبه ها و حجاریهای عظیم آنان که برنگهای مختلف رنگ داده شده، در دیوارهائیکه با کاشیهای شفاف و در داخل اطاقهائیکه با پرده ها و قالیهای قیمتی مزین شده، مشهود میگردد

از همان زمان صنعتگران ایران با رشادت و تهوری که برای هیچ صنعتگر میسر نبود برنگ آمیزی عجیب و ترکیب رنگهای مختلف مبادرت کرده اند رنگهای پرده‌ها وقالیها با رنگهائیکه روی شیشه در کلیساهای بزرگ اروپابکار رفته رقابت و برابری میکند گوئی که کوههای گران سنگ و لخت این کشور وصحاری و کویر های خشک‌آن بقیاس با باغهای مصفا و پر گل و ریاحین در دلهای این مردم عشق و علاقه برای رنگهای روشن و درخشان ایجاد کرده و رنگ آمیزی آنرا در جملهٔ شاهکار های صنعتی دنیا قرار داده‌است

یکی دیگر از خصائص صنعتی ایران که از دیر باز وجود داشته عشق و علاقه بصورت آرائی حیوانات میباشد صنعتگران ایران در کمال مهارت و برازندگی از عهدهٔ تجسم حیوانات بر آمده اند این علاقه و مهارت را از قدیم‌الایام تا عصر مفرغ (برنز) لرستان و حتی در نقشهٔ قالیهای عصر حاضر میتوان یافت بر عکس شکل و هیکل انسان، آنطور که در صنایع یونان مورد توجه بوده، در صنایع ایران توجهی نشده است

دیگر از خصائص صنعتگران ایران اینست که به نقشه بیشتر اهمیت میداده اند تا تجسم حقیقی اشیاء چنانکه در طبیعت دیده میشود به گل و گیاه و درخت و حیوانات از زمان قدیم سبک مخصوص داده و سایرین از آن پیروی کردند تا زمانیکه برای ساختن هر چیز نمونه‌ای منعکس گشت کم کم این نقشه ها در هم و پیچاپیچ گردید در طی قرون و اعصار صنایع ایران این کمال مطلوب را پیروی کرده و در همه احوال فکر راهنمای چشم بوده و در ساختن اشیاء و تولید آن فکر بکار رفته است و بدین‌جهت صنعت ایران دارای وضوح‌و روشنی‌مخصوص است و صنعتگران همواره‌از ساختن‌چیزهائی که واضح ومعین نبوده اجتناب کرده اند

چیزیکه صنایع ایران را مشخص میسازد همانا سادگی و آرایش بسیار

فلزات بانواع اشکال در آورده اند و هنور بعصی از شهرهـای ایران در ساختن طروف نقره و برنج معروف میباشند مست کاری و چرم ساری سر در بعصی رمانها مهم بوده و در صنایع ایران باید مقامی معلوم داشته باشد

ﻫ ـ منسوجات

اثر پارچه درحفاریهای ما قبل تاریخ دیده شده است در رمان ساسانیان پارچه بافی بحدی ترقی نمود که مصنوعات کارخانه های ایران در اروپا خریدار داشت و در مقابر سلاطین آن عصر اروپا پیدا شده است از اینرو معلوم میشود که پارچه هـای ایران در خارجه مورد توجه بوده است منسوجات ایران چندین قرن سر آمد و بی نظیر بوده و پارچه های پشمی و ابریشمی که با تـارهای زر و سیم سرشته میشد لباس سلاطین را تشکیل میداد

و ـ نقاشی

اگرچه صنعت نقاشی‌ضمن تزیین دیوار وتصویرکتب نشو و نما کرده، معذلك ایران در این فن سر سبکی مخصوص بدنیا داده است نقاشی تابع قیود خاصی بوده است ولی بعضی از ارباب صنایع موضوعهای مختلف و شعب جداگانه آنرا ترقی داده و در تمام ادوار ومراحل در ایران نوابغ زیادی دراین فن بظهور رسیده در اروپا فن نقاشی بواسطهٔ ارتباط آن با مذهب ترقیات شایان کرد در ایران با اینکه عکس این قضیه درکار بود علاقهٔ ایرانیان بزیبائی بواسطهٔ منع مذهب ازمیان نرفته و نقاشی بترقی خود ادامه داد، مخصوصاً در قسمت مینا کاری نقاشان ایران یگانهٔ اقران شده و مینیا تور های ایران از گنجینه ها و خزائن پر قیمت جهان بشمار میرود نقاشی در قرن یازدهم میلادی یعنی قبل از صفویه و در زمان سلطنت سلاطین اولیهٔ این سلسله بی‌نهایت ترقی یافته و در این عصر استادان بزرگ ظاهر گشتند اخیراً نقاشی مورد توجه شده و علاقهٔ زیادی باین فن ابراز میشود.

ب ـ معماری

آغاز این صنعت از زمانی است که بشر نخستین کوخ و کلبهٔ گلی را ساخت و تا زمان شاهنشاهان هخامنشی که قصور وکاخهای بلند و با شکوه ساختند ادامه مییابد قصرهای کورش و داریوش وسلاطین بعد مهارت و استادی ایرانیان را در این فن میرساند و نمونه های جدیدی بدست داده است ساختمان مسجد و مناره بوسط کارگران ایرانی بکمال رسیده در تمام عالم اسلام انتشار یافت و ساختمانهای سلجوقیان و مغول و صفویه خاتمه پذیرفت امروز سبکی جدید که ترکیبی از معماری قدیم و جدید میباشد در ایران معمول و متداول است تحت عنوان معماری سایر صنایع مربوطه بآن مانند ترئین، گچ بری، منبت کاری آجر کاری و مخصوصاً کاشی کاری که در ایران بمنتهی درجهٔ ترقی رسیده، مورد مطالعه قرار میگیرد

ج ـ مجسمه سازی و سنگ تراشی

دامنهٔ این قسمت وسیع است از حجاریهای ما قبل تاریخ اشکال نمونه هائی بدست آمده که برای مردم تازه متمدن بسیار مهم و عالی شمرده میشود تمام ساختمانهای تخت جمشید، کتیبهٔ داریوش کبیر در بیستون وحتی مهرهای کوچك زمانهای مختلف شامل این قسمت میباشد ازجمله حجاریهای مشهورآنهائی است که توسط سلاطین ساسانی روی تخته سنگهای بزرگ نقش گشته است پادشاهان ساسانی میل مفرطی باینکار داشته اند.

د ـ فلز کاری و کارهای چوبین و چرمین

کارگران ایرانی از آنگاه که بشر فلزرا کشف کرد بساختن اسلحه وصور واشکال فلزی پرداخته اند. اشیاء مفرغی که در لرستان پیدا شده بهترین نمونهٔ این صنعت است که باخرین درجهٔ ترقی خود رسیده. فلزات قیمتی از قبیل طلا و نقره را نیز مانند سایر

فصل دوم

صنایع ماقبل تاریخ ایران

قبل از شروع عصر تاریخ مردمی در فلات ایران زندگی میکردند که نژاد و زبان آنان بر ما معلوم نیست ولی محقق است که ساکنین اولیهٔ این سر زمین در اواخر عصر حجر و اوائل عصر مفرغ دارای صنعت بوده و صنعتگران ماهری دربین آنان ظاهر گردیده است بنا بر این قبل از پیدایش و اختراع خط ایران دارای تاریخ طولانی در پیشرفت صنعت میباشد

۱ ـ طبقه بندی اعصار ما قبل تاریخ

در مناطق دیگر جهان اعصار مختلفه مانند عصر حجر قدیم و عصر حجر جدید و بعد عصر مفرغ پشت سر هم و به ترتیب منظمی ظاهر میگردد اما در ایران این ترتیب کاملا واضح و روشن نیست از عصر حجر قدیم در این منطقه اطلاع زیادی در دست نمیباشد ولی تحقیقات علمی که تا کنون صورت گرفته اینرا ثابت میکند که تمدن در عصری که اطلاع از آن در دست نیست ، پیشرفت داشته و بدون شك حفریات دیگر این مسئله را روشن خواهد ساخت

اسلحهٔ مسی و زینت آلات در بقایای اعصار ماقبل تاریخ ایران خیلی زیاد بدست آمده زیرا که فلز اول مرتبه در این قسمت دنیا کشف گردیده است تیر و کمان واسلحه و ابزار سنگی بمقدار زیاد در طبقات بعد بدست نیامد در تپهٔ ماقبل تاریخی که در تخت جمشید حفاری شده اثری از فلز دیده نمیشود . دکتر ارنست هرتسفلد(۱) این تمدن را « نئولتیك » یا عصر حجر صیقلی شده مینامد در حفریات دیگر ظروف سفالینی

---

۱ ـ Dr. Ernest Herzfeld

ز - تحریر - کتب - تذهیب

بعلل و دلائلی چاپ در ایران دیر معمول شد و این عمل بکندی پیش رفت غالب کتب نفیسهٔ این مملکت با دست نوشته شده است و بهمین جهت صنعت کتابت باعلی درجهٔ ترقی رسید خط عربی بانواع و اقسام مختلف نوشته میشود و در نوشتن آن میتوان مهارت زیادی بکار برد بعضی ازخطوط را بقدر نقاشی ومینیاتورهای نفیس قیمت میگذارند و صنعت کتابت که از خدمات بزرگ صنعتگران ایران‌است، شامل ساختن کاغذ، تذهیب وصحافی میشود در تذهیب کتب مخصوصاً در تهیهٔ سرلوح آنهـا مهارت و ذوق عالی بکار برده شده است اگرچه چاپ از لوازم تربیت و نمو یك ملت است و نوشتن کتب با دست و استنساخ آن کاری بس دشواراست ولی خط وتذهیب کتب همیشه از صنایع ظریفهٔ ایران بوده و خواهد بود

ح - فرش - قالی - قالیچه

جای تعجب است که ایران در هر زمان و هر عصر در یکی از رشته های صنایع عملی راهنمای دنیا بوده است در عصر حاضر شاید کسی منکر قدرت صنعتی ایرانیان در ساختن و پرداختن قالی و قالیچه نباشد بعضی از نمونه های این صنعت مانند قالی مسجد اردبیل که حالیه در موزهٔ « ویکتوریا و البرت » لندن میباشد، برای آن نمیتوان قیمتی تصور کرد در قصور سلطنتی و مکانهای عمومی و درخانهٔ اشخاص با ذوق ومعرفت قالیهای نفیس ایران دیده میشود و نمونه های بهتر آنرا برای تهیهٔ صندلی و پشتی و تزیین دیوار بکار میبرند در تهیهٔ مواد و بافتن و رنگ آمیزی کارگران ایرانی پیشوا و پیشقدم دنیا بوده اند در عصر حاضر این صنعت بواسطهٔ استعمال رنگهای مصنوعی و تقلید از نقشه های خارجـی مورد تهدید واقع گردیده است و ایران باید صنعت قالی و قـالیچه را مورد دقت‌قرار داده مقام و مرتبهٔ آنرا در عالم نگاهدارد

الف- حفریات شوش

شوش یکی از بلاد علام و بعد ها یکی از پایتختهای شاهنشاهان هخامنشی بوده است خرابهٔ تمدنهای گذشته در چهار تپهٔ مهم بدست آمده است تپهٔ اول که شهر حقیقی و قلعهٔ مرکزی بوده سی و هشت متر ارتفاع دارد تپه دوم در طرف مشرق واقع و مکانی است که قصر داریوش اول درآنجا بوده است (راجع باینموضوع در فصلهای بعد بحث خواهد شد) تپهٔ سوم که در طرف جنوب واقع شده خرابه هـای شهر بزرگ علامی را نشان میدهد و تپهٔ چهارم خانه های معمولی بوده است

در سال ۱۸۹۱ هیئت فرانسوی، تحت ریاست ج دومرگان[۱] حفریات شوش را شروع کرد آثار و بقایای اعصار ماقبل تاریخ از زیر خاك بیرون آمد و قبرستانی از تمدن خیلی اولیه در آنمکان پیدا شد که تقریباً شامل دو هزار قبر بود بعد ثابت‌شدکه اغلب از اجساد دفن ثانوی بوده است بدین معنی که بدن را در معرض هوا قرار میدادند و پس از آنکه گوشت آن زائل میشد در قبرستان دفن میکردند بدین طریق در اعصار ما قبل تاریخ برسم و عادتی مواجه میشویم که بعد ها در مذهب زرتشت دربارهٔ رفتار با اموات از آن تقلید و اقتباس شده است

معمولاً باستان شناسان هر طبقه را که کشف میکنند به نمره های رومی نمره گذاری میسازند مانند I ، II و غیره تفحصات و مطالعات دقیق علمی‌اغلب تقسیمات جزء دیگری را ایجاب میکند و این تقسیمات جزء را بوسیلهٔ حروف متمایز میگردانند مثلاً پائین ترین طبقهٔ تمدنی که در شوش پیدا شده بنام ذیل نامیده میشود

شوش I الف این طبقه نمایندهٔ اولین تمدنی است که در این محل کشف‌گردیده وتاریخ آنرا میتوان در اوائل عصر مس تعیین نمود زیرا ادوات مسی در این محل بدست آمده است

مردم این زمان به برزگری و زراعت اشتغال داشته غله و الیاف بعمل میاوردند و این الیاف را با مهارت تمام بافته بصورت پارچه در میاوردند شکار در

۱- J. de Morgan

بدست آمده است که بطرظروف سفالین طبقاتی است که فلز در آن مورد استعمال بوده است هنوز مسائل زیادی راجع به طبقه بندی عصر حجر ، مس و مفرغ لا ینحل مانده است که باید پس از تحقیقات حل و روشن گردد

بطور کلی در ایران مانند سایر نقاط اعصار مختلفه را میتوان بطریق ذیل مشخص نمود . (۱) عصر حجر ، یعنی دورهٔ قبل از اکتشاف فلز ، (۲) عصر مس ، یعنی زمانی که مس بدون اختلاط با فلز دیگری استعمال میشده و ادوات سنگی نیز معمول بوده است ، و (۳) عصر مفرغ ، یعنی زمانیکه فلز دیگری را با مس برای محکم نمودن آن مخلوط مینمودهاند

۲ ـ حفریات و کاوشها

اطلاع و معرفت ما راجع بصنعت و تمدن ماقبل تاریخ ایران در اثر حدیث و زحمات باستان شناسان و کاوشهای آنان است برای درك اینموضوع باید قبل از هر چیز نتائج کاوشها و حفریات مهمی که این اطلاعاترا فراهم آورده از نظر بگذرانیم

اولین اکتشافات بزرگ در خصوص صنعت ایران ما قبل تاریخ از حفریات شوش که آنرا شوش و سوزا نیز مینامند بدست آمده . مدت چندین سال اصل و منشاء این صنعت معلوم نبود زیرا بحفاریهای بین النهرین از حیث شباهتی که بدان داشت نسبت داده میشد و در عین حال تفاوت فاحشی بین این دو صنعت مشهود بود تا زمانی فرضیه چنین بود که این تمدن تمدن ناحیه ای بوده است و طبق این فرضیه مطالب بسیاری لاینحل ماند

در سالهای اخیر در نتیجهٔ حفاریهای دیگری که در مناطق مختلفهٔ ایران بعمل آمد این مسئله مبرهن گشت که تمدن و صنایع شوش فقط جزئی از تمدن بسیطی بوده که در تمام فلات ایران و نواحی اطراف آن بسط داشته است بنا بر این لازم است حفاریهای شوش و آخرین کاوشهای باستان شناسان را که منبع معرفت و اطلاع ما در خصوص ایران ماقبل تاریخ و صنایع آنست مطالعه کنیم

شکل و حرکت حیوانی نشان داده شده است بسیاری از اشکال هندسی همین تصاویرند که بمرور زمان و در نتیجهٔ نمو و ترقی بدین شکل در آمده اند

گنتنو(۱) در فصلی که تحت عنوان «صنعت سفال اولیه» در کتاب بزرگ «صنایع ایران» دارد عقیده‌مند است که اشکال هندسی که در روی سفال مشاهده میشود هر یك معنی مخصوصی دارد مثلا خطوط متوازی منکسر که در دائره یا مستطیلی محاطند و یا اینکه در چیزی محاط بوده و ساده باشند مقداری آب را مینمایند مثلثی که در درون آن شکل شطرنج رسم شده باشد نمایندهٔ کوه میباشد سطحی که خطوط مایل روی آن رسم شده باشد نشانهٔ زمین زراعتی است بنا بر این مشاهده میشود که این اشکال نوعی از خطوط تصویری است بنا بر این قبل از آنکه خط حقیقی پیدا شده باشد اشکال و نقوش روی سفال را میتوان کتب اولیهٔ ایران دانست

مجسمهٔ گلی که متعلق بطبقهٔ اول میباشد شاید ربة النوع طبیعت را نشان میدهد گرچه ساختمان و شکل آن جالب توجه نیست و تعیین زمان آن مشکل میباشد علامات واشکالی که در روی سفال دیده میشود مانند صلیب، سواستیکا واشکال مختلف مثلث وغیره، ممکن است با مذهب وخدایان آن عصر مربوط و یا نمایندهٔ طلسم و جادوی آنزمان باشد

اشکال و نقوش حیوانات و طیور که در روی سفال دیده میشود ممکن است نتیجهٔ نفوذ صنعت سند بافی باشد زیرا این اشکال شباهت زیادی بتصاویر حیوانات و طیور روی اشیائیکه با ترکهٔ درخت و ساقهٔ علات بافته مشده دارد از جمله آلات زینت و آرایشی که از طبقهٔ شوش I قسمت الف بدست آمده گردن بندیست که از گوش ماهی وسنگهای مختلف ساخته شده و انگشترهائیست که از گوش ماهی درست شده‌است مهری که بنظر میرسد تعلق باینزمان داشته باشد نیز کشف گردیده است این مهر بشکل نیم کره‌ایست که وسط آن دارای سوراخی میباشد و بمهرهای عصر بعد شباهت دارد وشاید از قدیمترین مهر هائی است که بدست آمده است

شوش I ب بیشتر اشیائیکه در تحت این عنوان قرار گرفته در حدود شوش

۱ - G Contenau

زندگی این مردم از مشاغل مهم وحشانی بوده و بدون شك باهلی نمودن بعضی از حیوانات موفق شده بودند اسلحهٔ معمولی این زمان فلاخن بوده ولی تیر و کمان نیز مورد استعمال داشته است سر تیرهارا از سنگ چخماق صیقلی شده میساختند چخماقهائیکه دارای سر سنگی بوده استعمال میشده و تیرهای خودرا از سنگ تیز شده نیز تهیه مینموده اند ولی تیر مسی نیز معمول بوده است در قبورآنزمان اسکنه، سوزن سوراخ‌دار، و آئینهٔ مسی نیز کشف گردیده است

شاید بزرگترین عملیات ایرانیان این عصر سفال سازی بوده است در این قسمت یك سبك و مهارت صنعتی دیده میشودکه میبایست قرنها بطول انجامیده تا بدین‌پایه رسیده باشد این سفال زرد رنگ است و روی آن با رنگ سیاه نقاشی شده است قبل از آنکه سفال را در کوره بگذارند نقشه را روی آن رسم میکرده‌اند

معمولا سفال را سه قسم میتوان تقسیم کرد (۱) آبخوریکه کف آن صاف است، (۲) کاسه یا قدح، (۳) دیگ مورد استعمال این اشیاء بطورکلی بقرار ذیل‌است آبخوری برای نوشیدن، کاسه یا قدح برای غذا خوردن، و دیگ جهت پختن ونگاهداری غذا این سه قسم عمده هریك بانواع واقسام مختلف ساخته میشده بعضی از دیگها دارای لوله میباشند که برای ریختن مایعات بکار برده میشده است هیچیك از این ظروف دارای دسته نیستند ولی بعضی ازآنها دارای سوراخی‌میباشند که ریسمانی را میتوان ازآن گذراند

قسمت جالب توجه درساختمان کاسه و دیگهای سفالی عبارت از کف آنهااست که برای استقرار آنها تعبیه شده است این قسمت لازمهٔ نمو و ترقی زیادی در صنعت سفال میباشد تزیین ونقاشی آنها بشکل اشکال هندسی است و تصویرحیوانات و پرندگان نیزدیده میشود در میان این تصاویر بشکل حیوانات از قبیل گاو نر، بز کوهی، سگ، مار، لاك‌پشت، پرنده ای با گردن طویل، عقابی با بالهای گشوده و بندرت اشکال انسان نیز دیده میشود این تصاویر بسبك مخصوصی کشیده شده و نشان میدهد که صنعتگر در زندگانی حیوانات دقت کرده و راجع بشکل و عادت حیوانات اطلاعات عمیق داشته است . این تصاویر نمایندهٔ سلیقه و ذوق صنعتگر میباشد غالباً یك خط معنی زیادی در بر دارد و با یك قلم زندگی

تاریخ این عصر یعنی طبقات شوش I هنوز بتحقیق معین نگشته و مورد بحث است ، ولی سفال نقاشی شدهٔ زمان اولیه که در بین النهرین کشف گردیده مدت زمانی قبل از شروع تاریخ یعنی سه هزار سال قبل از میلاد مسیح از بین میرود . بنا بر این طبقات اولیهٔ شوش قدیمتر از این زمان میباشد و از شباهت و قرائنی که بین سفال این عصر در ایران و سفال سایر نقاط دیده میشود تاریخ طبقات شوش I را باستان شناسان هزار تا دو هزار سال قبل از تاریخ فوق الذکر قرار میدهند

شوش II بعد از سفال سادهٔ طبقه های شوش I «ج» و «د» که بنظر میرسد تحت نفوذ سفال جلگهٔ بین النهرین واقع شده باشد سبك جدیدی درسفال رنگ شده طبقهٔ شوش II ظاهر میگردد این شیوهٔ جدید شباهت زیادی به نقاشی و ترسیمات شوش I دارد و از حفاریهائیکه بعمل آمده وبعداً شرح داده خواهد شد این شباهت کاملا واضح وآشکار میگردد

سفال این عصر تمام با چرخ ساخته میشده ولی از حیث ظرافت و کار پست تر ازسفال طبقهٔ شوش I الف ، که چندین قرن قبل از آن ساخته میشده ، میباشد رنگ زرد هنوز بکار میرفته وگاهی این رنگ در برابر آتش کوره برنگ قرمز مبدل میگردیده تزیین و نقاشی این سفالها مانند سفالهای قبل برنگ سیاه است و گاهی هم رنگ سرخ دیده میشود

سفالهای مهم این عصر عبارتند از کوره های بزرگ ، دیگهای مدور، و تنگهای کوتاه گردن که بعضی از آنها دارای لوله میباشند تزیین و نقاشی سفال این عصر با زمان گذشته فرق دارد اشکال هندسی این عصر عبارتست از خطوط منحنی ، نیم دائره ، مثلث وخطوط متوازی که خطوط عمودی دیگری روی آنها نقش گردیده وموضوعهائیکه از طبیعت گرفته بهتر ازعصر پیش نموده شده است در بین این تصاویر موضوعهای ذیل قابل ملاحظه است تصویرعقابی با بالهای گشوده که صید خود را بچنگال گرفته ، صفهای طیور دریائی ، بز وحشی و سایر حیوانات کوهی ، تصاویر گاو که بعضی از آنها مانند گاو های هندوستان کوهان دارند و تصاویر ماهی

ادوات و اسلحهٔ مسی این عصر شباهت زیادی بادوات و اسلحهٔ همان عصر در

بدست نیامده است بلکه متعلق بمکانهای نزدیك شوش مانند موسیان، جعفر آباد و غیره میباشد گرچه سابقاً عقیدهٔ بعضی بر این بود که سفال اینزمان دنبالهٔ همان سفالهای شوش الف بوده و ترقی و تکامل خود را سیر کرده است ولی حفریات اخیر نشان میدهد که این سفالها متعلق بزمانی زودتر و قدیمتر از عصر شوش I الف میباشد ظروف قرمز رنگ شفافی که در نزدیکی شوش بدست آمده جزء سفال این عصر و تحت عنوان فوق قرار داده شده است ولی این طرف ممکن است نمود سفال خارجی را در ایران نشان دهد

شوش I ج و د این دو طبقه را گاهی برزخ بین تمدن قدیم شوش I و شوش II که بعد تشریح خواهد گشت، میدانند گلدانها و ظروفی که از این زمان بدست آمده دارای نوعی رنگ صیقلی شدهٔ قرمز است و اولین نمونهٔ سفال سازی با چرخ میباشد. ایجاد چرخ قدم مهمی در صنعت سفال سازی بوده است و قوهٔ تولید آنرا بیشتر کرده است کوره های این عصر دارای دسته هستند و ظروف لوله دار مانند قوری و غیره معمول گشته است دیگهای اینزمان بدون نقشه ورنگ میباشدوتزیین سفال در اینزمان متروك شده است

در اینزمان تبر و سلحهٔ مسی ساخته میشده درحالیکه همین ادوات را از سنگ نیز میساخته اند مسگر در این عصر یاد گرفته است که برای تبر جای دسته بسازد و این قدم مهمی بوده که در اینراه برداشته است مهرهائیکه تعلق باین زمان دارد فراوان است و بشکل تکمهٔ مسطحی میباشدکه در وسط یا در روی دستهٔ کوچك آنها سوراخی تعبیه گردیده و غالب آنها از سنگ ساخته شده است آلات و ادوات استخوانی نیز از این عصر کشف و در روی بعضی ازآنها اشکالی نقش گردیده از جمله تصویر مردی استکه براسب یا الاغی سوار و شاید قدیمترین مدرك سواری در دنیا باشد

عصرشوش I قسمت «ج» بدون وقفه بزمان «د» منتهی‌میگردد سفالهای اینزمان تمام با چرخ ساخته شده و ظروفی بشکل حیوانات از مرمر سفید بدست آمده است آلات و ادوات فلزی در این عصر خیلی زیاد و اشکال سفال شبیه باشکال ادوات فلزی است بعضی از ادوات قدیم مانند سنگ چخماق وداس سنگی هنوز استعمال‌میشده مهرهای استوانه‌ای شکل و مهر هائیکه بشکل حیوانات ساخته شده اند دیده میشود

4656

میآمد وی معتقد است این زمینها جایگاه چادر هائیست که مدت مدیدی در آنجا بر پا بوده است در طبقهٔ بعد خانه های کوتاه دیده میشود که دارای دیوار های گلی هستند و درهای بسیار کوچکی دارندکه ارتفاع آنها از یك متر کمتر و برای دخول بدان خانه ها شخص مجبور بوده است خود را خم نماید تمام اطاقهای خانه ها بهم راه دارند دکتر هرتسفلد این رشته اطاقها را بکندوی زنبور عسل تشبیه میکند در بین این خانه های پیوسته راه و معبر باریکی دیده میشود که محل عبور اهالی قریه بوده است یك کورهٔ سفال پزی در این محل کشف و زمین اطراف آن سخت و صاف شده است کوره های سفال سازی نیز از زیر خاك بیرون آمده است از این کوره ها چنین نتیجه گرفته میشود که ساختن سفال و تزیین آن کاری تخصصی بوده است و مردم بسیاری در اینقسمت کار میکرده اند سفالهائی در کوره بدست آمده که در حال پختن بوده و در اثر ترك قریه ناتمام مانده است چنین بنظر میرسد که ساکنین آبادی این طبقه در نتیجهٔ طوفان یا تهاجم و یا جهات دیگری مجبور بترك مکان خود شده و آنچه داشته‌اند بهمان صورت باقی گذارده فرار اختیار کرده اند استخوان گوسفند وحشی و یا بز کوهی در دیگهائی که طبخ مینمودند پیدا شده ودر نزدیك آنها کارد و چاقوی سنگی نیز دیده میشود

سفالهای معمولی اینزمان عبارت است از لیوانهائیکه بشکل مخروط معکوس میباشد و اسیق های مدور و سبوهای بزرگ کلیهٔ سفال اینزمان ، بغیر از اشیائیکه برای پختن و پز استعمال مینموده اند ،تزیین و نقاشی میشده است وظریفترین آنها تقریباً نازکی ظروف چینی امروزه بوده است و بهترین دلیل ترقی صنعت سفال در آنزمان میباشد بمناسبت ظرافت و نازکی این قسم سفال‌را بنام « سفال پوست تخم مرغی » میخوانند نقشهای آنها دارای طرح هندسی است و این نوع تزیین حاکی از استادی و مهارت صنعتگران آن عصر میباشد

مجسمه های کوچکی از حیوانات و طیور مانند گربه ، سگ ، خرس ، گوسفند ، اردك وغاز در اینزمان از گل ساخته میشده و با وجود کوچکی بسهولت از یکدیگر

بین النهرین دارد تبرها وتیشه هائیکه در موقع ساختن سوراخی برای دسته در آن تعبیه نموده و با بازگرداندن قسمتی از آن دسته‌را محکم کرده‌اند بدست آمده بعلاوه سر تیرهای مسی‌هم پیدا شده است

کورهٔ بزرگی در این طبقه کشف گردیده‌که حاوی مقدار زیادی اسلحه وادوات دیگر بوده است ظروف و مهرهای فلزی درمیان این ادوات دیده شده و سنجاقهای مسی که سر بعضی ازآنها مهره‌هائی ازسنگ لاجورد میباشد کشف گردیده است مهرهای اینزمان مسطح و استوانه‌ای شکلند و از حیث شکل شباهت زیادی بمهرهای طبقهٔ شوش یك «د» دارند ولی اشکال انسان وحیوانات در حال جنگ نیز دیده میشود

ازشباهت ونزدیکی اشیاء اینزمان با اشیائیکه در بین‌النهرین بدست آمده است تاریخ عصرشوش II را میتوان از سه هزاربا دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح دانست دراینموقع تمدن شوش II از بین‌النهرین عقب افتاده است درصورتیکه در طبقات اولیه مشاهده میشودکه تمدن شوش جلوتر از ممالك مذکور بوده است

اسامی گزارشها و کتبی‌که راجع بحفریات شوش و سایر اماکنی که در این فصل نامبرده شده در آخر کتاب ذکر خواهد شد

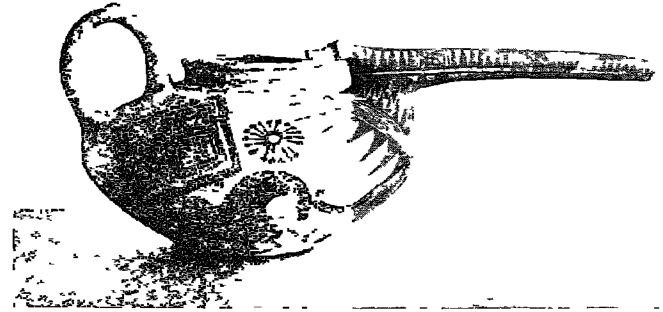
ب ـ تپهٔ ما قبل تاریخ در نزدیکی تخت جمشید

در دشتی که دو کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید واقع گردیده تپه‌ایست مانند سایرتپه‌ها و از حیث شکل دارای همان شکل‌معمولی است‌که درغالب نقاط ایران‌دیده میشود هیئت اکتشافیهٔ مؤسسهٔ شرقی دانشگاه شیکاگو که در تخت جمشید تحت ریاست دکتر ارنست هرتسفلدکار میکردند در این تپه خندقی برای امتحان حفر و چندین طبقه که در زمان ما قبل تاریخ مسکون بوده یافتند

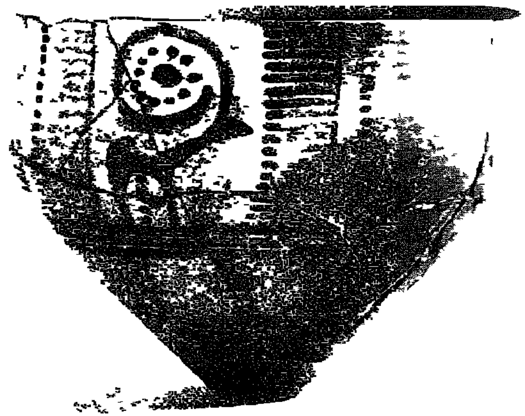
دکتر الکساندر لنگر دورف(۱) که قسمت عمدهٔ کارهای ما قبل تاریخ را بعهده گرفته بود، در پائینترین طبقه علائم و نشانی از کلبه با دیوار گلی ندید ولی در بعضی جاها زمین برخلاف معمول سخت و سیاه بنظر

---

۱ - Dr Alexander Langsdorff



ظرف سفالی از تپهٔ سیالک نزدیک کاشان
(اواخر عصر ماقبل تاریخ)



ظرف سفالی رنگی از تپهٔ حصار نزدیک دامغان
(عصر ماقبل تاریخ)





تشخیص داده میشوند و مهارتی در ساختن آنها بکار رفته که برای مردمان آن عصر خیلی زیاد بوده است این مهارت صنعتی و استادی در ریختن و ساختن مجسمه بطور نقش از ترقی تدریجی این صنعت حکایت میکند مجسمه یا بتهای گلی کوچك دیگر که در ساختن آنها کمتر مهارت بکار رفته پیدا شده است و شاید این قبیل مجسمه را از روی اسلوب و نقشه معین میساخته اند و صنعتگر را فرصتی بوده است که ذوق صنعتی خودرا در ساختن آنها بمنصهٔ ظهور رساند این مجسمه ها دارای سر پهن مثلثی شکل میباشند و در بعضی از آنها بدن و دست و پا خوب ساخته شده است و برخی دیگر برعکس در قسمت سفلی بدن بیشتر دقت شده است غیر از مجسمه های فوق الذکر ادوات دیگری که برای حاضر کردن پوست و غیره بکار میرفته از گل میساخته اند

نکتهٔ عجیب و قابل ملاحظه اینست که در میان این اقوام اسلحهٔ تهاجمی کمتر پیدا شده است و بنظر میاید که ایشان اقوامی صلح دوست و بی‌آزار بوده‌اند فلاخن که برای شکار بکار میرفته بدست آمده ولی تیر و کمان و سر نیزه هیچ دیده نشده است

طبقهٔ سوم و چهارم خیلی شبیه بطبقهٔ دوم میباشد ولی آثار آن مانند طبقهٔ دوم کاملا واضح نیست و شاید تاریخ آن تقریباً همان زمان باشد نظر باینکه هیچ فلز در این دو طبقه پیدا نشده دکتر هرتسفلد تاریخ این تمدن را در اواخر عصر حجر صیقلی شده میداند ولی از شباهتی که سفال حفریات این محل با سفال مناطق دیگر که در آن مس موجود بوده دارد بعضی عقیده دارند که تمدن این تپه در اوایل عصر مس بوده است اگر چه در این منطقه مس بدست نیامده اما در بعضی از نقاط ایران در همین زمان مس استعمال میشده است اغلب از مطلعین تاریخ این تمدن را بین پنجهزار الی چهار هزار سال قبل از میلاد میدانند

ج ـ تپه گیان نزدیك نهاوند

ج کنتنو(۱) ور گیرشمان(۲) رؤسای هیئت اکتشافیه فرانسوی بودند که تپه ای را نزدیك نهاوند حفر کردند بوسیلهٔ این اکتشافات ثابت شد که بکامل سبك واسلوبهای مختلفهٔ نقوش در نقاطی از ایران که کمتر تحت نفوذ سومر ' یعنی جنوب بین النهرین بوده ' عملی مداوم

R. Ghirshman - ۲ G. Contenau - ۱

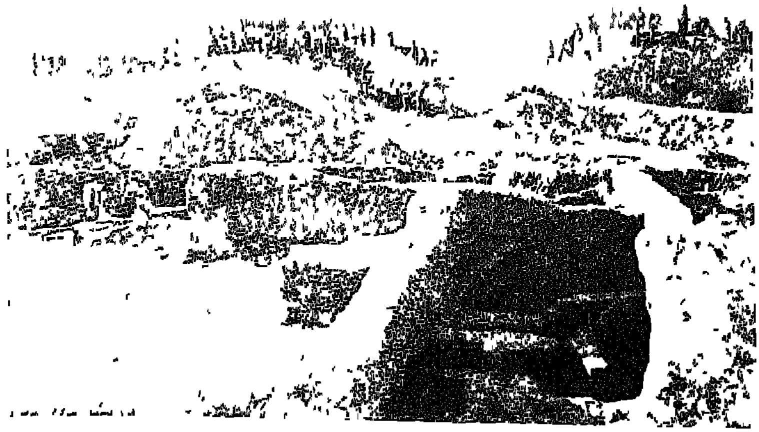
بوده است سفالهائی شبیه سفال شوش یك الف و یك ب و شوش II در یك نقطه از تپهٔ گیان پیدا شده است

پائینترین طبقه، روی سطح طبیعی، تعمیه متر بوده است چنین عمقی دلیل بر سکوت طولانی در این ناحیه میباشد با وجود این ضخامت قبوری پیدا نشده است سفالهای این ناحیه سبك سفال شوش یك الف و یك ب میباشد در قسمت بالای این طبقه اثری از فلز دیده نمیشود در قسمتی که تقریبا هفت متر بالای سطح طبیعی زمین است سفالهائی پیدا شده که از جهت تزیین و نقاشی شبیه سفال شوش یك الف میباشد ولی ضخیم و بی سلیقه ساخته شده است در این سطح تیرهای مسی بدست آمده است که شبیه به تیر های پائینترین طبقهٔ شوش میباشد

در طبقهٔ فوق این طبقهٔ ضخیم که در بالا بدان اشاره شد سفالهائی کشف گردید که شبیه سفال شوش II میباشد در اینجا نیز اشکال طیور دریائی وعقاب بابالهای گشوده دیده میشود نقشهای شانه‌ای شکل هم دیده شده است نکتهٔ قابل توجه اینست که این نقشها در اصل عبارت بوده است از یك ردیف اشکال پرندگان که در اثر مرور زمان این شکل رابخود گرفته است این سفالها برنگ سیاه نقاشی شده وگاهی برنگ قهوای نیز دیده میشود سفال مخصوص این طبقه عبارتست از کوزه های بزرگ مانند کوره های شوش II

در طبقهٔ بعد سبك جدیدی در سفال دیده میشود و آن عبارتست از گلدانهای سه پایهٔ قرمز رنگ که با خطوط موازی و رنگ سیاه تزیین شده است و نیز آبخوریهائی دیده میشود که دارای کعب مسطح و شکل گلدانهای امروزه میباشند این ظروف با خطوط نیم دائرهٔ متوازی برنگ سیاه زینت یافته اند

در طبقهٔ بعد نقش پرندگان مجدداً ظاهر میگردد و سفال اینزمان از گل زرد رنگ بسیار خوب ساخته شده و اشیاء مختلف از آن ساخته اند از همه مهمتر دیگهای کروی شکل میباشد که با اشکال هندسی تزیین شده و در بین این اشکال تصویر پرندگانی شبیه بخروس دیده میشود



دکتر اریک اشمید و جمعیت زیاد کارگر در حفریات تپه حصار نزدیک دامغان



ظروف سفالی قهوه‌ای و سیاه از دامغان
(در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد)

درطبقهٔ پائین تپهٔ بزرگی که بنام I الف اسم گذاری شده سفالهائی بدست آمده که با دست ساخته شده است این سفالها با اشکال هندسی نقاشی شده و سرمجسمهٔ حیوانات مانند گربه، بزکوهی، پرندگان ومجسمهٔ انسان که معمولاً در طبقات اولیه دیده میشود، کشف گردیده است

در طبقهٔ I ب و I ج این تپه سفال چرخی پیدا میشود وشکل حیوانات درآن زشت و بی تناسب میگردد باید در نظر داشت که سفال طبقهٔ I الف تپهٔ سیالک با سفال I ب تپهٔ حصار که بعداً شرح داده خواهد شد قابل مقایسه است طبقات I ب و ج تپهٔ سیالک شبیه طبقهٔ II تپهٔ حصارمیباشد بدین طریق شباهت سفال واشیاء نقاطمختلفهٔ ایران رامیتوان تعیین نمود و تمدن و یا تمدنی نزدیک و شبیه بآنرا میتوان در نواحی وسیع و مختلف تشخیص داده پیدا نمود

نظر میباید که طبقهٔ II تپهٔ سیالک با طبقات زیرین آن رابطه ای نداشته باشد زیرا در اینطبقه سفال شکل دیگری بخود میگیرد و سفالهای خاکستری و قرمز و رنگارنگ نیز پیدا میشود ظروف مهم این عصر عبارتست از ظروف سه پایه ای و لوله دار اکتشاف مهمی که در این طبقه شده عبارتست از الواحی که در روی آنها چیزهائی نوشته شده است و آنرا علائم اصلی (۱) میخوانند شاید این نمونه قدیمترین خط حقیقی باشد که در ایران مرکزی بدست آمده است بوسیلهٔ الواح مزبور تاریخ این طبقه را عالم مذکور در حدود دو هزار و هفتصد الی دو هزار و هشتصد سال قبل از میلاد تعیین نموده سفال این طبقه رامیتوان با سفال طبقات متوسط شوش قابل مقایسه دانست

در طبقهٔ III سفال خاکستری رنگ بدست آمده است و نیز اشیاء دیگری پیدا شده که با اشیاء تپهٔ کوچکتری موسوم به نکروپولیس ب (۲) قابل مقایسه و شبیه است این قسمت دنبالاشرح داده خواهد شد

دو تپهٔ کوچکی که درآنها حفریات شده بنام نکرو پولیس الف و نکرو پولیس ب اسم گذاری شده است سفالهای تپهٔ اول اغلب خاکستری رنگ و بدون نقش ونگار میباشد

Necropolis - ۲ Proto - Elamite - ۱

در طبقهٔ بالا بر بار سفال اشکال جدید بری بحود میگیرد ابیقهای متعدد در این طبقه دیده میشود که بعضی دارای دسته میباشد و سر گالدانهـای آگـنی شکل بدست آمده که بعضی از آنها با خطوط متوازی نقاشی شده ولی غالب آنها ساده وبی آرایش میباشند

در طبقهٔ بعد سفالی پیدا شده کـه با گل قرمز قهوه ای رنـگ ساخته شده و سفالهای دیگری نیز دیده میشود که برنگ زرد میباشند دراین طبقه خنجرهائی بدست آمده که اسم سلطان زمان درروی آنها حك شده است این خنجرها راهنمای خوبی است برای تعیین تاریخ این طبقه و تاریخ طبقات پائینتر وقتی علماء فن سفال تپهٔ گیان را باسفال سائر نقاط و طبقات مقایسه و مطابقه نمایند تاریخ و زمان این تمدن های مختلف کشف خواهد شد از روی اسامی سلاطینی که در روی اشیاء نوشته شده تاریخ طبقهٔ مذکور را بین هزار و سیصد تا هزار وصد قبل از میلاد میتوان قرار داد از روی این تاریخ بخوبی معلوم میشود که تاریخ پائینترین طبقه که بضخامت ده مترمیباشد بزمـانهای خیلی قدیـم منتهی میگردد

در بالاترین طبقه سفالهائی بدست آمده که تصاویری روی آنها نقش شده است این تصاویر را کارگر درحالیکه چرخ مشغول چرخیدن بوده نقش میکرده است . سفالهای دیگری از این زمان دیده میشود که برنگ قرمز ساخته و نقاشی شده است

حفاری تپهٔ گیان از برای ضخامت طبقات اولیه که بازمان عصرحجر صیقلی شده منتهی میشود ، مشهور میباشد سفالهای این محل مسائل زیادی را راجع بشوش I الف و ب و شوش II حل نموده است تاریخ طبقهٔ فوقانی این ناحیه هزار سال قبل از میلاد تعیین شده است .

نام کتابهائیکه شامل گزارش حفریات این تپه است درآخر کتاب ذکرخواهدشد .

د ـ تپهٔ سیالك نزدیك كاشان

ر گیرشمان که در حفریات نهاوند شرکت داشته حفریات قابل توجهی نیز در ... کیلومتری جنوب کاشان در محلی موسوم به تپهٔ سیالك نموده است در اینمحل یك تپهٔ بزرگ و دو تپهٔ کوچك را حفر کرده تجسس نمود

و غیره ساخته اند قابل توجه‌تر از همه ظروف سفالی شکل است که در روی پایهٔ بلندی قـرار دارد

در این محل مجسمه‌های گلی بدست آمده و آن ربه النوع برهنه است که طبیعت را نشان میدهد ودر روی آن خطوطی رسم شده که شاید علامت لباس آن باشد این مجسمه ها با زینت آلات از قبیل گوشواره ، گردن بند و شاید دست بند زینت میشده است این ربةالنوع به اشکال و انواع مختلف نشان داده شده است و بطورکلی میتوان‌آنرا در ایران با اهمیت ربة النوع حاصلخیزی و فراوانی یکی دانست

در طبقهٔ عمیقتری که برای امتحان حفر شد قطعه سفالی کرم رنگ بدست آمد که با رنگ سیاه روی آن نقاشی شده بود این ثابت میکند که اگر تمام تپه را حفاری کنند سفال رنگ شده زمانهای قبل نیز ممکن است بدست آید

و ـ تپهٔ حصار نزدیك دامغان

دکتر اریك اشمید (۱) رئیس هیئت اکتشافیه که از طرف موزهٔ دانشگاه وموزهٔ صنعتی پنسیلوانیا مأموریت داشت، در اطراف دامغان شروع بحفاری کرد و امیدوار بود که هکاتوم پیلوس (۲) یعنی شهر صد دروازه پایتخت اشکانیان را کشف کند خرابه و آثار این شهر بدست نیامد، ولی هیئت مزبور موفق بکشف تمدن مهم ما قبل تاریخی در تپهٔ بزرگی درسه کیلومتری دامغان گردید

با دقت و تـوجه کاملی که لازمهٔ بهترین اکتشافات علمـی میباشد ، این ناحیه را بخندقی مربع که ضلع هر یك صدمتر بود قسمت کردند و هر یك ازآن قسمتها را بمربعهای کـوچکتر بضلع ده متر تقسیم نمودند و حتی در کتاب گزارش خود هر یك از این قسمتها راهـم به ده مربع یکمتری قسمت نموده اند تا مکان حقیقی اشیاء مکشوفه را بسهولت بنمایند این عمـل با صحیحترین و دقیقترین آلات و ادوات انجام یافت و نیز عمق هرشیئی مکشوفه را با کمال دقت بـا سانتیمتر اندازه گرفتند برای اینکـه بتوان

Hecatompylos - ۲ Dr, Erich Schmidt - ۱

و سر ظروف نابه دار قرمز رنگ و فنجانهای دسته دار پیدا شده است این سفالها شباهت بسفالهای ولایت قبدوقیه (۱) که قسمتی از آسیای صغیر است، دارد تاریخ آن بیش از یکهزار سال قبل از میلاد میباشد اشیائی شبیه بدینها در نواحی قفقاز بدست آمده که تاریخ آن در حدود اواخر عصر مفرغ و اوائل عصر آهن میباشد

تمدنی که در تپه یکروبولیس پ مشاهده شده است شبیه تمدن لرستان میباشد، ولی فلزکاری آن بخوبی و ترقی کارهای فلزی لرستان نمیباشد این تمدن قرابتی با تمدن عصر حجر قفقاز و نیز شباهتی به کشفیات نواحی دانوب، تسالی و گوردیان (در اناطولی آسیای صغیر) دارد. تاریخ این تمدن را در حدود یازده الی دوازده قرن قبل از میلاد میدانند

در تپهٔ یکروبولیس پ سفالی پیدا شده که با اشکال هندسی بطرز عربی آرایش شده است و دیك و کوزهٔ لوله دار بدست آمده که دارای این قسم نقاشی میباشد ظروف دیگر دارای اشکال عجیب اسب وگاو میباشد یك قسم ظرف خاکستری رنگ و نیز سفال قرمز رنگ و ظروف سادهٔ بدون نقاشی‌هم پیدا شده است

بعضی از سفالهای تپهٔ سیالك از بهترین و قشنگترین نمونهٔ سفال سازی میباشدکه تاکنون در ایران بدست آمده است تپهٔ بزرگ با عصار اولیه منتهی میشود و در تپه های کوچك تمدن با اوائل‌عصرآهن میرسد شاید مهمترین اکتشافات این قسمت کشف الواح علام اصلی میباشد که معین میسازد افلا بیش از دو هزار سال قبل از میلاد خط در ایران مرکزی وجود داشته است.

هـ ـ تورنك تپه نزدیك استراباد

دکتر ف. ر. وولسین (۲) وحانمش تپه‌ای‌در نزدیکی استراباد حفر کردند و در آنجا سفالهائی برنگ خاکستری و سیاه بدست آمد و روی آن خطوطی نقش شده که با برق خود سفال متباین میباشد سفالها راباشکال مختلف از قبیل کوزه، تنگ گردن باریك

Dr F. R. Wulsin - ۲ Cappadocia - ۱

ربرا مراحل مختلفهٔ تکامل آن تمام در یك طبقه بدست آمده است

مهرهای تکمه‌ای شکل سیار است مهره‌ها را از مواد مختلف ساخته و جهت زینت بکار میبرده اند مقدمات لعاب دادن سفال در اینزمان فراهم شده است

ظروف و آلات مسی که در ادوار مختلف حصار I پیدا شده خالص بوده یعنی همانطوریکه در طبیعت بدست آمده بکار برده شده و نمیتوان آنها را درردیف مفرغ قرار داد سنجاق مسی با سر مدور، خنجر، دست بند و قطعات کوچك که شاید در سر تیر میگذاشته‌اند کشف گردیده است درفش استخوانی، هاون سنگی و سنك جهت صیقل زدن و تیز کردن پیدا شده است عجب آنکه در این طبقه سلاح و ادوات سنگی زیادی پیدا نشده است

آخر دورهٔ حصار I ج مصادف میشود با مهاجرت مردمی که شاید از جانب ترکمان بطرف شمال میرفته اند این تمدن جدید توسط سفال سادهٔ خاکستری رنگ که شامل رنگهای خاکستری روشن وتاریك وحتی سیاه میشود، مشخص میگردد شرح آنرا در دورهٔ بعد ذکر خواهیم نمود

حصار II الف این طبقه دورهٔ تحولی را نشان میدهد ظروف خاکستری وسیاه پیدا میشود وسراشیائی مانند ظروف طبقهٔ I ج درمقابر بدست آمده است روی این ظروف رنگ شده یك ردیف اشکال غزال بلند گردن نقاشی شده است این تصاویر بتدریج صورت اولیهٔ خود را از دست داده شکل اشکال هندسی منظم درمیآید که ابداً شباهتی بحیوان اصلی ندارد از جمله خصائص ظروف خاکستری اندوره دانهٔ آنها میباشد

حصار II ب دراین طبقه ساختن ظروف خاکستری ادامه داده اند، ولی سفال رنگ شده بدست نمیاید و اگر پیدا شود دارای نقاشی خیلی ساده است سفال مهاجمینی که در این دوره آمده اند جای سفال بومی را گرفته است چون فلز زیاد شده وادوات مسی بتدریج زیادمیگردد از خصائص این طبقه سنجاقهائیست که سر آنها پیچ دارد ساختن گرز مسی دراین دوره ظاهر میگردد و در ادوار دیگر نیز ادامه مییابد

اکتشاف را بطبقات کل وجزء تقسیم نمود، اینگونه دقت لازم وواجب است

حصار I الف بقایای اطاقهائیکه دیوار آن از کاه وگل ساخته شده درطبقات مختلفه کشف وسفال وادوات گوناگون وجالب توجهی در مقابر بدست آمده است کشف اسکلت این مردم بسیار مهم است و اطلاعاتیکه از مطالعهٔ اسکلت این قوم حاصل شده قرار است در آتیه منتشر گردد در این محل هزار و ششصد وسی وهفت قبر باز گردید

تمدن پائینترین طبقه را بوسیلهٔ سفالهای دست ساز که با اشکال هندسی برنگ سیاه روی زمینهٔ قرمز نقاشی شده مشخص میگردانند سفال این طبقه معرف تکامل صنعت در زمان پیش میباشد سفال معمولی این طبقه عبارتست از کوزه های مدور که کف آنها لبه دار میباشد کوزه های بزرگ باشکال هندسی نیز بدست آمده است

وجود آسیای دستی علامت آنست که این مردم از زراعت و فلاحت بی بهره نبوده اند مجسمه های گلی که بنظر میرسد شکل حیوانات اهلی ساخته شده باشد بدست آمده ولی مطالعهٔ دقیق علمی از روی استخوان حیوانات این مسئله را روشنتر خواهد نمود مردم این محل با مس آشنائی داشته اند، ولی گویا این فلز برای آنها کمیاب بوده است

حصار I ب رنگ سفال این طبقه بعوض قرمز، قهوه‌ای روشن یا کرم میباشد اشکال حیوانات مانند بز کوهی، پرندگان و انسان بوضعهای مختلف بدست میاید سفال سازان این عصر استعمال چرخ را آموخته بودند یکی ازنمونه های این زمان کاسهٔ ظریفی است و دارای پایه‌ای که کف آن مدور میباشد

حصار I ج این طبقه یکی ازبرجسته‌ترین دورهٔ تمدن اولیه را نشان میدهد نقشهٔ مخصوص ومشخص این دوره شکل بز کوهی است اشکال هندسی نیز وجود دارد و اینها هردو بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسیده اند ممتد شدن شکل حیوانات وپرندگان رامیتوان از طبقات I ب وج ونیز در قسمت اول طبقهٔ II تعقیب نمود این مطالعه جالب توجه است زیرا این اشکال بتدریج شکل اولیهٔ خود را از دست داده بشکل اشکال هندسی درمیایند، اسلوب پرداری بیشتر در نتیجهٔ فکرو خیال نقاش بوده است نه بواسطهٔ ترقی و مرور زمان،

و تسبیح عقیق در این طبقه بیدا شده که در طبقات قبل دیده نشده است زینت آلات طلا و سر فنجان از این فلز قسمتی بدست آمده است خنجری که دارای دستهٔ نقره میباشد و علامت نخی در آن دیده میشود بدست آمده است برای بستن دستهٔ خنجر پارچه سبز استعمال میشده است اثر پارچه پس از سوختن در روی دسته دیده میشود

مدافعینی که در آتش جان داده اند خنجر همراه داشته و جنگهای سنگی زیاد در میان آنان پیدا شده است از روی مدارك و اشیائی که بدست آمده است کلمهٔ واقعه اسفناك و حملهٔ مهاجمین را میتوان تشریح نمود موضوع جالب توجه دیگر آنست که در یکی از اطاقهای این عمارت توده های گندم نیم سوخته پیدا شده است و این نشان میدهد که در قسمت فلاحت این مردم ترقیاتی کرده بوده اند از آب و هوای این ناحیه میتوان حدس زد که آبیاری در بین این مردم معمول بوده است

دو مهر استوانه ای شکل نیز در این طبقه پیدا شده است که یکی از آنها دارای نقش گاو نر ودیگری نشان عرابه میباشد اشیاء زیادی ازاین قبیل درنقاط مختلفه پیدا شده است که دال بر تجارت و تبادل اجناس و افکار در بین این مردم است

حصار III ج در این طبقه سنك مرمر سفید برای اولین بار ظاهر میگردد و مجسمه‌های زیادی از حیوانات اهلی ازنقره ،مرمر یا گل ساخته شده است مجسمهٔ انسان شکل زنی که دامن گشادی پوشیده از مس ، مرمر و گل پیدا میشود و بنظر میآید که‌این قبیل مجسمه درمذهب آنان انتشار زیادی داشته و مورد عبادت بوده است اشیاء نظیر آن در نقاط مختلفهٔ دیگر نیز پیدا شده است

عصائی که در مراسم مذهبی بکار میرفته و نمایندهٔ فامیل بوده پیدا شده و زنی را نشان میدهد که بچه ای را بلند نموده و تقدیم مردی مینماید عصای دیگر زارعی که گاوی را به گاو آهن بسته نشان میدهد این علامت فلاحت و زراعت است و شاید برای برکت دادن و تقدیر آنهائیکه بدین شغل شریف همت گماشته‌اند استعمال میشده‌است این اشیاء بطور کلی نشان میدهد که مذهب مقام شامخی در زندگانی این مردم داشته‌است

حصار III الف این طبقه دورهٔ برزخی بین طبقات II و III است زیرا حدود آن کاملا روشن نمیباشد و چون سفال هر دو طبقه در آن پیدا شده طبقهٔ جداگانه نامیده شده است .

حصار III ب این طبقه با اشکال قشنگ و ظریف خاکستری و سیاه رنگ مشخص میشود فنجانهای رنگی ساده با زمینهٔ گندم گون ، زرد یا نارنجی و آلات زینت با طرحهای ساده ظاهر میگردد مثل وسلسلهٔ ادراسان برای زینت در این طبقه مشهود و هویدا است ظروف صیقلی سیاه خاکستری نیز در این طبقه پیدا میشود

آلات و ادوات مسی در این زمان رو بفزونی است ولی هنوز مس همان فلز طبیعی است و با چیز دیگری مخلوط نیست عصائی در این دوره دیده میشود و علامت آنست که مردم این عصر دارای عقائد مذهبی بوده وآنرا درمراسم معمولهٔ آنزمان بکار میبرده‌اند

در این طبقه برای اولین بار سر تیرهائیکه از سنگ ساخته شده دیده‌میشود چنانکه ذکر شد در طبقات قبل فقط قطعات مسی کوچك پیدا میشد و مطمئن نیستیم که آنها را برای سر تیر استعمال میکرده اند اما در اینکه اینها سر تیرهای سنگی هستند شکی نیست و تعجب در این است در عصری که فلز معمول بوده اشیاء عصر حجر صیقلی شده برای اولین دفعه بدست میآید

در این طبقه هیئت اکتشافیه واقعهٔ اسف انگیزی را که هزاران سال قبل بوقوع پیوسته کشف نمودند ، یعنی بنائی پیدا شد که طعمهٔ حریق واقع گشته و ساکنین آن نیز تلف شده بودند از آثار آن چنین بر میآید که این ساختمان مورد حملهٔ مهاجمین قرارمیگیرد وآنها نیز ازآنکه ازصرف آن مأیوس میگردند مشعل‌های سوزان بداخل آن پرتاب نموده آتش میزنند استخوان مدافعین در پای نابکانی که به پشت بام میرفته پیدا شده است . اگر چه این حریق بمرگ ساکنین آن خاتمه یافته ولی خود بنا را از غارت مهاجمین محفوظ و اشیاء و ادوات نفیسی در اطاقهای آن باقی مانده و بدست ما رسیده است

هزاران اشیاء کوچك که برای زینت بکارمیرفته در اینجا پیدا شده است مهره

که تمدن و کشفیات ماقبل تاریخ داده میشود فرضی و تقریبی است و غالباً حدس زده‌شده است ، ولی بتدریج حقائق ومدارك زیادی‌جمع گردیده است‌که مارا امیدوار وقادرمیسازد‌که در آتیه تاریخ صحیح ودقیقی تمدن اولیه و طبقات اکتشافی بدهیم .

ز ـ چشمه علی نزدیك ری

تحت نظر هیئت موزهٔ دانشگاه و موزهٔ صنعتی‌پنسیلوانیا ، که حفریات دامغان را بعهده داشتند ، حفریاتی در ری نزدیك طهران بعمل آمده است

در طبقات ماقبل تاریخ این ناحیه طبقه‌ای شبیه بطبقهٔ I الف تپهٔ حصار بدست آمده است رنگ معمولی سفال این طبقه سیاه ونقاشی آن باشکال هندسی است درقسمت پائین این طبقه سفال سیاهی بدست آمده که با اسباب مخصوصی ساخته و صیقلی شده است و سفال سست تری‌پیدا شده که گل آن با گیاهی مانندکاه مخلوط میباشد

پس‌از این طبقه‌باطبقهٔ مختصر دیگری مواجه‌میشویم که شبیه بطبقهٔ I ب دامغان میباشد رنگ‌سفال‌آن گندم‌گون یاخاکستری‌است ونقاشی‌آن برنگ قهوه‌ای‌میباشد نقوش این ظروف شامل بحلهای کوچك ، گل وبرگهای متقاطع ، زوایا و خطوط منحنی میباشد اشکال‌حیوانات این‌منطقه قدری‌بااشکال حیوانات درحفریات دامغان فرق‌دارد، ولی‌دارای‌ارزش صنعتی بوده ودر ساختن‌آنها مهارت زیادی بکاررفته است سفالی‌که دارای نقاشی I ب‌دامغان میباشد وزمینه‌اش‌قرمز ومانند سفال‌طبقه I الف دامغان است بدست‌آمده که بنظر علماء علم حفاری عریب وخارج‌ازمعمول میباشد تکه های سفال‌که شبیه ظروف سامره دربین‌النهرین میباشدنیز بدست آمده‌است اینها دارای زمینهٔ روشن ونقشهائی است‌که‌آنها رانقش راه‌آهنی مینامندوآن‌عبارت‌ازخطوطی‌است‌که‌در روی‌آنها بمواصل معین خطوطی‌نقش شده‌وشبیه بعلامت راه‌آهن در روی‌نقشه میباشد طرح بزرگ‌نمائی غیرمعمول بوده است‌که مانندسفال سامره میباشد

ح - لرستان

دکتر اشمید و همراهانش بتوسط طیاره از لرستان نقشه برداری کردند تا

مقبره‌ای نیز کشف شده که مقدار زیادی اشیاء مذهبی در آنجا بدست آمده و دکتر اشمید آنرا مقبرهٔ یکی از رؤسای مذهبی میداند

مقبرهٔ مهم و جالب توجه دیگری پیدا شده است که متعلق بدختر کوچکی میباشد و از قرار معلوم از فامیل یکی از نجبا بوده است، زیرا جواهرات و آلات زینت بسیار با او دفن شده است از یکطرف اشیائی است که این دختر در زمان کودکی داشته و استعمال میکرده و از طرف دیگر ظروف بزرك و اسبابهائیست ممکن بوده در بزرگی استفاده کند، از این قضیه چنین نتیجه گرفته اند که این مردم بزندگانی پس از مرك معتقد و انتظار داشته اند که او در عالم دیگر بحد بلوغ برسد

مهره و تسبیح کهربا برای اولین دفعه در این طبقه دیده میشود و نشان میدهد که روابط تجارتی با مناطق دور دست زیاد شده است مهرهائیکه برای مدال بکار میرفته پیدا شده و تصویر حیوانات روی آنها نقش گردیده است مس در این زمان زیاد گردیده و ظروف بزرگ از آن ساخته شده است فنجانهای سربی دیده میشود و ظروف نقره فراوان گردیده تاجی از نقره که با تصاویر حیوانات منقوش میباشد روی سر اسکلتی پیدا شده و حلقه های طلا و نقره روی سره های این زمان دیده میشود ولی سر تیر سنگی از بین نرفته و متداول بوده است چنگال و ملاقه که برای طباخی بکار میرفته و چنگالهای بزرگی بطول یکمتر که شاید در جنگ استعمال میشده بدست آمده است

رویهمرفته مردم این عصر از حیث تمدن و زندگانی بیش بوده اند در فلزکاری مهارت زیادی داشته و از زراعت و فلاحت بی بهره نبوده اند، حیوانات اهلی نگاه میداشتند و در مذهب بالنسبه ترقی کرده بوده اند

دکتر اشمید تاریخ طبقهٔ III ح را درحدود دو هزار تا سه هزار سال قبل از میلاد میداند تاریخ زمانی که طبقهٔ I تمام شده و نژاد جدیدی باین منطقه آمده و سفالهای خاکستری رنگ با خود آورده اند در حدود سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد میباشد پس معلوم میشود که قسمتهای طبقهٔ I پیش از این تاریخ و طبقات II و III بعد از آن بوده است اگر چه تاریخی

منقوش میباشد سر بدست آمده است از این نوع سفال و سر سفالهای ساده و رنگارنگ دیگهای لوله دار و ظروف دیگر باشکال مختلف پیدا میشود

در ناحیهٔ سلدوز حفریاتی از نقطهٔ نظر تجارتی بعمل آمد و در نتیجه سفالهای پایه‌دارکه‌دارای نقش و اشکالی میباشدکه‌درسائر نواحی ایران‌دیده شده بدست‌آمده‌است اسها رادرقبرستان یکی از تپه‌ها کشف کردند ولی چون حفریات ازروی اصول علمی نبوده و طبقه بندی و مطالعات علمی در بارهٔ آنهانشده است ، حقائق تاریخی زیادی نمیتوان از آنها بدست آورد

از روی اشیائیکه تا کنون بدست‌آمده‌میتوان‌پیش بینی کرد که اگر حفریاتی از روی اصول علمی در آذربایجان بشود نکات ذیل کشف خواهد شد

۱ ــ دوره های تمدنی قدیمتر از تمدن اولین طبقاتی که در سائر نقاط ایران کشف شده است .

۲ــ مبدأ احتمالی تمدن اولیه که ازمناطق کوهستانی این‌نقطه بجلگهٔ سومر و آشور در عراق انتشار یافته است

۳ ــ فلزکاری و کارهای سنگی زمان قدیم روشن و واضح خواهد گشت و مدارکی بدست خواهد آمد که تکامل تدریجی صنعت را که تا کنون مجهول مانده تعیین خواهد نمود

٤ ــ بوسیلهٔ حفریات یکعده تپه هائیکه بنام تپهٔ خاکستر نامیده میشود پیوستگی اعصار مختلف از عصر حجر تا زمان تاریخ برقرار خواهدگشت زیرا این ناحیه برای تمدن اولیه و نیز تمدن زمان مدی معروف میباشد امید است که سعی و کوشش حقیقی برای تکمیل معلومات حالیهٔ ما راجع بزمان ما قبل تاریخ بعمل آمده و در مناطق جالب توجه آذربایجان که تا کنون توجهی بآن نشده حفریات و کاوشهائی بعمل آید

بهترین تپه‌هارا برای حفریات بدان وسیله تعیین کنند پس ازآن او ازطرف مؤسسهٔ امریکائی برای صنایع وآثار قدیمهٔ ایران همر(۱)رئیس هیئت اعزامی گردیده وحفریات شروع نمود

در اینجا سفالی پیدا شده است که دارای زمینهٔ روشن و اشکال در و غـزال و طرحهای هندسی میباشد در طبقهٔ بعد دیگهائی بدست آمده است که دور تا دور آن خطوط متـواری منقوش است و در جای دیگر دیگـهائی پیدا شده است که دارای سه پایـه بوده و با اشکال هندسی منقوش است شاید مهمترین ظروفی که کشف گردیده دیگهای مـدور خاکستری رنگ میباشد که خطوط موج‌دار دور آن نقش گردیده و سر شکل شیری که در طرفین لولهٔ آن بطور برجسته ساخته شده است تاریخ این دیگ در گزارشهائیکه تاکنون منتشر شده معین نگردیده است و این دیگ با تمام سفال ما قبل تاریخ که در صفحات قبل شرح دادیم فرق دارد

از کشفیات دیگر این هیئت مجسمه هـای انسان است کـه بطور مضحکـی از سفال ساخته شده و نیز مجسمهٔ غزالی است که سر آن بطرف پهلو خمیده است و این اشیاء از زمان بعد میباشد و بعصر تاریخی تعلق دارد

ط - تپه‌های ما قبل تاریخ در آذربایجان

در اطراف اردبل و دریاچهٔ رضائیه هنوز اکتشافات و حفریاتی ازروی‌اصول علمی شده است چیزهائیکه کشف گردیده عبارتست از سفال رنگ شده که در تپه‌های رضائیه پیـدا شده است این سفال دارای اشکال هندسی میباشد که در روی زمینهٔ قرمـز با رنگ سیاه نقش شده است و نیز یك ردیف پرنده در روی زمینهٔ نخودی رنـگ بارنگ قهوه‌ای‌نقش گردیده‌است . سفـال دیگری بدست آمده که برنگ سیاه و قرمز نقاشی شده و اشکال پرندگان را مجسم میسازد و شبیه سفالیست که در طبقات اولیهٔ آشور و آناطولی پیدا شده‌است اشکال دیگری برنگ قهوه‌ای وسیاه شبیه‌سفال‌دامغان‌کشف‌گردیده‌ولی دارای شکل مخصوص و مشخص محـدود هستند سفال قهوه ای رنگ جلا داده که خطوطی روی آن

Holmes Expedition - ۱

مشهور و منتشر است شاید نتوان تا اندازه‌ای درنتیجهٔ مطالعهٔ آسمان و افسانه های ایران قدیم داست

جنس مهرها در ابتدا از گل رس بوده ولی بعد ها سنك های آنرا گرفته و آنهارا معمولا از سنك میساختهاند مس نیز برای ساختن مهر استعمال میشده ولی نتوانسته است جای سنك را بگیرد و تا زمانهای بعد تنها چیزی که در مهر سازی استعمال میشده، سنك بوده‌است غالبا احجار کریمه کم قیمت را حك کرده ویرای مهرنکارمیبرده‌اند اشیاء دیگری‌برای ساختن مهرنکارمیرفته که اهمیت زیادی حاصل نکرده‌است امید واریم که نقوش مهرها و معانی آنها را مفصلاً در فصول آتی شرح دهیم زیرا اگر چه شروع آنها از زمان ما قبل تاریخ است، در اندوره از هم تفکیك شده است

۵- مجسمه ها

یکی از نکات شایان توجهی که درتمام حفریات مذکور بدست آمده مجسمه‌های کوچکی است که از گل، استخوان، قیر، سنگ، مس وحتی از طلا و نقره ساخته شده است این مجسمه ها غالباً حیوانات را مجسم نموده و بعضی از نمونه های آن که از استخوان و قیر ساخته شده فوق‌العاده عالی است ومنتهای مهارت واستادی را درصنعت مجسمه‌سازی نشان داده و با بهترین شاهکار های مجسمه سازان دنیا قابل مقایسه است قدرت و جمالی در ساختن این مجسمه ها بکار رفته که از مردمی که در اعصار ماقبل تاریخ میزیسته اند حیرت آور است شاید این مجسمه ها برای طلسم استعمال میشده و با مذهب آن زمان مربوط بوده است

بسیاری از مجسمه ها هیکل زنی را نشان میدهد که گاهی عریان و هنگامی با لباس و جواهر میباشد راجع به‌هویت و مقام این زن در بین علماء ومحققین اختلاف است ولی عقیدهٔ عمومی بر آنست که این مجسمه ربة النوع طبیعت میباشد که در آنزمان پرستش آن در ایران و ممالك اطراف معمول بوده است، در ادبیات بعد اسم این ربة النوع

۳ - سفال ماقبل تاریخ

چنانکه از مطالعهٔ صفحات گذشته معلوم میگردد در حفریات نواحی مختلفهٔ ایران سفال را از همه مهمتر شمرده و بآن بیشتر اهمیت داده اند علت این دقت برای آنست که زندگانی و خصائص صنعتی واخلاق مردمان اولیه ازروی سفال بهتر ازاشیاء دیگر معلوم میگردد شباهت و زمان تمدنهای مختلفه از روی سفال ظاهرمیشود وبا مطالعهٔ دقیق پیوستگی تمدن را میتوان تا حدی ازروی نوع سفال وظروف سفالینی که میساختهاند معلوم و معین گردانید

استادی و مهارت مردمان اولیه در صنایع و فنون زمان خود تعجب آوراست نمو طرح و نقشه از اشکال هندسی بیك سلسله اشکال حیوانات و بعد انحطاط و برگشت آن باشکال‌هندسی دارای دورهٔ مخصوصی‌بنظرمیرسد واین‌مسئله موضوع مناسبی‌است برای مطالعه و تحقیق در سفال ما قبل تاریخ ایران

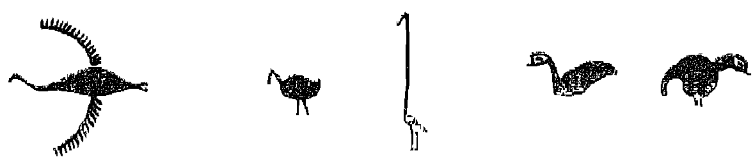
٤ - مهرهای ما قبل تاریخ

در زمانهای اولیه‌قبل از اختراع خط ، مهر در ایران معمول بوده وآنرا برای بستن کوزه وسایر ظروف و اختصاص اشیاء با اسامی صاحبش‌استعمال میمودند مهرهای اولیه مخروطی شکل بودند قاعدهٔ مخروط مسطح بوده و در رأس آن سوراخی برای رد کردن ریسمان تعبیه‌میشده است مهرهای گنبدی شکل نیز پیدا میشود که آنها هم سوراخ برای ریسمان دارند مهرهای فشاری دراین‌موقع زیاد پیداشده وغالباً بشکل دکمه‌ای هستند که سوراخی در وسط آن است و یا اینکه دستهٔ کوچکی دارد که جهت ریسمان سوراخ شده است نقوش اولیهٔ‌مهرها فقط علامت یا نقشی بوده که صاحب آنرا مشخص میموده ولی بعد اشکال حیوانات و شکل‌سادهٔ انسان در رویآنها حك میشده تصاویر حیوان یا حشرات غالباً دارای معانی نجومی وهیئتی میباشند مبدأ علائم منطقة البروج‌را که امروزه درتمام عالم

ما محدود است و مدارکی در دست نیست که این عقیده را ثابت کند

گرچه قسمتهای بزرگ ترقی اولیهٔ صنعت و تمدن باید کشف شود، ولی از مطالعهٔ صفحات قبل معلوم میگردد که تا چهار هزار سال قبل از میلاد صنعت و تمدن مدارج مهمی را طی کرده بوده است کارهای سنگی و فلزی و مخصوصاً سفال سازی که در نتیجهٔ حفریات بدست آمده و ملاحظه نمودیم، علائم ترقی و انحطاط ادوار گذشته میباشد البته در نتیجهٔ ادامهٔ حفریات تدریجاً پرده از روی ازمنهٔ قدیمه برداشته خواهد شد و بسیاری چیزها که با اطلاعات فعلی ماقبل تاریخ خوانده میشود، کم کم شکلی بخود خواهد گرفت و تاریخ محسوب خواهد گشت

نقشهای روی سفال ماقبل تاریخ



پرندگان دریائی



تیرانداز، اسب و سگ

[illegible] الموع بطور عموم استعمال [illegible] میکرده است مطالب [illegible] که این کتاب را گنجایش بحث [illegible]

٦ ـ خاتمه

[illegible] مرحلهٔ ابتدائی که معمولا در [illegible] فلاحت و زراعت ۲ ـ اکتشاف [illegible]

[illegible] نموده بطور تحقیق [illegible] در ایران ما اقلا در انطرف [illegible] منتهی میشود خاصه [illegible] سال قبل ارمیلاد دارد [illegible] مدارج اولیهٔ آنرا [illegible] تمدن حیلی قدیمتر بوده [illegible]

در [illegible] (۱) و دلتر ارست هر سه ملد متفقاً عقاید ای [illegible] و از روی بعضی مدارک مطلبی را مورد بحث [illegible] که فلاحت و تمدن بعد از آن در فلات ایران شروع شده است [illegible] بزرگترین علماء این علم میباشند ولی برای [illegible] در دست نیست و باید منتظر اکتشاف و حفریات دیگری بود [illegible] معتقدند که محل اکتشاف فلز را میتوان در نواحی شمال غرب ایران [illegible] در ارمنستان دانست ولی در این قسمت نیز معلومات

Sir Arthur Keith - ۱

است این اشیاء بمقدار زیاد و بانواع و اشکال مختلف میباشد و بر اشیاء دیگری که در سایر نقاط ایران پیدا شده است بآنها اضافه میگردد این کشفیات گواه و شاهد خوبیست بر اینکه صنعتگران ایرانی درعصر مفرغ بمقام عالی رسیده بوده‌اند استعداد صنعتی ومهارت کار آنان بحدی بوده که صنعتگران سایر نقاط دنیا در آن عصر بهیچوجه نمیتوانسته‌اند با آنها رقابت وبرابری کنند در صفحات بعد کشفیات مفرغ لرستان و نقاط دیگر را مورد دقت ومطالعهٔ دقیق قرار خواهیم داد

الف - ناحیهٔ اردبیل

اشیاء مسی و مفرغی مخصوصاً اسلحه بوسیلهٔ دهاتیهای اطراف اردبیل بدست آمده است این ناحیه در مغرب دریای خزر ونزدیک سرحد روسیه میباشد غالب این اشیاء ساده‌تر ازمفرغهای لرستان میباشد وشاید ازحیث قدمت زمان برآنها برتری داشته‌باشد ازنوع تبری که در لرستان پیدا شده و تاریخ آنرا باستان شناسان قریب سه هزارسال قبل از میلاد معین کرده‌اند ، درناحیهٔ اردبیل نیزبدست‌آمده است شمشیرهای مسی، که بعضی ازآنها مجاور از یکمتر طول دارند نیز پیدا شده است بعضی از این شمشیرها دارای دسته های سنگینی هستند خنجرهای مختلف، تیروسرنیزه ، حلقه برای گرفتن زه‌کمان و نیز قسمت بالاوپائین سردان مسی دراین ناحیه بدست آمده است تقریباً هراسلحه‌ای که دراین ناحیه کشف گردیده باصطلاح آنرا «کشته» میباشد ، یعنی در موقعیکه صاحبش‌را دفن کرده‌اند آنرا شکسته و بپهلویش گذارده‌اند این عمل و رسم در بین اغلب از طوائف اولیه در نقاط مختلف مرسوم بوده است

جواهردرمیان مفرغهای این ناحیه کمتر دیده میشود، ولی گوشواره وگردن بند دیده شده است درساختن اغلب این اشیاء مهارت و استادی بکار رفته، ولی نقشهای ظریف و اشکال حیوانات‌که در مفرغهای لرستان خواهیم دید در اینجا دیده نمیشود . اشیاءمفرغی اردبیل را میتوان ازحیث زمان بسه طبقه قسمت نمود

١ — سبک خیلی سادهٔ اولیه عبارت از خنجرهای کوچک و سرنیزهٔ مسی

فصل سوم

صنایع دیگر عهد قدیم

در اکتشافات و حفریاتیکه در فصل گذشته شرح دادیم بطهور و اکتشاف فلز در عصر ماقبل تاریخ ایران اشاره نمودیم برحسب اتفاق سنگهائیکه دارای مس بودند در مجاورت آتش قرار گرفته و انسان ماقبل تاریخ تکه های براق فلز را که در اثر دوب از سنگ جدا شده بود، مشاهده کرد و بعد فهمید که این فلز را میتوان کوبید و باشکال مختلف درآورد و بعد متوجه شد که آن در بسیاری از جهات برای ساختن اسلحه و ادوات بمراتب بهتر از سنگ است مس برای آلات زینت بکار رفته وهمچنین لوازم جادو و طلسم که انسان ماقبل تاریخ بدان اعتقاد داشته و بدانوسیله خود را از ارواح خبیثه محافظت مینمود از آن میساخت اشیائی هم که در رسوم مذهبی بکار میرفت از مس ساخته میشد صنعت فلزکاری از ساختن این قبیل اشیاء شروع گردید اولین فلزی که بمقدار زیاد استعمال میشده مس بوده است و بعد سرب، نقره و طلا ظاهر گردیده ومورد استعمال قرار گرفته بالاخره مس را با روی یا فلز دیگر مخلوط کرده آنرا سخت و محکم نموده اند وبدین ترتیب مفرغ بوجود آمد و این فلز بواسطهٔ بروز استعداد صنعتی گردید که دنبالا بشرح آن خواهیم پرداخت

۱ - کارهای مسی و مفرغی

اشیاء شایان دقت زیادی از مس که در فصل قبل بشرح آن پرداختیم درنتیجهٔ حفریات علمی بدست آمده است اشیاء مختلف مفرغی تك‌تك در ایران پیدا میشد، ولی در چند سال اخیر کارهای صنعتی حیرت آوری از مفرغ در نواحی لرستان کشف گردیده

است وقتی مفرغهای لرستان کشف شد عدهٔ زیادی عقیده داشتند که این شکل تصویر عفریت یا دیو است، ولی در اکثر این تصاویر چون غلبهٔ او را بر مار و حیوانات دیگر مشاهده نمودند، باین نتیجه رسیدند که بدون شك آن تصویر پهلوان بزرگ موهومی است که بر قوای بد بنفع بشر غلبه یافته است. بعضی از علماء این پهلوان را گیل گامش ـ انکیدو (۱) مینامند، زیرا اشکال پهلوانی باین اسم و شکل در شمال و جنوب بین النهرین پیدا شده است، ولی میتوان این شکل را که روی مفرغهای لرستان دیده میشود، تصویر کیومرث پهلوان و پادشاه داستانی ایران قدیم دانست.

تصاویری از کیومرث یافت میشود که در هردو طرف او عصائی است و مارهائیکه بر آنها غلبه یافته روی عصاها دیده میشوند. اشکال خروس و حیوانات دیگر بسبکهای مختلف روی آن رسم شده است. در وسط این تصویر سوراخی است که سنجاق طویلی از آن میگذرد. این سنجاق دارای صفحه ایست که بجای سر سنجاق استعمال میشده و تصویر را بپایهٔ مفرغی که شبیه سطری است متصل میکند.

یکی از خصائص مهم این صنعت مفرغ، ساختن اشکال حیوانات است. در بین این اشکال از همه مهمتر و معمولتر شکل بز کوهی، گاو نر، حیوان موهومی شبیه به شیر بالدار، که بعضی آنرا عنقا (۲) گفته‌اند، مار، خروس، سائر پرندگان، اسب، وانسان در حال طبیعی و غیر آن.

تصور میرود که غالب تصاویریکه در روی مفرغ نقش‌شده راجع به هیئت و دارای معانی نجومی است. بین علماء در این مبحث هنوز توافق نظر حاصل نگشته است و معانی این علامات و حیوانات بخوبی آشکار نیست، ولی مفهوم بعضی از آنها کاملا واضح است، مثلا بز کوهی را حیوان خورشید مینامند و علامتی که شبیه ستارهٔ چندپر یا گلی که دارای برگهای بسیار باشد و در روی تصویر بز کوهی دیده شده است، علامت خورشید میباشد. حیوانات در حال جنگ و نزاع قسمتهای مختلفهٔ سال شمسی را نشان میدهند، مخصوصاً

Griffon - ۲   Gilgamesh-Enkidu - ۱

میباشد که ظرافت زیادی در ساختن آنها بکار برفته است ۲ — سبک متوسط که شامل شمشیرهای دراز و خنجرهای مختلف است و در ساختن تیغه و دسته و اتصال آنها مهارت بیشتری بکار رفته است ۳ — در طبقهٔ سوم فلز مخلوط در صنایع بکار رفته و میتوان آنرا مفرغ نامید نمونهٔ کارهای این فلز عبارتست از شمشیرهای کوتاه که طرف برندهٔ آن کمی منحنی است وسر سر تبرهائیکه درساختن آنها مهارت زیاد بکار رفته است

ب - مفرغهای لرستان

چندین سال قبل اشیائی از مفرغ در مقابر لرستان و مخصوصا در نواحی هرسین پیدا شد وقتیکه اهالی محل و دهاتیها متوجه شدند که میتوانند آنها را بقیمت گزاف بفروش رسانند، قبرهای زیادی را کنده اشیاء آنها را بیرون آوردند این اشیاء در ایران و اروپا و امریکا بمقدار زیاد خرید و فروش شد

مردم لرستان درعصر مفرغ میبایست سوارانخوبی بوده باشند، زیرا بین اشیاء کشف شده قسمت عمده عبارت از حلقهٔ دهنهٔ اسب، تزئین عرابه ولوازم زیناسب میباشد. بعضی ازاینها دارای نقشهائی‌است که حیوانات رابخوبی مجسم میسازد وبا اصول‌صنعتی نوینی جلوه‌داده‌شده. تمام‌اینهامهارت وقوهٔ ابتکارصنعتگررا نشان میدهد آلات زینت شخصی‌زیادی مانند گوشواره، گردن‌بند، انگشتر، دست‌بند وغیره نیز بدست آمده است گلدانهای بزرگ و پایه‌های مفرغی که نه‌تنها قشنگی طرح دارند، بلکه مهارت واستادی صنعتی در ساختن و تزیین آنها بکار رفته یافت میشود حتی آلات و ادوات و اشیاء خانه نیز با اشکال پرندگان، حیوانات ونقشه های دیگر زینت یافته است

اشکالی که عقیده‌داشتند ارواح خبیثه را برطرف ساخته بخت و اقبال میآورد زیاد و بازوبند وطلسم فراوان بوده است در روی بسیاری از این اشیاء شکل عجیبی دیده میشود که شباهت بانسان دارد، ولی‌به شکلهای گوناگون وگاهی دارای سر وشاخهای بزرگ است وگاهی طوری طویل مجسم شده که مشکل است شباهت آنرا بانسان تشخیص داد در بعضی مواقع صورت این موجود عریب در روی یك مفرغ چندین مرتبه تکرار شده

که ملبس بلباس کوتاه شکاری است وگرازی را که با سه سگ در جنگ است هدف قرار داده است در قسمت دوم همین مجلس گراز نشان داده شده است که دو تیر اورا از پا در آورده وصیاد بطرف او پیش میرود که آخرین ضربت را برای کشتن آن بکار برد مجلس دیگر که روی آن صفحه منقوش گشته ، صیادیست که به گوزنی تیر میاندازد و در روی همین صفحه حیوانات دیگر مانند خرگوش ، روباه ، آهو و شیر نیز نقش شده است در قسمت دوم این مجلس گوزن زخمی شده و صیاد برای کشتن آن با نیزه جلو میرود وشیر فقط تماشاچی است وشاید امیدوار است که گوزن را از چنگ صیاد برباید

سنجاقهای متعدد باندازه‌های مختلف درین مقبره‌های لرستان بدست آمده است مورد استعمال آنها نیز مختلف بوده است بعضی برای وصل کردن لباس و زینت و برخی جهت اداء مراسم مذهبی و نیز بعضی در یراق واقسار ولوازم عرابه بکار میرفته است حلقه‌های بزرگ مفرغ که یکطرف آن باز است پیدا شده وغالب آنها سنگینتر از آنند که برای زینت بکار برده شوند وشاید در معاملات آنزمان بکار میرفته ونوعی از پول قدیم است میدانیم که سکیتیان در قرن چهاردهم قبل از میلاد چنین حلقه‌هائی بمصر آوردند و آنها را بدون شك بجای پول وسکه که با آنزمان اختراع نشده بود بکار میبردند

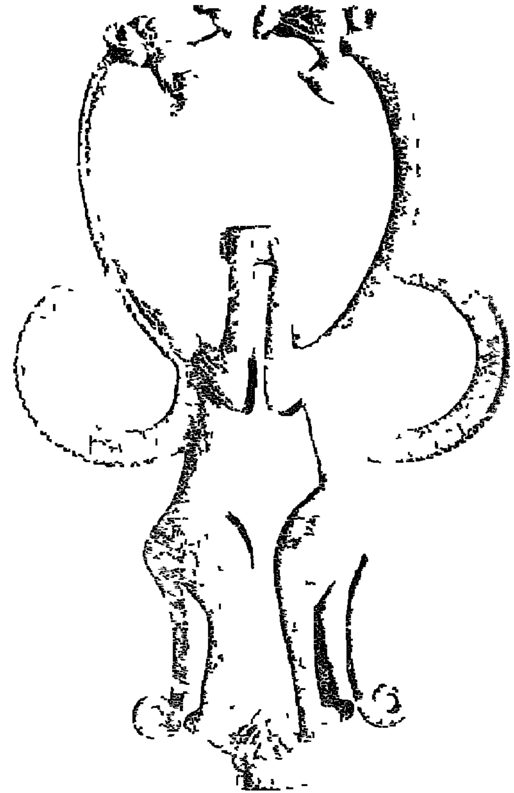
فنجان و آبخوریهای متعدد پیدا شده است که میل وعلاقهٔ صنعتگران لرستان را برای زینت ونقاشی نشان میدهد اشکال حیوانات در روی اشیاء مفرغی دیگر منقوش ومناظر شکار وغیره نیز نشان داده شده است اشکال دیگر عبارتست از درخت مقدس ، ابوالهولهائیکه دارای سر انسان هستند ، ربه‌النوع حاصلخیزی و تصویر انسان در حالات مختلف که گاهی با حیوانات وعلامات آسمانی نشان داده شده است ، زینت آلات واسلحه وغیره که شمارش وتذکار آنها دراین مختصر نگنجد، در بین مقبره‌های لرستان بدست آمده است مجموعهٔ موزهٔ دولتی تهران را باید با دقت دید تا بارزش حقیقی صنایع مفرغی لرستان پی برد .

در خصوص صنایع لرستان باید بخاطر داشت که چند قمره حجاری مختصر نیز درلرستان پیدا شده است و درین آنها جرسی است که بقدری قشنگ مجسم گردیده که

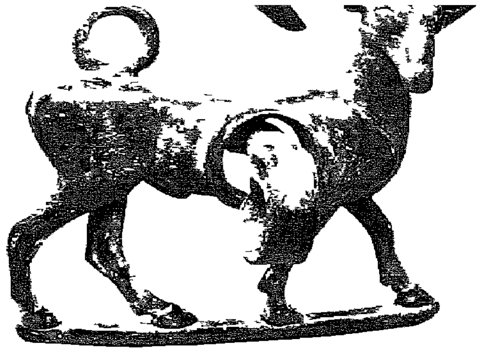
خورشید که برسرما وتاریکی زمستان غلبه یافته است مجموعهٔ ستارگان و محل مختلف آنها در ایام وفصول سال در این تصاویر توسط اشکال حیوانات ، مار وحشرات وغیره ظاهر میگردد برای اینکه این مسئله بخوبی واضح و روشن گردد و معانی حیوانات و علامات مختلفه و رابطهٔ آنها با افسانه های قدیم ایران معلوم شود ، ونیز برای اینکه میزان معلومات مردمانی که هزاران سال قبل زندگی میکرده اند راجع بعلم هیئت آشکار گردد ، مطالعه و تحقیق دقیق لازم است بدون شك صنایع این زمان تحت تأثیر علم نجوم ، عقائد مذهبی ، افسانه و روایات ملی ونژادی که قرنها بطول انجامیده ، واقع گردیده و در آن دخالت کلی داشته است

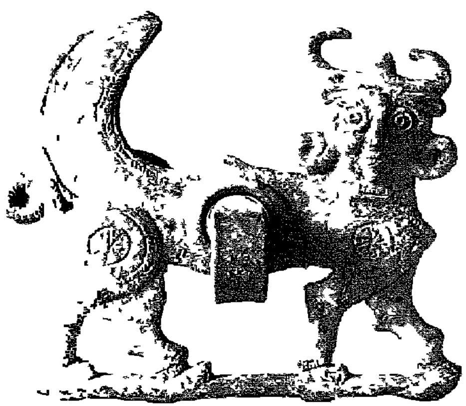
تبرهای مفرغی بانواع و اشکال مختلف پیدا شده است بعضی فوق العاده ساده وبمنظور استفاده معمولی و برخی از آنها برعکس بابهترین سلیقهٔ صنعتی تزیین یافته است نظیر این تبرها در بناهای عصر مفرغ در جزائر مدیترانه بدست آمده است سبك دیگری نیز یافت میشود که دارای دولبه بوده و بشکل هلال است معلوم نیست بعضی از این تبرها را چگونه بکار میبرده‌اند ، زیرا که استعمال آنها چه در جنگ وچه درقطع اشجار بعید و مشکل بنظر میرسد شاید آنها را در مراسم مذهبی بکار میبردند ، ولی در نیمهٔ اغلب آنها علامت کار زیاد دیده میشود در موزهٔ دولتی تهران تبری است که نزدیك سوراخ دستهٔ آن سرپرنده‌ای منقوش است ودر روی تیغه‌اش تصویری از انسان که ماهی بزرگی بدست گرفته نقش شده است تصور میرود که مقصود از این ، نشان دادن هوا بوسیلهٔ پرنده وزمین بوسیلهٔ انسان و آب بوسیلهٔ ماهی باشد از این نوع کارها وصنایع چنین بر میآید که ابتکار صنعتگران اولیه را حدی نبوده است . بعضی از کارهای آنها فاقد طراوت است و ارزش صنعتی زیادی ندارد ، ولی بعضی دیگر باعلی درجهٔ صنعت رسیده و از شاهکارهای صنعتی بشمار میرود

از نظر قضاوت صنعتی یکی از عالیترین وبهترین آلات زینت که در لرستان بدست آمده ، عبارتست از صفحهٔ مفرغی که روپوش کمربند چرمی بوده است این شیئی عجالتا در موزهٔ لوور پاریس است دومجلس شکار بطور برجسته در روی این صفحهٔ مفرغی نمایش داده شده است و هرمجلس حاوی دو قسمت است . قسمت اول صیاد را نشان میدهد



یک جفت شیر بالدار مفرغی از لرستان





دو سر لجام مفرغی افسار اسب از لرستان
(در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد)

گوئی زنده است و پرنده است که با دقتی تمام حجاری شده و سر یك ماهی که دقت و استادی کارگر را نشان میدهد .

شاید مهمترین و ماهرانه ترین قسمت کار و صنعت این فلزکاران مهارت عجیبی باشد که آنها در نقش کردن اشکال حیوانات بکار برده اند و میتوان گفت این کارگران درکارهای مفرغی استاد بوده ومهارت بسیاری داشته‌اند حس ابتکار وقوهٔ اختراع آنان خیلی زیاد بوده است وعشق و علاقهٔ غریبی بزینت داشته‌اند

خوشبختانه برای تعیین تاریخ مفرغهای لرستان باشکالی بر نمیخوریم ، زیرا روی بعضی ازآنها بخط میخی نوشته شده است وراهنمای خوبیست برای تعیین تاریخ تقریبی این اشیاء محقق است که این مفرغهای گوناگون بادوار و قرون مختلفه تعلـق داشته و و شایـد نمایـندهٔ تمدنهـای متعددی است که قرنها با یکدیـگر فرق داشته و رویهمرفته بیش از دو هزار سال را شامل میشود تاریخ اشیاء اولیه را در حدود سه هزار سال قبل از میلاد تعیین نموده اند (۱)

اسامی پادشاهان بابل که قدری بیش از هزار سال قبل از میلاد سلطنت میکرده‌اند روی‌خنجرهائیکه بدست آمده حك شده است این خنجرها را پادشاهان‌ممالك بین النهرین بسربازانیکه از مناطق کوهستانی لرستان آمده بودند، برای پاداش خدمات‌مهم و تقدیر بآنها داده اند

زمان و تاریخ مفرغهای دیگر بدون شك بعد از اوائل عصرآهن میباشد، زیرا اسلحه‌هائی پیدا شده که دارای دستهٔ مفرغی و تیغهٔ آهنی است از نتیجهٔ تحقیقات علمی چنین برمیاید که تاریخ آخرین مفرغهای کشف شده در حدود قرن پنجم یا ششم قبل از میلاد است

---

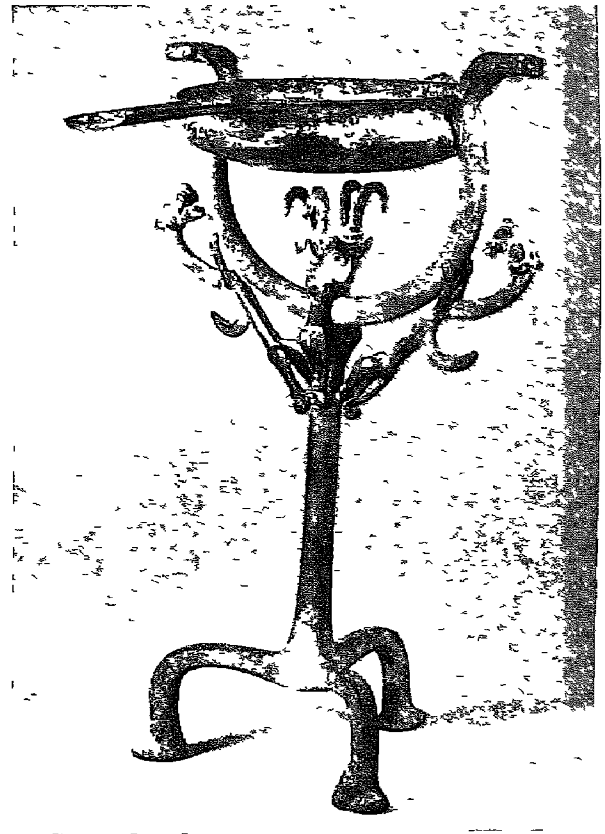
۱ — مقالهٔ پروفسور آرتر پوپ (Prof Arthur Pope) تحت عنوان « مفرغهای لرستان » از نشریات مؤسسه امریکائی صنایع وعتیقهٔ ایران ، دسامبر ۱۹۳٤ .

ج - مفرغهای آذربایجان غربی

در ناحیهٔ سلدوز در جنوب غربی دریاچهٔ رضائیه هیئت های اکتشافی که بمنظوراستفادهٔ تجارتی بحفریات مشغول بودند ، اشیاء متعدد مفرغی بدست آوردند که بعضی از آنها شبیه و شباهتی بمفرغهای لرستان دارد و از جمله حلقه‌های سنگین مفرغی است که شاید برای پول بکار برده میشده و نیز دهنه ، دست بند ، گوشواره و غیره است در این مکان طلسم و بازو بندهائیکه در روی آن تصویر گاوی نقش‌شده بدست آمده است و نیز کلهٔ گاو نر بزرگی از مفرغ در تپه های شمال ناحیهٔ سلدوز نزدیك دریاچهٔ رضائیه از زیر خاك بیرون آمده است

اشیاء مفرغی که درنواحی ماکو در شمال غربی آذربایجان بدست آمده ازجهاتی شبیه مفرغهای اردبیل است ، ولی شباهت زیادتری بمفرغهای لرستان دارد خنجرها از فلز یك تکه ساخته شده وسر آنها را بر گردانده و جا برای دستهٔ چوبی یافلزی گذاشته‌اند در این محل سنجاق ، دهنه ، زنجیر و مجسمهٔ زنی که دامن گشادی پوشیده بدست آمده است اشیائی مانند مجسمه ای که در حفریات دامغان پیدا شده بدست آمده و چنین مینماید که آن در مراسم مذهبی قدیم ایران مرسوم بوده است گوشواره ، گردن بند ، دست بند ، و آلات معمولی دیگر در نواحی ماکو کشف گردیده است مجسمه های کوچك مذهبی نظیر آنچه درقسمت «ب» این فصل مذکور شد پیدا شده است ، شباهت زیاد مفرغهای این ناحیه که بین آذربایجان و قفقاز میباشد با مفرغهای لرستان شایان دقت و ملاحظه است

جای تاسف است که اغلب این اشیاء مفرغی بوسیلهٔ حفاری علمی بدست نیامده و بهمین جهت حقائق زیادی راجع بتاریخ ترقی و تکامل صنعت از بین رفته وبدست نخواهد آمد امیدواریم که مناطق دیگری مانند لرستان که دارای خرائن زیاد باشد بوسیله علمای باستان شناس و با وسائل و اصول علمی حفر شود چنین حفریاتی



پایه و چراغ مفرغی از لرستان که دارای
شیرهای بالدار و سرهای بز کوهی است



گلدان مفرغی از لرستان (اواخر عصر مفرغ)
دو بز کوهی که دستهٔ آنرا تشکیل میدهند درکمال زیبائی است

نمود این مکان درمشرق قصر شیرین واقع شده ودر نزدیك جادهٔ کرمانشاه به بین‌النهرین میباشد واز شاهراه وجادهٔ عمومی زیاد دور نیست

حجاری اول سلطانی را نشان میدهد که دو نفر اسیر جنگ را در مقابل ربة النوع آورده است اسیر دیگری در زیر پای سلطان میباشد و پادشاه پای خود را روی او نهاده شش نفر اسیر دیگر بمقیاس کوچکتری در پائین نشان داده شده است کتیبه ای بزبان اکدّی در زیر آن نوشته شده که علماء بخواندن آن موفق شده‌اند اسم این سلطان آنوبانی نی‌میباشد واسم ربه النوع اینینا است این کتیبه تاریخ حجاری را در زمان ناراَمسین سلطان اکدّی‌تعیین میکند که تقریبا دوهزار وپانصدسال قبل ازمیلاد میشود

حجاری دوم پادشاهی را نشان میدهد که شاید همان سلطان فوق الذکر باشد که با دشمن مغلوب خود در مقابل علامت خورشید و هلال ایستاده است کتیبه‌ای نیز روی این تخته سنگ میباشد که بعلت طول زمان از بین رفته وخوانده نمیشود از آنچه که بزحمت خوانده میشود بنظر میآید که نوشتهٔ آن نظیر کتیبهٔ مذکور باشد

حجاری سوم سلطان را تنها در مقابل ربه النوع نشان میدهد و چیزی بر روی سنگ نوشته نشده است این سلطان آنوبانی‌نی شاید همان سلطان و پهلوان قومی که لولو خوانده میشوند باشد و ممکن است این شخص پهلوان داستانی باشد و شاید مؤسس سلطنت در میان این قوم بوده است

چیز مهمی که از این حجاریها بدست میآید اینست که وضع لباس مردم قدیم ایران‌را بر ما آشکار میسازد مردم اینزمان لباس کوتاه و ساده که فقط کمر را میپوشانید دربرداشته اند این لباس شباهت زیادی بلباس مردم بین‌النهرین در آنزمان دارد تیر و کمان وتیرهای فلزی وسنگی در بین آنها وجود داشته و از آن استفاده میشده است . بعلاوه اسلحهٔ پرتاب کننده ای نیز داشته‌اند این اسلحه طوری پرتاب میشده که در صورت عدم اصابت بهدف ، بطرف پرتاب کننده برگردد دربین قبائل وحشی استرالیای مرکزی سلاحی شبیه بهمین اسلحه بنام بومرنگ (۱) هنوز وجود دارد

Boomerang - ۱

حقائق زیادی راجع بتمدن عصر مس و مفرغ ایران ظاهر خواهد ساخت که اکنون بر ما مجهول است

د - نسبت صنعت قدیم بجدید

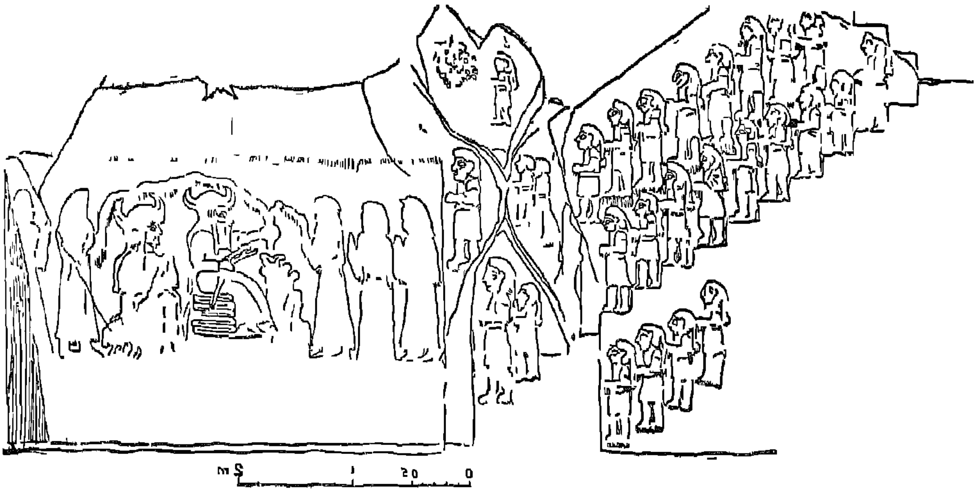
چنانکه در فصل قبل راجع به نقشهای روی سفال بحث شد اشکال و زینت آلات سفالی که بدست صنعتگران ایران قبل از تاریخ نقاشی شده است استعداد عجیب آنها را در اتحاد سبك وتصویر حیوانات وسایر چیزها نشان میدهد این استادی درساختن اشیاء مفرغی که ملاحظه کردیم ادامه داشته و تکمیل شده است در سالهای اخیر سبکی در صنعت ظاهر گشته کـه آنرا «سبك نوین» مینامند ومقصود از آن اینست که اشیاء را بغیر از شکـل طبیعی خود نشان داده مجسم سازند چیزیکه صنعتگران زمان ما موفق بانجام آن شده‌اند صنعتگران‌ها قبل از تاریخ ایران بطرزی حیرت آوری از عهده برآمده وآنرا بنحو اکمل انجام داده‌اند بنابراین بنظر میآید که مجسم ساختن اشیاء باروح صنعتی چیزی تازه و جدید نیست چیزیکه صنعتگران این صنعت نوین برای بـدست آوردن آن کوشیده وسعی وافی داشته وکمتر موفق شده اند در صنایع سفال ومفرغ ماقبل تاریخ ایران بهترین نمونهٔ آنرا میتوانیم

۲ - حجاری وکوه بری قدیم

سلاطین و پادشاهان سه هزار سال قبل ایران یعنی شاهنشاهـان هخامنشی و ساسانی در روی صخره و کوه حجاریهائی کرده‌اند که بعضی از آنها با وجود طول زمان و تأثیرات سرما و گرما هنوز برپا و برجاست دکتر ارنست هرتسفلـد در کتاب اخیر خود (۱) بعضی از حجاریهای مهم را شرح کرده است

در باب میزان استادی و مهارت صنعتی و بیز وضع لباس و اسلحهٔ ساکنین قدیم ایران ازسه حجاری که در صخره های نزدیك سر پل ساخته شده میتوان استفاده

۱ — « تاریخ عتیقهٔ ایران » که در سال ۱۹۳۵ در لندن چاپ شد



حجاری قدیم در کورانگون فارس

نقل از « تاریخ عتیقهٔ ایران» تألیف ارنست هرتسفلد

موی تابیده و بافته در عقب سر دارند مجسمه های کوچکی از زنهای اولیهٔ ایران پیدا شده که مویشان بدین طریق ترتیب داده شده است این حجاری شباهت زیادی بحجاری حیتی(۱) که در آسیای صغیر کشف شده است دارد

از نظر صنعت مهمترین چیزی که در این حجاری دیده میشود آنست که شکل انسان در تمام موارد بیمرخ کشیده شده است این قسم نقاشی بین مردم آریمان وجود نداشته و در بین ملل مجاور و حتی درمصر نیز نظیر آن دیده نشده است دکتر هرتسفلد میگوید «این قسم تصویر ونقاشی استقلال صنعتی ایرانرا نشان میدهد و حاکی از دورهٔ طویل تکامل صنعت میباشد» تصور میرود که حجاری و مجسمه های زیادی از صنعتگران این عصر وجود داشته که حالیه ازبین رفته و معدوم شده است ولی باز خوشوقتیم که چنین نمونه‌ای ازصنعت آن عصر که متجاوز از دو هزار سال قبل ازمیلاد میباشددر دست داریم .

حجاری دیگری در هورن که در شمال غربی سر پل واقع است وجود دارد از روی کتیبهٔ آن میتوان آنرا بپادشاهی موسوم به «ساربانی سرسی» نسبت داد در این حجاری نیز فتح و فیروزی بر دشمن نشان داده شده است ، ولی از حیث ارزش صنعتی خیلی پست تر از حجاریهای سر پل میباشد بنابراین این حجاری با متعلق بعصر و زمانی قدیمتر میباشد و یا اینکه بزمانی دیرتر و موقعیکه صنعت رو بانحطاط رفته تعلق دارد تاریخ این حجاری هنوز بتحقیق معین نگشته است

حجاری دیگری بزرگتر از آنهائیکه فوقاً ذکر شد در ۱۹۲۴ در کورانگون پیدا شد این محل در ایالت فارس و بین شوش وتخت جمشید واقع است ، ولی به تخت جمشید نزدیکتر است تا بشوش بعلت بعد مسافت و اشکال راه این حجاری تا مدتی ناپیدا و مستور بود و فقط اهالی محل از قبیل دهقانان و شبانان از آن اطلاع داشتند این حجاری روی تپه‌ای بلند بالای پرتگاهی قرار دارد و رودخانه‌ای از وسط دره در پائین آن میگذرد تنها راه آن پلکانی است که ببالای تپه منتهی میشود و برای راه یافتن بآن ساخته شده واضح است که این مکان پرستشگاه و محلی مقدس بوده و حجاری آن با آئین دینی ومذهب آنزمان مناسبت دارد

در این حجاری رب النوع و ربه النوعی با پیروان و پرستندگان خود دیده میشوند رب النوع روی تخت عجیبی که از مار جمع شده تشکیل یافته، نشسته است دو جفت شاخ از تاج او بیرون آمده است و جامی در دست دارد که آب زندگانی در آنست و بطرف پرستندگان جاری است ربه النوع پشت سر او نشسته و از تاج یا پوشش سرش چند شاخ بیرون آمده است در جلو و عقب این خدایان پرستندگان بسیاری ایستاده اند که بجامهٔ بلندی ملبس میباشند مرد و زن بواسطهٔ فرقی که بین پوشش سر آنان وجود دارد تشخیص و تمیز داده میشوند

چند قدم پائین‌تر از صخره نزدیك پلکان تصویر چهل خدمه نشان داده شده است اینان دامنهائی که تا زانوی آنانرا میپوشاند در بر دارند غیر از رئیس آنان ، همه

گرچه این نقشه‌ها تصویر حقیقی شهرهای مدی نیست ، ولی از روی آنها میتوان تصور نمود که شهرهای شمال غرب ایران در قرن هشتم قبل از میلاد بدرجهٔ عالی تمدن رسیده بودند این شهرها دارای دیوارهای محکم و برج و بارو بوده اند خانه ها دارای چندین طبقه بوده و درهای آنها هلالی وشکلهای دیگر داشته‌اند از روی کتیبه‌های این حجاریها چنین برمیآید که ستونهای چوبی معمول بوده و نیز در ساختمان بکار میرفته است سقفهای چوبی گاهی با فلز پوشیده میشده است این قسم معماری که چوب و فلز در آن بکار میرفته برمردم آشور و بابل آنزمان مجهول بوده است

در تصویر شهری در آذربایجان موسوم به موساسیر معبد جالب توجهی نشان داده‌شده‌است این بنا درقسمت جلو دارای شش ستون سنگی وسقف آن بشکل سرو ایی‌م باشد این ستون وسقف مانند معابد یونان است جای حیرت وتعجب است که قبل ازآنکه اینگونه ساختمان در یونان برای معابد معمول شود ، درایران وجود داشته است و سبک معماری که اختصاص به یونان دارد ، قبل از آنکه در آنجا ساخته شود درایران ساخته شده است با در نظر داشتن تاریخ آن چنین نتیجه میتوان گرفت که اگر روابط صنعتی بین ایران و یونان وجود داشته؛ سبک معماری ایران بوده است که در بدو امر در معماری یونان تأثیر داشته و در ساختمان معابد یونان از بنای معبد فوق الذکر و امثال آن تقلید شده است

معماری از مقابر زمان مدی که در صخره‌ها تعبیه شده در نقاط مختلفهٔ ایران کشف گردیده که مهمترین و بهترین آنها « داو دختر » میباشد که درردیف حجاری کورانگون که در صفحات قبل شرح داده شد بدست آمده است از خصائص مهم این قبر ستونهای بزرگ حجاری شده و کنگره هائیست که در بالای آن تراشیده شده است

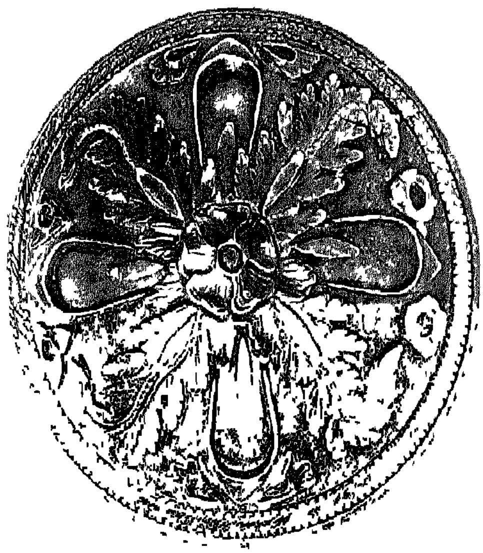
این قسم ساختمان مستلزم ترقیات زیادی درصنعت معماری میباشد و ستونهای آن سبك ستونهائیست که بنام «ایونیك» یونان نامیده میشود وآن عبارتست ازستونهائی که هر دوطرف سر ستون پیچ دارد بقول دکتر هرتسفلد این قبر درحدود ۵۵۰ـ ۶۵۰ سال قبل از میلاد حجاری شده است در اینزمان صنایع یونان تأثیر و نفوذی در صنایع ایران

در نقش رسم بردنك تحت جمشيد نقابای حجاری که از حيث موضوع وعمل شبيه بحجاری کورانگون ميباشد پيدا شده است متأسفانه بهرام دوّم برای اينکه مجسمهٔ خود را دروسط آن جای دهد، مقدار زيادی از آنرا کنده و محو کرده است معذلك اثر بعضی از آن تصاوير قديمی هنوز تشخيص داده ميشود تصوير دو خدا که در روی تختی از مارجمع شده نشسته‌اند و خدمتكاری که درطرف راست آنها است محو شده وبجای خود باقيست نكات قابل ملاحظه عبارتست ازدامن بلند ووضع پوشش‌سر که جلو آن شكل منقار طوبلی است اين تصوير بزشيوح است درطرف ديگراثر دومجسمهٔ ديگرتميزداده ميشود، يكی از اينها تاجی بر سر دارد و ممكن است که تصوير ملـكه ای باشد از سبك و روش آن چنين برمبايد که اين حجاری و حجاری کورانگون بيك زمان تعلق دارد

حجاری و مجسمه سازی بهر شكل و اندازه درروی سنگ ، سخت ومشكل‌است و مهارت زياد لازم داشته تا با ادوات سادهٔ سه هزار سال قبل از ميلاد بانجام اين قبيل کارهای عظيم موفق گرديده باشند مهارت و ابتكار و استعداد صنعتی ايرانيان قديم موجب حيرت و تعجب است

۳ـ معماری و مقابر در زمان مدی

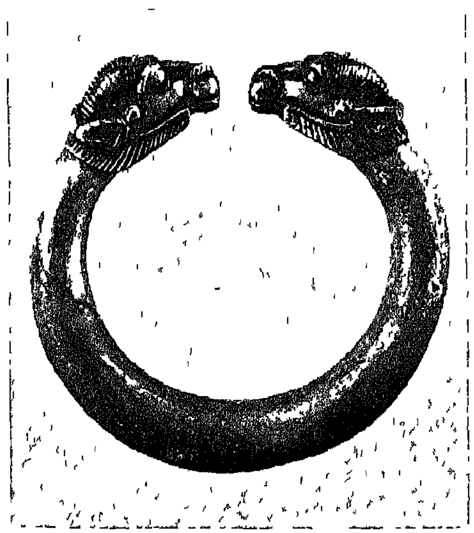
راجع بزمان امپراطوری مدی در ايران اطلاعات زيادی در دست نيست و در مكانهائيكه نقابا و آثار اين‌زمان ممكن است پيدا شود حفريات لازمه نشده است اطلاعات مختصری از معماری و تمدن آنهـا از حجاريهای قصر ساراگون که در خورس آباد بردنك موصل حجاری شده بدست ميآيد دکتر هرتسفلد نقشه های اين حجاريها را که عجالةً در موزهٔ لوور پاريس ميباشد جمع کرده است اين نقشه ها قصباتيرا که در حوالی درياچهٔ رضائيه در آذربايجان بوده نشان ميدهد ساراگون اين قصبات را در هشتمين جنگ خود درسال ۷۱٤ قبل ازميلاد مسخر کرده است کتيبه های اين حجاريها اطلاعاتی راجع بنوع ساختمانهای آنزمان ميدهد.



گل میخ نقره و طلا



بازوبند طلا (عصر هخامنشی)



بازوبند نقره از عصر امپراتوری قدیم ایران



گوشوارهٔ طلا (عصر هخامنشی)

نداشته است ، بلکه مشاهده میشود که صنایع ایران دارای خصائص ونکات زیادی بوده که بعدها در صنایع و معماری اروپا ظاهر گردیده است

بعلاوهٔ مراتب مذکور ، میدانیم که در سال ٦٧٨ قبل از میلاد سلاطین مدی شهر اکباتان پایتخت مملکت مدی را بنا نمودند و قصرهای بزرگ و معظمی ساختند که سقف آنها از طلا و نقره پوشیده شده بود بعدها فاتحین این شهر را تسخیر و طلا و نقرهٔ آنرا ذوب و سکه زدند

گر چه اطلاعات ما راجع بزمان مدی خیلی کم است ، ولی میدانیم که آنها دارای تمدن عالی بوده اند و از سبك معماری آنان در زمان بعد استفادهٔ زیادی شده است امیدواریم که کاوشهای دیگری بشود و صنایع و معماری زمان مدی در مغرب ایران آشکار و واضح گردد

فصل چهارم

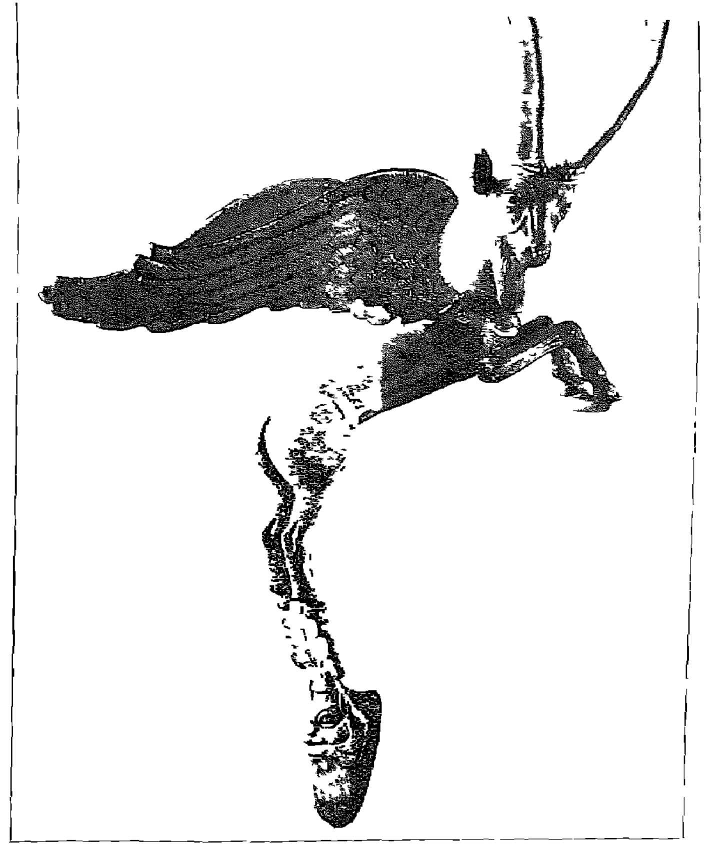
(صنایع امپراطوری قدیم ایران)
یا دورهٔ هخامنشی

درسال ۵۵۰ قبل از میلاد که سال نهم سلطنت وحکومت کورش کبیر بر ممالک کوچک انشان بود، آستیاك پادشاه مدی را مغلوب نموده مالك ممالك او گشت و در مدت ده سال ممالك لیدی و بابل را مسخر کرده حکمفرمای بزرگترین امپراطوری که تا آن عصر تشکیل شده بود گردید.

نویسندگان یونانی کورش کبیر را نه تنها فرماندهٔ خوب و سیاستمداری قابل قلمداد کرده بلکه او را دارای اخلاق و ملکات عالی میدانند. کورش در بعضی از صحف انبیاء بنی‌اسرائیل نیز شخصی بسیار مهم محسوب گردیده و او را نجات دهندهٔ قوم خود از اسارت بابل دانسته‌اند. درحقیقت کورش یکی از بزرگترین نوابغ نژاد آرین محسوب میگردد و نام او در بسیاری از زبانهای دنیا معمول و برجسته است. لوحهای گلی بسیاری راجع بسلطنت و حکومت او در بابل بدست آمده است.

پس از آنکه کورش کبیر امپراطوری خود را از دریای مدیترانه تا سرحد هندوستان بسط داد، بآبادی مملکت وساختمان بناهای عظیم که لائق چنان سلطنت با شکوهی باشد پرداخت وبناهای با عظمتی در پایتخت خود شهر پارساگارد (۱) ساخت. اسم این شهر را نویسندگان یونان اشتباها پازارگاده (۲) نوشته اند در صورتیکه در اصل یونانی پارساگاده و در اصل فارسی قدیم پارساگارد بوده است. این شهر در دشت مرغاب در ۱۴۰ کیلومتری

Parsagard - ۱   Pasargadae - ۲



دستهٔ شکل بز کوهی جام بزرگ طلا و نقره
(عالیترین شاهکار عصر هخامنشی)



سر بز کوهی مفرغی که دقت صنعتی را نشان میدهد
(قرن چهار تا پنج قبل از میلاد)



مجسمهٔ بالدار طالار کورش در پارسا گارد

شیراز حالیه واقع و نزدیك جادهٔ اصفهان بشیراز است درهٔ کوچکی که خرابه های شهر قدیم در آن دیده میشود ۲۴ کیلومتر طول و ۱۵ کیلومتر عرض دارد

۱ – پارساگارد

وقتی از جاده بخرابه های پایتخت قدیم نزدیك میشویم اولین اثر مهمی که از شهر و پایتخت قدیم شاهنشاهان هخامنشی جلب توجه میکند ، قبر خود کورش کبیر است که تاحال برجا مانده ودست نخورده است این مقبره از یك اطاق که سقف آن شیروانی شکل یا بام دو پشته‌ای است تشکیل یافته واز سنگهای تراش بزرگ ساخته شده بنای مزبور روی یك مصطبهٔ هفت رجهٔ سنگی قرار گرفته این رجه‌ها تشکیل پلکانی داده است پلهٔ اول دو رجه دارد و بدینطریق بنا دارای شش پله میشود پله های پائین بلندتر وبا وسعت ترند و بتدریج ازوسعت و بلندی آنها کم میشود اطاق مقبره در داخل فقط دارای سه مترطول و قدری بیش از دو متر عرض است مدخل آن کوتاه و باریك میباشد عظمت این بنا درسادگی آنست دلیل اینکه این بنا دست نخورده آنست که پس از استیلاء عرب این مکان بمسجد مبدل گردید و دور آنرا با ستونهای سنگی محصور نموده و برای مصالح شاید از خرابه های قصر نزدیك استفاده نمودند

خرابهٔ برج سنگی مربعی سر در پارساگارد میباشد که ازحیث ساختمان شبیه برجی است که روی مقبرهٔ پادشاهان هخامنشی در نقش رستم واقع شده است این بنا اگر مقبره بوده معلوم نیست برای که ساخته شده

دروسط شهر باغ بزرگ سلطنتی قرارداشته که بادیوار بلند سنگی احاطه گردیده وسردر زیبای آن در یك گوشهٔ این باغ واقع شده بوده که سقف آنرا هشت ستون بزرگ سنگ آهکی نگاه میداشته است این ستونها ساده و روی تکه سنگهای سیاه مدوری که زیر آنها سنگ سفید گذاشته شده بود قرارگرفته و اختلاف رنگ سیاه و سفید را که در سایر بناهای شهر دیده میشد نشان میدادند

درها در طول عمارت قرار داشته و در طرفین آن تصویر معی که گاوی را برای قربانی میبرد حجاری شده و در انتهاء عمارت تصویر فرشتهٔ بالدار با سر و بنجهٔ عقاب نقش شده است متأسفانه از آثار و بقایای این ابنیه مختصری باقی مانده و بیشتر منبع اطلاعات ما یاد داشتهای پروفسور ا ت اولمستد (۱) استاد دانشگاه شیکاگو که برای نوشتن تاریخ تهیه و اخیراً بدین مقصود بایران آمده بود میباشد

چهارصد قدم دورتر از طالار بدیرائی محلی است که کورش کبیر قصری در آنجا بنا نموده وسعت آن ۷٦ متر در ٤۲ متر بوده است دیوارهای آن از خشت و در جلو دو ردیف ستون چوبی داشته که تقریباً شش متر بلندی آن بوده و این خود دلیل آنست که شاید سبک معماری مدی در ساختن این قصر بی اثر نبوده است

تصویر شاهنشاه بطور برجسته مقابل درهای جلو و عقب طالار بزرگ حجاری شده است و نیز تصویر یکی از خدمه بمقیاس کوچکتر پشت سر وی نقش گردیده پادشاه جامهٔ بلندی در بردارد مرگان و گل لباسش از طلا که در سنگ قرار گرفته ساخته شده است و در چین دامن او نوشته شده «کورش پادشاه بزرگ هخامنشی » بعلاوه کتیبه ای که دعای برکت دادن است به سه زبان نوشته شده

طالار بزرگ ٢٤ متر طول و ۲۲ متر عرض داشته وسقف آن بتوسط سی ستون که در شش ردیف پنج ستونی قرار گرفته نگاهداری میشده بیشتر پایهٔ ستونها برنگ سیاه و بدنهٔ آنها برنگ سفید بوده است این اختلاف رنگ متناسب با کف اطاق بوده، زیرا آن نیز از مصالح سیاه و سفید ساخته شده بوده است سر ستونها از گچ ساخته شده و با الوانی مانند قرمز تیره، آبی آسمانی، فیروزه ای، قهوه‌ای روشن، سبز، زرد و غیره رنگ شده بود شکی نیست که این رنگهای مختلف با پرده های قشنگ طالار و رنگ سیاه و سفید ستونها و کف اطاق جلوهٔ مخصوصی بسالن بزرگ میداده است در آنزمان یعنی ٢٥ قرن پیش یکی از خصائص مخصوص صنعت ایران یعنی ترکیب رنگهای مختلف و رعایت تناسب آنها بخوبی مشهود و هویدا است

Prof A T Olmstead - ۱

مدخل و درگاه‌ها در عرض بنا واقع شده و بتوسط گاو هائیکه بالهای بزرگ داشتند محافظت میشد یکجفت از اینها که در داخل واقع شده بودند، مانند حجاریهای مدخل پارسا باتخت جمشید سر انسان داشتند. درسمت شمال تکه های سنگ آهکی به بلندی سه متر که بشکل فرشته با بالهای بزرگ حجاری‌شده قرار داده بودند. یکی از این مجسمه‌ها با زمان حاضر بخوبی مانده و سابقا تصور میکردندکه تصویر خود کورش باشد، زیرا در بالای آن نوشته شده است «من کورش پادشاه هخامنشی هستم»، ولی بدون شک این مجسمهٔ یك فرشتهٔ محافظ میباشد. این‌مجسمه رابابد بادقت وتوجه درجزئیات‌آن مطالعه نموده تشریح کرد، زیرا نمونهٔ خوبی از مهارت صنعتی آنزمان است و بأثرات منابع مختلفه را بخوبی نشان میدهد. این مجسمه شبیه بعضی صورتهای آسوری ساخته شده است. دست آن در حال برکت دادن بلند است وعصای شریفاتی دردست دارد. پاهای او درحال حرکت، چنانکه در حجاری آنزمان مرسوم بوده است، یکی درجلوی دیگری قرار دارد. لباس او سابان دقت مخصوصی است. جامه‌ای با آستین کوتاه در بردارد که حاشیهٔ آن باگل بطور برجسته تزیین یافته. موهایش از پشت تا شانه میرسد وحلقه حلقه است. آرایش سراو خیلی دقیق وشبیه زینت سر مصریها میباشد و آن عبارتست از سه حلقه که از هریك دسته های نی که بین پر شتر مرغ هستند بیرون میاید و خورشید را نمایش میدهد. کلهٔ آن روی شاخ بز قرار گرفته و در هرطرف آن ماری قرار داده شده است. هر یك از این علامات البته دارای معانی و مختصات مخصوصی بوده است. خود مجسمه چهار بال بزرگ در پشت دارد که دوتای آن رو ببالا و دوتای آن بطرف پائین متوجه میباشد. یك دوره از این تصاویر در روی دیوار تصویرعجیبی تشکیل میداده است.

تقریباً در حدود دویست متر در شمال غربی این عمارت نیز در طالار بدبرائی واقع و در چهار گوشهٔ آن اطاقهای مربعی تشکیل ساخته شده بوده است. بین این اطاقها دهلیزهای طولی قرار داشته که هریك دارای دو ردیف ستون بارتفاع شش متر بوده. قسمت مرکزی یا طالار اصلی دو ردیف ستون بارتفاع ۱۳ متر داشته و این ستونها سقف را نگاه میداشته است. سرایین ستونها معمولاً سراسب، سرگاو نر، یا شیر شاخدار بوده است.

عادت پادشاهان هخامنشی براین بود که کتیبه های خود را بسه زبان ـ فارسی قدیم، عیلامی یا ایرانی و بابلی بنویسند البته برای هرزبان علائم مخصوصی داشتند، اما این علائم عبارت از اشکال گوه‌ای ساده بوده که قسمت پهن تر آن گودتر میبوده ریشهٔ اصلی این خط معلوم نیست، ولی چنانکه در فصل قبل ذکر شد لوحهائی باین خط که بزبان اصلی عیلام میباشد، نزدیك کاشان بدست آمده است این لوحها تقریباً متعلق به ۲۸۰۰ سال قبل از مسیح میباشد

از بین سه زبان مزبور که درکتیبه های داریوش و سلاطین دیگر هخامنشی استعمال شده، زبان فارسی قدیم از همه سهلتر و آسانتر میباشد و آن از سی و شش علامت مرکب است که نمایندهٔ اصوات و سیلاب میباشد و بعلاوه هیجده علامت باعداد اختصاص دارد، چهار علامت مختص اسماء معین است و دو علامت برای جدا کردن کلمات استعمال میشود خط عیلامی یا ایرانی تقریبا از ۱۱۳ علامت که تابحال کشف شده مرکب است مطالعهٔ لوحهائی که جدیداً کشف شده باید عدهٔ این علامات و بطور قطع عدهٔ لغات این زبانرا زیادتر خواهد نمود

زبان بابلی از فامیل زبانهای سامی است وخط آن خیلی مشکل و پیچیده است و از صدها علامت ترکیب یافته که بعضی نمایندهٔ یك حرف، برخی نمایندهٔ یك صدا و عده‌ای نمایندهٔ کلمه یا شیئی مخصوصی میباشند

۳ — بیستون

بدواً لازم است کتیبهٔ داریوش را در بیستون مطالعه کنیم، زیرا این کتیبه یکی از بهترین یادگارهای بزرگ ادبی و تاریخی ایران است در این محل بود که رالینسن (۱) انگلیسی پس از هجده سال مشقت و زحمت بخواندن متن خط فارسی قدیم موفق شده و بدینوسیله معمای بزرگ خط میخی را حل کرد کشف این خط یکی از خدمات برجستهٔ تاریخی محسوب میگردد

متجاوز از دوهزار سال بود که سرّ خواندن خطوط میخی بر کسی معلوم نبود

۱ ـ Rawlinson

متجاوز از دو کیلومتر دورتر از قصر، خرابهٔ معبدی دیده میشود که طبقهٔ اصلی آن از سنگ و بارتفاع شش متر میباشد و در حدود ۷۰ متر در ۴۰ متر وسعت دارد روی آن معبدی از خشت ساخته بودند وبقایای دومذبح سر بسدا شده است

کورش بزرگ بساختن صفهٔ بزرگی اقدام نموده و خیال داشته که در روی آن بناهای سلطنتی دیگری بسازد، ولی از قرائن چنین برمیآید که این سکوی عظیم ناتمام نرسیده در دامن عماراتی که بشرح آن برداختیم شهری بی‌حصا قرار داشته و بهاجیری که در اینمکان باقی مانده است تکه های ظروف سفالین و سنگهائی میباشد که جهت ساختن ابنیه بکار میرفته است

قسمت مرکزی ابنیهٔ پارساگارد بلندتر از اطاقها و ساختمانهای اطراف بوده و بدون شك طالار های بزرگ قسمت مرکزی بوسیلهٔ پنجره‌هائیکه در اطراف عمارت بلند قرار داشته، روشن میشده است شاهکارها وبدایع معماری که بعداً در بناهای عظیم تخت جمشید بعمل آمده دراصل از این ابنیه اقتباس و تکمیل گردیده سپس در تخت جمشید به بهترین نحو آشکار گردیده است اختلاف رنگ سیاه درگاه‌ها با دیوارهای سفید ونیز همین اختلاف رنگ ستونها و کف اطاق چنانکه گذشت بأمر صنعتی قابل توجهی داشته است قبر کورش کبیر با سقف شیروانی شکل وسادگی بنای آن سبك دیگری است ازمعماری عمدهٔ معمولی اینست که قبر کورش تقلید از اسلوب یونانی میباشد، ولی ممکن است که مانند ستونهای مقابر مدی که درفصل گذشته بدان اشاره نمودیم، ابتکار خود ایرانیان باشد

چون بقایای پارساگارد زیاد نیست باید اطلاعاتی که از دیدن این آثار بدست میاید با منابع قدیمه توأم گردد، ولی بگفتهٔ پروفسور اولمستد با اینکه آثار پارساگارد کم است، معهذا تصویری است از تمدن کامل و فرهنگ ملی ایرانیان قدیم

۲ — کتیبه های میخی

قبل از آنکه بشرح آثار داریوش وسلاطین بعد بپردازیم، لازم است اطلاعی در خصوص کتیبه‌ها و زبان و خطوط میخی آنان حاصل کنیم

میباشد این تصویر حجاری شده تصویر دیگری از داریوش میباشد که اخیراً در تخت جمشید کشف شده و بعداً شرح خواهیم داد ریش بلند و گیسوان او با دقت مخصوصی جمع و پیچ داده شده و کمرچینی در بر دارد ارتفاع مجسمه یك متر و هشتاد سانتیمتر میباشد و شاید قد طبیعی داریوش همین اندازه بوده است دو نفر درباری که پشت سر او ایستاده اند تقریباً بهمین طریق لباس پوشیده اند یکی از آنها تیر و کمان شاهی و دیگری سرهٔ شاه را در دست دارد

بالای سر اسراء تصویر اهورمزدا کشیده شده است وهاله‌ای دور سر او را گرفته و بالهای او گشوده است این تصویر علامت جاودانی بوده که درمصر بکار میرفته است

در این کتیبه داریوش اسامی اجداد خودرا ذکرمیکند ومیگوید « هشت نفر از دودمان من پیش از من شاه بوده‌اند من نهمین شاهم از دو سو پادشاهیم» . اگر این مطلب صحیح باشد مسئلهٔ مشکلی پیش میآید، زیرا ما میدانیم که پدر داریوش شاه نبوده بطوریکه از تحقیقات باستان شناسان برمیآید نسب او بقرار ذیل میباشد .

۱ — داریوش هخامنش

۲ — چی اس پس

۵ ـ آریا رامس	۳ ـ کورش اول
۶ ـ آرسامس	۴ ـ کامبیز اول
هیستاسب	۷ ـ کورش کبیر
۹ ـ داریوش اول	۸ ـ کامبیز دوم

و هیچکس نمیتوانست آنرا بخواند یا بریشهٔ آن پی برد و معلوم نبود علاماتی که بر روی سنگ حجاری شده الفباء، سیلاب و یا الفاظ و کلمات است این معما باقی بود تا اینکه رالینسن آنرا حل نموده و بخواندن کتیبهٔ بیستون موفق گشت برای این کار کتیبهٔ بیستون را با کتیبهٔ گنج نامه که در دامنهٔ کوه الوند نزدیك همدان قرار دارد مقایسه نمود محققین دیگر نیز در پی کشف این خط بوده و متن دو زبان دیگر را خواندند، بدینطریق سر هزاران الواح دیگر که در بین النهرین کشف شده بود آشکار گردید

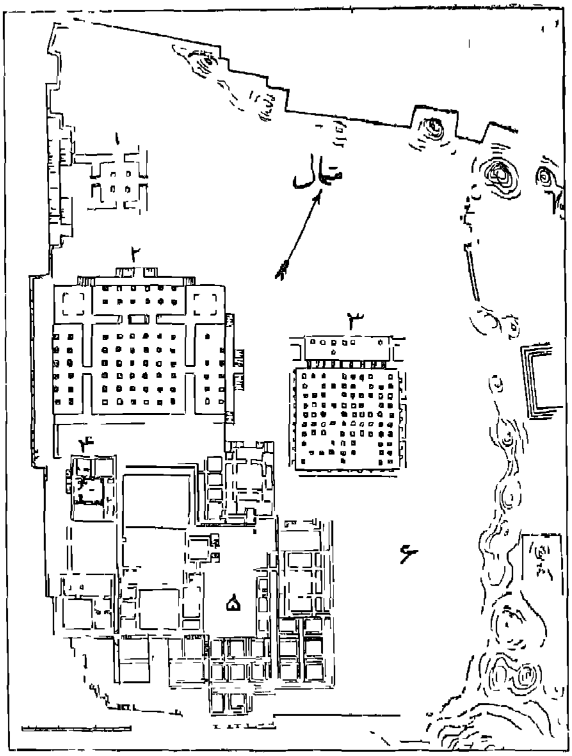
کتیبهٔ بیستون نزدیك جاده است که کرمانشاه و همدان را بهم مربوط میسازد بر روی صخرهٔ پرتگاه بلندی تصویر داریوش کبیر دیده میشود که باندازهٔ هیکل طبیعی ساخته شده است، ولی ارباب کوچکتر بنظر میآیند پشت سر داریوش دو نفر از خدام دیده میشوند در زیر پای او اسیری روی زمین دراز کشیده و در جلوی او نه نفر دیگر از اسراء قرار گرفته و دستهای آنان از پشت بسته و گردنشان را بیکدیگر بسته اند در بالا تصویر اهور مزدا قرار دارد کتیبه هائی در زیر و طرفین این تصاویر حجاری شده است قسمت فارسی قدیم در پنج سطر زیر تصاویر کنده شده است کتیبهٔ عیلامی درطرف چپ آن قرار دارد و ترجمهٔ بابلی آن درقسمت بالا طرف چپ تصاویر نوشته شده کتیبه های دیگر درطرف راست دیده میشود

در زیر پای شاهنشاه گوماتای مغ بر پشت خوابیده و دستهای خود را برای عفو و التماس بلند کرده است اسامی نه نفر دیگر بقرار ذیل است

۱ — آترین شوشی، ۲ — نیدین توبل بابلی، ۳ — فرورتیش مدی، ٤ — مرتیه شوشی، ٥ — چیتران تخمه سا گارتیه، ٦ — وهیزدات، اسمردیس دوم غاصب، ۷ — آرخ بابلی، ۸ — فرادا مروی، ۹ — سکون خای سکیتی تصویر آخری دارای کلاه بلندی است که بدون شك بعداً اضافه شده است

احتمال میرود این تصاویر را بشکل حقیقی اشخاصی که منظور نظر بوده حجاری کرده باشند و یا اقلاً شکل سر و صورت و موی و ریش آنانرا طوری جلوه داده اند که با خصائص و رسوم ملی هر یك مطابقت کند

تصویر شاهنشاه یا شکل حقیقی او و یا تصویری است که تقریباً نزدیك بحقیقت



١ ـ سردر قصر خشایارشاه

٢ ـ «اپدانه» (تالار بزرگ)

٣ ـ تالار صد ستون

٤ ـ قصر داریوش

٥ ـ قصرهای شاهنشاهان بعد از داریوش

٦ ـ محل تالار صد ستون دوم که اخیرا کشف گردیده با دو حجاری روی دیوار که هریك دارای نه تصویر است (رجوع شود صفحهٔ ٧٣)

نقشهٔ تخت جمشید

سردر بزرگ قصر خشایارشاه بالای پله‌ها واقع است و در طرفین آن چهار گاو بالدار که دارای سر انسان میباشند باسلوب آشوریها ساخته شده است این سردر از چهار طرف راه داشته و سقف آنرا چهار ستون نگاه میداشته است کتیبه‌ای روی این بنا نوشته شده و ترجمهٔ آن چنین است « خشایارشاه ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه ممالکی که ملل گوناگون دارد ، شاه این زمین بزرگ و پهناور ، بفضل اهورمزدا این سردر که تمام ممالك را مینماید ساختم چیزهای مهم دیگر سوای این پارسا ساخته شده که من و پدرم بنا کرده‌ایم هر بنائی که دارای منظرهٔ زیبائیست ، تمامی آنرا بفضل اهورمزدا ما ساخته‌ایم » از این عبارات میتوان فهمید که شاهان هخامنشی سعی داشته‌اند در این بناهای عظیم وحیرت‌انگیز زیبائی وقشنگی ایجاد نموده ، صنعت را با عظمت توأم نمایند

علاوه بر مطالب فوق شرح واقعهٔ قتل گوماتای مغ که پس از مرگ کامبیز دوم سلطنت را غصب کرد، ذکر نموده سپس شرح جنگهائی که برضد بزرگان و امراء یاغی کرده میشمارد و در خاتمه هر کس که این کتیبهٔ بزرگ را محو کند لعنت میکند این حجاری در ششمین سال سلطنت داریوش ساخته شده و یکی از مهمترین یادگارهای تاریخی دنیا بشمار میرود کتیبهٔ بیستون از لحاظ صنعت بپای بعضی از حجاریهای تخت جمشید نمیرسد، ولی مهارت زیادی درساختن آن بکار رفته و استادی کارگران ایرانی را که تحت اوامر و دستور دقیق شاه کار میکردند آشکار میسازد

٤ ـ تخت جمشید

بزرگترین آثار معماری و مجسمه سازی ایران قدیم در تخت جمشید است که یونانیان آنرا پرسپولیس مینامند و معنی آن در زبان یونانی «منهدم کنندهٔ شهرها» است این اسم بااشتباهاً ترجمه شده و با اینکه اسکیلوس شاعر معروف یونانی برای شوخی آنرا بکار برده درمنابع اولیه و در کتیبه‌ها لفظ پارسا برای قصرسلطنتی و نواحی اطراف آن استعمال شده است

دیوار نگاهدارندهٔ صفه تقریباً نیم کیلومتر طول دارد و در بعضی نقاط بلندی آن به ۱۳ متر میرسد و ازسنگهای بزرگ ساخته شده است این سنگها یك اندازه نیستند، ولی طوری تراشیده شده‌اند که کاملا بهم متصل و یك پارچه بنظر میآیند مدخل اصلی دارای دو پلکان دو طرفه است و از سنگهای بزرگ بنا شده پله‌ها طوری پهن و کوتاه هستند که جمعیت زیادی میتوانسته بآسانی و بآرامی کامل از آن بالا رود

رو بجنوب است و تنها بنائی است که در این جهت ساخته شده است اهمیت آن بشتر برای سردرها و درگاههای سنگی است که پس از قرنها هنوز بحال خود باقی مانده است در طرفین این درگاهها تصویر پادشاه حجاری شده که بکسی دیوی مشغول است و درباریان او سر خصوص دارند در این تصاویر شاه باروبند طلا بسه و تاج دارد و ریش او از سنگهای ممعدار مصنوعی است

طالار اصلی قصر داریوش مربعی شکل و بضلع ۱۵ متر و بستون بوده است رواقی در طرف جنوب و اطاقهائی باندازه های مختلف در سه طرف دیگر داشته و کلیهٔ بنا بشکل مربع مستطیل بوده است از کتیبه‌های این بنا معلوم میشود که خشایارشاه و اردشیر سوم این بنارا تعمیر داده و بزرگتر نموده اند

دو جفت لوح تاریخ بنا در جعبهٔ سنگی در صفهٔ پارسا بدست آمده است این لوحها از طلاو نقره ساخته شده و هر یك قریب سی سانتیمتر مربع است عبارت ذیل در نهایت قشنگی روی آنها نوشته شده و در نوشتن آنها دقت مخصوصی بکار رفته و نمونه‌است از اهمیت صنعت کتابت در ایران ، از استقرار « اینست مملکتی که من دارم ، از سکائیه و سغدیا تا حبشه و از هندوستان تا سارد که اهورمزدا بزرگترین خداوندان بمن داده »

در سمت مشرق ایدانه بنائی است که معمولاً قصر صد ستون خوانده میشود طالار این بنا از طالار ایدانه بزرگتر است اما ستونهای آن به بلندی ستونهای ایدانه نمیباشد در سمت شمال این بنای مجلل رواقی بوده‌که ۵۶ مترطول و ۱۴ متر عرض داشته است و در طرفین آن گاو های بزرگ بسیار عظیمی از سنگ ساخته شده که هنوز دارای همان جلوهٔ صنعتی میباشد وحتی رنگهائی که برای تزیین آنها بکار رفته اکنون دیده میشود

طالار اصلی اطاق مربعی شکل است که هر ضلع آن هفتاد مترمیباشد ؛ آن برای منبت کاریهای قاب درها و غیره مشهور است ، مخصوصاً تصویر پادشاه که روی تخت خود نشسته و اتباع او از ملل مختلف تخت را نگاهداشته اند خلاصه آنچه که در بنا های دیگر صفه نقش شده در اینجا بطور مینیاتور و بمقیاس کوچکتر تکرار گردیده است .

درجنوب شرقی سرا درطالار بزرگی قرارداردکه به «اپدانه» موسوم است قسمت مرکزی این بنا طالار مربع عظیمی است که هرضلع آن تقریباً ٦٠ متر است رواق یا دالان اصلی روبروی سردر ساخته شده ، ولی درطرف مشرق ومغرب طالار رواقهائی بهمان بزرگی وجود داشته است در زوایای بین این رواقها و رواق اصلی اطاقهای مربعی شکل ساخته شده بوده

سقف طالار بزرگ ٣٦ ستون در شش ردیف داشته که از سرو آزاد پوشیده شده بوده است رواقها هریك ١٢ ستون در دو ردیف داشته ارتفاع این ستونها از هیجده متر و نیم متجاوز بوده است دیوارها از خشت ساخته شده و با کاشیهای نقش گل دار مزین گشته بوده در این طالارهای بزرگ چیزیکه توجه بیننده را بیش از هرچیز جلب مینمود دیوار نبود ، بلکه ستونهای بیشماری بودکه باین طالارها شکوه وجلال میداد عاج طلا و احجار قیمتی در موزائیك کاری طالار بکار میرفته و پرده های گوناگون آویخته میشده و بدینطریق رنگهای مختلف جلوهٔ مخصوصی بطالار میداده بناهای عهد هخامنشی بهترین نمونهٔ جلال و شکوه صنعتی بوده و تا بحال نظیر آن دیده نشده است

ستونهای طالار بزرگ پایه های زنگ مانند داشته و تنهٔ آن دارای دو قسمت بوده قسمت اول ده متر طول و قاشقی تراشیده میشده و قسمت دوم که روی آن قرار داشته و هرچه بالاتر میرفته باریکتر میگردیده هشت متر و دارای سه قسمت مختلف بوده و هرقسمت بطرح مخصوصی حجاری گردیده است قسمت اول عبارتست از یکعده تاج شکل برگ قسمت دوم که قسمت اول وسوم را متصل میسازد مارپیچ است و قسمت سوم بشکل تنهٔ دو گاو نر است که پشت بهم داده تیرهای سقف بین سر این دو گاو قرار میگرفته است روبهمرفته گرچه این ستونها قسمتهای مختلف ونقشهای پیچیده داشته ، اما فوق‌العاده زیبا بوده است . در سائربناهای صفه ستونهائی بهمین شکل و تناسب ولی باندازه‌های مختلف دیده میشود گاهی بعضی از قسمتهای آن حذف شده است

قصرداریوش در مقایسه با طالار بزرگ کوچك و مختصر بنظر میآید این قصر

وقتی که این ابنیه بدست اسکندر کبیر در سال ۳۳۱ قبل از میلاد طعمهٔ حریق گردید این قسمت زیر آوار و خرابهٔ سایر بناها پنهان گردیده بصورت روز اول باقی مانده است و بقدری خوب حفظ شده که حتی طرح و نقشهٔ حاشیهٔ لباس اشخاص دیده میشود و هیچ دست نخورده است مثلا روی میخ یکی از چرخهای عرابه صورت دختری روی سطحی که باندازهٔ یک نمر بیست بیش نیست نقش شده است این تصویر مانند روز اول صاف و بی‌عیب مانده است این حجاری مفصل سلام رسمی عید نوروز را نشان میدهد که اعضاء دربار، صنوف ارتش و نمایندگان ملل تابعه برای احترام و تبریک شاهنشاه خود گرد آمده اند

درمرکز این حاشیه علامت اهورمزدا کنده شده، ولی تصویر او نشان داده نشده است تصویر مرغی خیالی (عنقا یا سیمرغ) که بال های خود را بعلامت پرستش واحترام بلند نموده است، روبروی نقش اهورمزدا کشیده شده است دو نفر از سپاهیان مخصوص پادشاه در طرفین قسمتی که خالی مانده و کتیبه روی آن نوشته شده است، بحالت سلام ایستاده اند و در طرفین درختان زیتون یا بوته های پاپیروس قرار داده شده است وقتی از مرکز حاشیه بانتهای آن متوجه شویم در فواصل معین تصویر درختان یا بوته ها که بواسطهٔ صعود پلکان شکل مثلثی بخود میگیرند دیده میشود در انتهاء حجاری تصویر شیر سبعی که به پشت گاوی جهیده و دندانهای خود را بدن او فرو برده است جلب توجه میکند

در قسمت اصلی حاشیه عده ای از سربازان معروف به جاویدان که نگاهبان شاهنشاه بوده اند دیده میشوند عدهٔ این سربازان در هیچ موقع از ده هزار نفر کمتر نمیشد و معروفترین واحدهای ارتش بوده در این حجاری بیش از صد نفر از آنان بحالت نظامی تربیت شده ایستاده اند و نیز خدمهٔ درباری و نجبا که سلام نوروز حاضر شده اند دیده میشوند، بعلاوهٔ نمایندگان ملل مختلفه واقوام تابعه ازتمام قسمتهای امپراطوری که هدایای خودرا به پیشگاه شاهنشاه میاورند در بین آنان تقریبا بیست و هشت نفر اقوام و ملل مختلفه از روی لباس و کلاه و غیره تشخیص داده میشوند

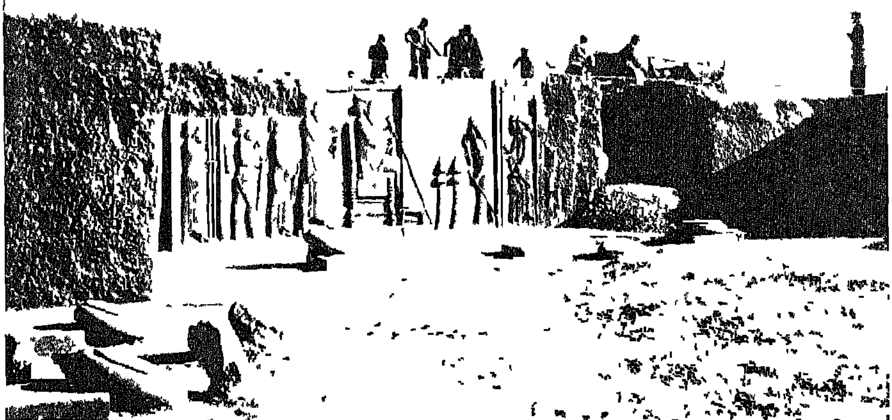
سقف این ساختمان مطابق تصور مردود ده ردیف ستون ده ستونی آنرا نگاه میداشته که ارتفاع این ستونها کمی بیش از ۱۱ متر بوده است سقف رواق شمالی بوسیلهٔ شانزده ستون که دردو ردیف قرار داشته نگاهداری میشده روایت است که اسکندر کبیر قبل از آنکه مرتکب آتش زدن این آثار تاریخی شود، در همین طالار مجلس جشن و سرور داشته و بنوشیدن شراب و عیش و نوش مشغول بوده است

در جنوب غربی طالار صد ستون بنای کوچکی است که دارای چهار ستون اصلی است واز چهار طرف باز میباشد ممکن است که این بنا معبد بوده باشد گرچه ازجهت بزرگی اهمیتی نداشته، ولی با اینحال در روی صفه حائز موقعیت مرکزی مهمی بوده است

خشایارشاه و اردشیر سوم قصرهای دیگری در جنوب صفه بنا کرده اند که ذکرجزئیات آن چندان فائده نمیباشد ولی باید گفت که در زمان اردشیر سوم، با اینکه او سعی کرد که صنعت را بهمان میزان ومرتبهٔ عالی که در زمان اجدادش بود برساند، انحطاطی درصنایع معماری حاصل گردید در اینهای جنوب شرقی، یك طبقه پائین تر، اندرون سلطنتی بنا شده بود وزنان قاصل سلطنتی در آن منزل داشتند این بنا را مکتشفینی که درصفه مشغول عملیات حفاری بودند تعمیر نموده و بصورت اصلی در آورده در آن اقامت نمودند

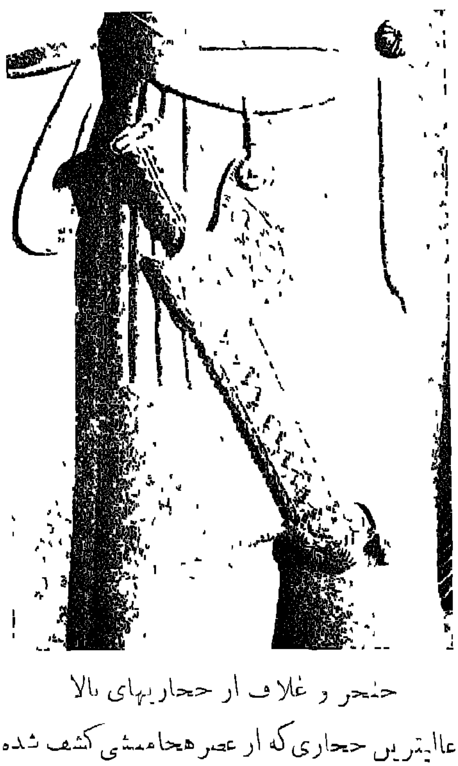
روی دیوار جنوبی صفه کتیبه ایست که اهدا و تقدیس تمام صفه را میرساند در این کتیبه خدای دار یوش ستایش شده و نام ملل تابعه ذکر گردیده است عشق وعلاقهٔ پادشاه را بمملکت و احترام و ستایش او را نسبت به رعایا میرساند قسمتی از عبارت کتیبه بقرار ذیل است « اینست مملکت پارس که اهورمزدا بمن داد زیبا و دارای اسبان خوب و مردان نیك است بفضل اهورمزدا این کشور از دشمنی باك ندارد »

روی دیوار شمالی صفه که ابتدانه با طالار بزرگ قرار دارد، حاشیه ای است که دارای سه ردیف میباشد که رو بهم ساخته شده طول این حجاری ۹۳ متر است که در ازمنهٔ قدیمه صدمهٔ زیاد دیده، ولی خوشبختانه مکتشفین مؤسسهٔ شرقی دانشگاه شیکاگو حجاری نظیر آنرا که عیناً مثل همان میباشد درقسمت شرقی صفه کشف نموده اند گویا



حجاری تخت جمشید و حجاری داریوش کبیر و اشخاص دیگر

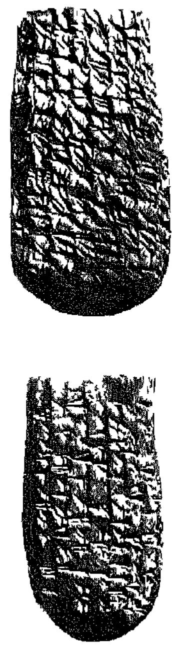
(از گزارش دکتر اریك اسمید به دولت شاهنشاهی ایران)



خنجر و غلاف از حجاریهای بالا

عالیترین حجاری که از عصر هخامنشی کشف شده

([illegible] ۷۳ [illegible] ۷۶ [illegible])

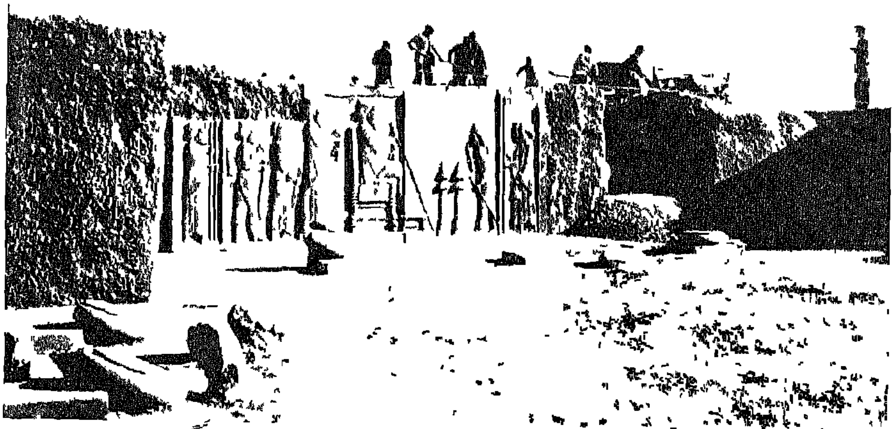


لوحهای خط میخی از تخت جمشید

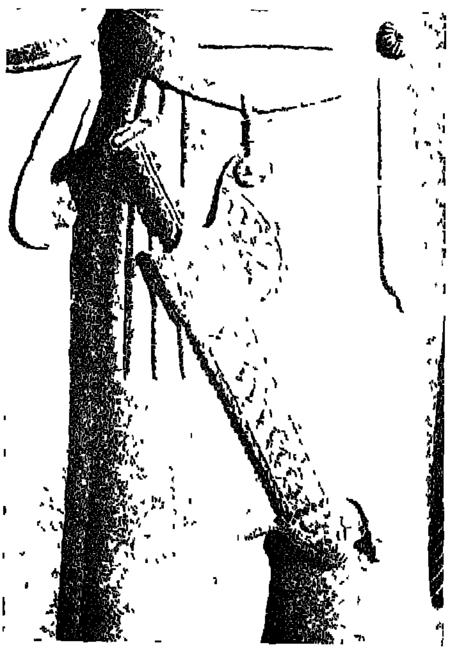
قسمتی که در این حاشیه بیشتر توجه صنعتگر و اهل فن را جلب میکند تصاویر حیوانات است که بسیاری از آنها را بعنوان هدیه برای شاهنشاه آورده اند در بین این حیوانات گوسفند، گاو، شتر، اسب، قاطر و حتی زرافه نیز دیده میشود. شیر ماده‌ای در بین این حیوانات است که دو بچهٔ او را از عقب حمل میکنند. علاقهٔ ایرانیان بحیوانات و نیز مهارت آنان در ساختن و نشان دادن تصویر آنها در اینجا بخوبی نشان داده میشود این مهارت از قرون گذشته بایرانیان رسیده، چنانکه در عصر مفرغ نمونهٔ آنرا در صنایع آنعهد مشاهده نمودیم. این تصاویر با اینکه از روی اصول رسمی صنعتی آن زمان ساخته شده معهذا با روح و قوه میباشد و منتهی ترقی صنعتی حجاری را در عصر هخامنشی نشان میدهد. قسمتهای مختلف این حاشیه بتوسط درختان سرو از یکدیگر جدا شده است.

نکتهٔ جالب توجه این حجاری نمایش حرکت این جماعت است که مانند عبارت منظوم موزون میباشد. واحد این وزن فضائی است که بتوسط یکنفر اشغال شده و در هر تصویر این واحد مراعات شده و تناسب از دست نرفته است. اشیاء و تصاویر بزرگ تقریباً سه یا پنج واحد را اشغال میکنند و بدینطریق تناسب حفظ شده و کلمهٔ حجاری با آهنگ و وزن شعر بزرگی روی سنگ در حرکت است. نتیجهٔ این مهارت در نظم و فاصله دادن تصاویر در اینست که آن حاشیهٔ طولانی خسته کننده نیست.

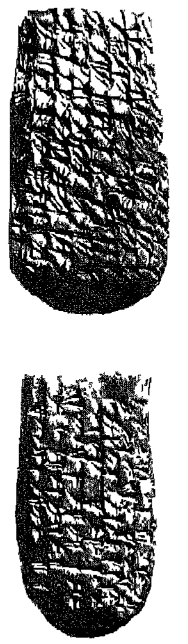
وقتی تصاویر حیوانات با تصاویر انسان مقایسه شود، شاید بنظر آید که صور انسان خشك و بیروح است. تمام تصاویر انسان در آنزمان بحالت نیمرخ که یك پا جلوی پای دیگر گذارده شده رسم و حجاری میشده. معلوم میشود که صنعتگران هنوز موفق بترسیم تمام صورت اشخاص نشده بودند. این اشکال در صنایع قدیم سائر ملل نیز دیده میشود. باید بخاطر داشت که هیکل انسان بالنفسه مورد توجه صنعتگر آن زمان نبوده است، زیرا بدن در زیر لباس مستور است و خوب نمایش داده نمیشود. و نیز از قرائن معلوم است که عادت و رسم صنعت آن زمان نبوده که تصویر زنان را رسم کنند. یا اینکه تصویر زنان خانوادهٔ سلطنتی ممنوع بوده است. تصویر مردان اشکال اشخاص مخصوص و معینی نیست، بلکه در اغلب موارد نمونه‌ایست از ملت یا قوم مخصوصی. اگر چه این حجاری طبق نقشه‌ای که قبلا



حجاری تخت جمشید و حجاری داریوش کبیر و اشخاص دیگر
(از گزارش دکتر اریک اشمید به دولت شاهنشاهی ایران)



خنجر و غلاف از حجاریهای بالا
عالیترین حجاری که از عصر هخامنشی کشف شده
(به صفحه ۷۳ و ۷۴ رجوع شود)



لوحهای خط میخی از تخت جمشید

قسمتی که در این حاشیه بیشتر توجه صنعتگر و اهل فن را جلب میکند تصاویر حیوانات است که بسیاری از آنها را بعنوان هدیه برای شاهنشاه آورده اند در بین این حیوانات گوسفند، گاو، شتر، اسب، قاطر و حتی زرافه نیز دیده میشود شیرماده‌ای در بین این حیوانات است که دو بچهٔ او را از عقب حمل میکنند علاقهٔ ایرانیان بحیوانات و نیز مهارت آنان در ساختن و نشان دادن تصویر آنها در اینجا بخوبی نشان داده میشود این مهارت از قرون گذشته بایرانیان رسیده، چنانکه در عصر مفرغ نمونهٔ آنرا در صنایع آنعهد مشاهده نمودیم این تصاویر با اینکه از روی اصول رسمی صنعتی آنزمان ساخته شده معهذا با روح و قوه میباشد و منتهی ترقی صنعتی حجاری را در عصر هخامنشی نشان میدهد قسمتهای مختلف این حاشیه بتوسط درختان سرو از یکدیگر جدا شده است.

نکتهٔ جالب توجه این حجاری نمایش حرکت این جماعت است که مانند عبارت منظوم موزون میباشد واحد این وزن فضائی است که بتوسط یکنفر اشغال شده و در هر تصویر این واحد مراعات شده و تناسب از دست نرفته است اشیاء و تصاویر بزرگ تقریباً سه یا پنج واحد را اشغال میکنند و بدینطریق تناسب حفظ شده و کلمهٔ حجاری با آهنگ و وزن شعر بزرگی روی سنگ در حرکت است نتیجهٔ این مهارت در نظم و فاصله دادن تصاویر در اینست که آن حاشیهٔ طولانی خسته کننده نیست

وقتی تصاویر حیوانات با تصاویر انسان مقایسه شود، شاید بنظر آید که تصویر انسان خشك وبیروح است تمام تصاویر انسان در آنزمان بحالت نیمرخ که یك پا جلوی پای دیگر گذارده شده رسم و حجاری میشده معلوم میشود که صنعتگران هنوز موفق بترسیم تمام صورت اشخاص نشده بودند این اشکال در صنایع قدیم سائر ملل نیز دیده میشود باید بخاطر داشت که هیکل انسان بالنسبه مورد توجه صنعتگر آن زمان نبوده است، زیرا بدن در زیر لباس مستور است وخوب نمایش داده نمیشود ونیز از قرائن معلوم است که عادت ورسم صنعت آنزمان نبوده که تصویر زنان را رسم کنند با اینکه تصویر زنان خانوادهٔ سلطنتی ممنوع بوده است تصویر مردان اشکال اشخاص مخصوص و معینی نیست، بلکه در اغلب موارد نمونه‌ایست از ملت یا قوم مخصوصی اگر چه این حجاری طبق نقشه ای که قبلا

تهیه شده بود ساخته شده و برحسب فرمان شاه بوده است ، ولی با دقت و مطالعهٔ مخصوصی در مجسمه ها میتوان کار صنعتگران مختلف را تشخیص داد

بالاخره میتوان گفت که عمق کم ومهارتیکه در کندن صورتها بکار میرفته این نوع حجاری و برش را مناسب طالار و رواقهای اطراف مینموده است در اینجا صنعت حقیقی بمقیاس بزرگ نمایش داده شده است البته اقتباس زیادی از ملل دیگر شده ، ولی حجاری عصر هخامنشی نماینده است از صنعت ، اخلاق و شاهکارهای ایرانیان آنزمان

در قسمت عقب این صفه در دامنهٔ کوه ، سربازخانهٔ سربازان جاویدان قرار داشته در نتیجهٔ اکتشافات اسلحه های آهنی و مفرغی از قبیل شمشیر ، خنجر ، سرتیر و دهنهٔ مفرغی در این نقطه بدست آمده است مهمترین نتیجهٔ اکتشافات این محل دو حجاری روی دیوار است که هریك دارای یه صورت میباشد از اینقرار داریوش روی تخت سلطنت جلوس نموده و پشت سر او خشایارشاه ایستاده است هرکدام یك شاخه گل «لوتس»(۱) که دارای دوغنچه میباشد در دست دارد بقرارمعلوم این گل علامت مقام سلطنت بوده است در جلوی شاه دو پایه یا سکوی کوچك دیده میشود که شاید روی آن بخور میسوزانیده اند و در حجاری طالار صد ستون نظائر آن دیده میشود دراین حجاری متظلمی در لباس مدی دیده میشود که دست راستش را برای احترام مقام سلطنت روی دهان خود گذاشته است . پشت سر او دو نفر از مستخدمین دربار ایستاده‌اند پشت سر تصویر خشایارشاه و در جهت مقابل آنهائیکه شرح دادیم ، چند نفر ایستاده اند که یکی از آنها کلاه ایرانیان قدیم را که معمولاً « باشلق » مینامند ، بر سر و حربه‌ای در دست دارد که بشکل دستمال یا سفره بنظر میاید پشت سر او اسلحه‌دار سلطنتی ایستاده و تیر و کمان وگرز شاهی را در دست دارد و خنجری بکمرخود بسته که غلاف آن از بهترین نمونهٔ زرگری حجاری عصرهخامنشی است که تابحال کشف گردیده و لبهٔ کمر او نیز با گل لوتس زینت یافته‌است قسمت بالای‌غلاف خنجر عبارتست از تصویر دو مرغ خیالی (عنقا یا سیمرغ) در طول غلاف نیز کوهی

---

۱ - Lotus



سر ستون از دو گاو که پشت بهم داده‌اند (تخت جمشید)



نمایندگان اقوام تابعه با هدایا برای شاهنشاه ایران. این حجاری روی پلکان سنگ
نقاشی اشخاص وحیوانات را نشان میدهد (اهداء بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو)

مجمره در وسط قرار دارد و در طرفین آن دو سر ستون تراشیده شده که بالای هر یک مجسمهٔ دو گاو نر است. کتیبهٔ سردر در روی این دو ستون قرار گرفته که خود و قسمت بالا یعنی نمای آن مربع است. این سردر نمونهٔ بسیار خوبیست از منظرهٔ جلوی بناهای هخامنشی

در قسمت فوقانی صلیب بزرگ فوق‌الذکر رعایا و اتباع ملل مختلفه در دو ردیف یکی بالای دیگری دیده میشوند. سکوئی که داریوش روی آن استاده بوسیلهٔ آنها نگاهداری میگردد. تصویر اهورمزدا در بالای سر داریوش روی آتش مقدس درحال پرواز است. در این کتیبه ها داریوش فتوحات خود را شرح داده و آخرین وصیت خود را مینماید و مردم را باخلاق حمیده و رفتار نیکو توصیه کرده پند میدهد و مخصوصاً تأکید میکند که جانب راستی را همیشه شعار خود قرار دهند

۵ - اکباتان

شهر همدان حالیه روی خرابه‌های اکباتان قدیم قرار دارد. اکباتان پایتخت امپراطوری مدی بوده و بعد که جزء ممالک شاهنشاهان هخامنشی گردید در آنجا نیز عمارات عظیم بنا شد. سقف این بناها از سفال و با فلزات قیمتی پوشیده شده بوده است. در اکباتان قدیم هنوز حفاری و کاوش نشده و بنابراین اطلاعات زیادی از این منطقه در دسترس نیست

۶ - شوش

در فصل دوم بکاوشهائیکه توسط باستان شناسان فرانسوی در شوش شده اشاره نمودیم. اینک شرح بناهای عصر هخامنشی میپردازیم. تعیین و تشخیص شکل اصلی عمارات این زمان در شوش بمراتب مشکلتر از تخت‌جمشید بوده، زیرا این ابنیه نه تنها بدست اسکندر مقدونی منهدم گردید، بلکه در زمان ساسانیان شاپور دوم شهر جدیدی بنام ایرانشهر یا شاهپور در این محل بنا نمود. این نوع ساختمانهای جدید بیش از خرابیهای عمدی علائم

در یك خط ایستاده و سر های خود را برگردانیده اند قسمت بائین غلاف بشکل سر قوچ ساخته شده است خنجرگان صنعت این غلاف خنجر را فوق‌العاده زیبا و یکی از شاهکارهای صنعتی میدانند پشت سر اسلحه دار شاهی دو نفر از سربازان جاویدان بحالت خبردار ایستاده اند بطور کلی این حجاری یکی از بهترین نمونهٔ صنعت عصر هخامنشی است

طالار صد ستونی دیگر بشکل مستطیلی اخیرا در اینمحل کشف گردیده و ظروف سنگی شکستهٔ بسیار و اشیاء دیگر در خرابه های آن بدست آمده است

در مدخل صفهٔ بزرگ در طرف شمال نزدیك کوه ، باستان شناسان اکتشاف مهمی نموده اند و آن اینست که در اطاقی زیر زمین ۲۹ هزار لوح گلی کشف کردند اغلب این لوحها بزبان عیلامی یا ایرانی است بابل زبان پیش از این لوح زیادی پیدا شده بود بسیاری از آنان بزبان آرامی میباشد و اخیراً کشف نموده اند که اغلب کارهای امپراطوری ایران باین زبان اداره میشده است پرفسور هرتسفلد در قبر داریوش که بعداً بیان میشود کتیبه‌ای کشف نموده که بخط آرامی است و احتمال میرود بزبان فارسی باشد برای نوشتن آرامی الفباء عبری بکار میرفته و این خط از خطوط میخی ساده‌تر و آسانتر بوده است در کتیبهٔ بیستون آنجا که داریوش میگوید « زبانرا بنوشتن آوردهام » شاید مرادش قبول الفباء عبری باشد

پشت صفهٔ بزرگ پارسا و روی کوه در طرف جنوب ، سه مقبرهٔ شاهی است که آخرین آنها نیمه تمام است این مقبره ها بسبك مقبرهٔ داریوش و سه مقبرهٔ دیگر که در نقش رستم در چندکیلومتری صفهٔ تخت جمشید میباشد ، ساخته شده است مقبرهٔ داریوش بواسطهٔ دو کتیبهٔ مطول مشهور میباشد یکی از این کتیبه‌ها تقریبا محو شده بود ، ولی پرفسور هرتسفلد پس از یکسال زحمت و مطالعهٔ دقیق در استنساخ حروف میخی موفق بخواندن و ترجمهٔ آن گردید

در صخرهٔ بزرگ ، گودی بشکل صلیب تراشیده و مقبره ها در این گودی ساخته شده است بلندی آن ۲۲ متر و عرض آن نیز در همین حدود است مدخل اطاق

نمایانده شده است و با قدمهای منظم و دهان باز حرکت میکنند کنار این حاشیه بطرحهای مثلثی شکل و نگارك «لوتس» مزین گردیده است

حاشیهٔ سراندازان، سرباران مشهور جاویدان را نشان میدهد که بحالت سلام ایستاده نیزه‌های خود را درمقابل خود با هردودست گرفته‌اند کمانی روی شانهٔ هریك آویزان است و ترکش بر پشت دارد زلف مجعد آنها بوسیلهٔ نوار زرد بسته شده است و جامهٔ بلندی در بر دارند که تا قوزك پای آنان میرسد و آستینهای بلند دارد حاشیهٔ لباس آنها پرکار و به رنگهای مختلف است، گوشواره و دستبند طلا دارند و سرهٔ طلائی آنان گاوانهٔ مدوری از نقره در اینها دارد و روی صفحهٔ پای جلو قرار داده شده است کفشهای آنان بند دار و از چرم زرد رنگ است رنگ چهرهٔ آنان از سفید تا خیلی سیاه تغییر مینماید بعبارت‌اخری بعضی سفید و برخی سیاه رنگ هستند

نقشهٔ برجستهٔ دیگری روی کاشی در شوش پیدا شده که حیوان مرکب عجیبی را نشان میدهد بدن این حیوان بالدار مانند مرغ خیالی میباشد و شاخهائی مانند شاخ بز دارد سر و پاهای جلو او مثل شیر است و پای عقبش شکل چنگال پرندهٔ بزرگی است رنگ اصلی و مهم این کاشی زرد، سبز و قهوه ای میباشد

۷ - نمونهٔ صنایع در سائر نقاط

پس از حجاریهائیکه توسط شاهنشاهان هخامنشی و بدستور آنان انجام یافته، نمونهٔ دیگری از صنایع عصر هخامنشی کمتر دیده میشود از جمله در آسیای صغیر حاشیهٔ سنگی پیدا شده که تصویر چند نفر زن را نشان میدهد که بر اسب سوارند و نوکران در جلوی آنها حرکت میکنند این حجاری از آن جهت مهم است که چنانکه مذکور شد در هیچیك از حجاریها زن مشاهده نمیشود و نیز اثر نفوذ صنعتی یونان در آن بخوبی هویدا است در یکی از ایالات مغرب مملکت شاهنشاهی حجاری دیگری پیدا شده و آن عبارت از تصویر عرابه و رانندهٔ آنست و اسبان آن در حال دویدن میباشند از این زمان حجاری دیگری بدست آمده که مجلس و تشریفات قربانی گاوی را که مغی بر آن

ساختمانهای سابق را محو میسازد

با وجود این بنابای طالار بزرگی تشخیص داده میشود که بسبک ابنابای تخت جمشید توسط داریوش اول ساخته شده بوده است در یکی از کتیبه ها داریوش جزئیات ترسیم و نقاشی و کارگران ملل مختلفی که در ساختمان آن شرکت نموده اند شرح داده اردشیر دوم در یکی از کتیبه‌های خود میگوید که او این طالار را پس از آنکه در زمان پدر بزرگش اردشیر اول در اثر حریق منهدم گردیده مجدداً بنا نموده است در نتیجهٔ کاوشهائیکه شده میتوان این ساختمان دو پاره را از بنای اولیه که توسط داریوش ساخته شده بوده تشخیص داد این طالار بزرگ دارای همان ستونهای عظیمی که در بناهای تخت جمشید شرح دادیم بوده و خود طالار مربع و بضلع ۵۹ متر بوده است

خرابه‌های قصر دیگری‌که تصور میرود در زمان داریوش اول ساخته شده باشد در شوش پیدا شده است سبک این بنا با سائر ابنیهٔ هخامنشی فرق دارد؛ زیرا در وسط دارای صحن و حیاطی میباشد اطاق اصلی در طرف جنوب این صحن و اطاقهای دیگر در سائر جهات آن ساخته شده بنظر میاید که این سبک ساختمان بعدها در ایران شیوع پیدا کرده و عمومیت یافت، بنای هخامنشی در شوش شایان دقت و اهمیت است در و پنجره و سقف چوبی این بنا مانند سائر ساختمانهای هخامنشی در پایتختهای دیگر از فلزات قیمتی مانند طلا و نقره پوشیده و تزیین شده بوده از لحاظ صنعت مهمترین چیزی که از زمان هخامنشی در شوش بدست آمده دو حاشیه میباشد که از آجر لعاب دادهٔ براق ساخته شده و معروف به حاشیهٔ شیران و حاشیهٔ تیر اندازان میباشند در حاشیهٔ دوم یعنی تیراندازان یکعده از سربازان جاویدان نشان داده میشوند تصاویر سربازان جاویدان از آجرهای رنگارنگ براق ساخته شده و برای نمودن مهارت و صنعت کارگران فرصت خوبی بوده این قسم آجرها را از گچ میساختند و در حرارت زیاد می‌پختند و در عمل آوردن آنها اصول فنی را مراعات مینمودند که در بابل و آشور سالها قبل از آن معمول و مرسوم میبود

در حاشیهٔ رنگارنگ شیران عضلات حیوانات بطرز معمول صنعت آنزمان

بادشاه و یکی از موبدان و عرابه‌ای با اسبهایش و چیزهـای دیگر بوده در مجموعه های شخصی و موزه‌های ملی نمونه های دیگری از صنایع فلزی ایرمان بدست میاید

یکی از بهترین نمونه‌های صنعتی ایرمـان یك جفت دستهٔ ظرف مشروب خوری میباشد که بشکل بز کـوهی بالدار ساخته شده است یکی از آنها در موزهٔ لوور پاریس و دیگری در موزهٔ دولتی برلن است این دسته ها از مفرغ ساخته شده و در ساختن آنها طلا و نقره نیز بکار رفته است از حیث زیبائی در ساختن و استادی در تجسم شکل حیوانات این یك جفت مجسمه بز کوهی بالدار بی نظیر است مجسمه های دیگری از این حیوان باشکال و حالات مختلف دیگر پیدا میشود

دو جام شراب نقره از آنزمان موجود است که یکی در موزهٔ بریتانیا و دیگری در موزهٔ هرمیتاژ در روسیه میباشد پایهٔ اولی عبارتست از مجسمهٔ مرغ خیالی که دارای شاخ و منقار میباشد و دیگری مجسمهٔ بز کوهی است که بـال ورش دارد

دست بند و بازوبندهای طلا از زمان هخامنشی بدست آمده اینها کاملاً مدور نیستند بلکه معمولاً در قسمت مقابل بست قدری فرو رفتگی دارند تصویر مرغ خیالی با شاخ و منقار روی این دست بندها و بازوبندها نقش شده است در موقع ساختن کانال کورنت در یونان یك جفت بازو بند طلای خالص پیدا شد که در دوسر آن یکطرف سر قوچ و طرف دیگر سر بز کوهی ساخته شده این بازو بند بدون شك از صنایع زمان هخامنشی است

ب — مهرها

دیگر ازصنایع عصرهخامنشی حکاکی مهر است که رویسنگهای قیمتی حك میشده و این صنعت را میتوان مجسمه سازیهای بسیار کوچك نامید، ولی با این تفاوت که بجای آنکه مانند حجاریهای بزرگ تصویر را بطور برجسته بکنند، آنرا در سنگ نقش کرده اند در ایرمـان شکل استوانه‌ای بیش از سایر اشکال شایع بوده است برای اینکار استوانهٔ

نظارت مینماید نشان میدهد این حجاریهای کوچك در نقاطی خارج از مملکت ایران پیدا شده و دلیل آنست که صنعت منحصر بخاندان شاهنشاهی نبوده ، بلکه دیگران نیز در اطراف و اکناف بدین قبیل کارها مبادرت مینمودند

گرچه نوشته اند داریوش مجسمهٔ تمام بدن خود را در حال سوار بر اسب در اکباتان نصب نموده بود، ولی این قبیل مجسمه سازی از آن زمان خیلی کم بدست آمده است مجسمهٔ گاوی نر با ماده نزدیك صفهٔ تخت جمشید پیدا شده و نیز مجسمه‌ای که در نزدیکی همدان واقع و به سنگ شیر معروف است ممکن است مجسمهٔ گاوی از دورهٔ هخامنشی باشد در حفاری و کاوشهای اخیر تخت جمشید مجسمه ای از سنگ سیاه پیدا شده که دارای سر انسان و تنه گاو میباشد ریش مجعد بلند دارد و روی پاهای جلو زانو زده یکی دو مجسمهٔ سنگی دیگر نیز از زمان هخامنشی بدست آمده، ولی رویهمرفته وقتی که با حجاریهای بسیار روی سنگ مقایسه شود می‌بینیم که مجسمه ای که تمام بدن را بنماید کم است

الف ـ صنایع فلزی

تا آنجا که ما اطلاع داریم داریوش اولین شاهنشاه ایراست که بضرب سکهٔ فلـزی پرداخت سکهٔ طلائی او موسوم به داریك در تمام دنیای آنوقت معمول و متداول بوده و سکهٔ نقره نیز ضرب نموده است

شاید اولین نمونهٔ فلزکاری هخامنشی لوح طلائی باشد که در زیر بنای عمارتی گذاشته شده بوده و متعلق بزمان آریارامنس جد اعلای داریوش کبیر است این لوح در همدان پیدا شد و بنظر میاید که آن در زیر بنائی در پارس بوده و شاید بعد در زمان مدتی جزء غنائم جنگی باکباتان آمده باشد

نمونهٔ زیادی از صنعت فلزکاری زمان هخامنشی بدست آمده است که دلالت بر استادی و سلیقهٔ عالی صنعتگران در این قسمت مینماید درمیان اشیاء معروف به گنج جیحون که اکنون در موزهٔ بریتانیا درانگلستان میباشد، اشیاء نفیس زیادی مانند مجسمهٔ

مستطیلی میباشد که از هر طرف آن سفاله سر میرید ؛ ستارهٔ هشت پری است که روی زمینهٔ زرد و صفحهٔ مدوری نقش شده و نیز گلهائی برنگ سبز و زرد روی زمینهٔ سفید کشیده شده است. شاید این گل برای زینت جدا گانه بلباس متصل میشده و روی خود پارچه بافته نشده باشد ؛ ولی در هر حال صنعت ساجی ترقی خیلی زیادی کرده بوده. همچنین در کتاب استر کتان و پارچهٔ ارغوانی بعلاوهٔ پارچهٔ رنگارنگ دیگر که از البسهٔ سلطان میباشد مذکور است. البته نمیتوان انتظار داشت که پس از سالیان دراز و قرون متمادی نمونه‌ای از صنعت ساجی آن عصر مانده باشد.

نتیجه

اطلاعات مهم ما راجع بصنایع ایران در زمان هخامنشی بیشتر در قسمت معماری و حجاری است. در اثر کاوشها و حفریات علمی سالهای اخیر میزان اطلاعات و نمونه‌های حجاری برجسته از صنایع عصر هخامنشی دو برابر شده است.

انتقادی که از معماری زمان هخامنشی شده است که ستونهای ضخیم و عظیم سنگی را برای نگاهداری سقف سبك چوبی که از صفحات فلزی پوشیده میشده زیاد و غیر لازم دانسته و برخلاف قواعد معماری میدانند ؛ ولی باید دانست که انتقاد کنندگان عادت کرده اند معماری یونان را میزان اصلی کلیهٔ معماریها بدانند و همه را با آن مقایسه و قضاوت نمایند. معماران ایرانی همان سرها و سرتیرهای چوبی که قرنها در معماری مدی استعمال میشده بسنگ تبدیل نمودند و از این عمل منظور آن بوده که بیننده را با ردیف ستونهای ضخیم و ظاهراً بیشمار خیره نمایند و از این راه عظمت و جلالی بساختمانها بدهند و بدون شك تأثیر این ستونها با آن نقشهای عالی و زینتهای مفصل و نفیس و پرده های رنگارنگ منظرهٔ باشکوهی بطالارها و عمارات آن زمان میداده و هر بیننده را خیره و متحیر مینموده است.

سر ستونهائی که اخیراً در پارساگارد کشف گردیده و بشکل حیوانات عجیب

سنگی کوچك روی لوحی از گل یا مصالح دیگر با فشار عاطانده میشد و بدینطریق علامتی از خود بطرز برجسته نقش میکرد

در بین نقشهای انگشتریها منظرهٔ شکار زیاد است و مهر داریوش از مهمترین اقسام این نوع مهر میباشد و نقش آن عبارتست از شاهنشاه که تاج برسر داشته و با عرابه ران خود در عرابه نشسته است و با تیر و کمان شیرها را هدف قرار داده شیری که دو تیر خورده جلو او روی دو پا بلند گردیده و شیر دیگری در زیر عرابه افتاده و کشته شده است تصویر اهورمزدا بالای سر شاهنشاه نشان داده و درختهای نخل در طرفین او کشیده شده و نوشته ای بخط میخی در یکطرف منقوش است

موضوعهای دیگری که در روی مهرهای انگشتریها دیده میشود اهمیت شاهنشاه را در کشتن حیوانی که بشکل شیر میباشد نشان میدهد و شباهت به نقش درگاه قصر داریوش در تخت جمشید دارد شکل دیگری پیدا شده که دارای سر انسان و بدن گاو نر است و تقریباً شبیه به تصویر ابوالهول میباشد مهر دیگر مردی را نشان میدهد که برانیدن چند گاو و کوهان دار مشغول است گمان میرود زینی که در روی بعضی از مهرها دیده میشود همان اناهیت ربه النوع باشد

مهرهای انگشتریها از حیث کار و نقش و سائر جهات صنعتی اغلب بهتر از مهرهای زمانهای بعد است

ج ـ بافندگی

آنچه تاحال معلوم شده نمونه‌ای از صنعت بافندگی زمان هخامنشی باقی نمانده است این صنعت ترقی زیاد کرده بوده زیرا وقتی اسکندر کبیر بدیدن قبر کورش رفت، ملاحظه نمود که تابوت طلائی او از فرش ظریف و قشنگی پوشیده شده

از کتاب استر در توره چنین مستفاد میشود که قصرهای شاهنشاهان هخامنشی با پرده‌های زیبا و رنگارنگ مزین شده بوده لباس سربازان جاویدان که در حاشیهٔ شوش نشان داده میشود دارای طرح و نقشهٔ مفصلی است از جملهٔ آنها شکل مربع

فصل پنجم

دورهٔ پارتها یا اشکانیان

سکه های زمان اسکندر کبیر که از نقره و نسبتاً ضخیم و خیلی خوب ضرب شده در اغلب نقاط ایران بدست آمده است در یکطرف آن سر اسکندر کبیر و درطرف دیگر تصویر مجسمهٔ زوس است که ربان رومی آنرا ژوپیتر مینامند و رئیس ارباب انواع یونان است اسم اسکندر و علامت ضرابخانه برروی آن میباشد پس از مرگ اسکندر درسال ۳۲۳ قبل از میلاد برای جانشینی او بین سرداران اختلاف حاصل گشت و تامدتی فیلیپ برادری اسکندر کبیر که ازحیث قوای عقلی ضعیف بود؛ بوسط سرداران یونانی بجانشینی او برقرار شد ازاین زمان سکه هائی بدست آمده که دریك طرف سر اسکندر کبیر و در طرف دیگر اسم فیلیپ منقوش است

بتدریج امپراطوری اسکندر کبیر ازهم متلاشی گشته ایران وبعضی قسمتهای دیگر بدست سلوکیدها افتاد وآنها پایتخت خود را درکنار رود دجله بردیك بغداد حالیه قرار دادند وسکهٔ سلاطین این سلسله دربعضی نقاط ایران پیداشده است صنایع سلوکیدها تحت تأثیر صنایع یونان قدیم بوده که در ایران با وصفیات محلی و عادات و رسوم ایران تغییر و تبدیل پیدا نموده است

در مقابل صفهٔ بزرگ تخت جمشید خرابهٔ معبدیست که میبایست کمی بعد از اسکندر کبیر ساخته شده باشد کتیبهٔ آن بزبان یونانی وجود بنا توسطحکمران محلی موسوم به فراتادارا ساخته شده است روی تخته سنگی که در طرفین دروبی پنجره نصب شده تصویر سلطان در یکطرف و ملکه‌اش درطرف دیگرمنقوش است ازلحاظ ارزش صنعتی این حجاری قابل توجه نیست زیرا به تناسب صنایع یونان رادارد و به استحکام حجاریهای

ساخته شده و اثر رنگی در روی آنها دیده میشود، معلوم میدارد که ساختمانهای کورش با ابنیهٔ دوره های بعد از آن در تحت جمشید و شوش مربوط میباشد تصاویر پاسارگارد ثابت میکند که صنعت هخامنشی قبل از آنکه امپراطوری بسط پیدا کرده و از اغلب ممالک و ملل آنزمان تشکیل یابد و پیش از آنکه با صنایع ملل دیگر رابطه پیدا کند، سبک و شیوهٔ مخصوص بخود داشته است

اصلی که در ساختمانهای هخامنشی منظور نظر بوده، شکل مکعب مستطیل عمارت است که قسمت مهم آن در اغلب موارد دالان پس دو اطاق مسدود و طالار بزرگی در پشت آن میباشد البته شکلهای دیگر نیز وجود داشته، ولی این شکل معمول و مرسوم اغلب بناهای آنموقع بوده

در حجاریهای برجستهٔ زمان هخامنشی عشق ایرانیان بحیوانات، مهارت و استادی صنعتگران در فاصله دادن و تعیین مقیاس، هم آهنگی و تجسم حرکت در تصاویر جمعی بخوبی نشان داده شده است

این فصل را با اقتباس شرح ذیل از مقاله ای که بقلم استانلی کسون (۱) است از کتاب «صنایع ایران» ختم مینمائیم «صنایع هخامنشی چنان سبک معین و معلومی دارد که گرچه تأثیر صنایع خارجی در آن بسهولت تشخیص داده میشود، باز میتوان خصائص ایرانی آنرا که واضح و آشکار است مشاهده نمود تصویر سربازان و اسبان ایرانی مانند سربازان و اسبان آشوری بیروح بوده وخشونت و سنگینی آنها را ندارند تصاویر حیواناتی که ایرانیان کشیده اند، مخصوصاً تصویر حیوان ملی ایران یعنی بز کوهی، دارای روح و دقت و سادگی است که در بین صنایع آسیا تاکنون نظیر آن دیده نشده است اقتباس از صنایع سائر ملل کار صنعتگرانی بوده که مائل بوده اند از دیگران نکات فنی را بیاموزند، ولی ترجیح میدادند آنها را بسلیقه و روش خود در آورند و همین خود دلیل خوبی برآنست که صنعتگران هخامنشی استقلال و سبک صنعتی خود را حفظ مینمودند»

Stanley Casson — ۱

فتوحات خود را بوسعت امپراطوری اسکندر کبیر بسط دهند

در مطالعه و تحقیق صنایع اشکانیان باید بخاطر داشت که سلاطین این سلسله دارای اقتدار و حکومت مرکزی نبودند و مردم ایالات و ولایات استقلال داخلی داشتند و مطابق میل و سلیقهٔ خود تصرف مینمودند و در نتیجه صنعت و معماری نواحی مختلفهٔ ایران دارای نکات گوناگون و از بسیاری جهات با یکدیگر فرق دارد علاوه شهرهای یونانی زیادی که توسط اسکندر کبیر و سلوکیدها در ایران تأسیس شده بود در صنایع این زمان دخالت زیاد داشت چنانکه در صنعت این زمان مشاهده میشود و قابل توجه است، تأثیر دو جانبهٔ صنایع یونان و مشرق بر یکدیگر است در این زمان تأثیر صنایع یونان بیشتر بوده و اصول صنعتی آن نفوذ داشته است کاوش و تحقیقات زیادی در مناطق تمدن اشکانی در بین النهرین بعمل آمده، ولی در ایران چندان کاری نشده است واضح است که فرهنگ و صنعت و معماری این عصر در دشت بین النهرین با فلات ایران فرق داشت چون تا بحال در داخلهٔ مملکت ایران کمتر حفاری و کاوش علمی در بارهٔ عصر اشکانیان شده است، ناچار باید باطلاعاتیکه در عراق بدست آمده اکتفا نمود، ولی کاوشهائی که اخیرا درسیستان شده است جزئیاتی راجع بوسعت و صنایع اشکانی در مشرق مملکت بدست میدهد تا بحال محل حقیقی شهر صد دروازه (۱) که پایتخت اشکانیان بوده پیدا و تعیین نشده است البته پس از اکتشاف این محل اطلاعات زیادی در بارهٔ صنایع ومعماری این سلسله بدست خواهد آمد

در بین النهرین بناهای آثار پارتها بیشتر در شهرهای ذیل پیدا شده است آشور، هاترا، سامره، کیش، نیپور، بابل، تیسفون، سلوکیه و نیز در دورا اروپا که در کنار فرات و نزدیک سرحد عراق است در ایران نیز کمی کاوشهای علمی شده، مخصوصاً در کوه خواجه واقع در سیستان، در ری و در شوش

۱ ـــ سفال زمان اشکانی

در سال ۱۸۵۷ میلادی و . ك . لافتوس (۲) کتابی در لندن انتشار داد و درآن

---

۱ ـ Hecatompylos   ۲ ـ W K Loftus

عظیم هخامنشی را، که در نزدیکی آن واقع و اختلاف بین آن دو را بخوبی نشان میدهد

در استخر که چند فرسخی شمال تخت جمشید واقع است، چند ستون که دارای اطافت صنعتی نیست دیده میشود و شاید متعلق بزمان سلوکیدها باشد. سرستونهای آن دارای نقاشی و شکل برگ گل لوتوس است و شیوهٔ دوریت که یکی از اقسام ستون سازی یونانی است ساخته شده، ولی فاقد سائر خصوصیات ترتیبی آن میباشد. در ساختن این ستونها سعی شده است که از اسلوب جدید یونان پیروی شود، اما این عمل بدون ادراک و اطلاع بمبانی صنعتی و اصول علمی معماری انجام داده شده

خرابه های معبد دیگری از زمان سلوکیدها در درهٔ خوره واقع در محلات پیدا شده است. گرچه این بنا منهدم شده و از بین رفته، ولی سنگهای بر افتادهٔ آن در اطراف پراکنده است و دو ستون از کلیهٔ آن بنا هنوز برپا است. بدنهٔ این ستونها مدور و ساده است و سرستونها سبک و شیوهٔ ایونیک (۱) که نوعی دیگر از ستون سازی یونان است ساخته شده، ولی با افکار و اسلوب محلی تعدیل یافته است. طول این سرستونها نسبت بقطرشان زیاد است و مطابق اصول صنعتی یونان از تناسب خارج میباشد

از نمونههای نامبردهٔ فوق معلوم میگردد که از ترکیب اصول صنعتی یونان و عقائد و رسوم محلی شاهکاری در صنعت بوجود نیامده و کاری که قابل توجه و دارای ارزش صنعتی باشد، در زمان سلوکیدها در ایران نشده

در اواسط قرن سوم قبل از میلاد، اولین پادشاه اشکانی بنام اشک با ارسالت در نواحی مشرق دریای خزر بسلطنت رسید. او دارای قوه و قدرت نسبتاً زیادی گردید و سلسلهٔ سلاطین اشکانی را تشکیل داد. این سلسله بتدریج تمام ممالک ایران و قسمتی را که امروز بعراق موسوم است تحت حیطهٔ اقتدار خود درآورد و حتی بعضی اوقات قدرت خود را تا دریای مدیترانه بسط داد. سلاطین اشکانی اقتدار خود را تا پنج قرن حفظ نمودند. در زمان این سلسله بود که روم پس از تسخیر ممالک ساحلی مدیترانه خود را بمشرق رساند. اقتدار وقدرت سلاطین این سلسله بود که مانع پیشرفت روم بطرف ایران گردید و نگذاشت که آنها

Ionic - ۱

شرح حاشیه‌های ابنیهٔ زمان هخامنشی در شوش شرح آجرهای رنگین و کاشیهای رنگارنگ آن پرداختیم، ولی این صنعت در زمان هخامنشی محدود بهمان آجر و کاشی بود که از گچ ساخته میشد و در مورد سفال بکار نمیرفت در زمان اشکانی تقریباً بدون استثناء لعاب یك رنگ داده میشد، یعنی هر دو طرف ظرف یك رنگ داشت، ولی در بعضی نمونه ها انواع مختلفهٔ یك رنگ که عبارت از تاریك و روشن همان رنگ باشد دیده میشود رنگ مخصوص لعاب اشکانی سبز و انواع مختلفهٔ آن بودکه از سبز روشن تا آبی فیروزه‌ای بسط داشت درسلوکیه این رنگ عمومیت داشت و رنگهای دیگر از قبیل سفید، کرم و زرد نیز دیده میشود رنگ قهوه ای سبز نیز بندرت در بین سفال اشکانی دیده شده است

همه قسم و همه اندازه شئی سفالین لعاب داده میشده، از چراغ و ظروف بسیار کوچك که برای برك بکار میرفته تا تابوتهای بزرگ بطول دو متر لعاب دادن اشیاء بزرگ مانند تابوت محتاج مهارت و استادی زیاد بوده است

در زمان هان در چین (۲۰۶ قبل از میلاد الی ۲۲۰ میلادی) ظروفی پیدا شده که دارای لعاب سبز رنگ است و از بسیاری جهات شبیه بظروف سفالین اشکانیان میباشد ورین مسلم است که این صنعت از ایران در زمان اشکانیان بچین رفته، زیرا رنگ آن کاملاً همان رنگ است و رگه هائیکه در نمونه‌های ظروف چینی دیده میشود کاملاً شبیه به لعاب‌کاری اشکانیان میباشد یقین است‌که در این زمان بین‌ایران وچین روابط دوستانه موجود بوده ومخصوصا تجارت ابریشم اهمیت زیادی داشته و سلاطین هردو مملکت سفرا ومأمورین سیاسی بدربارهای یکدیگر میفرستاده‌اند

صنعتگران دورهٔ اشکانی‌لعاب را سبتاً ضخیم میداده‌اند ودرنتیجه فقط ساده‌ترین نقشها ممکن بود از زیرآن دیده شود بعضی ظروف دومرتبه لعاب داده شده‌اند، مانند لوله یا دستهٔ چراغ، زیرا حرارت زیاد یك پوشش لعاب را ریخته از بین‌میبرد

بزرگترین نمونهٔ صنعت سفال اشکانی عبارت از تابوتهائی بودکه در بالا ذکری از آنها شد این تابوتها دو نوع ساخته میشد، یکی بشکل حمامهای دستی و دیگری بشکل

چندین قسم سفال مطابق بزمان اشکانیان را تشریح نمود در اینخصوص چیز دیگری انتشار نیافت و اطلاعاتی نبود تا اینکه گزارشهای حفریات آشور، بابل و دورا اوروپا منتشر گردید و اقسام مختلف سفال زمان اشکانی را تشریح نموده اطلاعات زیادی در این زمینه بدست داد در کاوشهای اخیر سلوکیه واقع در کنار رود دجله چندین طبقه از مساکن اشکانیان ظاهر گردید و بدین طریق مطالبی بدست آمد که میتوان خصائص سفال زمان اشکانی را به ترتیب زمان معین نمود

از روی سفالهای زیادی که در سلوکیه بدست آمده این مسئله واضح و مبرهن است که سبک و طرز عمل سفال سازی در این دوره بتدریج رو بانحطاط رفته است بطور کلی در طبقات اولیه و پائین‌تر سفالها بهتر و ظریفترند این انحطاط یکمرتبه و ناگهان نبوده بلکه، بمرور ایام صورت گرفته و در صنعت و کار کم کم نقصان حاصل گشته تا بالاخره منجر بفقدان توانائی و استعداد گردیده است مطلب دیگر اینستکه آن انحطاط با تبدیل اصول صنعتی یونان برسم و سبک ایران، مشرقی نمودن صنعت غرب همراه میباشد هرچه از اصول صنعتی یونان دور میشویم ظروف سفالین خصائص مخصوص زمان خود یعنی دورهٔ اشکانی را بیشتر بخود میگیرد روی‌همرفته ظروفی که با اسلوب صنعتی یونان ساخته میشد با اصول صنعت بیشتر مطابقت داشت و آنها که سبک مشرق بود به استحکامشان اهمیت داده میشده است

ظروف سفالین اشکانی غالباً ساده و بی‌آرایش است آرایشی که در سفال ماقبل تاریخ میشد، مانند تصویر حیوانات و اشکال هندسی و غیره، در این زمان از بین رفته و فراموش شده است برای ساختن ظروف قشنگ و زیبا فلز بکار میرفت و ظروف سفالین فقط برای رفع احتیاج زندگانی معمولی بود نه جهت نمایاندن آرایش و زینت و بهمین دلیل اغلب ظروف سفالین که در سلوکیه بدست آمده اشیائی میباشد که در خانه برای احتیاجات معمولی بکار میرفته و سفال ساز در زیبائی و آرایش آن سعی نکرده است

از کارهای جدید و مختص این دوره صنعت لعاب دادن سفال است در ضمن



مجسمهٔ تیرانداز سوار از عصر اشکانیان

کفش راحتی نوع اول ظرف بسیار بزرگی بود که گوشه های آن مدور و بعمق مختلف ساخته میشد بعضی از آنها سرپوشی ازجنس خود داشت وگاهی آنرا با آجر مسدود میساختند این قسم تابوت در زمان آشوریها و بابلی‌ها مرسوم و متداول بود وحتی قبل از اشکانیان آنهارا استعمال میکردند، ولی تابوتهائیکه در زمان اشکانیان ساخته شده از حیث شکل بهتر است و اغلب دارای تزیین و آرایش میباشد و غالبا هم تابوت و سرپوش آن لعاب داده شده است بعضی نمونه ها تصاویری روی سرپوش دارند و روی برخی‌تصویر زنی بین دو ستونی که شبیه ایونیک میباشد کشیده شده است نقش مو ونخل معمولی است وطرحهای دیگر از قبیل گل وگیاه نیز دیده میشود

قسم دوم این تابوتها که بشکل کفش راحتی و بهمین اسم موسوم است یکطرف آن پهنتر از طرف دیگراست درقسمت بالا یعنی‌طرف پهنتر، سوراخ بزرگی است‌که مرده را از آن داخل میکرده‌اند ودرطرف باریکتر سوراخ کوچکی است روی این تابوتهاتصویر سربازان اشکانی دیده میشود تصاویر دیگرعبارتست از مردی‌که روی تختی دراز کشیده است تصویر زنان و رقاصان وگاو های بزرگ که سر انسان دارند و نیز تصویر ابوالهول در بین آنها یافت میشود یکی از آنها که سربازی روی آن نقش شده بسیار قشنگ و ذوق صنعتی در آن بکار رفته است روی‌تابوتهائیکه به‌تفصیل زینت یافته‌اند تمام سرپوش‌آنها بقسمتهای منظم تقسیم شده و روی هرقسمت تصویری بطور برجسته نقش شده است

در ولایات شرقی ممالک اشکانیان جعبه‌های گلی میساختند که استخوان مرده را در آن میگذاردند این جعبه‌ها را بشکل بنای دراز وکوتاه میساختند ودری در وسط آن قرار میدادند روی بعضی از آنها سر انسان یا شیر درگل سرخ حک یا نقش میشد (۱) این جعبه‌ها متعلق بزمان اشکانی و شاید بعضی به اوائل دورهٔ ساسانی‌تعلق داشته باشد

اشکانیان خمره‌های بزرگ جهت انبار کردن آذوقه وغیره ساخته اند این خمره‌ها درعین سادگی زیبا و قشنگند از این قبیل خمره ها چند عدد درسلوکیه پیدا شده که داخل

۱ - به مقالهٔ ر اتینگهاوزن (R Ettinghausen) راجع بسفال اشکانی در کتاب « صنایع ایران » مراجعه شود

آنها را قیراندود کرده‌اند و برای نگاهداری روغن و سائر مایعات استعمال میشده گاهی این ظروف بزرگ را بجای تابوت بچه و اشخاص بزرگ سراستعمال مینمودند وگاهی آنها را ازوسط دونیم کرده نصف را بجای تابوت و نصف دیگر را بجای سرپوش استعمال میکردند

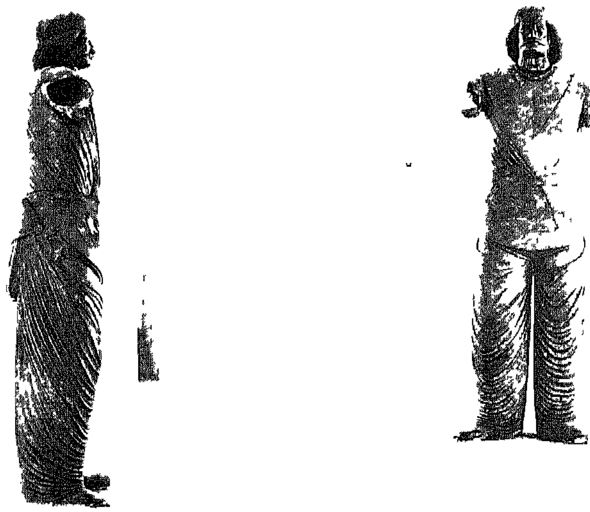
نوعی دیگر سفال که در زمان اشکانیان معمول بود و شاید قشنگترین ظروف سفالی باشد ، عبارتست از ظرفی بنام آمفورا (۱) این ظرف بشکل گلدان یا سبوئی است که بدنهٔ بزرگی دارد و معمولاً مدور یا بیضی شکل است و در قسمت بالا گردن و در پائین پایه دارد این سبوها عموماً دو دسته دارند ولی بعضی از آنها دارای یك یا چهار دسته‌اند این قسم ظروف بیشتر درمیان یونانیان و رومیان معمول ومتداول بود و شاید اصلاً ازمشرق به یونان رفته باشد بنابراین با آنکه در زمان اشکانیان طرز ساختن آن از یونان تقلید شده ولی احتمال دارد که اصلاً بومی و متعلق بخود ایران باشد

این سبو یکی از متداولترین و معمولی‌ترین سفال زمان خود بوده است ، نه تنها ازلحاظ اینکه صنعت آن قابل توجه وقشنگ بوده ، بلکه از جهت اینکه با تغییر مختصری در بلندی و کوتاهی و ساخت گردن و پایه ممکن بود آنرا بانواع و اقسام مختلف ساخت و تنوع بسیار در ساختن آن بکار برد نمونه های مختلف این ظروف در نینوا ، آشور ، سلوکیه و شهرهای دیگر عراق و ری در ایران پیدا شده است

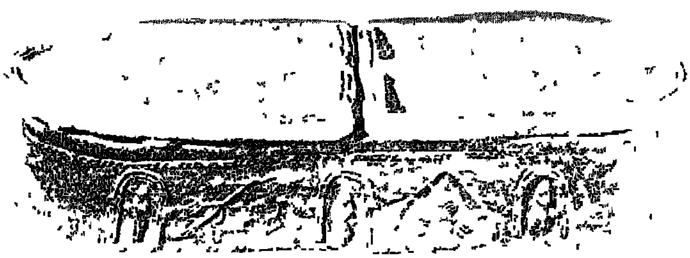
اشکال و انواع دیگر کوزه و سبوی دورهٔ اشکانی که اینجا گنجایش شرح آنرا ندارد و فقط ذکری از آنها میشود بقرار ذیل است سبوهای بلند و باریك بدون دسته ، دیزی و دیگهای مدور با دسته و بدون دسته ، دیگهای بلندتر یا کوزه های یکدسته ای ، کوزه ها یا سبوهای مدور با دو دسته ، و سبوهائی که گردن آن مانند بطری است بایك یا دو دسته . قسم اخیر در سلوکیه و ری پیدا شده است و اغلب این سفالها هم ساده و هم لعاب دار ساخته میشده

ظرفی دیگر که به قمقمه موسوم است در زمان اشکانیان ساخته میشده و آن عبارتست از بطری مدوری که دهنهٔ باریکی داشته و در طرفین گردنهٔ آن دسته دارد . در

Amphora - ۱



منظرهٔ جلو و پهلوی مجسمهٔ مفرغی، به اندازهٔ طبیعی از عصر اشکانیان
این مجسمهٔ بی‌نظیر در موزهٔ ایران باستان در تهران است



تابوت لعاب داده شده از عصر اشکانیان
(موزهٔ ملی عراق در بغداد)

در سلوکه چند عدد طرف سفالی درقبرستانی پیدا شده که دارای رنگ قرمز صیقلی شده میباشد تصور میشود که این ظروف از خارج سلوکه آمده باشد و ظن قوی میرود که از ایران بسلوکه برده شده است

لوح و مجسمه های کوچکی از این دوره پیدا شده است بعضی از آنها دارای نقشهائی شبیه نقاشی تابوتهائیکه در فوق ذکرشد میباشند نمونهٔ قابل توجهی از این قبیل مجسمه ها در موزهٔ قیصر فریدریك در برلن میباشد و سواری را نشان میدهدکه بلباس اشکانیان ملبس وکمان را کشیده از روی سر اسب خود مشغول نیراندازی است از مجسمه‌هائیکه در شوش پیدا شده یکی مجسمهٔ زن لختی است که دستهای او درطرفین بدنش آویزان است مجسمه های گلی و استخوانیهم درسلوکه بدست آمده و لوحهای اشکانی نیز در سوریه دیده‌شده‌است مجسمه‌های اینزمان چه از گل و استخوان و عاج و چه از فلز غالباً ترکیبی است از صنعت بومی ایران و صنعت یونان و این مسئله در سائر شعب صنعت نیز دیده میشود

۲ — معماری

درکنگاور که سر راه کرمانشاه و همدان واقع است، خرابهٔ معبد بزرگی پیدا شده و بعقیدهٔ پرفسورهرتسفلد این معبد ازحیث بزرگی با معبد بزرگ خورشید در پالمیر برابر بوده است

پایهٔ بنای این‌معبد بزرگ ازسنگهای تراش که باندازه‌های مختلف و مانند دیوار صفهٔ تخت جمشید است ساخته شده ودرروی بنای آن پایهٔ مربع‌شکل ستونها قرار گرفته‌اند بدنهٔ ستونها مدور و ساده و سرستونها ترکیبی از سبك دوریك وکارنت یونان بوده این معبد برای پرستش اناهیت وقف شده بوده از اسلوب بنا بنظر میاید که ساختمان آن در اوائل عصر اشکانیان صورت گرفته و تاریخ آن شاید در حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد باشد خرابه های این معبد بزرگ از این جهت اهمیت دارد که تنها میزان و مقیاسی است

آذربایجان اشکال متعدد قمقمه متعلق بزمانهای مختلف پیدا شده و ثابت میکنند که تکامل و نمو این قسم ظرف مدت زیادی طول کشیده در زمان اشکانیان قمقمهٔ سفالی دارای شکل مخصوصی بوده و قمقمه‌های لعاب داده شدهٔ این زمان یکی از مهمترین شعب سفال سازی و پیشرفت مهم این صنعت را در زمان اشکانی مینمایاند در ساوکه قمقمهٔ لعابی برنگهای مختلف و نیز کوره‌ای که این نوع سفال را درآن می پختند پیدا شده است در ری هر دو قسم قمقمه یعنی لعابی و غیر لعابی دیده شده قمقمه های کوچك لعابی برنگ سبز زیتونی و فیروزه‌ای متمایل بخاکستری در آذربایجان پیدا شده است

چراغهای این دوره شایان دقت است ساده‌ترین آنها عبارتست از ظرف مدوری که یکطرف آن لوله دارد خود ظرف جهت روغن و لوله برای قرار دادن فتیله میباشد نمونه‌های لعاب داده شدهٔ این قسم چراغ ، روی لبهٔ ظرف و دسته نقاشی شده وموضوع نقاشی غالباً برگ یا گل میباشد چراغی در سلوکیه پیدا شده که دارای هفت فتیله بوده است

ظروف آبخوری باقسام مختلف کشف گردیده است بعضی دارای لوله یا سوراخی در پائین هستند و بعضی بشکل سرگاو ساخته شده و لولهٔ برخی دیگر بشکل حیوانات است قسم اخیر یعنی آنهائیکه باشکال مختلف ساخته شده‌اند در ایران بیشتر معمول بوده تا در عراق در بین سفالهای سلوکیه چیزیکه بشکل حیوانات باشد دیده نشده است مگر دو نوع ، یعنی لاك پشت دریائی و ماهی سفالهای معمولی دیگر ایندوره عبارتند از کاسه های لعابی و انواع مختلف سرپوش یا در دیگ وغیره که غالبا بجای بشقاب نیز استعمال میشده

اگرچه غالب سفال اشکانی بدون آرایش و زینت است ، ولی نمونهای فوق الذکر بخوبی نشان میدهد که سفال ساز میتوانسته است در موقع لزوم بتزئین و آرایش جالب توجه بپردازد آرایش معمولی ظروف سفالین عبارت بود از خطوط مستقیم و منکسر و شکل مخروط یا دائره‌ای که معمولاً در اطراف گردن یا دستهٔ ظرف کشیده میشد وگاهی نیز تصویر انسان تمام تنه بحالات مختلف یا فقط سروگردن و یا صورت تنها نقش میگردیده است جای تعجب است که با علاقه‌ای که ایرانیان بحیوانات داشته‌اند ومهارتیکه در اعصار مختلف در نقاشی و ساختن آنها نشان داده‌اند ، در زمان اشکانیان کم و نادر است

و دور اطاق مرکزی دالان باریکی بوده این قسم آتشکده در زمان ساسانیان معمول و متداول بوده است کشف مذبح در زیر گنبد مرکزی و مذبح سنگی دیگری در این اطاق آتشکده بودن آنرا بطور نفس ثابت نمود

ارکاوشهای پرفسور هرتسفلد در کوه خواجه درسیستان نکات ذیل بدست آمده

۱ - ترکیب معماری یونانی و باختری که تاکنون چیزی راجع بآن معلوم نبود

۲ - بنائی که دور صحن با حیاطی ساخته شده و از هرچهار جهت مدخل دارد ایوانهائیکه در طرف مشرق و مغرب هستند دارای طاق هلالی میباشند و بدینطریق سابقه و منشاء ساختمان و معماری اسلامی را در اینجا میتوان بخوبی مشاهده نمود

۳ - ساختمان آتشکده‌های این عصر که تقریباً مانند آتشکده های عصر ساسانیان است و شباهت زیادی به آنها دارند

٤ - اطاق مرکزی آتشکده دارای گنبد کوچکی است که روی اطاق مربعی ساخته شده این اسلوب بعدها درمعماری ایران جالب توجه شده و اهمیت پیدا نموده

در اطلال ری نزدیك چشمه علی باستان شناسان خرابه‌های عمارت بزرگی کشف نمودند که دارای مدخل‌های مستطیلی شکل و طالارهای بزرگ بوده است و دیوارهای آن ضخیم و ازخشت‌های بزرگ ساخته شده باید در نظر داشت که خشت‌های زمان اشکانی بزرگتر ازخشت‌های ساختمانهای اسلامی است اصل بنا و مورد استعمال آن به تحقیق معین نشده ، زیرا درخرابه‌های آن هیچ چیز کشف نگردیده

جنب این عمارت بزرگ اطاقهای غیر منظم دیگری پیدا شده که محل زندگانی خانوادگی بوده است در اینجا ظروف سفالین و سائر اشیاء مورد احتیاج خانه پیدا شده تمام این بناها طرز ساختمان اشکانی را در مرکز ایران درعصر اشکانیان نشان میدهد ، ولی چیزی براطلاعات ما راجع بمعماری اشکانی نمی‌افزاید

برعکس در دشت بین‌النهرین بناهای مفصل و ساختمانهای متعددی از زمان اشکانی پیدا شده که باسلوبهای مختلف ساخته شده‌اند ساختمانهائیکه در آشور و هاترا

که توسط آن میتوان سائر ابنیهٔ عصر اشکانی را مقایسه نمود بناهای دیگری که در مشرق ایران و بین النهرین کشف گردیده متعلق بزمانهای بعد و مصالح و مواد ساختمانی آن با معبد نامبرده فرق دارد

سبك ستونهای این معبد بأثیر معماری یونان و ترکیب آنرا با رسوم و اسلوب محلی ایران مینماید وقتی دیوار اصلی این بنا را با ساختمانهای هخامنشی مقایسه کنیم معلوم میشود که چقدر ارجیب بنا پست تر است، ولی درساختمان آن اسلوب معماری ایرانی پیروی شده که کاملاً با اصول صنعتی یونان و ابنیه ای که تحت تأثیر آن ساخته شده فرق دارد

پروفسور هرتسفلد در کوه خواجه که دروسط دریاچه‌ای درسیستان واقع است، موفق بکشف قصر سلطنتی و آتشکده‌ای از زمان اشکانیان گردیده که تاریخ آنرا در قرن اول میلادی میدانند دیوارهای این ساختمان از چینه است و حتی خشت هم بکار نرفته

عمارت قصر دور صحن بزرگی ساخته شده مدخل آن درطرف جنوب واقع و سقف هلالی داشته وطاق ایوانهای شرقی وغربی آن نیز هلالی بوده است در طرف شمال طالار طویلی داشته که داخل آن دارای ستونهای ساده (دوریك یونانی) بوده این ستونها در دیوار نصب گردیده و بین آنها بنجره با طاق هلالی ساخته شده قسمت جلوی این ایوان قابل ملاحظه است، زیرا از روی اسلوب معماری یونانیان باختر و ایالات مشرق ساخته شده است اسکندر کبیر و سلاطین سلوکی کوچ نشینهای بزرگی از یونانیان در این قسمت امپراطوری یعنی در باختر تشکیل دادند وتأثیر آنها در صنایع آن زمان در اغلب نقاط مشاهده شده احتمال میرود بعد صنایع یونان در قرون بعد، از این کوچ نشینها بوده نه مستقیما از خود یونان

ایوانهائیکه دارای طاق هلالی هستند و درطرفین صحن مرکزی ساخته شده‌اند و نیز سردری که دارای اینگونه طاق میباشد علائم مقدماتی برجسته‌ای است از سبك معماری که بعد دردورهٔ اسلامی مقامی شامخ حاصل کرده ومعمول شده

در پشت طالار شمالی سکوی مرتفعی است که روی آن آتشکده ای ساخته بودند و آن عبارتست از اطاقی که دارای گنبدی کوچك وروی چهارستون باجرز ساخته شده بوده(۱)

۱ - تاریخ عتیقهٔ ایران - پروفسور هرتسفلد - صفحهٔ ٦٦و٦٧

در پشت این طالارها آتشکده‌ای بوده که بشکل معمولی بنا شده، یعنی اطاق مربع شکلی که دور آنرا دالان با سقف هلالی احاطه نموده وسقف اطاق مرکزی آن نیز هلالی بوده، زیرا معماران اشکانی در بین‌النهرین نمیدانستند چگونه روی اطاق مربع گنبد بسازند

محیط دیوار دور شهر هاترا متجاوز از ۵ کیلومتر بوده طرح دائره‌ای شکل شهر در زمان اشکانیان شایع بوده است شهر تیسفون که تقریباً بشکل دائره بوده تصور میشود از دورهٔ اشکانیان باشد و خرابهٔ شهر تخت سلیمان که در دورهٔ اشکانیان یکی از پایتختهای آذربایجان بوده، با دیوار سنگی دائره شکلی احاطه گردیده احتمال میرود این نوع شهرهای مدور در ایران قدیمتر از شهرهای دائره شکل بین‌النهرین باشد

۳ — گچ بری

تزیین ونقاشی روی گچ با گچ بری درکوه خواجه‌که در جنوب شرقی ممالکت شاهنشاهی واقع بوده و نیز دربناهای اشکانی در دشت بین‌النهرین دیده میشود این صنعت در زمان ساسانیان و دورهٔ اسلامی بسیار عمومی گردیده گچ بری زمان اشکانی با مهارت و زیبائی ساخته شده و نقوش آن با نقشهای ازمنهٔ بعد فرق دارد درحفریات قصرهای اشکانی در آشور گچ بریهائی‌که ترکیبی از عناصر ایرانی و یونانی است دیده شده بعضی‌گچ بریهای کوه خواجه از بهترین گچ بریهای بین‌النهرین بهتر و قشنگتر است

طرح یکی ازگچ بریهای مشرق ایران را پرفسور هرتسفلد تشریح نموده است و آن دارای صفحهٔ مرکزی است‌که عبارت ازدائره‌های متقاطع میباشد وهریك ازاین‌دوائر بوسیلهٔ قوس چهاردائرهٔ دیگرقطع میشود ونقطهٔ مدوری دروسط آنست درحاشیه خطی‌است که از نیز تشکیل یافته بین این وصفحهٔ مرکزی ردیفی ازمربعهای متناوب است‌که تشکیل فاتی برای یك «سواستیکا» میدهد و در مربع مقابل تصویر درخت کاج نقش شده است. روی‌همرفته این گچ بری یکی از بهترین گچ بریهای ایران است .

موجود است مخصوصاً اطلاعات جدیدی راجع بمعماری زمان اخیر اشکانی بدست میدهد

آثار بناهای اشکانی درآشور کشف ونقشهٔ آن معلوم گردیده قسمت مهم آنست که بنای اصلی قصر بزرگ بترتیب ایوان صلیبی شکل ساخته شده یعنی در وسط هر چهار جهت بنائی که دورصحن مربعی ساخته شده ایوانی است که دارای سقف هلالی میباشد و این قسم ساختمان بعدها در ایران اهمیت زیاد پیدا نموده این قصر دارای مدخلی بوده که بمدخل غیر مستقیم نامیده شده و بجای اینکه سردر بزرگ روی محور اصلی قرار گرفته باشد، در طرفین واقع شده و دالانهای باریك و طویلی در داخل آن بوده چیزیکه قابل دقت است اینست که اطاق بزرگی در این ساختمان دیده شده که برواقهائی قسمت گردیده و تشکیل سه راهرو میداده است و شبیه ساختمانهای اغلب کلیساهای مسیحی است این سه قسمت بوسیلهٔ طاقهای هلالی پوشیده شده بود

انحراف قابل توجه دیگری در ساختن این بنا مشاهده میشود و آن عبارتست از قرار دادن تیرهای سنگی روی شبکهٔ اطاقها اطاق مربعی بزرگی که چهار پایه در داخل آن بشکل مربع قرارگرفته و برای نگاهداشتن سقف ساخته‌اند دیده شده در اینجا گنبد وجود نداشته چنانکه این قسم اطاق بعدها با گنبد در ایران متداول گردیده است مقبره ونقعه‌های اشکانی در آشور کشف گردیده که درگوشه های آن ستون یا جرزهای گرد دارد

در هاترا آثار بناهای زیادی از زمان اشکانی موجود است در وسط شهر قصر بزرگی بوده است که قریب صد متر طول داشته . سقف مدخلهای این قصر نیز هلالی و باسنگهای تراش باشکال مختلف زینت داده شده بوده روی دیوارها و پنجره‌ها سر و صورتهای مختلف بطور برجسته کنده وحك شده بودند تصویر مرغ خیالی نیز برای نقاشی بکار برده میشده

درعمارت اصلی هفت طالار بموازات یکدیگر ساخته بودند که بزرگترین آنها متجاوز از ۲۸ متر طول و ٦ متر عرض داشته تمام این اطاقها دارای سقف گنبدی شکل بودند اینگونه سقف بعدها در زمان ساسانیان و در عصر اسلامی اقتباس و معمول گردیده .

۵ — آرایش و زینت

اشکانیان مانند اسلاف خود در ایران بلباس مدی ملبس بوده و شلوار گشاد میپوشیده‌اند تجارت ابریشم باچین دراین زمان بسط وتوسعه یافته ولباس نجبا وشاهزادگان وخانوادهٔ سلطنتی از پارچه‌های اعلاء و الوان دوخته میشده تصویر پادشاه و ملکه که روی دیوار درکوه خواجه نقش شده است، آنها را با زینت آلات زیادی نشان میدهد که بعضی از طلا ساخته شده و با احجار کریمه زینت یافته درکاوشهای سلوکیه مقداری از این زینت آلات پیدا شده و نمونه های آنرا میتوان درموزهٔ ملی بغداد مشاهده نمود اشکانیان سواران قابلی بودند و بابن فن علاقهٔ زیاد داشتند و گاهی دهنه و افسار اسب را از طلا میساختند

سرباران اشکانی زره در برمیکردند و اسلحهٔ آنها از فولاد بوده سلاح مهم و معمولی آنها تیر و کمان بوده که همیشه همراه داشته‌اند شمشیر و نیزه استعمال میشده و ظاهراً خنجر در بین آنها معمول ومتداول بوده است

تا آنجا که اطلاع داریم از منسوجات اشکانی چیزی در ایران کشف نگردیده است بعضی تکه‌های پارچه ابریشمی از زمان اشکانی در سوریه کشف گردیده است درناحیهٔ لولان درمنتهی نقطهٔ شرقی ایران‌خالصه، چند تکه ملیله دوزی وقلاب دوزی پیدا شده است که شاید متعلق بزمان اشکانیان باشد مقداری از پارچه‌های ابریشمی که بدست آمده متعلق بچین است، ولی برخی دارای خصائصی هستند که شاید از قسمت شرقی امپراطوری اشکانی باشد بعضی از طرحهای آن نفوذ یونان را درصنایع آن عصر میرسانند نقش یك ملیله دوزی درخت مو باختر است که دارای شاخه‌هـای پیچ در پیچ است و قسمتهای بار را برگ و انگور پر نموده طرح مرغ خیالی و قوچ بار گاهی دیده میشود

مجسمهٔ تمام تنهٔ مفرغی که درخوزستان پیدا شده شکل لباس اشکانیان را بخوبی نشان میدهد این مجسمه در موزهٔ دولتی تهران است و اهمیت آن فقط برای قسمت فوق‌الذکر است زیرا از لحاظ صنعت چندان ارزش ندارد

٦ — نقاشی دیوار

در دورا اروپا قسمت علیای رود فرات نقاشیهای دیوار دیده میشود که شاید در

۴ — حجاری

در بیستون زیر حجاری بزرگ داریوش روی صخره‌ای حجاری اشکانی قرار دارد، ولی متأسفانه بواسطهٔ طاقچه‌ای که در این اواخر روی آن کنده‌اند از شکل افتاده و تقریباً محو شده است. خوشبختانه پردهٔ نقاشی آن که مسیو گرنلو (۱) درقرن هجدهم قبل از آنکه حجاری محو گردد کشیده است، دردست میباشد.

این حجاری بزرگ صورت تیرداد یا مهرداد دوم را که چهار نفر از سرکردگان مملکت درمقابل او ایستاده‌اند نشان میدهد. کتیبه‌ای که اسم و لقب این چهارنفر و نیز اسم پادشاه را ذکرمیکند بزبان یونانی نوشته شده است. از لحاظ اصول فنی وصنعتی این کتیبه چندان قابل توجه نیست. زمینهٔ اطراف این تصاویر تراشیده شده است و مانند تصاویر حجاریهای ساسانی که درفصل بعد ذکرخواهد شد خوب طرح ریزی نشده، فقط قیافهٔ اشخاص و لباس آنها حجاری گردیده است.

حجاری دیگری توسط گوتارز دوم در قسمت بالا طرف راست حجاری نامبرده اضافه شده. تصویر سه نفر سوار روی آن دیده میشود و شخص وسط شاهنشاه است که تاج فیروزی برسر دارد و نیزهٔ خود را در بدن دشمن فرو برده است. پشت سر او یکی از همراهان وی میباشد که نیزهٔ خود را بحالت آزاد در دست دارد و واضح است که برای کمک نیامده و فقط بتماشای فتح شاهنشاه آمده است. اگرچه این حجاری کوچک و از حیث استادی در درجهٔ اول قرار نگرفته ولی از این جهت قابل ملاحظه و توجه است که نمونه ای از جنگ تن بتن را بین شاهنشاه و رقیبش نشان میدهد. این موضوع بعداً در حجاریهای ساسانی بیشتر دیده میشود. از روی اسناد تاریخی میدانیم که گوتارز دوم پادشاه رقیب خود موسوم به مهرداد را که توسط رومیان تقویت میشد مغلوب ومنکوب نموده وممکن است این فتح نزدیك بیستون اتفاق افتاده باشد و گوتارز دستور داده است که این غلبه را بر حجاری سابق اضافه نمایند.

M Grelot - ۱

بعضی تزیناتی نیز شده است

تصاویر اشخاص روی دیوار مقابل احتلاف عجیبی را در سبك نقاشی نشان میدهد این تصاویر بسرح کشیده شده و مطابق اسلوب قدیم تصویر سازی ایراست و از حیث ارزش صنعتی پست تر از نقاشی فوق الذکر هستند و تصاویریکه روی پنجره‌های طالار بزرگ کشیده شده بر همین حالرا دارد جای تعجب است که صنایع اشکانی در منتهی نقطهٔ مشرق مملکت آنقدر تحت نفوذ صنعتی یونان واقع شده باشد و حال آنکه صنایع همین دوره در مغرب امپراطوری در دورا اروپا که نزدیك یونان است دارای خصائص مخصوص شرقی است در تمام مراحل صنعت این دو عنصر یعنی عنصر یونانی و ایرانی تأثیر مقابل و گاهی معاير داشته است ، ولی هیچگاه این دو با یکدیگر جمع و متحد نشده و نتوانسته است یك صنعت مشخص و منفرد تشکیل دهد تا بتوان آنرا در ردیف صنایع بزرگ داشت

در خاتمه باید متذکر بود که بعضی از تصاویر جنگجویان و شکارچیان در صنایع چین و نیز بعضی اصول دور نماسازیهای چینی به نفوذ صنایع اشکانی نسبت داده شده است .

۷ — مهرهای اشکانی

مهرهای استوانه ای شکل که در اعصار قدیم استعمال میشده و برای زدن روی لوح گلی بکار میرفته در زمان اشکانی بکلی منسوخ گردیده و بجای آن مهرهای مخروطی و گنبدی شکل یا نیم کره‌ای شایع و استعمال شده این قبیل مهرها در ارمنهٔ ماقبل تاریخ نیز دیده شده است

مهرها را از احجار کریمه و چیزهای دیگر میساختند کارگران اشکانی گاهی مهرهای زمان قدیم را تغییر داده و مهر اشکانی میساختند و یا اینکه آنها را خرد نموده و مهره درست مینمودند این مهرها غالباً با مهارت صنعتی کنده شده و در حقیقت مجسمه های بسیار کوچك است

در ساختن و طرح ریزی مهر موضوع فراوان بوده است اسب سوار ، تصاویر

زمان غلبهٔ رومیان انجام یافته باشد ولی درحقیقت دارای روح و اصول شرقی است ونمایندهٔ صنعت اشکانی میباشد نه یونان اسلوب وسبك این نقاشی در صنایع ساسانی و در اوائل عصر مسیحیت نفوذ زیاد داشته است

بقایای نقاشی و دیوار خرابهٔ قصرهای اشکانی که در آشور کاوش شده بدست آمده است تصور میشود که این قسم صنعت و نقاشی درآن عصر متداول و معمول بوده و در ایران عمومیت داشته است ، زیرا در اقصی نقاط امپراطوری اشکانی در مغرب و مشرق و بین‌النهرین نمونه‌هائی دیده شده است نقاشیهای کوه خواجه قابل است که در آن بیشتر دقت و مطالعه گردد ، زیرا در داخل حدود ایران کنونی واقع شده است در اینجا طاق هلالی به مربعهائی تقسیم شده‌که متناوباً دارای تصویر یا تزیین میباشند تزیینات عبارتند ازگلها و نخل کوچك و برگهائی شبیه به برگ گل لوتس و نقشهای دیگر در بین تصاویر تصویر رب‌النوع عشق دیده میشودکه بال دارد و براسبی سوار است ونیز همان رب‌النوع در تصویر دیگر سوار بر پلنگ است تصاویر دیگر ساز زن و رقاصی را نشان میدهند نمدباری که با سرخود ایستاده نیز نشان داده شده است این نقاشیها بطورکلی از آثار صنایع یونانیانی میباشد که در باختر سکنی داشته‌اند درسایر تزیینات نفوذ ایران و یونان تواماً نشان داده شده است با اینکه این نقاشیها درطول زمان صدمات زیاد دیده معهذا نقشه و سبك آنها بخوبی پیدا است روی دیوار بزرگی تصویر شاهنشاه وملکه کشیده شده‌که در زیرسایبانی چترمانند نشسته‌اند صورت آنها نیم نیمرخ وتمام صورت کشیده شده این قسم صورت سازی اقتباس از یونان است زیرا درصنایع ایران تا این زمان سابقه نداشته است لباس شاهنشاه وملکه زعفرانی و رنگهای دیگر از بنفش تا قرمز روشن نیز دیده میشود و پرفسور هرتسفلد میگوید که رنگهای این لباس باهم بسیار متوافقند

روی دیوار دیگر تصاویر خدایان کشیده شده‌که یکی مانند مریخ کلاهی بالدار دارد ودیگر نیزه ای مانند نپتون ، ولی درمقایسه با سکهٔ مضروب آن زمان معلوم میشود این تصویر شیوای هندی است نیز بعضی از این خدایان بقدری زیبا و قشنگ ساخته شده که با بهترین نقاشیهای یونان برابری میکند این خدایان لباس یونانی دربر دارند و روی لباس

یك سکه تصویر شاهنشاه و پشت آن تصویر ملکه را نشان میدهد. روی سکه ها زبان یونانی که زبان درباری اشکانی بوده نوشته میشد و روی بعضی از سکه های اواخر این دوره اسم شاهنشاه منحصراً به حروف پهلوی نقش میگردید

اشك اول روی سکهٔ زمان خود کلاه خود بلندی دارد کمی بعد شاهنشاهان کلاه خود گرد یا مدور بر سر میگذارند و بعد ها موی سر و ریش آنان مجعد شده و فر مزده اند

تصاویر اولیه در برجسته سازی ارزش صنعتی واقعی دارند در اواخر این دوره صنعت سکه سازی رو به سستی میرود و تصاویر از خطوط ساده تشکیل یافته و حروف یونانی روی سکه ها تقریباً غیرقابل خواندن است

روی سکه‌های اولیه نوشته شده است « اشك پادشاه » کمی بعد کلمهٔ « بزرگ » بر پادشاه اضافه و مهرداد اول لقب « شاهنشاه » برای خود اختیار نموده ، در حالیکه سکه‌های بعد ، از این مقام بالاتر رفته و شاهان برای اجداد خود درجهٔ الوهیت قائل شده‌اند

نتیجه

پس از ملاحظهٔ کلیهٔ قسمتها باین نتیجه میرسیم که صنایع اشکانی ترکیبی بوده است از اصول صنعتی یونان و رسوم وعادات قدیم ایرانی ، ولی باوجود این درمعماری زمان اشکانی عناصری پیدا شده که بعدها بومی و ایرانی گردیده‌است جای تعجب است سلسله ای که اصولاً از بدویان وصحرا نشینان آسیای مرکزی بوده اند تا این حد بمعماری و صنعت اهمیت داده مشوق و حامی صنعت گردیده باشند عشق و علاقهٔ ایرانیان بزیبائی و صنعت بقدری قوی بوده است که همیشه فاتحین را مفتون ومغلوب نموده وآنهارا تحت‌تأثیرخود درآورده است ازحیث سیاست و جهانداری اشکانیان ایران را از تهاجم و تصرف رومیان نجات داده وبدینوسیله اصول صنعتی بومی ایران را برای سالهای آینده محفوظ داشته‌اند .

ربة النوع اناهید، مجسمهٔ نیم تنهٔ صاحب مهر، مناظر شکار، پهلوانی که هاری را مغلوب نموده، اشخاص مختلف در مقابل مذبح آتشکده، دو نفر که انگشتر یا حلقه با یکدیگر رد و بدل مینمایند و سائر موضوعهای دیگر در میان نقوش مهرها دیده میشود نقش حیوانات نیز شایع بوده، مخصوصا تصویر مرغ خیالی که بین اشکانیان و ساسانیان متداول بوده، شیر گاو کوهان دار، قوچ، آهو و اسب معمول بوده است

بسیار مشکل است که بین مهرهای زمان اشکانی و مهرهای سلوکید ها که قبل از اشکانیان بوده و مهرهای ساسانیان که بعد از اشکانیان میباشند، فرق گذاشت و آنها را از یکدیگر تمیز داد تا وقتی که سائر نقاط امپراطوری اشکانی با دقت تمام و اصول علمی کاوش نشده، حتی بزرگترین باستان شناسان حاضر نیستند بطور یقین اظهار کنند که فلان مهر باید متعلق بعصر اشکانی باشد نه بعصر دیگر

۸ — سکهٔ اشکانی

سکه های زیادی از دورهٔ اشکانی در کاوشهای بین النهرین بدست آمده است گنج های متعدد بزرگ و کوچک نیز در ایران کشف شده که دارای مسکوك اشکانی بوده اند ومخصوصاً در کاوشهای ری چند صد مسکوك اشکانی در ته چاهی بدست آمد

در زمان اشکانی سه نوع سکه ضرب شده است ۱ ـ سکه های کوچك مسی یا مفرغی، ۲ ـ سکهٔ نقره که درهم نامیده میشده، ۳ ـ سکهٔ بزرگتری از نقره که تترا درهم نام داشته سکه های نوع اخیر تمام یا اکثر آن در بین النهرین ضرب میشده و سکه های مسی و سکه های کوچك نقره در چندین نقطهٔ ایران حالیه ضرب میگردیده ضرابخانهٔ اکباتان از قرار معلوم ازهمه مهمتر و بزرگتر بوده است

بسیاری از این سکه ها دارای ارزش صنعتی هستند در یکطرف سکه تصویر شاهنشاه است و در طرف دیگر معمولاً تصویر شاهنشاه است که نشسته و کمان که سلاح معمولی اشکانی بوده در دست دارد در پشت بعضی از سکه ها تصویر بالدار رب النوع فیروزی است یا تصویر شاهنشاه که نشسته و یك نفر در مقابلش ایستاده است روی

است تمام این حجاریها بحر طاق بستان در یك دورهٔ هفتاد ساله یعنی بین ۲۲۵ و ۲۹۵ میلادی ساخته شده و بعضی از حجاری ساسانی و طاق بستان تمام در ایالت فارس قرار دارد

در نقش رستم که در دشت نزدیك تخت جمشید واقع است ، در زیر مقبرهٔ داریوش و سائر شاهنشاهان هخامنشی ، هفت برجسته کاری ساسانی وجود دارد که قدیمترین آنها متعلق به اردشیر مؤسس آن سلسله است و مراسم اعطاء سلطنت را بوسط اهورمزدا به او نشان میدهد هر یك از آنها بر روی اسبی که روی دو پا نامد شده سوار است و اسبها مقابل یکدیگر قرار دارند بطوریکه در وسط ، سر آنها با یکدیگر تماس پیدا مینماید اهورمزدا عصائی در دست چپ دارد و با دست راست تاج گل با حلقه ای که نوارهائی از آن آویزان است بپادشاه میدهد هر دو تاج بر سر دارند و بجامهٔ بلند و گشاد ملبس هستند تاجی که بر سر اردشیر است کروی شکل میباشد و اینهم تاج مخصوص سلاطین ساسانی بوده زیر پای اسب اردشیر اردوان پنجم بزمین افتاده ودر زیر پای اسب اهورمزدا اهریمن است

مراسم اعطاء سلطنت از طرف اهورمزدا یکی از معدسترین مراسم بوده شاهنشاهان ساسانی نه تنها نسب خود را از خدایان میدانستند بلکه سلطنت را موهبت الهی و حق آسمانی میپنداشتند و این اصل را روی یکی از حجاریها نشان داده اند تا در ذهن مردم آنزمان و ادوار بعد کاملاً جایگزین گردد و بکنه آن پی برند

از موضوعهای دیگر که در حجاریها نشان داده است جنگ انفرادی پادشاه است با رقیب خود و آن عبارت است از صوبر سوارهٔ شاهنشاه که نیزهٔ خود را بتن دشمن فرو برده است اغلب این جنگهای تن بتن البته صورت واقعی نداشته ، بلکه نمایندهٔ فتح بزرگ و جنگ شاهنشاهان میباشد و علامت غروری آنان است که برای جاویدان ماندن آن روی سنگ حجاری شده است در سه حجاری نقش رستم این موضوع نشان داده شده است

بزرگترین و مهمترین حجاریهای ساسانی در نقش رستم عبارتست از حجاری

فصل ششم

صنایع دورهٔ ساسانی

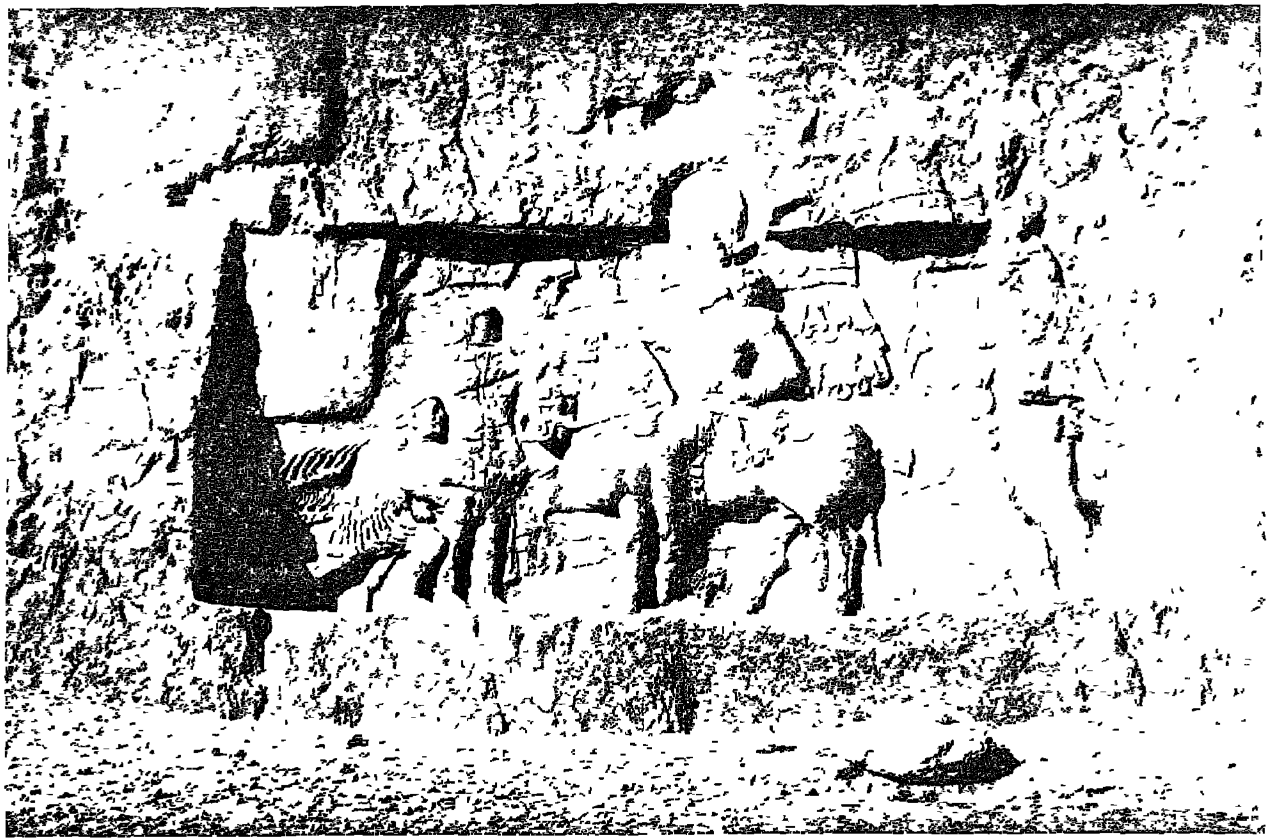
اردشیر پسر پابك (۱) حکمران یا پادشاه یکی از ایالات جنوب ایران و مطیع شاهنشاهان اشکانی بود. وی بساختن بناهای بزرگی در فیروزآباد فارس مبادرت نمود. عظمت این ابنیه سبب خشم و غضب پادشاه اشکانی اردوان پنجم گردید و برای تنبیه او با لشگری عازم فارس شد. اردشیر پس از یك سلسله جنگها براو غلبه کرد و بتدریج تمام ایران را تحت اقتدار خود درآورده مؤسس سلسلهٔ ساسانی گردید. سلاطین این سلسله نسب خود را از شاهنشاهان هخامنشی و توسط آنان ازخدایان میدانستند. شرح حال وکارهای آنان در شاهنامه مبسوطاً نوشته شده و سلطنت چهارصد سالهٔ آنها یکی از درخشانترین ادوار تاریخی ایران محسوب میگردد.

۱ - حجاری

در بین کارهای بزرگ و یادگارهای مهم ساسانیان حجاریهای آنها است که روی صخره‌های عظیم نقش‌شده وپادشاهان و وقایع مهم تاریخی را نشان میدهد. کلیهٔ حجاریهای ساسانی عبارتست از بیست حجاری که در نقش رستم، نقش رجب (دوکیلومتری شمال تخت جمشید نزدیك جاده)، فیروزآباد، سرمشهد، وشاپور واقع شده. بعلاوهٔ اینها یك حجاری در سلماس شمال غربی دریاچهٔ رضائیه و دیگر حجاری مفصل طاق بستان نزدیك کرمانشاه

---

۱ - پابك لفظ فارسی‌قدیم است که معرب آن بابك است وبهمین جهت اولین پادشاه ساسانی را بابکان گفته‌اند.



حجاری نقش رستم که پیروزی شاپور اوّل را بر والرین امپراتور روم نشان میدهد

مشهور شاپور اول که والرین امپراطور روم را اسیر نموده است اینواقعه که یکی از مهمترین فیروزیهای ایرانیان میباشد در سال ۲٦٠ میلادی اتفاق افتاده است

این حجاری سه برابر اندازهٔ طبیعی است و شاپور را نشان میدهد که بر اسب فوق العاده قشنگی سوار است و تاج بزرگ کروی شکل بر سر دارد و شبیه تصویری است که روی سکـه های زمان او نقش شده است . نوار های مخصوص سلطنتی از پشت سر او آویزان و شملش منظم تا شده و از پشت نمایان است شلوار گشاد او با پارچه ای شبیه به تور زینت یافته دست چپش بر قبضهٔ شمشیر است و با دست راست تـاج گـل شخص با معلومی میدهد و چون آن علامت سلطنت میباشد بدون شك کسی است که شاپور قصد دارد بجـای والرین امپراطور روم نماید خود والرین جلـوی اسب شـاهپور زانو بزمین زده و تقاضای ترحم و عفو مینماید والرین لباس رومی که توگا (١) نامیده میشود در بردارد

در نقش رجب سـه حجاری است اولی و دومی تصویر اردشیر و شـاپور ' اولین و دومین شاهنشاه سلسلهٔ ساسانی را نشان میـدهد و موضوع آن اعطاء مقام سلطنت از طرف اهورمزدا به شاهنشاه است حجاری سوم تصـویر شاپور است که بر اسب زیبائی سوار میباشد چند تصویر دیگر پشت سر او کشیده شده و روی سینهٔ اسب جملهای بخط پهلوی و یونانی نوشته شده است

حجاری فیروز آباد فارس نمایندهٔ فیروزی در جنگ میباشد و آن عبارتست از تصویر شش نفر سوار که دو بدو با یکدیگر مشغول جنگند تصویر اول از آن اردشیر است که بر دشمن خود فائق آمده و دومی پسر او شاپور که مانند پدر خود بر دشمن فیروزی یافته و تصویر سوم سربازی که با حریف خود نبرد مینماید و او را از روی اسب بر داشته است این حجاری زیاد عمیق نیست ولی زبرهکاری وآرایش زیاد دارد و شاید از اولین حجاریهای این عصر باشد علائم منصب و نسب هر یك از این سواران با دقت تمام حك شده و معلوم میشود که درعصر ساسانیان ' یعنی قرن سوم میلادی ' سلحشوری ومردانگی و علائم امتیازات آن بین آنهـا شایع بوده است منظره ای که روی این حجاری نشان داده شده از مناظر

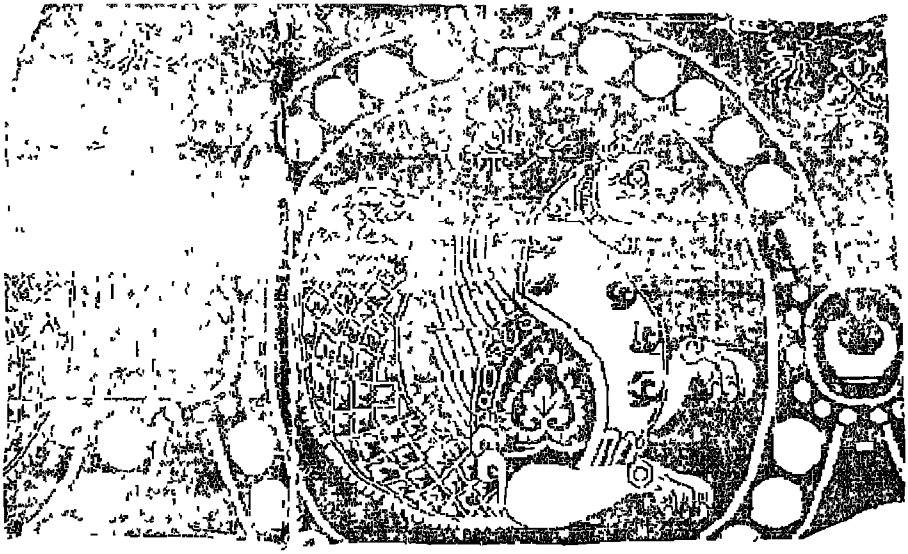
(١) Toga

معمولی جنگ تن بتن است، که در اروپا هزار سال بعد از آن در عصری که «شوالری» (۱) نامیده شده، میباشد

در سر مشهد مجسمه ای از بهرام دوم وجود دارد که کلاه خود او در قسمت عقب بال دارد و تصویر شاهنشاه بدینوسیله مشخص میگردد هر یک از شاهنشاهان ساسانی کلاه یا تاج مخصوصی داشته اند و در حجاریها بوسیلهٔ اختلاف آنها از یکدیگر تمیز داده میشوند چیزی که در این حجاری قابل ملاحظه میباشد عبارتست از کتیبه‌ای بزبان پهلوی که شبیه به کتیبه ای است بهمین مضمون درحجاری عظیم شاپور اول و والرین درنقش رستم این کتیبه مربوط باصلاح مذهب تحت نظر شخصی موسوم به تنسر میباشد که بهرار معاوم در زمان سلاطین اول ساسانی دارای نفوذ و اهمیت بوده است

بزرگترین حجاری ساسانی در شاپور است که قدری خارج از جادهٔ شیراز به بوشهر قرار دارد موضوع اسارت والرین امپراطور روم مکرر در اینجا دیده میشود این حجاری دارای قسمتهای دیگر است که سواره نظام و پیاده نظام شاپور را نشان میدهد و نیز عدهٔ زیادی از مردمان مختلف که هدایا و غنائم نزد شاه میبرند قسمت اخیر شبیه بحجاری پلکان تحت جمشید میباشد در میان هدایا حیوانات زیادی میباشند و حتی فیلی نیز دیده میشود این تصاویر نصف اندازهٔ طبیعی است و چون پشت سرهم نقش شده کاملا واضح و روشن نیست مسلم است که صنعتگران مأموریت داشته اند کار زیاد و مهمی را در اندک مدت بپایان رسانند و از اینجهت تصاویر بخوبی و دقت نقوش دیگر این زمان ، حتی حجاریهای هخامنشی که قرنها قبل ساخته شده نمیباشد . بعضی را عقیده بر آنست که این حجاری از روی اصول صنعتی روم ساخته شده است و حتی میتوان آنرا اقتباس از یکی از بناهای روم که بیادگار فتح ساخته شده است دانست اگرچه شباهت زیادی بین این حجاری و حجاری روم میباشد، ولی با دقت و ملاحظهٔ دقیق معلوم میشود که اقتباس و تقلید از یونانیان باختر است نه از رومیان ایتالیا .

Chivalry - ۱



پارچهٔ ابریشمی ، نمونهٔ از بافندگی عالی عصر ساسانیان در ایران



بشقاب کنده کاری نقره از عصر ساسانیان

بوده است

طاق بستان در چند کیلومتری کرمانشاه واقع و در زمان ساسانیان یکی از باغهای سلطنتی بوده است چشمه ای از زیر صخرهٔ عظیمی جاری است و اینمکان را چنانکه از اسم آن برمیآید ، باغ قشنگ و باصفائی مینمایند . در اینجا دوغار هلالی شکل در صفحهٔ صخره کنده شده و در چند متری آن سر حجاری دیگری وجود دارد که عبارتست از تصویر دو نفر که روی دشمنی که برمین افتاده ایستاده‌اند ویکی تاج گل بدیگری میدهد تصویر شخص ثالثی در طرف چپ حجاری قابل توجه است این شخص عصائی در دست دارد و دور سر او هاله‌ای ازنور استکه شعلهٔ آن باطراف پراکنده شده این تصویر بی‌شك جنبهٔ مذهبی داشته و بسیاری براین عقیده‌اند که تصویر حضرت زرتشت پیغمبر و پیشوای مذهبی ایران قدیم میباشد پارسیهای هندوستان و زرتشتیهای ایران آنرا تصویر زرتشت دانسته از آن در همه جا تقلید نموده اند ولی عقیدهٔ عدهٔ زیادی از باستان شناسان براین است که این تصویر میترا ربه النوع خورشید در ایران است بخصوص که پاهای او در روی گل آفتاب گردان بزرگی قرار دارد و هالهٔ دور سر او منعکس است اشعهٔ خورشید را نشان دهد

در غار هلالی شکل کوچکتر که در فوق ذکر شد ، دو تصویر کنده شده است که شاپور دوم و شاپور سوم تشخیص داده شده است و آنها پهلوی یکدیگر ایستاده و دست بر قبضهٔ شمشیر دارند و نوك شمشیر هر دو بین پاهای آنها روی زمین قرار دارد هر ب آنرا از روی کتیبه‌ای که پهلوی تصاویر است ثابت گردیده

غار هلالی شکل بزرگتر از زمان خسرو پرویز دوم و در سال ۶۰۰ میلادی ساخته شده است در هر دو طرف الواحی با نقش گلهای قشنگ زینت یافته شده است لبه و دور این قوس بشکل طناب ضخیم پیچ داری تراشیده شده و در قسمت وسط و بالا نقش هلالی است که با نوار زینت یافته در طرفین تصویر بالدار مجسمهٔ فیروزی بسبك روم شرقی یا « بیزانتین » حجاری شده است .

در شاپور نیز یك حجاری است که مراسم اعطاء سلطنت بهرام اول را توسط اهورمزدا که هردو براسب سوارند نشان میدهد این حجاری خیلی بهتر از حجاری شاپور اول است و در مقایسه معلوم میشود که حجاری شاپور تا چه اندازه از حیث کار ضعیف و پست میباشد احتمال میرود ازحیث طبیعی بودن تصاویر این حجاری بهرام اول ازبهترین حجاریهای زمان ساسانی باشد در کنار آن مجسمه ای از بهرام دوم است که صدمهٔ زیاد دیده و تقریباً محو شده است

تقریباً در تمام حجاریهای ساسانی صورت اشخاص شکسته و محو شده است و صدمات دیگری نیز باین تصاویر و نقشها از مردمی که قدر و قیمت حقیقی آنرا نمیدانستند وارد آمده و در نگاهداری آنها توجه و اقدامی نکرده اند خرابی این حجاریها و نیز حجاریهای تخت جمشید را معمولاً باعراب مهاجم نسبت میدهند ، زیرا آنان اشتیاقی به محو نمودن هرگونه اثر حجاری و مخصوصاً بتصاویر انسان داشتند و تصور مینمودند که ممکن است آنها مردم را به بت پرستی سوق دهد

در غاری پهلوی کوه ، مجسمهٔ عظیمی از شاپور اول وجود دارد که شاید دراصل ازصخره‌های نزدیك غار ساخته شده باشد ، ولی اکنون بداخل غار افتاده است اندازهٔ آنرا میتوان از پاهای مجسمه که هنوز روی سکو جای اصلی خود در دهنهٔ غار باقی است و یك متر طول دارد ، تخمین زد

در طرف غربی قسمت شمال دریاچهٔ رضائیه در ناحیهٔ سلماس یك حجاری است که زیاد برجسته نیست و صورتها درسطح سنگ حك و اطراف آن کمی بیشترحجاری شده است موضوع آن عبارتست از دو نفر سوار که هر یك تاج گلی از شخصی که در جلوی اسبهای آنها ایستاده است میگیرند رویهمرفته این حجاری چندان خوب نیست و با حجاریهای عظیم وعالی فارس قابل مقایسه نمیباشد بعضی گمان میکنند که حجاری سلماس اردشیر و شاپور را نشان میدهد ، ولی بعقیدهٔ نگارنده بهرام دوم و پسر او میباشد ، زیرا یکی ازآنها کلاه خود بالداری در سر دارد که چنانکه مذکور شد مخصوص بهرام دوم

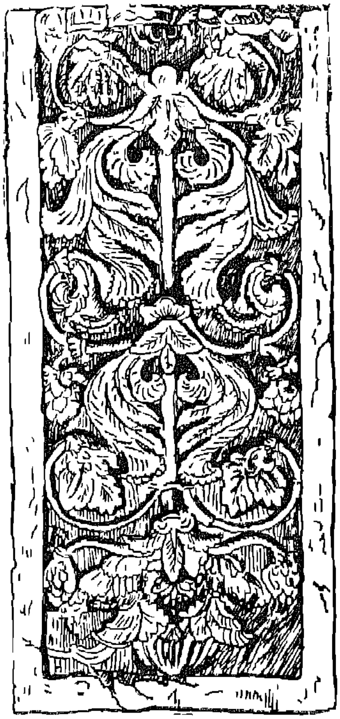
آنرا تصویر اناهیت که ربه‌النوع جویبار و رودخانه است میدانند از لباس و جامهٔ این سه تصویر بطرز لباس زمان ساسانی میتوان پی برد از مطالعهٔ تصاویری که در طاق بستان است اطلاعات بیشتر و بهتری راجع به زندگی عصر ساسانی بدست میآید تا از تمام منابع دیگر

در طرفین درونی این غار تصاویری کنده شده که پادشاه را در حال شکار خرس وحشی و آهو نشان میدهد تصویر پادشاه بچندین حالت دیده میشود در طرف راست قسمتی که شکار آهو نشان داده شده خدمه مشاهده میشوند که بر فیل سوارند و آهو را به محوطه‌ای میرانند در وسط تصویر سوارانی دیده میشود که شکار را تعقیب نموده و با تیر و کمان آنرا هدف قرار میدهند در حالیکه در قسمت بالای این نقش ساز زنها بنواختن مشغولند و شکار شاهانه را با موسیقی همراهی میکنند در سمت چپ این مجلس شکار کشته را پوست کنده و روی اشتران قرار داده میبرند

در طرف دیگر شکار گراز دیده میشود پادشاه و ساز زنها در قایقهائی هستند که از آن گراز را شکار نموده اند در طرفین آن مجلس و زیر تصویر پادشاه فیلهائی دیده میشوند که شکار را رانده و پس از کشته شدن آنرا حمل مینمایند گـراز در زمین باطلاقی و در میان نیزار و اردك و ماهی در وسط آب دیده میشوند

نقش این تصویر در سنگ حیرت آور است تصویر حیوانات بزکوهی ، گراز ، شتر ، اسب و فیل بخوبی کشیده شده است و مناظر شکار بطور کلی دارای ارزش حقیقی صنعتی است شاید اصول صنعتی بیزانتین و یونان قدیم در تزیینات غار بی‌تأثیر نبوده باشد، ولی در قسمتهای دیگر خصائص آن ایرانی وساسانی است و رویهمرفته نمونهٔ گرانبهائی است از صنعت حجاری در اواخر دورهٔ ساسانی

حجاریهای ساسانی پیشرفت منظم مهارت وذوق صنعتی ملی را نشان نمیدهد ؛ ولی حجاری قسمتی از این عصر درجات مختلف استعداد و ذوق صنعتی را مینماید ومشکل است تعیین نمود که این حجاریها تا چه اندازه تحت نفوذ صنعتگران خارجی بوده است یـا تاچه اندازه یونانیان که چندین صدسال در مشرق ایران سکونت داشته‌اند در این صنایع



نمونهٔ نقش روی سنگ درطاق بستان

در بالای طاق کنگره و باروئی ساخته شده که در اصل ایرانی است و در ساختمانهای تخت جمشید دیده میشود رویهمرفته این عمارت و تزیین آن بسیاری از خصائص معماری زمان ساسانی را نشان میدهد که در سائر حجاریها وبقایای آن عصر دیده نمیشود

روی دیوار روبروی درونی عمارت تصویری از خسرو پرویز است که بر اسب جنگی بزرگی سوار و اسلحهٔ یکی از سواران ساسانی رادر بر و سپر مدوری در دست چپ دارد و در دست راست نیزه ای که برای حمله حاضر است و در پهلوی اسب ترکشی جهت تیر قرار داده شده است این تصویر با اینکه روی صخرهٔ طبیعی کنده شده آنقدر برجسته است که جدا مینماید و از بهترین مجسمه های سوار دنیا محسوب میشود اسبی که پادشاه سوار آن است اسب مشهورخسرو پرویز موسوم به شبدیز میباشد که در حکایات و اشعار ایران معروف است

بالای تصویر پادشاه طاقچه ایست که توسط ستونهائیکه در صخره کنده شده نگاهداری میشود و روی این طاقچه سه تصویر قرار دارد تصویر وسطی پادشاه را نشان میدهد که نوك شمشیر خود را روی زمین قرار داده و با دست راست تاج گلی از شخص ریش داری که طرف چپ او قرار گرفته میگیرد در طرف راست پادشاه تصویر زنی است که از کوزه‌ای آب میریزد بعضی‌ها آنرا تصویر شیرین محبوبهٔ خسرو پرویز و برخی‌دیگر

خسرو و یکی از بهترین نمونه‌های این صنعت میباشد، در خزانهٔ کلیسائی در فرانسه بدست آمده و کاسهٔ طلائی دیگر متعلق بزمان ساسانی در خزانهٔ معبدی در ژاپون میباشد بعضی از ظروف ساسانی در شمال هندوستان و بعضی در لهستان و بیشتر آن در ممالک شوروی پیدا شده است وجود این ظروف در ممالک خارجه ثابت میکند که تجارت و تبادل اجناس در آن زمان بسط داشته و گویا این ظروف با خز مبادله میشده و چون از فلز قیمتی ساخته شده بود بجای پول نیز استعمال میگردیده نمونه های آن در نواحی مختلف خاک شوروی حتی در نقاط دوردستی مانند جبال اورال پیدا شده است در نواحی اوکراین بیش از هزار ظرف و اسباب فلزی کشف گردیده و بزرگترین گنجینه ها توسط چند نفر چوپان در یک تپهٔ شنی نزدیک پولتاوا بدست آمده که شامل یازده ظرف طلائی از عهد ساسانیان بوده است

روی بسیاری از ظروف نقرهٔ این عصر مناظر شکار کشیده شده و شاهنشاه بکشتن شیر، غزال، گراز یا حیوان دیگری اشتغال دارند شاهنشاهان ساسانی را میتوان اغلب از روی شکل تاج مخصوص آنان تشخیص داد، گرچه بعضی از تاجها بیک شکل تراشیده میشده و بنظر میآید که بیک شاهنشاه اختصاص نداشته است طرز کار و سبک ساختمان ظروف متفاوت است. در بهترین آنها تصویر حیوانات بسیار عالی نقش گردیده. مثلاً در بعضی عضلات را سفت و کشیده نشان داده و در برخی سرعت فرار، قوت، زیرکی و حتی حیلهٔ حیوان را با کمال وضوح بشکل تعجب آوری کشیده و نمایانده است

موضوعهای متنوع دیگری روی ظروف نقش شده است که در جزئیات آن داخل نخواهیم شد، ولی باید بخاطر داشت که نکات زیادی در خصوص معماری زمان ساسانی از روی تصویر ابنیه و عماراتی که در روی ظروف فلزی رسم شده بدست میآید مثلاً روی سینی مفرغی که اکنون در برلن میباشد، تصویری است که معتقدند شاید تصویر طالار بزرگ تاجگذاری خسروان ساسانی موسوم به «تخت تقدیس» باشد اطلاعاتی که راجع به این طالار و تخت سلطنتی در دست است استعمال مفرط احجار و فلزات قیمتی را تأکید میکند

دی‌نمود بوده‌اند دکتر هرتسفلد معتقد است که اصول وسبك این حجاریها از روی نقاشی بوده است و نمونهٔ مجسمه سازی حقیقی نیست . با همهٔ اینها حجاریهای ساسانی قسمت مهمی از صنایع ایران و دنیا است و شکی نیست که بعضی از آنها توسط صنعتگران درجهٔ اول ساخته شده است تصویر اسبها و سائر حیوانات بقدری خوب ساخته شده و طوری دارای روح و قوت است که بندرت درحجاریهای دیگر دیده شده است سلحشوری وقهرمانی(«شوالری») هزار سال قبل از آنکه اروپا بهمان درجه رسد در این نقشها نشان داده شده

۲ — فلز کاری

ساختن ظروف از فلزهای قیمتی پیشرفت زیادی داشته و در عصر ساسانی بدرجهٔ عالی رسیده بعضی از این ظروف ساده و فقط به تزیین لبهٔ آن اکتفا میشده و صنعتگر استادی خود را در ساختن شکل آن بکار میبرده است بعضی دیگر نقشهای گوناگون دارند و موضوع عده‌ای از آنها ما را بیاد حجاری و مجسمه سازی آن عصر میاندازد بعضی از ظروف دیگر نقشهای برجسته داشته و حتی برخی از آنها دولا دارند تا آن قسمت نازك محفوظ بماند

گرچه این نوع ظرف در زمان ساسانیان فراوان بوده ، ولی مقدار کمی از آن بدست ما رسیده وشاید قسمت زیادی از آنرا برای فلزی که داشته ذوب نموده‌اند ظروفی که پیدا شده عجالةً در موزه ها و گنجینه های شخصی است و قسمت بیشتر و ظریفتر آن در موزهٔ هرمیتاژ لنین‌گراد است رویهمرفته کمتر از بیست ظرف طلا و تقریباً صد ظرف نقره و مقدار زیادی ظرف و اسباب مفرغی موجود است ، ولی احتمال میرود که بعضی از ظروف مفرغی متعلق بزمان بعد باشد که بسبك ظروف ساسانی ساخته شده است

جای تعجب است که طبق اطلاعات حالیهٔ ما بیش از شش عدد ظروف فلزی ساسانی در خاك ایران پیدا نشده است یك ظرف طلائی بسیار زیبا که معروف است بجام

ولی باید در نظر داشت که نوشتن را در اوائل این دوره قاعدهٔ معینی نبوده در دربار اشکانی زبان یونانی مرسوم و زبان و ادبیات پهلوی خیلی محدود بوده تا اینکه در اواخر این دوره کتب مذهبی که تا آنزمان تدوین نشده بود نوشته شده و برای زبان پهلوی قاعده و میزانی معین گردیده جای تعجب است که ساسانیان با اینکه کارهای بزرگ صنعتی انجام داده اند، ادبیات آنها خیلی کم است

تصویر پادشاهان در روی سکه در اواسط این عصر خیلی ساده شده و در ساختن آنها دقت زیادی بعمل نیامده است سکه را بقدری نازک مساخته اند که برجسته کاری روی آن ممکن نبوده و از هرجهت سست تر از مسکوک اوائل این دوره پست تر است در اواخر این دوره یعنی از ۵۰۰ میلادی تا استیلاء عرب مسکوک پست تر شده و تصویر پادشاهان فقط از شکل کلاه خود آنان شناخته میشود در این سکه ها چهرهٔ حقیقی شاهنشاه معین نیست و مشکل است بگوئیم شباهتی بقیافهٔ انسان دارد مذبح آتشکده و ملازمین آن خیلی ساده است و نمیتوان آنرا تصویر نامید و ارزش صنعتی برای آن قائل شد در اواخر این دوره مقدار پول ومسکوک خیلی زیاد شده و حتی گفته‌اند که خسرو اول انوشیروان قریب صد ضرابخانه داشته و خسرو دوم پرویز سکه های خود را در صد و بیست مکان ضرب میکرده است

همانطور که در بارهٔ اشکانیان مشاهده شد مسکوک سلاطین اولیهٔ ساسانی کارهای حقیقی صنعتی است، ولی همینکه سلطنت آنها محکم و احتیاج بپول ازدیاد یافت مسکوک از لحاظ صنعت رو به پستی رفته و در اواخر این عصر صنعت ضرب سکه فوق‌العاده پست گردیده و برای مسکوک صنعتی باید بزمان سلاطین اولیهٔ ساسانی مراجعه نمود

٤ — مهر ها

مهر های زمان ساسانی بانواع مختلف و موضوعهای متعدد منشعب میشود و در ساختن آنها مهارت و استادی بدرجات مختلف بکار رفته مهرهائیکه در این دوره شایع

میرساند که حتی میخهای آن از طلا و نقره بوده گنبد آن آسمان را مینموده است و میگویند که آن حرکت میکرده همچنانکه آسمان با گردش زمین سطر متحرك میآید

بعضی اوقات نقشهای این ظروف طوری کشیده شده است که با اندازهٔ ظروف متناسب باشد و این کار مخصوصاً روی بشقابهای نقره‌ای بعمل آمده است ، ولی گاهی موضوع و نقشها متناسب با اندازهٔ ظرف نیست بطور یقین فلز سازان زمان ساسانی در مهارت و استادی از ملل هم عصر خود پیش بوده‌اند و نمونهٔ صنعت و استادی آنان را موزه‌ها و اشخاص متمول با ذوق بقیمتهای گزاف خریداری مینمایند و خود را خوشبخت میدانند اگر موفق بدست آوردن نمونه‌ای از کارهای حقیقی زمان ساسانی به فلز قیمتی گردند

۳ — سکه ها

سکه های ساسانیان بطلا و نقره و مفرغ ضرب میشده و گاهی بندرت نقره و مفرغ را با یکدیگر ترکیب نموده سکه میزدند وزن واحد مسکوك نقرهٔ ساسانی تصور میرود همان وزن مسکوك اشکانی بوده ولی قدری بزرگتر ، زیرا آنها را نازکتر میساخته اند و سکه‌های زمان ساسانی در تمام دوره از حیث نازکی تمیز داده میشود .

اردشیر مؤسس سلسلهٔ ساسانی بضرب چندین قسم سکه پرداخت بسیاری از آنها خیلی خوب ضرب شده و دارای ارزش صنعتی است پسر او شاپور اول این شیوه را تعقیب نموده وسکه‌های زیبائی‌ضرب نموده است در اواسط سلطنت طویل‌شاپور دوم سکه‌ها با دقت ضرب نمیشده و از ارزش صنعتی آنها کاسته گردیده و علت این امر را توسعهٔ تجارت و ضرورت به ازدیاد ضرب سکه دانسته اند

تصویر سلاطین در اوائل این دوره خیلی قشنگ روی سکه ها نقش شده و در طرف دیگرسکه مذبح آتشکده با ملازمین آن بقدری برجسته و دقیق ضرب شده که میتوان آنها را مجسمه سازی کوچك دانست نوشتهٔ روی سکه ها درهر دوطرف به زبان پهلوی است و غالباً خیلی بد نوشته شده و کلمات را غلط یا بعضی اوقات حروف را معکوس نوشته‌اند .

تصاویر اشخاص روی مهر نشان داده شده است که گاهی تنها و گاهی نزدیک آتشکده ایستاده‌اند تصویر انسان بخوبی دورهٔ قبل که یونانیان نفوذ صنعتی داشته اند نیست و از لحاظ صنعت بخوبی تصاویر حیوانات نمیباشد

بعضی مهرها روی جواهرات کنده شده و متعلق به شاهنشاهان است از روی هزاران مهر که در این زمان ساخته شده است معلوم میشود که صنعت حکاکی در این زمان مهم بوده و بسط داشته است

۵ — بافندگی

پارچه های ابریشمی با نقشه های پرکار که در ایران آنزمان تهیه میشد در تمام دنیای آنوقت مشهور بود و این صنعت بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسیده بود اکثر منسوجات آنزمان پس از قرنها البته ازبین رفته ومنهدم شده است، ولی معهذا بیش از شصت نمونه از کارهای نساجی آنزمان در دست است که اغلب در موزه های اروپا و هندوستان نگاهداری میشود

علاوه برانها تقریباً بیست و پنج قسم نقشهٔ پارچه روی حجار بهای طاق بستان نمایش داده شده که برای متخصصین راهنمای مهمی است و کمك به تشخیص و تقسیم بندی منسوجات زمان ساسانی میکند

رنگ پارچه های زمان ساسانی محدود و عموماً روشن بوده پارچه های زیادی دیده شده است که رنگ آنها فقط آبی سبز و سفید است نقشهای دیگر بیشتر از دو رنگ دارند و بعضی دارای پنج رنگ مختلف میباشند یك تکه بزرگ پارچهٔ پشمی قلابدوزی در موزهٔ هرمیتاژ روسیه میباشد که از عالیترین نمونهٔ پارچهٔ زمان ساسانی است و نقش آن عبارتست از خروس بزرگی که در قاب مدوری رسم گردیده این مرغ بسیار زیبا کشیده شده ودارای رنگهای قشنگ است تقریباً هفت رنگ مختلف درآن دیده میشود

عشق ایرانیان باشکال و تصویر حیوانات در بافندگی و نساجی نیز ظاهر میگردد و در بین آنها تصویر حیوانات خیالی مانند عنقا، دیوی که دم طاوس دارد، اسب و گاو

میباشد عبارت از مجسمهٔ نیم تنهٔ صاحب مهر است که اسم و لقب او دور تصویر به پهلوی میباشد مطالعهٔ دقیق در مهرهای این زمان مستلزم دانستن افسانه ها و عقائد مذهبی مردم و نیز آگهی به عقائد آنان دربارهٔ آسمان و ستارگان و سائر علامات کواکب وغیره میباشد. آتشکده با تصویر اهور مزدا در میان شعلهٔ آتش نشان داده میشود مکرراً خداوند خورشید نیز نقش گردیده ولی غالباً موضوع مهرعبارتست از خدایان کوچکتر مانند اناهیت و حیوانات که نمایندهٔ « وری ثرگنا » (۱) باشند و « ماه » که خدای ماه بوده و علائم زیادی راجع بخورشید و حیوانات مربوط بارباب انواع دیگر است. و نزدیك آنها تصویر حیوانات، حشرات و خزندگان هستند که ستارگان و کواکب ومنطقة البروج را نشان میدهند

پرندگان غالباً روی مهرها نشان داده میشوند، ولی صنعتگران در کشیدن حیوانات بیشتر مهارت داشته اند در ادوار دیگر تاریخ صنعت ایران و نیز در قسمتهای دیگر صنایع ساسانی مشاهده نمودیم که ایرانیان با چه برومندی و هنر و با چه آگهی باحوال و حالات و عادات آنها حیوانات را مجسم ساخته اند. نه تنها حیوانات معمولی در روی مهرها نقش شده، بلکه حیوانات خیالی از قبیل اسب بال شاخ، عنقا یا سیمرغ، عفریتی که دم طاوس دارد، اسبها و گاوهای بالدار نیز ترسیم شده است.

علامات دیگر از قبیل سواستیکا که علامت خورشید بوده، گل لوس، لوح مدوری که از مرکز آن اشعهٔ منکسر میتابد، خورشید دوار، ستاره وهلال و غیره منتشر بوده اشکال هندسی زیاد دیده میشود و نیز نقشی که دست را گوئی بحالت تضرع نگاهداشته نشان میدهد و احتمال میرود هریك از این علامات دارای معنی مخصوصی بوده است

داستان بهرام گور و ساز زن او آزاده در مهرهای اواخر این دوره ترسیم گردیده است این موضوع در سائر صنایع مانند ظروف نقره، منبت، سفال، مینیاتور و گچ بری نیز نشان داده شده است این تصاویر مدت طویلی بعد از ساسانیان شایع بوده و نشان میدهد که مردم تا چه اندازه شیفتهٔ این داستان بوده‌اند.

Verethragna — ۱

میساختند اغلب از فلز قیمتی بوده و حتی ظروف غذا خوری بچه‌ها و اعیان هم از این نوع فلز ساخته میشده بدینطریق سفال برخلاف سائر شعب صنایع ترقی زیادی ننموده و تقریبا بهمان حال باقی مانده

لعاب دادن که از خصائص سفال اشکانی و مخصوص به آن دوره بوده در عصر ساسانیان ادامه داده شده و رنگ معمولی آنها در هر دو عصر سبز و آبی کم رنگ بوده، ولی شکل سفال لعاب داده و نقش آن در این عصر بهتر ازسفال زمان قبل است در سفال لعاب نداده نقشهای مختلف و متنوع دیده میشود از جمله نقش نقطه در دائره با طرحی که بنام بکمه ای شکل نامیده شده بعلاوه یك قسم نقش حدیدی بکار میبردند که با تراشیدن سفال صورت میگرفته

ظرفهای شکل حیوانات در این دوره شامل ظرف آبخوری است بشکل سر گاو نر که در زمانهای سابق نیز وجود داشته و نیز بطری که بشکل ماهی ساخته شده چنین بنظر میآید که اغلب اشکال سفال از ظروف فلزی تقلید شده باشد و شك نیست که صنعت زرگری و اشکال ظروف طلا و نقره در سفال سازی این عصر بی‌تأثیر نبوده است

ظروف سفالین عصر ساسانی از طریق حفریات علمی کم در ایران بدست آمده در قصر ساسانی دامغان ظروف لعابی دیده نشده است، فقط مقدار کمی تکه های سفال قرمز رنگ بدست آمده است مقداری سفال در بین‌النهرین پیدا شده که حدس زده میشود متعلق بزمان ساسانی باشد، زیرا مسکوك عصر ساسانی در همان طبقه بدست آمده چون اطلاعات کافی و مدارك حقیقی موجود نیست نمیتوان در بارهٔ سفال زمان ساسانی قضاوت صحیحی نمود، ولی رویهمرفته چنین بنظر میآید که این صنعت از سائر صنایع دیگر آن عصر پست تر بوده است

۷ — گچ بری

هیئت اکتشافی آمریکائی مقدار زیادی گچ بری از قصری در ری کشف نموده

سالدار ، قوچ و گراز وحشی دیده مشود و نیز تصویر اسبی که دور آنرا قابی رسم کرده اند و تصو ر پرندگان و مرغهای مختلف که بگردن آنها نوار های مخصوص زمان ساسانی بسته اند، کشیده شده علاوه بر خروس که بانواع مختلف نشان داده شده تصویر مرغ و پرندگان بحری مانند غاز و مرغابی نیز دیده شده است

آنچه مختص نقشهٔ پارچه های ساسانی است اشکال دائره و بیضی میباشد و گاهی دائره های کوچکتر مماس بریکدیگر آنها را تکمیل مینمایند

از نمونه‌هائیکه در دست است چندین قسم پارچهٔ مختلف میتوان یافت و متخصصین آنها را بنواحی مختلف ایران نسبت داده اند دکتر فیلیس اکرمان (۱) در اقسام مختلف این پارچه ها ومحلهائیکه ممکن است در آنجا بافته شده باشد مطالعه نموده و در مقالهٔ خود تحت عنوان « منسوجات ایران » در کتاب « صنایع ایران » صورت کلیهٔ بافندگیهای زمان ساسانی که در موزه های دنیا موجود میباشد با شرح آنها گنجانده است

پارچه های زمان ساسانی در تمام دنیا معروف و ایران در صنعت نساجی از تمام کشورهای جهان پیش بوده پارچه های ابریشمی و سائر قماش ایران در اروپا و قطعات دیگر دنیا خریدار زیاد داشته است. این صنعت یادگاری است از قوهٔ اختراع و ابتکار ایرانیان و مهارت آنان و باید سرمشق و نمونهٔ خوبی در تمام صنایع برای مردم این سرزمین باشد.

۶ — سفال سازی

از آنچه که اطلاع داریم صنعت سفال سازی در زمان ساسانیان پیشرفت زیادی ننموده ، گرچه ممکن است درمدت چهارصد سال نمونه‌هائی ساخته شده باشد که از بعضی جهات از سفال اشکانی بهتر باشد ولی رویهمرفته سفال این زمان محدود بظروفی بوده‌که جهت احتیاجات معمولی ساخته میشده اشیاء و ظروفی که برای تزیین و تشریفات

Dr. Phyllis - Ackerman-۱

بهرام گور و سر رنان پیدا شده است

تصور میشود که طرز عمل این صنعت در این دوره تغییر چندانی ننموده و بسیاری از نقوش وطرحها در طی این عصر به یك وضع میماند این نوع گچ بری گاهی روی سطح کنده میشد و گاهی بطور برجسته روی سطح گچ با دست کنده میشد و گاهی برای بعضی نقشه‌ها قالب بکار میرفته و اغلب با رنگهای زیبا تزیین مییافته تا با زمینهٔ سفید گچ جلوهٔ خوبی داشته باشد این نوع ترئین به دیوار ها وبناها زینت قشنگ و صنعتی میداده

۸— معماری

برای مشاهدهٔ قدیمترین و بهترین اشکال معماری ساسانی باید بفیروز آباد فارس پانزده فرسخی جنوب شیراز رفت در اینجا اردشیر اولین پادشاه ساسانی قلعه‌ای در بالای کوهی بلند و عمارت سلطنتی نزدیك شهر ساخته و بنای دیگری برپا نموده که بدون شك آتشکده بوده است شکل معبد عمارتست از مربعی که گنبد آن روی چهار ستون نگاهداشته شده نکتهٔ قابل ملاحظه و غیر معمولی این بنا آنست که آن روی صفهٔ مربعی از سنگ تراشیده ساخته شده و آثار چهار پلکان که در چهار جهت معبد که بصفه منتهی میشده مشاهده میشود چون بنای سنگی تراشیده در معماری ساسانی کمتر دیده شده بعضی معتقدند که این بنا متعلق بدورهٔ هخامنشی میباشد ، ولی شکی نیست که در زمان اردشیر ساسانی ساخته شده است

خرابهٔ قلعهٔ این شاهنشاه در قلهٔ کوه بلندی نزدیك فیروز آباد دیده میشود این قلعه را از سه طرف سراشیبی بسیار تندی بوده که بدره‌ای منتهی میشده و قلعه سه طبقه بنا شده دو برج بزرگ که دارای پلکان پیچ پیچ بوده باطاقهای بزرگ طاقدار که دور صحن ساخته شده بود راه مییافته در بالای اینها اطاقهای اصلی قلعه ساخته شده و عمارت بوده از طالار بزرگی که سقف هلالی داشته و پشت آن اطاق مربعی شکل که گنبد آن روی جرز های گوشهٔ آن بنــا شده بود این برجها تنوعی به دیوار صاف و یکنواخت

که بطور تحقیق متعلق باواخر دورهٔ ساسانیان میباشد نقشهای برجستهٔ زیادی ازمو وگل با نقشهای عمومی و نوعی گل سرخ با طرحهای متصل و زیبا دیده میشود پرندگان وحیوانات مختلف گچ بری و داستانهای زیادی روی گچ نشان داده شده و مهمتر از همه داستان بهرام گور و سار زن او آزاده است که برحیوان شکاری خود که اسب و شتر شبیه میباشد سوار است نزدیك آنها تصویر یك بزکوهی است که با تیر شکارچی پایش بگوشش دوخته شده نکتهٔ مهم اینست که هنوز زمان زیادی از بهرام گور نگذشته بوده که داستان او مشهور و در بین عموم شیوع یافته بوده است

مجسمهٔ سر انسان گچ بری شده و علائمی از نقاشی با رنگ و روغن روی آن دیده میشود و در بعضی قسمتهای آن رنگ شفاف آبی و قرمز تا بحال باقی مانده است

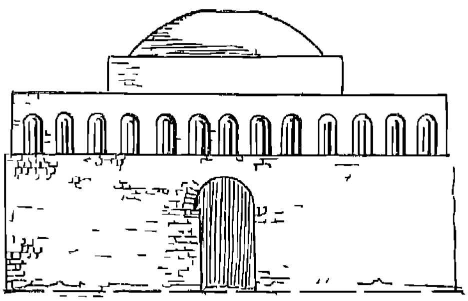
روی ستونهای عظیم قصر ساسانی در دامغان که از آجر ساخته شده گچ بری بارکی که دارای نقشهای گل و برگ وسواستیکا است دیده میشود حاشیه های نقش مو و اشکال هندسی نیز دیده شده روی بعضی از لوحهای گچی آهوی نر وماده در حال نوشیدن آب ، نیز گراز وحشی ، صورت خندان یك زن و دائره ایکه محیط آن با مهره مزین شده و در وسط آن نقش پرکاریست نقش گردیده بقایای مجسمهٔ شیری که از گچ ساخته شده نیز دیده میشود تقریباً تمام الواح و بسیاری از نقشهای گچی که در دامغان پیدا شده است بوسیلهٔ قالب ساخته میشده

یك عده لوح گچی که در بین ری و ورامین پیدا شده و اکنون در موزهٔ پنسیلوانیا میباشد بادشاه یا شاهزاده ای را نشان میدهد که بشکار گراز وحشی مشغول است این منظره مکرر تکرار شده و قسمتهای دیگر دیوار ازمو و مرغابی ترکیب یافته و با نقش معمولی مو پوشیده و تزیین شده است .

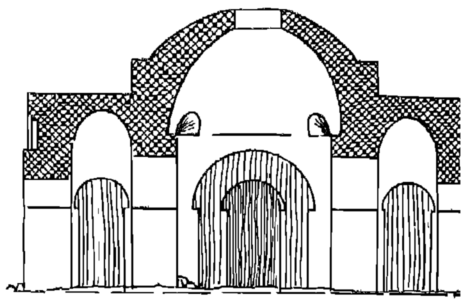
نمونه های فوق‌الذکر که در داخل خاك ایران پیدا شده و نمونه های گچ بری زیادی که در تیسفون و کیش و سائر نقاط بین‌النهرین بدست آمده دلیل وافی است بردرجهٔ مهارت و استادی صنعتگران ایرانی در عصر ساسانیان . در کیش چند مجسمهٔ نیم تنه از

ت و متصل بدان سه اطاق مربع بوده که سقف گنبدی شکل داشته‌اند در عقب آنها صحن یا
یاطی بوده که دور تا دور آنرا اطاقهای طاق هلالی احاطه میکرده و کلیهٔ ساختمان بشکل
ربع مستطیل بعرض ۵۵ متر و طول ۱۰۴ متر بوده دیوار های این قصر از سنگ
آهک ساخته شده و شبیه بدیوار های قلعه ایست که در بالا مذکور شد.

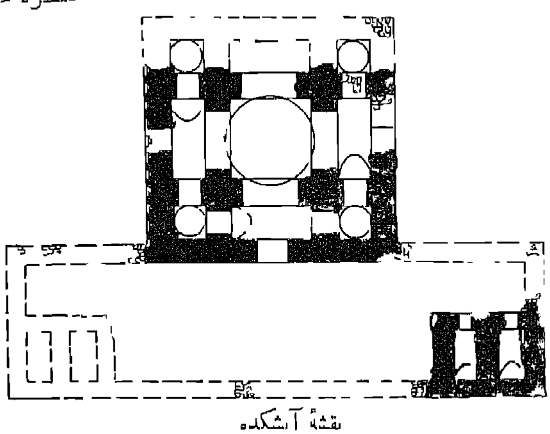
خرابه های قصر دیگری از زمان ساسانیان در سروستان پیدا شده است و
شهر معروف شاپور بقایای ساختمانهای عصر ساسانی زیاد است و در این شهر اخیراً
رشهای علمی شده است در درهٔ گرا بین فیروز آباد و کازرون دکتر هرتسفلد خرابهٔ چهار
تشکده پیدا نموده یکی از آنها که در محلی موسوم به فراش بند میباشد قبلاً مذکور شد
در اینجا لازم است ساختمان یکی از آتشکده های عصر ساسانی بطور نمونه



منظرهٔ جلو



مقطع آتشکده

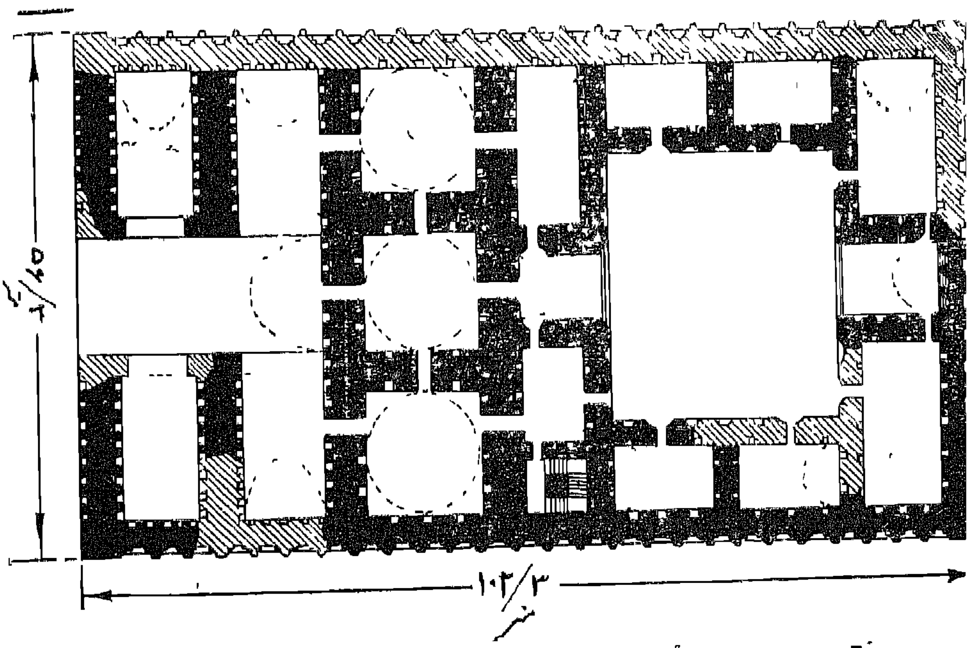


نقشهٔ آتشکده

آتشکدهٔ معمولی

قلعه میداده دیوار از سنگهای بزرگ طبیعی ساخته شده و با آهك و گچ بند کشی گردیده البته با این مصالح ضخامت دیوار خیلی زیاد میگردید مخصوصاً قسمتهائی که برای نگاهداری سقفهای هلالی یا گنبد ساخته میشده گرچه اینگونه ابنیه خوش منظر میاید ولطف وقشنگی سنگ تراشیده یا آجررا ندارد ، ولی این قسم ساختمان از خصائص معماری ساسانی است

عمارت سلطنتی اردشیر در بیرون شهرفیروز آباد چشمهٔ آب گرمی درصحن جلو عمارت داشته و با اینکه در زمان اولین شاهنشاه سلسلهٔ ساسانی ساخته شده از بهترین ابنیهٔ آن دوره میباشد نقشهٔ آن کاملاً ایرانی وشامل بسیاری از اصول معماری است که در زمان بعد از آن تقلید شده و در معماری ادوار بعد تأثیر و نفوذ کلی داشته است .



نقشهٔ عمارت سلطنتی اردشیر در فیروز آباد فارس

ایوانیکه در قسمت مرکزی و جلو عمارت میباشد سقف آن هلالی و عرض آن ۱۳ متر و ۳۰ سانتیمتر است در دو طرف این ایوان چهار اطاق بوده که با ایوان اصلی زاویهٔ قائمه تشکیل میداده است و مانند ایوان مرکزی سقف هلالی داشته در قسمت

و عرض دهانهٔ آن ۲۵ متر و ۶۰ سانتیمتر است طاق و دیوارها خیلی ضخیم هستند گویا منظور معمار این بوده که دیوار را اینقدر ضخیم سازد که بتواند طاق هلالی بزرگ را نگاهدارد ضخامت این دیوار در پایه هفت متر و در جائیکه طاق شروع میشود چهار متر است و قطر طاق در بالا ترین نقطهٔ هلالی یکمتر میباشد

عده‌ای از باستان شناسان تصور میکنند که این قصر را شاپور اول ساخته است، ولی ساختمان آن همیشه به خسرو اول انوشیروان یا خسرو دوم پرویز در قرن ششم میلادی نسبت داده شده است طاق آن بقدری بزرگ ساخته شده که معماری بنا از این حیث قابل تنقید است زیرا دیوار جلو آنقدر بلند میباشد که باخود بنا تناسب و مطابقت ندارد بعلاوه اسلوب آن ساسانی بنظرنمیرسد بلکه به بنای خاوری یکی ازنمایشگاه‌های روم بیشتر شباهت دارد و اگر تقلید از روم باشد باید گفت که خوب تقلید نشده است بنای خاوری آن سه طبقه است و هرطبقه دارای دو ردیف طاق نمای روبهم میباشد طبقهٔ اول با جرزهای جفت جفتیکه بشکل نیم ستون با خود بنا ساخته شده تقسیم میشود طبقهٔ دوم را جرزهای بهمگرد یکی که با خود بنا ساخته شده تقسیم مینماید ولی برخلاف انتظار ستونهای طبقهٔ دوم روی ستونهای طبقهٔ اول ساخته‌نشده است طبقهٔ سوم را دو ردیف طاق نما که روبهم بنا شده و بدون جرز های بهمگرد است، تشکیل میدهد

با اینکه معماری این بنا شاید قابل انتقاد باشد، ولی خود قصر بقول نویسندگان عرب تزئین مفصل داشته است تصور میشود که قسمت بالای دیوار از موزائیك شیشه ای پوشیده و قسمت پائین با مرمرهای رنگی ساخته شده بوده است نمونه ای از موزائیك شیشه‌ای و مرمر رنگی در کاوشهای اخیر تیسفون بدست آمده، ولی غالب تزیینات فوق‌العاده زیبای قصر در نتیجهٔ غارت و نادانی اعراب از بین رفته است.

اخیراً چند بنای ساسانی در کیش کشف وکاوش شده است این ابنیه برای گچ بری عالی معروف میباشد و اغلب آنها رنگی است. موضوع نقاشی مثل سائر جا های دیگر غالباً عبارتست از حیوانات، گیاه و برگ بعلاوهٔ مجسمهٔ نیم تنهٔ زن و بهرام گور

در چند میلی داخل خاك ایران در قصر شیرین و در سر راه کرماشاه به بغداد

تشریح شود، زیرا خرابه های این قسم بنا در نقاط مختلف ایران پیداشده سابقاً هم حدس زده میشد که آن آتشکده است، ولی دلیل قطعی در حفریات کوه خواجه بدست آمد که در آنجا پایه و بنای مذبح در وسط اطاق و جود مذبح در نزدیکی آن پیدا شد چنانکه در فصل گذشته مذکور گردید

این بنا را معمولاً چهار طاق مینامند زیرا در وسط هر دیوار طاقی است اطاق اصلی مربع شکل است و مذبح در وسط آن قرار دارد و روی آن گنبدی زده شده است دور تا دور اطاق در هر چهارطرف، راهرو پوشیده است که اطاق مقدس را محفوظ میداشته و در مراسمی که مربوط به آتش مقدس بوده بکار میرفته است در صفحهٔ پیش تصویری از آتشکده که نقشهٔ بنا و مقطع آنرا نشان داده دیده میشود درشمارهٔ اول مجلهٔ آثار ایران مسیو اندره گدار(۱) بنای کوچك مربعی شکل گنبد داری را ازعهد ساسانیان تشریح میکند که درنطنز نزدیك کاشان واقع است معماری وساختمان آن زیاد قابل توجه نیست، ولی ازآن جهت دارای اهمیت است که بناهای ساسانی در مرکز ایران بندرت دیده میشود

قصری که در دامغان کشف شده اگر چه از بعضی جهات معماری شبیه به بناهای فیروزآباد کاملاً است، ولی تصور میشود که متعلق باوائل زمان ساسانی باشد در جلوی آن قصر ایوان سه طرفه ایست که بطالار بزرگی که سه رواق دارد مربوط میباشد پشت این ایوان اطاق مربعی است که گمان میرود گنبد داشته است راهروهای طرفین این اطاق آنرا با اطاقهای دیگر مربوط مینموده . دیوارها از خشت های بزرگ ساخته شده و تزیین اطاقها اغلب گچ بری بوده که بعضی از آنها در صفحات قبل تشریح گردید آثار نقاشیهای رنگی روی دیوار آن بنا نیز کشف گردیده

در جلگهٔ بین النهرین که سنگ پیدا نمیشده برای ساختن گنبد و سقفهای هلالی اطاقهای بزرگ و وسیع آجر بکار میرفته مهمترین آثار معماری ساسانی در بین النهرین طاق کسری است که در تیسفون واقع است در اینجا قسمت اعظم طاق بزرگ و مشهورکه روی ایوان جاوی قصرزده شده هنوز برپا است این طاق عظیم از آجرساخته شده

۱ـ M André Godard

معمولی‌ترین شکل طاق زمان ساسانی طاقهای نیم دائره‌ای میباشد که اغلب اوقات از ستونهای خود عقب‌تر زده شده است طاقهای ناجمی شکل را در قسمت بالا با گچ پر مینمودند تا اینکه شکل نیم دایره بوجود گردد اگرچه طاقهای نوك تیز در زمان ساسانیان دیده میشود ولی باستان شناسان معتقدند که این شکل طاق در زمانهای بعد بیشتر مرسوم و متداول گردیده است ستون در ساختمانهای ساسانی بکار برده میشد ولی زیاد معمول نبود مگر اینکه ستونها را از چوب میساختند که اثری از آنها باقی نمانده‌است یك قسم ستون بزرگ که از آجر و سنگ و گچ ساخته میشد مورد استعمال زیاد داشت ستونهای متصل بدیوار جهت تزیین ساخته میشد مانند ستونهای سردر طاق کسری در تیسفون و ستونهای عقب غار طاق بستان

دیوارهای ضخیم که یا از سنگ نتراشیده و یا از پاره آجر و گچ ساخته شده مخصوص این زمان و متداول بوده است اگر چه این گونه ساختمان خیلی ظریف نیست، ولی نتائج نیکو از آن میبردهاند قصرها و عمارات را درداخل و خارج با گچ بریهای قشنگ تزیین مینمودند و اگر لطافت نداشت محکم و قوی بنظر میامد

طاقهای بزرگ مانند طاق کسری پس از سالیان دراز هنوز مورد حیرت و تحسین دنیا است قرار دادن گنبد روی اطاق مربع بوسیلهٔ چهار بابه، از مراحل ترقی معماری زمان ساسانی است و با طرز کار رومیان که گنبد را روی اطاق مدور یا هشت گوش قرار میدادند، کاملاً فرق دارد

در خاتمه میتوان گفت در جوانمردی و سلحشوری، در جنگ و در کارهای زمان صلح، در صنعت و معماری، سلسلهٔ ساسانی حقیقةً یکی از بزرگترین و درخشنده‌ترین ادوار تاریخ ایران است.

خرابه‌های بنای ساسانی است که به خسرو پرویز نسبت داده شده است نقشهٔ آن خیلی عظیم بنظر میاید و باغ محصور قصر ۳۷۰ متر طول و ۱۹۰ متر عرض داشته خود قصر روی صفه‌ای بارتفاع هشت متر ساخته شده و شامل ایوان سه طرفه ای در جلو بوده که پشت آن اطاق بسیار بزرگی بشکل مربع مستطیل داشته و در عقب آن حیاطی که دور آن اطاقهائی ساخته شده بوده است

بنای دیگری موسوم به چار قاپو یا چهار در دارای اطاقی است در وسط بشکل مربع و سقف آن گنبدی میباشد و شاید دور اطاق راهروهائی سر بوده است و از حیث شکل شبیه ساختمان آتشکده‌ها میباشد اگرچه این گنبد فقط از سنگ تراشیده و ساروج ساخته شده، اما بزرگترین گنبد زمان ساسانی و عرض دهانهٔ آن متجاوز از ۱۶ متر است

برای این ابنیه و باغها آب از نقاط دور دست میاوردند و بقایای قنوات و راه آنها هنوز باقی است باستان شناسان معتقدند که این ابنیه با عجلهٔ زیاد ساخته میشده و شاید معماران و بناها مدت محدودی برای ساختن این بناهای عظیم داشته اند بنابرا از سنگ طبیعی صحرا میساختند که در این نواحی قرمز رنگ بوده و با گچ نقش کشی مینمودند البته توده های بزرگ سنگ و گچ خرد شده و سائر خرابه ها که امروز دیده میشود زیبائی ولطافت باغهای مصفا و عظمت بناهای زمان ساسانی را در عصر خسرو پرویز و معشوقه‌اش شیرین نمی‌نماید

وقتی از جلگهٔ بین‌النهرین بفلات ایران بالا میآئیم در راه کرمانشاه نزدیک سر گردنهٔ پای طاق درکنار جاده طاقی است که به طاق گرا موسوم است و ازسنگهای تراشیده ساخته شده و ساروج بکار برده شده است قسمت جلوی آنرا نمونهٔ طاق نعلی خوانده اند ولی مطالعهٔ دقیق ثابت میکند که نمونهٔ حقیقی این قسم طاق نیست . بعضی از باستان‌شناسان معتقدند که با وجود اینکه بناهای سنگ تراشیده در زمان ساسانی بندرت دیده میشود، این طاق‌متعلق بهمان زمان است ، ولی مطالعات اخیر بنای این طاق را به زمان قبل از ساسانیان نسبت میدهد .

که بدست کارگران ایرانی و از روی اصول معماری آنان ساخته شده بود، نه تنها در داخل ایران بلکه در نواحی مجاور و ممالک متصرفهٔ شاهنشاهی وجود داشت »

نباید تصور نمود که فتح اعراب تغییرات بزرگ و ناگهانی درصنایع ایران داد، زیرا اگرچه بعضی از آثار اجتماعی تدریج صورت گرفت، ولی زندگانی عادی پس از فتح اعراب بهمان روش سابق ادامه یافت و کارگران معمولاً از روی اصول سابق بساختن اشیاء مشغول بودند اصول صنعتی که در عصر ساسانیان مراعات میشد تا مدتی پس از استیلاء اعراب امتداد یافت این مسئله از روی سکه های حکمرانان عرب که باسلوب شاهنشاهان آخر ساسانی سکه ضرب مینمودند و حتی یکطرف آن تصویر آتشکده بود ثابت میگردد.

اشیائیکه بتوان از روی آن نظری راجع بصنایع قرون اولیهٔ اسلام اظهار داشت بسیار کمیاب است و نیز تشخیص بین صنایع این زمان با صنایع دورهٔ قبل از اسلام کاری مشکل مینماید، زیرا که صنعتگران شیوهٔ قدیم را حفظ مینمودند بتدریج اسلوبهای صنعتی جدید پدید آمد بسیاری از این سبکها در نتیجهٔ استعداد طبیعی ایرانیان بود که پس از قبول مذهب اسلام و مقتضیات آن تبدیل یافت و مطابق احتیاجات جدید پیشرفت نمود

این فصل که قرون اولیهٔ اسلام را شرح میدهد شامل دوره ایست که از غلبهٔ اعراب شروع شده و بزمان سلطنت سلجوقیان خاتمه مییابد و تقریباً شامل چهار قرن میگردد

۱ ـ سفال سازی

سفال سازی بعد از اسلام مانند سائر صنایع از روی اصول و نمونه های قدیم ساخته میشد، ولی بعضی اقسام جدید بزودی پس از غلبهٔ اعراب بوجود آمد دکتر اریك اشمید در خرابه های استخر که در چند میلی شمال تخت جمشید واقع و مدتها پایتخت جنوبی ایران بوده است بحفریات و کاوش پرداخت و نمونه هائی از سفال دورهٔ اولیهٔ اسلام در این محل بدست آمد. در این دوره لعاب ظروف برنگ آبی نزدیك سبز و مانند

فصل هفتم

بعد از استیلاء عرب

با غلبهٔ اعراب بر ایران دورهٔ جدیدی در تاریخ صنعت این مملکت شروع میشود. اعراب بدوی صنعت و معماری از خود نداشتند که در این مملکت تحمیل نمایند، بلکه بر عکس صنعت و تمدن ایران متدرجاً بر آنها فائق آمد. قسمت مهمی از آنچه که معمولاً «صنعت عصر اسلام» نامیده میشود اصلش از ایران است، ولی مذهب و آئین جدیدی که اعراب در ایران رواج دادند در صنایع این مملکت که نمونه ای از آن در طی قرون گذشته از نظر خوانندگان گذشت، بی تأثیر نبوده است و اعراب به نوبهٔ خود فرهنگ و صنعت ایران را به اقصی نقاط ممالک متصرفهٔ خود یعنی سواحل مدیترانه، شمال افریقا و جنوب غربی اروپا برده و بانتشار آن پرداختند. پرفسور آرتر پوپ در کتاب خود «مقدمهٔ صنایع ایران» شرحی در باب معماری ایران و نسبت آن به اعراب و آئینی که آنها آوردند نگاشته که قسمتی از آن ذیلاً اقتباس میشود:

«معماری ایران را در قرون وسطی غالباً اقتباس از اعراب میدانستند و خود ایرانیان تصور میکردند که گنبد و منارههای زیبا که مساجد قشنگ آنرا زینت داده مانند مذهب اسلام از خارج بایران آمده و منسوب باعراب است. ولی این مسئله کاملاً با حقائق تاریخی مغایرت دارد. باید گفت ایران معماری اسلام را بوجود آورده نه اسلام معماری ایران را. اعراب مهاجم غیر از چادر و کلبهٔ گلی یا چوبی دارای بنائی نبودند و از ساختمان بنا نیز از این خبری نداشتند و معماری ایران از حیث اصول طرز عمل بهیچوجه مدیون آنان نیست. از طرف دیگر هم در موقع هجوم اعراب بعضی از بهترین معماریهای دنیا

آنهائیکه توسط هیئت اعزامی شرق نزدیک موزهٔ مترو پولیتان (۱) شهر نیویورک در نیشابور کشف شده وقتی در موزهٔ تهران در معرض نمایش گذارده شود، مطالعه و مقایسهٔ سفال این عصر تیره را میسر خواهد ساخت

۲ — فلزکاری

سینی‌های بزرگ زیادی از مفرغ در موزه های لنین گراد، برلن و بعضی از شهرهای دیگر اروپا دیده میشود که کار صنعتگران ایرانی است و با اینکه از حیث طرح بظروف ساسانی شباهت دارد و بآن دوره نسبت داده میشود، بدون شك پس از استیلاء عرب ساخته شده است بعضی از آنها دو رنگ دارند یعنی نقشهای قرمز مسی روی مفرغ زرد کشیده شده

مجسمه‌های مفرغی اردك و كبوتر نیز از زمان اولیهٔ اسلام در موزه‌ها و گنجینه‌های خصوصی دیده میشود آرایش و تزیین بعضی بقدری زیاد است که شکل اصلی پرنده با معاوم و محو شده است اینگونه مجسمه ها، ولی با آرایش کمتر، از زمان ساسانیان بدست آمده و در ازمنهٔ بعد نیز ساختن آنها ادامه داده شده است. آئینه‌های مفرغی که در پشت نقشه‌ای دارند در این زمان‌ساخته میشد. تصویر بهرام گور وچنگ زن او آزاده از شهرت خود نکاسته و حتی در زمانهای بعد نیز ساخته شده است.

آفتابهٔ مفرغی قابل توجه و بی نظیری که در موزهٔ عربی در قاهره میباشد شاید در ایران ساخته شده باشد، ولی بظروف ساسانی خیلی شباهت دارد و بهمان سبك است لولهٔ آن بشکل خروس است، روی بدنهٔ آن و مخصوصاً قسمت بالایش حکاکی شده و دستهٔ طویلی که از بدنه بالا آمده و پس از انحراف به لوله می‌چسبد خیلی قشنگ ساخته شده است رویهمرفته طرز عمل آن دوره بخوبی نشان داده شده و نمونهٔ عالی از صنعت فلزکاری است چندین آفتابهٔ مفرغی که طرحهای ساده‌تری دارند از این زمان باقی مانده است

Metropolitan Museum — ۱

سفال زمان ساسانی ساخته میشده است ظروفی نیز بدست آمده که علائم یا تصاویری روی آنها کنده شده یا قبل از آنکه لعاب داده شوند کشیده شده است و بعلاوه سبوهای قالبی زیادی از سفال لعاب نداده بدست آمده این ظروف را از دو قسمت میساختند و بیکدیگر اتصال میدادند و سر و ته آنها غالباً شبیه بوده قسمت جالب توجه سفالی است که زیر لعاب جلای طلائی دارد و گاهی یاقوتی رنگ شده و با تغییر نور رنگهای مختلف بخود میگیرد وحتی سبز رنگ هم میشود این قسم جلا دادن که از این ناحیه شروع شده در صنایع ایران مقام مهمی احراز نموده و از خدمات این منطقه بصنعت سفال در تمام دنیا است

از رنگهای دیگر لاجوردی است که روی زمینهٔ خاکستری روشن یا کرم ساخته میشد تصور میشود که این طرز عمل با خود ظروف از بین النهرین بایران آمده، زیرا نمونه هائی شبیه باین ظروف در سامره پیدا شده است غیر از این نوع دیگری سفال بدست آمده که رنگ سبز و زرد در لعاب آن مخلوط شده و «لعاب پاشیده» نامیده میشده طرز ساختن آن باین نحو بوده که وقتی سفال مرطوب و هنوز خشک نشده بوده رنگها را روی آن میریختند و این دو رنگ با یکدیگر مخلوط و اشکال نامنظمی تشکیل میدادند از این قسم سفال در سامره نیز بدست آمده و چندی تشخیص داده شده احتمال میرود که این قسم سفال لعاب پاشیده از چین آمده و در ایران و بین النهرین از آن تقلید شده باشد

در ری سفالهای عالی از این دوره پیدا نشده سفال با جلای طلائی و تنوعی در رنگ و طرح که گاهی حروف کوفی نیز روی زمینهٔ خاکستری یا کرم نوشته شده پیدا شده است . بعلاوه ظروفی دیده میشود که طرحهائی تیره رنگ روی زمینهٔ قهوه ای دارند ظروف ساده و لعاب نداده پیدا میشود که حروف کوفی روی آنها کنده شده و ظروف لعاب نداده که دارای طرح فشاری وقالبی میباشد نیز در اواخر این دوره عمومیت پیدا میکنند نمایش سفال دورهٔ اولیهٔ اسلام که از استخر و ری بدست آمده باضافهٔ

موقع مناسب است بذکر آنها میپردازیم

۱ ـ کوفی ساده ـ این سبک عبارتست از حروف ساده که در یك خط مستقیم نوشته میشود و بدون آرایش حروف یا زمینه‌اش بیکدیگر متصل میگردند

۲ ـ کوفی گلدار ـ در این سبك قسمت فوقانی حروف بلندتر و آرایش حروف دیگر بطرف بالا متوجه شده و سطری را تشکیل میدهند که مانند نقش گل میباشد بهترین نمونهٔ این قسم خط در مسجد قدیم نائین یافت میشود که بعداً شرح داده خواهد شد

۳ ـ کوفی طوماری ـ در این سبك آرایش از حروف جداست و بشکل طوماری مزین میباشد که دور تا دور حروف را گرفته و جاهای خالی را در بالا و پائین آنها پر میکنند این قسم خط در نوشتن قرآن و در معماری بکار میرفت

٤ ـ کوفی مشبك ـ ریشه و اصل این خط بایران نسبت داده میشود و از تمام خطوط دیگر کوفی برجسته تر است بدنهٔ حروف بلندتر بیکدیگر متصل و شبکه‌ای تشکیل میدهد نمونه های آن فراوان است مانند کتیبهٔ برج رادگان و کتیبهٔ داخل مقبرهٔ پیر علمدار در دامغان .

۵ ـ کوفی حاشیه دار ـ درقسمت بالای این نوع خط نقشی تکرار کشیده شده و حاشیه‌ای تشکیل میدهد که از خود خط جدا است

٦ ـ کوفی مستطیلی ـ این قسم خط کوفی طوری نوشته میشود که در درون سطح مستطیلی جا میگیرد این خط مخصوص نوشتن روی آجر است و در روی کاشی با آن اشکال مختلف هندسی میتوان ترتیب داد نمونهٔ آن کلمهٔ الله است که مکرر دور برج مدور مقبرهٔ شیخ صفی در اردبیل نوشته شده . در مسجد کبود تبریز نیز با طرحهای مربعی کوچك استعمال شده است

اگر چه خط کوفی و اقسام مختلف آن در تمام ممالك اسلامی استعمال میشد، ولی ایرانرا در اختراع آن سهم بزرگی است و آن در نتیجهٔ مهارت طبیعی و قوهٔ ابتکار

چراغهای برنجی در اوائل دورهٔ اسلامی ساخته شده و دارای نقشهای درهم چیده است و مشبك میباشد. این طرز کار تا زمان حاضر ادامه دارد

در خاتمه میتوان گفت که گرچه ذوق و اسلوب ساسانیان باشکال انسان و نبات در صنعت فلزکاری تا مدتی غلبه داشت، ولی بتدریج در اثر دین اسلام طرحهای معدل گشت نقش گل و بتاك که سابقا در ایران معمول بود رونق تازه ای گرفت و حروف کوفی که برای این قسمت نقوش بسیار متناسب بود توسعه یافت

۳ — حروف کوفی

از تغییراتیکه در نتیجهٔ استیلاء عرب بر ایران واقع شد و در صنعت و معماری این مملکت دخالت کلی نمود، ظهور زبان عربی و خط کوفی بود در خصوص تغییر و نفوذ زبان و خط جدید در صنعت ایران آقای س فلوری (۱) در مقالهٔ خود در کتاب « صنایع ایران » مینویسد

« خط عربی در صنایع ایران تأثیر زیاد نموده و مقام مهمی را احراز نموده است هیچ صنعت خط را باین وسعت و عمومیت برای تزئین و آرایش ساختمانهای مذهبی وغیر آن بکار نبرده است، نه تنها در معماری بلکه در تمام اشیائیکه تصور شود در زندگی مورد استعمال داشته هیچ خط مانند آن نوع خط عربی که کوفی نامیده میشود این اندازه برای تزئین و آرایش مناسب نمیباشد تمام حروف کوفی دارای قاعده افقی هستند و وقتی بپهلوی هم قرار داده شوند تشکیل حاشیهٔ مرتبی میدهند و ازاینرو میتوان این خط را برای هر سطحی که تزئین لازم داشته باشد بکار برد صنعتگران ایرانی در استعمال این خط منتهای سلیقه و مهارت را ظاهر ساخته و سرآمد اقران بوده‌اند »

این نویسنده خط کوفی را بشش سبك تقسیم مینماید با اینکه بعضی از این سبکها تا قرنها بعد از دوره‌ای که در این فصل شرح داده میشود ظاهر نگشت ولی چون

S Flury - ۱

خزانهٔ قصری است که از سنگ و آجر ساخته شده و آرایش بسیار قشنگ دارد . عناصر ایرانی در آن آنقدر زیاد است که ابتدا تصور میشد توسط یکی از آخرین سلاطین ساسانی ساخته شده باشد، ولی پس از مطالعهٔ دقیق ثابت شد که این بنا در زمان خلافت بنی امیه ۴۱ - ۱۳۲ هجری (۶۶۱ - ۷۵۰ میلادی) ساخته شده. بدینطریق مشاهده میشود که صنایع ایران در اوائل دورهٔ اسلامی در خارج از خاك ایران نیز نفوذ داشته

تسخیر سریع ایران بتوسط اعراب و تعمیم مذهب جدید مستلزم ساختن بناهای نوینی بود که رفع احتیاجات مردم آنزمان را نموده و وسائل پرستش آنانرا طبق قوانین مذهب اسلام فراهم سازد

تعیین نقشهٔ ساختمانی مسجد در خود عربستان بدون اشکال بود زیرا چنانکه گفته شد اعراب مردمی صحرا نشین و بدوی بودند و ساختمانهای قابل توجهی نداشتند که آنها را تغییر داده و رفع احتیاج مذهبی خود را بنمایند شاید خانهٔ پیغمبر در مدینه نقشهٔ اساسی گردید وآن عبارت بود از حیاطی کـه دور آنرا دیواری احـاطه نموده و در یکطرف اطاقهائی برای سکونت داشت و طرف دیگر ایوانی که تنه درختان نخل ستونهای آنرا تشکیل داده و سقف آن از شاخههای نخل و گل پوشیده شده بود وقتی مکه مرکز عبادت و کعبهٔ مسلمانان گردید، ایوان دیگری درطرف دیگر آن ساخته شده تشریفات عمدهٔ مذهبی و مقررات دیگر با این قسم خانه با کمال موفقیت انجام مییافت ، زیرا آنچه که برای اداء مراسم مذهبی لازم بود عبارت بود از رو بقبـله نماز گذاردن ، حوض برای شست و شو و وضو گرفتن ، صحن باز برای جای دادن عدهای از مؤمنین و پناه گاهی از حرارت خورشید از این بنای ساده بعداً مساجد بزرگی بنا شـده و با عوامل و احتیاجات محلی در ممالك مختلفی که تحت تسلط اسلام در آمده بود تغییر پیدا نمود

در ایران چندین قسم مسجد ساخته شد قسم اول و عمده آنهائیست که از روی اسلوب عرب ساخته شده و بهمین اسم موسوم است و آن عبارتست از صحن مستطیلی که یك سلسله طاقهائی در اطراف دارد و دهلیز هائیکه در عقب طاقهای رو بقبله میباشد

ایرانیان برای تزیین و آرایش بود که با خط عربی ، مخصوصاً قسم کوفی ، که برای تزیین مناسب است ، توأم شده و اشکال مختلف آنرا بوجود آورد .

بر خلاف عقیدهٔ عمومی خط کوفی مربعی با حروف زاویه دار تنها شیوهٔ نوشتن در سالهای اولیهٔ اسلام نبود و اقسام دیگر خطوط نیز وجود داشت نمونه ای از خط شکستهٔ عربی با حروف و اتصالات منحنی که روی کاغذ پاپیروس در سال ۲۲ هجری (۶۴۳ میلادی) نوشته شده بدست آمده است گرچه این قسم خط در مکاتبه بکار میرفته ، اما در کتیبه های اولیه نمونهٔ آن دیده نمیشود در بعضی موارد حروف کوفی معمولی کاملاً زاویه دار نیست و تا اندازه ای منحنی میباشد ، مانند کتیبهٔ برج لاجیم که بعداً شرح داده خواهد شد

روی برج فوق الذکر یك کتیبه به پهلوی است و در زیر آن کتیبهٔ دیگری بخط کوفی صرف نظر از کتیبه هائیکه به پهلوی است ، تمام کتابه های اولیه بعربی میباشد ، مگر در بعضی موارد که چند سطر شعر فارسی در ابتدا یا انتهاء کتیبه یافت میشود تا چند قرن بعد از استیلاء عرب زبان فارسی در متن کتابه ها دیده نمیشود

۴ — معماری

در مساجد بزرگی که دراوائل دورهٔ اسلامی خارج از ایران ساخته میشد نفوذ ایران خیلی زیاد بود . زیاد بن ابیه در سال ۴۵ هجری (۶۶۵ میلادی) در بصره مسجد بزرگی بنا نمود و چون او قبلاً در ایران حاکم شهر استخر بود بدون شك از خرابه های تخت جمشید که در نزدیکی آن است اطلاعاتی راجع بمعماری اخذ کرده بود مسجد کوفه در سال ۵۰ هجری (۶۷۰ میلادی) مجدداً با عظمتی تمام ساخته شد و طبری نویسندهٔ معروف ذکر میکنند که کارگران مهم آن مسلمان نبودند و معماری که بنای مسجد تحت اختیار او بود سابقاً در خدمت آخرین پادشاه ساسانی و بدون شك ایرانی بوده است .

درمشاطه (۱) ماوراء اردن ، در بیست و پنج میلی مشرق ساحل شمالی بحرالمیت

(۱) Mshatta

آنرا دالانی احاطه نموده و دهانه هائی دارد که در طرف قبله عمیقترند طاقهای اطراف صحن از آجر ساخته شده این آجرها برخلاف معمول بحالت عمودی و دو رجه یکی فوق دیگری قرار داده شده است طاقها قدری متمایل به تیزی است ولی معهذا خیلی شبیه بطاقهای ساسانی است پایه های این طاقها روی قطعه چوبی است که توی ستونهای نگاهدارندهٔ طاق قرار داده شده است این ستونها مدور و یک متر و نیم قطر هر یک از آنها است و از آجرهای بزرگی که ۳۴ سانتیمتر مربع است ساخته شده این آجرها بحالت عمودی روی یکدیگر قرار داده شده است ساختمان ستونها کاملاً شبیه ستونهای قصر ساسانی است که دکتر اشمیت در تپهٔ حصار نزدیک دامغان کشف نموده

اهمیت تاری خانه نه تنها بواسطهٔ آنست که سبک عربی ساخته شده بلکه برای آنست که بسیاری از اسلوب ساختمانی ساسانی را نیز در بر دارد طاقهائیکه بدون مجاورت دیوار روی ستون ساخته شده بخاطر میآورد که ستون سازی از خصائص معماری قدیم ایران است در زمان ساسانیان ستون خیلی ضخیم گردیده و از سنگ تراشیده و آهک یا آجر ساخته میشد این قسم ستون را در مساجد نیز میتوان دید

ب - مسجد جامع شیراز

منابع موثق تاریخی که شامل شیرازنامه نیز میگردد بیان میکنند که مسجد عتیق شیراز که مسجد جامع نیز نامیده میشود در سال ۲۸۱ هجری (۸۹٤ میلادی) توسط عمروبن لیث ساخته شد این بنا در اثر زلزله و علل دیگر چندین بار منهدم شده و دو باره ساخته شده است و تقریباً غیر ممکن است که شکل اصلی بنا را تعیین نمود مگر اینکه از آثار کمی که از بنای اصلی در قسمت جنوبی مسجد حالیه مانده چیزی استنباط شود

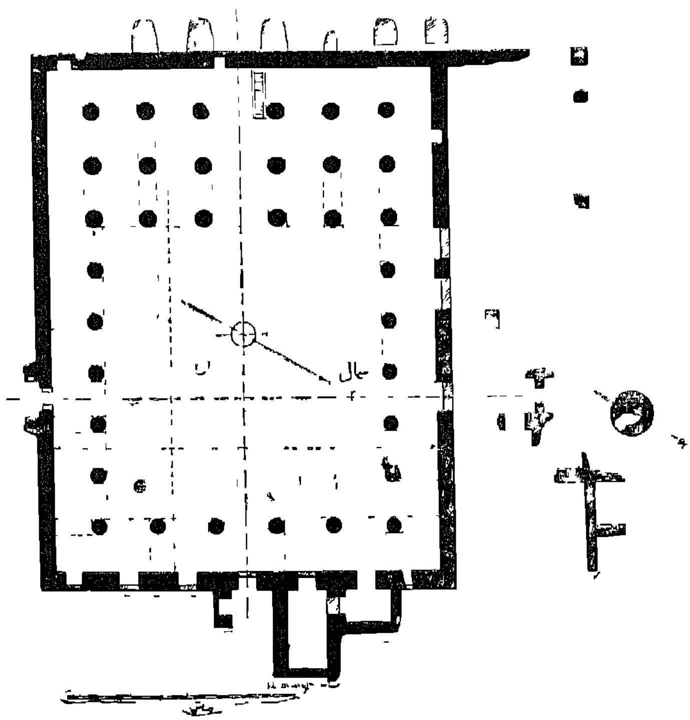
در قسمت زیر طاق محراب داخلی گچ بری عمیقی است که با طرح سادهٔ گل مزین گشته و به گچ بری مسجد نائین شباهت دارد، اما بنظر میاید که از آن نیز قدیمتر باشد و شاید از بنای اصلی است که عمروبن لیث ساخته است .

عمیقتر است ـ قسم دیگر عبارتست از ایوان بزرگ هلالی شکلی که در طرف جنوب کاملاً باز و در قسمت جنوب محرابی داشت کمی بعد اطاق مربع شکلی که دارای گنبد بود جزء نقشهٔ مسجد گردید اقسام دیگر مسجد در فصول آتی تشریح خواهد گشت

از روی منابع تاریخی معلوم میشود که در قرون اولیهٔ اسلام صدها مساجد عالی در ایران ساخته شده بود بطوریکه مورخین نوشته اند سقف بعضی از مساجد بوسیلهٔ ستونهای چوبی نگاهداشته میشد و برخی با ستونهای سنگی از مساجد اولیهٔ آن عصر آثاری باقی نمانده دکتر اریك اشمید بنائی در ری کشف نمود که ممکن است مسجدی بوده که در زمان المهدی خلیفه عباسی که از ۱۵۸ تا ۱۶۹ هجری (۷۷۵-۷۸۵ میلادی) خلافت میکرده ساخته شده باشد

الف -تاری‌خانه دامغان

قدیمترین مسجدی که تا کنون بخوبی مانده تاری‌خانهٔ دامغان است اگرچه کتیبه‌ای که تاریخ آنرا تعیین کند وجود ندارد، اما از روی سبك بنا میتوان آنرا متعلق به قبل از ۲۰۰ هجری دانست ساختمان مسجد عبارتست از صحن مرکزی که دور

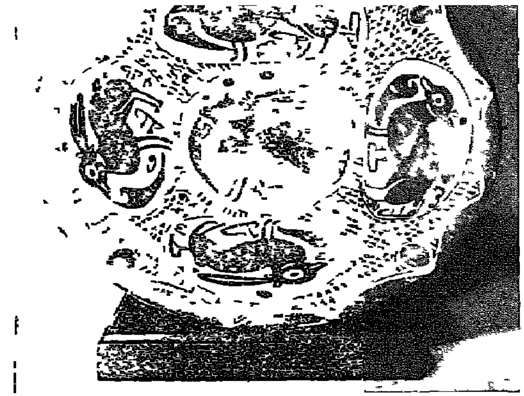


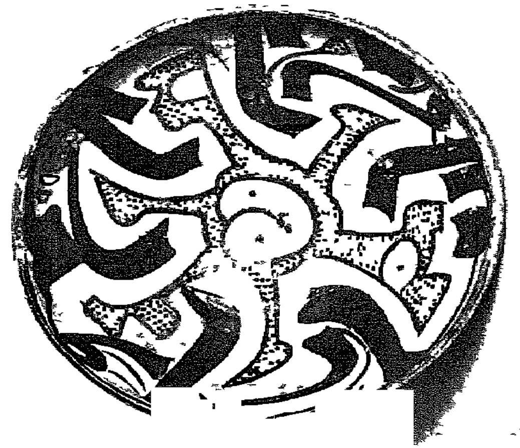
نقشهٔ تاریخانهٔ دامغان

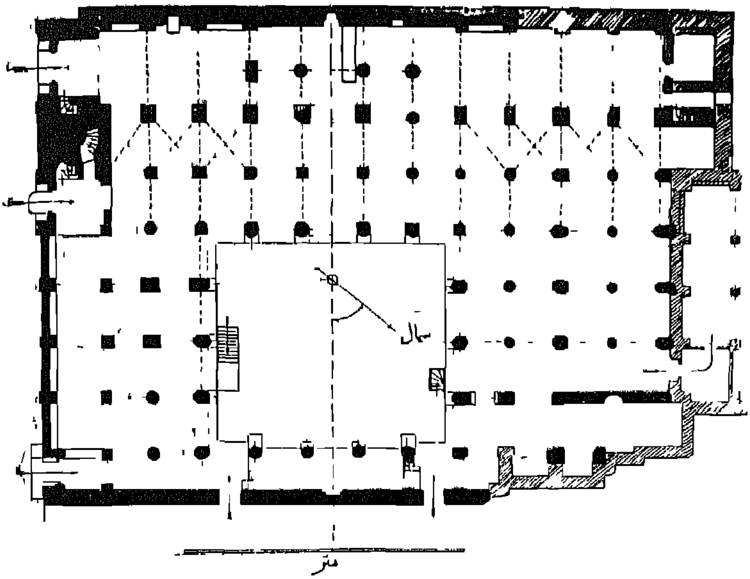
(از مقالهٔ مسیو گدار در مجلهٔ « آثار ایران »)



گلابدان مفرغی از اوائل عصر اسلامی ساخت ایران
(اکنون در موزهٔ عرب قاهره است)







نقشهٔ مسجد جامع نائین
(از مقالهٔ مسیو گدار در مجلهٔ «آثار ایران»)

ج - مسجد جامع نائین

یکی از معروفترین ابنیهٔ این دوره مسجد جامع نائین است که در بالا بدان اشاره شد آن قسمت از مسجد که در طرف قبله است از یازده طاقنما تشکیل یافته که سقف هلالی دارند طاقنماهای وسطی از سائر طاقنما ها وسیعتر است دیوار و طاق و جرزهای آن نیز گچ بری دارند و آن قسمت که محراب درآنست با گچ بری تزیین یافته نقشهٔ آن عبارتست از کثیرالاضلاعهای هشت ضلعی و اشکال هندسی ساده دیگر که با گلهای مختلف زینت یافته اگر چه این گچ بری چندان ریزه کاری ندارد ولی نقشهٔ آن مؤثر و قشنگ است و در اصل رنگ شده و شاید طلاکاری نیز داشته است چون آنرا عمیق کنده اند و چنانکه گفته شد ساده و فاقد ظرافت است، چنان مینماید که بدورهٔ اولیهٔ این نوع صنعت تعلق دارد

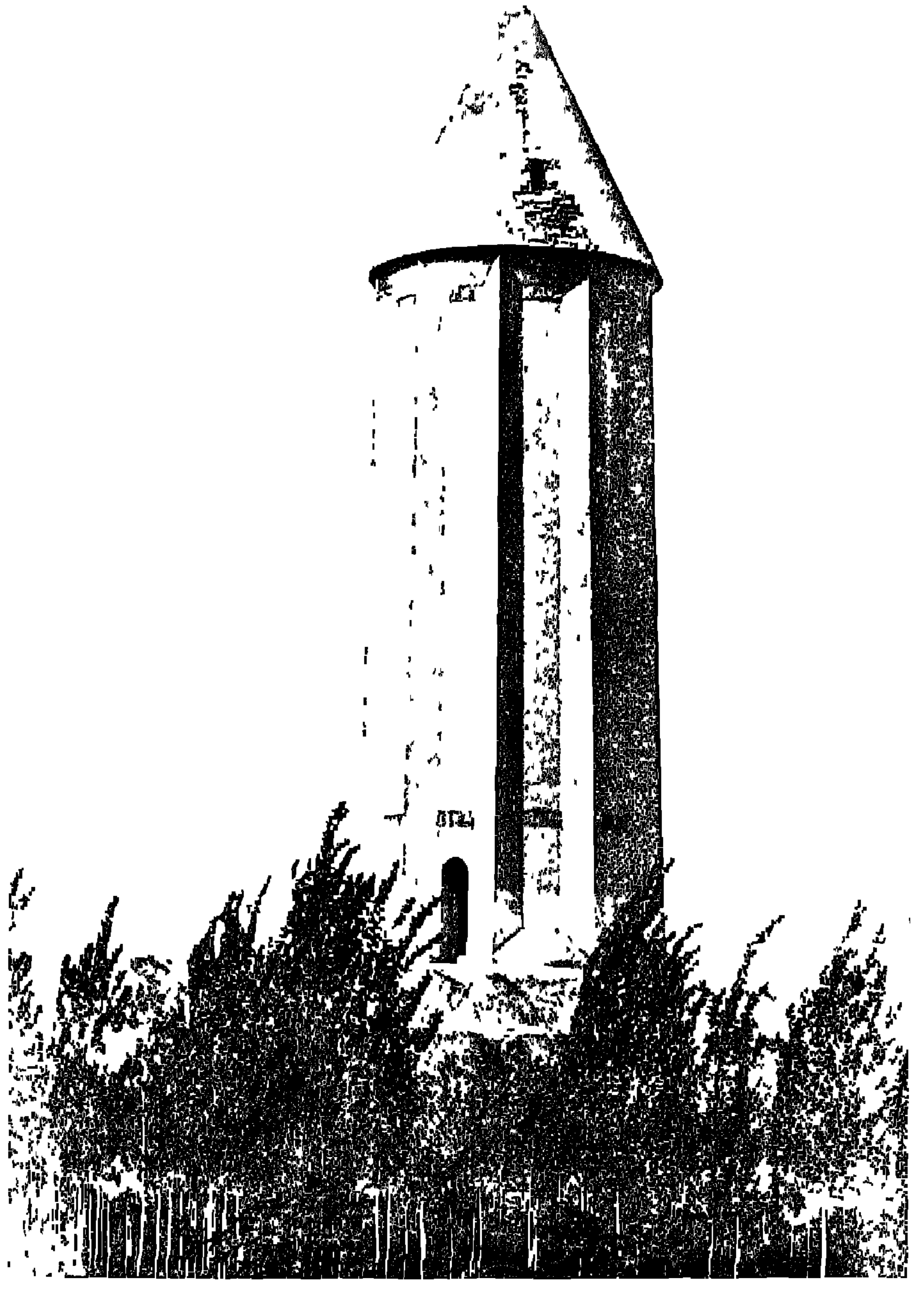
مسجد نائین از حیث نقشه نمونهٔ مساجد اولیهٔ عرب میباشد. ساختمان آن از تاریخانهٔ دامغان کاملتر است، ستونهای آن کوچکتر، دالانها بلندتر و طاقها بیرون‌تر
در طرف چپ نزدیک گوشهٔ مسجد مناره ای است که جزء ساختمان مسجد است

د ـ مسجد نیریز

در نیریز دویست کیلومتری مشرق شیراز مسجدی است که بشکل مخصوصی ساخته شده ساختمان اصلی این مسجد عبارت بوده است از ایوان بسیار بزرگی که طاق هلالی داشته و از سایر قسمتها جدا بوده و تاریخ آن شاید اواسط قرن چهارم هجری باشد ضلع جلوی ایوان مزبور سر تا پا باز است و ضلع عقب را دیواری بسته است دیوار جنبین هر یک در اصل دارای پنج طاقچهٔ عمیق بوده و شاید اینها برای در یا پنجره ساخته شده بوده این مسجد با مساجدی که ذکر شد کاملاً فرق دارد، زیرا که دارای ایوان بزرگی است که جدا ساخته شده و از بقایای اسلوب ساسانی است که با دورهٔ اسلامی ادامه پیدا کرده است حسب دیوار عقب ایوان در قسمت وسط محرابی است که خیلی بعد اضافه شده است در قسمت دیگر مسجد مناره‌ای دیده میشود که شاید متعلق به ساختمان اولیهٔ مسجد بوده باشد مسجد اصلی و بناهای دیگر آنرا مسیو آندره گدار در شمارهٔ اول مجلهٔ «آثار ایران» کاملاً شرح داده است

هـ ـ خرابه های سنگ بست

نزدیک جادهٔ نیشابور بمشهد در سی و هفت کیلومتری شهر مشهد خرابه های گنبد و مناره‌ای درسنگ بست دیده میشود از خرابه‌های اطراف آن معلوم است که در این محل ساختمان و بناهای مفصلی بوده که قسمت گنبددار و مناره تنها آثار آنست این بنا را ارسلان حاجب حکمران طوس ساخت و او در زمان سلطنت سلطان محمود غزنوی که در سال ۳۹۰ هجری (۹۹۹ میلادی) به تخت نشسته و قدری بیش از سی سال سلطنت



گنبد قابوس مورخ ۳۹۷ هجری (۱۰۰۶ میلادی)

به صفحهٔ ۱۳۹ رجوع شود (از عکسهای پروفسور پوپ)

گوشهٔ بنا چهار گنبد کوچك بلند است این دو قسمت از ساختمان آتشکده تقلید شده و بنده را بیاد راهروی پوشیده‌ای که دور اطاق مربع شکل آتشکده ساخته میشد و گنبدهای کوچکی داشت، میاندازد

گنبد بزرگ این مقبره بشکل نیم کره است جرزهائیکه در گوشه ها آنرا نگاه میدارند دو طاق هلالی دارند و از هر گوشهٔ اطاق تا مرکز این طاقها یك نیم هلالی است در طرفین هر هلالی بالای جرز پنجره ای است که به راهرو باز میشود چنانکه گفته شد این بنا چنان ترکیبی از اسلوبهای مختلف معماری است و آجر کاری آن آنقدر طرحهای مختلف دارد که تعریف و تشریح آن مفصل و طولانی میگردد و از تصویر به نکات آن بهتر میتوان پی برد تا از تعریف مفصل و پیچیدهٔ آن

ز ـ برجهای مقبره ای

گنبد قابوس نزدیك گرگان قدیمی ترین و بزرگترین یك عده برجهای مقبره ایست که مختص ولایات شمال ایران و در این منطقه فراوان است نقشهٔ گنبد قابوس شبیه به ستارهٔ ده پراست بنای اصلی مدور بوده، ولی گوشه هائی بآن اضافه کرده اند و بشکل ستاره درآمده است دور برج مزبور دو رشته کتیبه است که یکی از آنها نزدیك به سر برج است و دیگری پائینتر میباشد نقشه ونوشته های آن از آجر است تاریخ بنا واسم شخصی که این بنا برای او ساخته شده است ذکر گردیده تاریخ آن ۳۹۷ هجری (۱۰۰۶ میلادی) است این قدیمترین تاریخی است که روی ابنیهٔ اسلامی در ایران کشف شده

بالای در، داخل طاق هلالی مدخل برج مذکور گلوئی مقرنسی است که در مراحل اولیهٔ ترقی است این قسم تزیین حالب توجه است، زیرا یکی از اولین نمونه‌هائیست از اصول معماری که بعداً در دورهٔ اسلامی اهمیت پیدا نموده این برج سقف مخروطی شکل دارد و از حیث بلندی و موقعیت محل آنقدر در بیننده موثر است که باید آنرا در ردیف مهمترین ابنیهٔ تاریخی این کشور شمرد. این بنا آرزوی مرد بزرگی را برای زندگانی ابدی مینمایاند

نمود ' میر بسته است

این بنا شامل اطاق مربع شکلی است که دیوار های داخل آن با نقشهای آجری تزیین یافته و در اصل با رنگهای روشن مانند نوار مزین شده بوده در بالای دیوار حاشیه ای است با کتیبه ای بخط کوفی که با رنگ آبی روی زمینهٔ گل دار نوشته شده گنبد روی کثیر الاضلاع هشت ضلعی قرار دارد و در گوشه های اطاق جرز های ضخیم است چنانکه از معماری این دوره انتظار میرود گنبد کوتاه و سنگین است قسمت داخلی گنبد دارای همان نقشهائی است که با آجر روی دیوار داده شده است داخل آن بواسطهٔ چهار سوراخ هلالی بزرگ که درهر طرف یکی بین جرزها قرار دارد روشن میشود ودر زیر هر یك از آنها دری ساخته شده است

مناره در چند متری گنبد قرار دارد و در قسمت بالا حاشیه ای است که کتیبه‌ای روی آن نوشته شده و تزیین آن آجر کاری مشهور دورهٔ غزنوی را نشان میدهد حقیقتاً جای خوشوقتی است که این نمونه از معماری دورهٔ غزنوی در داخل خاك ایران قرار دارد و در دسترس همه است

۱۰ — مقبرهٔ اسمعیل سامانی

مقبرهٔ اسمعیل سامانی در بخارا بنای عجیبی است از یك دورهٔ غرب و بسیاری از اشکال معماری را در مرحلهٔ ابتدائی نشان میدهد که بعد در دورهٔ سلجوقیان در تمام ایران انتشار یافت مثلاً در اینجا طریقهٔ جدیدی در قرار دادن گنبد روی بنای مربعی شکل دیده میشود و نمونهٔ چندین نقش آجری دردرون وبیرون بنا اغلب دیده میشود این مقبره هم شامل خصائص معماری قبل از اسلام است و هم دارای خصائص جدید میباشد که بعد ها جزء اصول معماری ایران میگردد

این بنا تقریباً شکل مکعب کامل است که دیوار های خارجی آن کمی بطرف داخل تمایل دارد در گوشه ها ستونهای مدوری است که بدیواری چسبیده و هر دیوار در هلالی دارد راهرو طاق داری در بالای دیواردور تا دور ساخته شده و در بالای چهار

مشکل است ، زیرا از قرن اول هجری بنائی باقی نمانده و از سه قرن دیگر بناهای زیادی موجود نیست ، در صورتیکه از منابع تاریخی چنان مستفاد میشود که در این دوره صدها ابنیهٔ قشنگ و مساجد عالی ساخته شده بود

کارگران این زمان در آجر بری و آجر کاری کاملا استاد بودند و در بناهائیکه فوقاً ذکر شد نشانی از عجله و بی دقتی که در بعضی از موارد در ادوار بعد دیده میشود مشاهده نمیگردد

در ساختمان بناهای اولیه تمام توجه باستفاده بوده بلکه بآرایش و تزیین اهمیت داده میشده و ارتباط کاملی بین ساختمان و اشکال تزیینی آن دیده میشود این آرایش تنها تزیین بی تناسب و جداگانه نیست که روی سطح بنا اضافه شده باشد ، بلکه نتیجهٔ وحدت واقعی بین مصالح و سبک ساختمان است مثلاً در نائین شکل ساختمان ساده است و باد قابل توجه نیست ، بنابراین بعضی از سطحهای بنا با گچ بری ساده پوشیده شده در صورتیکه بقیه دارای نقشهای مفصل و پیچیده است و بنا برجسته میباشد

همینکه اشکال مختلف معماری در نوع و مقدار زیاد گردید ، معماران متوجه شدند که مقصود از تزیین اهمیت دادن نقشهٔ اصلی ساختمان است تکامل آجر کاری برای این مقصود بسیار مناسب بود ، چنانکه از دیوارهائیکه آجر در کمال سادگی استعمال میشد تا آنهائیکه نوع بنجد در طرح و نقشها داشت ، بخوبی دیده میشود قبر اسمعیل سامانی این تنوع عرب را کاملا نشان میدهد از روی این بنا و برجهای معروف سلطان محمود در غزنین حسن مستفاد میگردد که از این ناحیه بطرف شمال شرقی بود که عقاید و طرز عمل آجرکاری بسائر نقاط ایران برده شد بیشتر اطلاعات ما درخصوص معماری این دوره از چند آثاری که تا بحال باقی مانده و در سالهای اخیر طبق تحقیقات علمی بعمل آمده اخذ گردیده است بنا براین امیدواریم که مطالعهٔ دقیقتر و کشف بنا های دیگر بعضی مسائل حل نشدهٔ اینروره را که از استیلاء عرب در ایران تا زمان سلجوقیان است روشن و واضح سازد .

در بین برجهائیکه بعداً ساخته شده سه برج رسگت ، لاجیم ، و رادکان غربی در یك طبقه هستند، زیرا این سه برج کتیبه هائی به پهلوی و کوفی دارند و تاریخ بنای تمام آنها سالهای اول قرن پنجم هجری میباشد (کمی بعد از ۱۰۰۰ میلادی) .

برج رسگت مدور است و سقف آن از داخل گنبدی شکل و از خارج مخروطی است دو کتیبه زیرهم بکوفی دور برج زیر هرّهٔ آجری نوشته شده حروف کتیبه از گچ و متن آن کبود است . در بالای مدخل کتیبهٔ دیگری است که اغلب بکوفی نوشته شده، ولی مختصری از آن به پهلوی است تاریخ آن گرچه کاملاً واضح نیست ، ولی مسیو گدار آنرا ٤۰۰ هجری (۱۰۰۹ میلادی) خوانده است

برج لاجیم تقریباً همان شکل است ، یعنی از داخل گنبدی شکل و از خارج مخروطی است در بالا دو کتیبهٔ دور برج است که نوشتهٔ آن روی متن سفید گچ از آجر میباشد کتیبهٔ پهلوی در بالا و کوفی زیر آن است تاریخ کتیبهٔ کوفی ٤۱۳ هجری (۱۰۲۲ میلادی) است بالای کتیبه را باطاقنماهای کوچك شبیه بطاقچه زینت داده اند

این برجها در ولت جنگل انبوه مازندران دور از همه جا واقع شده و از آثار سلسله های کوتاه محلی است اشخاصی که این مزارها برای آنان ساخته شده زیاد مشهور نبوده و اسمی از آنان در تاریخ نیست

برج مقبره ای پیر علمدار در دامغان حاشیه ای در بالا دارد که از آجر تزیین یافته بطوریکه آجرها بشکل مخصوصی برای آرایش این بنا ساخته شده معلوم میشود که نقشهٔ بنا قبلا تهیه شده بوده است تاریخ آن ٤۱۷ هجری (۱۰۲٦ میلادی) است برج مقبره ای پیر علمدار برای کتیبهٔ قشنگ کوفی که در داخل برج ساخته شده و برنگ قرمه ای است مشهور میباشد

نتیجه

در خصوص تکامل تدریجی معماری در اوائل این دوره نتیجهٔ کلی گرفتن

بزرگترین سلاطین این سلسله عبارتند از

۱ ـ طغرل بیک که از سال ۴۲۹ تا ۴۵۵ هجری (۱۰۳۸ ـ ۱۰۶۳ میلادی) سلطنت میکرد
۲ ـ الب ارسلان « « « ۴۵۵ « ۴۶۵ « (۱۰۶۳ ـ ۱۰۷۲ «) « «
۳ ـ ملکشاه « « « ۴۶۵ « ۴۸۵ « (۱۰۷۲ ـ ۱۰۹۲ «) « «
۴ ـ سلطان سنجر « « « ۵۱۱ « ۵۵۲ « (۱۱۱۸ ـ ۱۱۵۷ «) « «

بعلاوهٔ اینها خواجه نظام الملک وزیر الب ارسلان و ملکشاه عامل مهمی در پیشرفت معماری آن عصر بوده او یکی از معروفترین وزراء و سیاستمداران شرق شمار میرود و برای عدالت و حسن تدبیری که در ادارهٔ امور مملکت بکار میبرد وعلاقهٔ زیادی که بصنایع ، مخصوصاً بساختن بناهای مهم داشت ، شهرت بسزائی دارد

دراین عصر صنایع و معماری نه تنها درداخل ایران زنده شد و با عشق وابتکار زیاد تعقیب گردید ، بلکه فتوحات سلجوقیان اصول صنایع ایران را تا سواحل مدیترانه و حتی تا شمال افریقا بسط داد از اینرو عناصر و آثار صنایع ایران تا قرنها بعد در صنایع مصر و سوریه دیده میشود

برای اینکه معلوم شود اطلاعات ما راجع بزمان سلجوقیان دراین ایام بچه سرعت جمع آوری شده ، بنقل جملهٔ ذیل از یکی از کتب علمی که در دهسال اخیر منتشر شده مبپردازیم « و اما راجع به صنعت ، از معماری زمان سلاجقه آثار کمی باقی مانده است » برای تکذیب این عبارت کافی است فقط به آخرین صورت آثار تاریخی ایران که بوسیلهٔ ادارهٔ آثار باستان بطبع رسیده نظر اندازیم در آن بیش از چهل بنا از زمان سلجوقی ذکر شده است و با مطالعه و اکتشافات بیشتر پیوسته بر تعداد آن اضافه میگردد بعلاوه در سالهای اخیر مقداری سفال از اینزمان کشف گردیده و نمونه هائی از پارچهٔ اینددوره نیز بدست آمده است که از روی آن میتوان به صنعت بافندگی و ساختی این عصر مهم پی برد

۱ ـ سفال

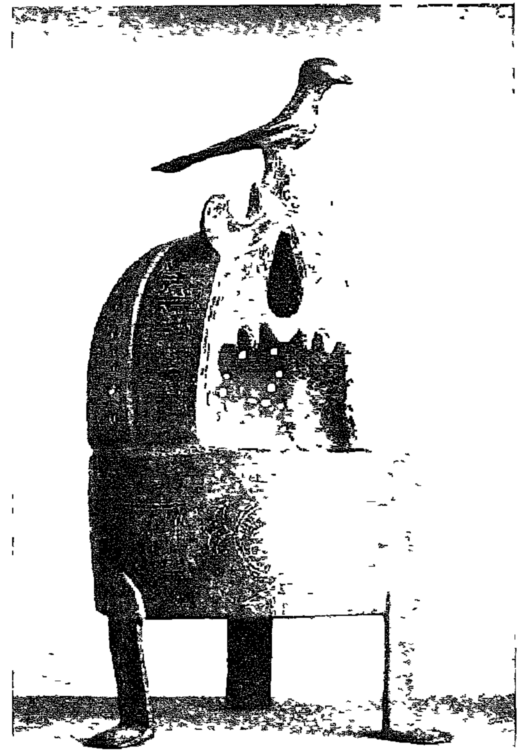
پس از شروع حکومت سلاجقه در ایران صنعت سفال نمو و ترقی عجیبی نمود

فصل هشتم

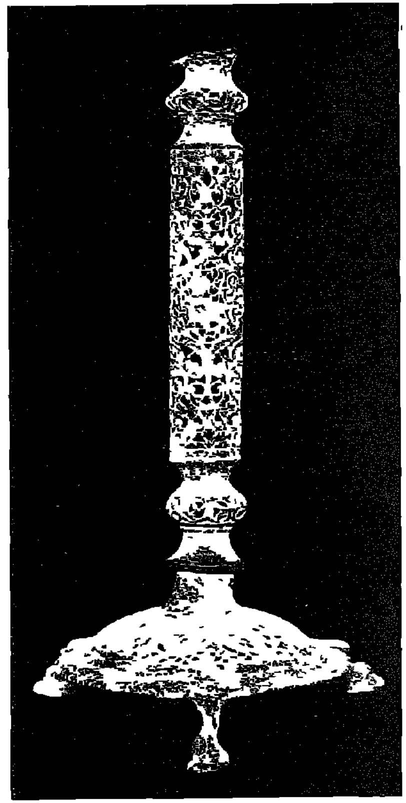
عصر سلجوقیان

سلطنت سلاجقهٔ بزرگ در ایران از آواخر سال ۴۲۹ هجری (۱۰۳۸ میلادی) که طغرل بیک نیشابور را فتح نمود شروع میشود اقتدار آنان تا مرگ سلطان سنجر در سال ۵۵۲ هجری (۱۱۵۷ میلادی) ادامه داشت، ولی صنایع سلجوقی تا زمان مغول نفوذ داشت سلسله های کوچك سلجوقی در قسمتهای مختلف ممالك شاهنشاهی سلطنت میکرد و آنهائیکه در کرمان و عراق بودند تا مدتی پس از انقراض سلاجقهٔ بزرگ بقدرت و حکومت خود ادامه دادند این سلاطین اولاد و اعقاب رؤسای قبیلهٔ غز بودند که از ناحیهٔ شمال شرقی وارد ایران شدند قبل از فتح ایران سلجوقیان صنعت و معماری را از تمدن عالی غزنویان زیاد آموخته بودند سلاطین سلجوقی خود را حامی و مشوق صنعت وا نمودند و بعضی از مهمترین شاهکارهای صنعتی و معماری ایران در یك قرن سلطه و حکومت آنان و دورهٔ بعد بوجود آمده است

فقط در سالهای اخیر به ارزش صنایع سلجوقی پی برده شد بسیاری از علماء معتقدند که معماری اسلامی ایران در زمان سلجوقیان بنهایت درجهٔ ترقی خود رسید و بعضی از صنایع دیگر نیز مانند سفال سازی و نساجی در این زمان بدرجه ای ترقی نمود که در تمام تاریخ ایران کمتر بآن درجه رسید



عود سوز مفرغی از عصر سلجوقیان



شمعدان مفرغی مشبک از عصر سلجوقیان



کاشی رنگی برقی از اوائل قرن هفتم هجری



که در تمام دوره ادامه داشته و گاه گاهی سبك نو و طرز عمل جدیدی بکار برده اند در اوائل این عصر ساختن سفال در شبخهٔ صنعت و هنر سفال سازی است ، ولی بعد به تزیین ظروف بیشتر اهمیت داده شده و بهترین نمونه در زمان سلاجقه روی ظروف سفالی آنزمان نقاشی شده بهترین و کاملترین سفال این زمان از حیث رنگ ، شکل ، ترسیم ، و ظرافت در اواخر این دوره و حتی بسیاری از آن بعد از دورهٔ سلاجقهٔ بزرگ و تا زمان حملهٔ مغول ظاهر میگردد بعقیده و قضاوت متخصصین در اواخر دورهٔ سلجوقی سفال به عالی ترین مرتبهٔ خود در ایران رسید

آگر چه در بسیاری از نقاط ایران سفال ساخته میشد ، ولی کاشان مرکز صنعت سفال این زمان بود تمام مصالح لازمه حتی ریزه های "دُر" کوهی که خرد شده و برای تهیهٔ بهترین خمیر این نوع سفال آماده میشد ، در حوالی کاشان بدست آمده است ممکن است که لفظ کاشی برای سفال رنگی مشتق از کلمهٔ کاشان باشد از مراکز عمدهٔ دیگر این صنعت شهر ری بوده است وشهرهای مهم دیگر عبارت بوده اند از ساوه ، نیشابور ، شوش و تبریز در آن کشور نزدیك بما بهترین ظروف سفال سفید رنگ ساخته میشد که اشکال حیوانات و پرندگان و اشکال مارپیچی روی آن نقش میشد

در آن عصر سفال یکرنگ با اشکال حیرت آور ساخته میشد و رنگهای مختلف مانند سبز ، فیروزه ای ، سورمه ای ، بنفش و سفید بیشتر بکار میرفت کاسه ، ابریق ، لیوان و غیره دیده میشود که در زیر لعاب اشکال برجسته روی آن نقش گردیده بعضی از این نقشها بوسیلهٔ قالب ساخته میشده درین طرحهای مختلف منظرهٔ اعطاء سلطنت است که موضوعی قدیمی و مانند مناظر حجاری ساسانی است که در آن اهورامزدا و پادشاه روبروی یکدیگر قرار گرفته و خدا تاج سلطنت را بپادشاه اعطا مینماید این نمونهٔ مهمی است از نقشی که در طی اعصار باقی مانده است در ساوه حیوانات زیادی از سفال ساخته میشد که دارای لعاب فیروزه ای صاف بوده پرنده نیز ساخته میشد و حتی هیکل شیر بزرگی از این نوع سفال بدست آمده است دکتر اریك اشمیت در ری قطعاتی از این قبیل سفال پیدا

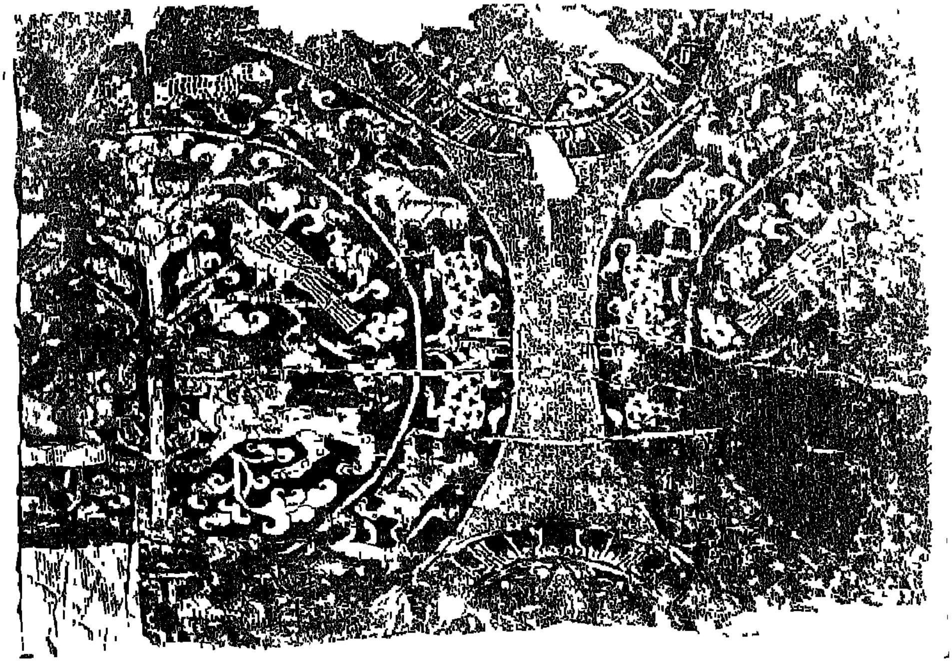
کرده که تزیین و آرایش بسیار دارند نمونه‌ای که نهایت ترقی سفال را نشان میدهد عبارتست از کوره‌هائیکه بنام « نوری » (۱) معروف است این نوع سفال دو پوشه است و روی پوشش خارجی نقشه های پیچیده‌ای کنده اند که بشکل نور در آمده است در بسیاری از نقاط ایران ازسفال چینی که بنام « تنگ لعاب پاشیده »(۲) معروف است تقلید شده وطریقهٔ ساختن آن این بوده که وقتی سفال مرطوب بوده رنگهائی روی آن بطور غیر منظم می‌پاشیدند

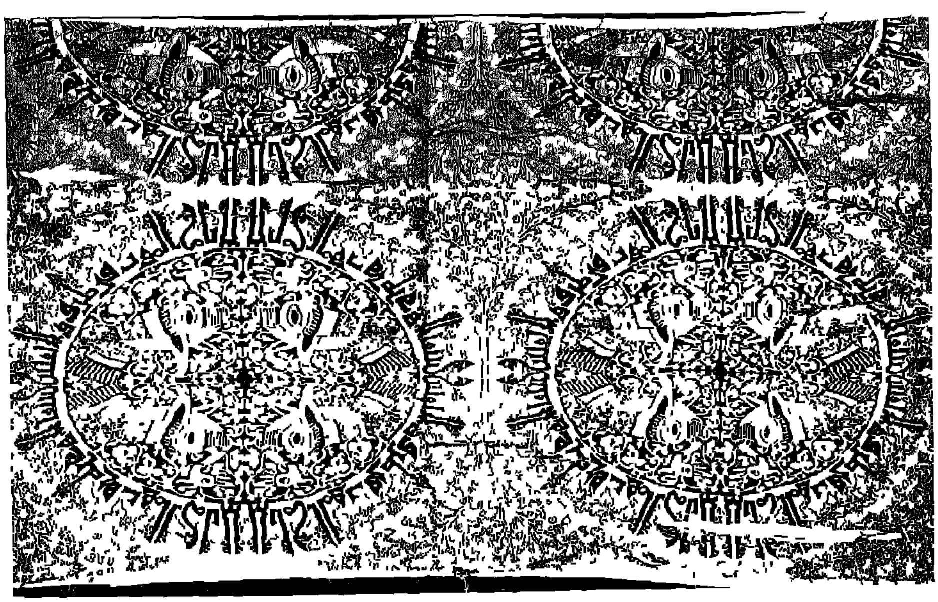
سفالیکه باسم مینائی موسوم شده در تمام دنیا شهرت دارد و آن در ری، کاشان و ساوه در سر بر بیر ساخته میشد روی این نوع سفال پس از دادن لعاب اشکال کوچکی میکشیدند مناظر دربار و شکار واسب سواری از نقشهای عمومی بود ورنگهای مختلف وطلا در این نقاشیها بکار میرفت اشیاء مینائی که در ری ساخته میشده از مینائی کاشان ظریفتر و بهتر بوده است چون ظروف مینائی کاشان شهرت زیاد یافت، مقدار زیادی از آن ساخته شد وبهمین دلیل بتدریج از حیث جنس و خصوصیات دیگر رو به پستی رفت

از اشیاء معروف این دوره ظروف شفاف است که به دو نوع ساخته میشده، یکی در ری ودیگری در کاشان نقشهای ظروف ری مؤثرتراست اشکال و صور جدا گانه کشیده شده و بکار بردن موضوعهای مختلف دلیل آنست که نقاشان و صنعتگران ری موضوعهای فراوان داشته اند در ظروف شفاف کاشان جای خالی دور تصاویر را معمولا با نقش گل و برگ، پرنده و حیوانات پر میکردند وچون تمام سطح از نقشهای گوناگون پوشیده شده تصاویر جلی برجسته نیست در اغلب طرحهای کاشان نبود صنعت باوندگی هویدا است

از میان اشیاء سفالی شفاف کاسه و کاشی بیشتر ساخته میشد و مخصوصاً مقدار زیادی کاشی بخارجه صادر میگردید در مقبرهٔ امام رضا در مشهد حاشیهٔ باریکی از کاشی شفاف است که کتیبه‌ای از زمان سلطان سنجر روی آن نقش شده کاسه های شفاف مذکور دارای خاصیت مخصوصی است و آن اینست که با تغییر نور رنگهای گوناگون بخود گرفته و منعکس مینماید رنگ اصلی ظروف شفاف معمولاً قهوه ای و مسی یا قهوه ای کم رنگ

۱ - Reticulated   ۲ - T'ang Splash





نمونه های عالی از طرح و بافندگی عصر سلجوقی عالیترین پارچهٔ دنیا
در این عصر در ایران تهیه میشده

در سوئد جام نقرهٔ شکیلی میباشد که با نوشتهٔ کوفی تزیین شده و دستهٔ آن از مفرغ ساخته شده است .

اغلب کارهای مفرغی این دوره بطور کلی با نقره آرایش شده تصویر انسان در حال نشسته یا برانو و با ایستاده دیده میشود طرحهای برگ و گل در اطراف آن نقره کوبی شده و همین طرز عمل در نوشتن خطوط کوفی بکار رفته است کتیبه های ظریف کوفی از خصائص فلزکاری زمان سلجوقیان است

کارهای مفرغی این دوره دارای اشکال زیاد و متنوع است شمعدانهای کوتاه و سنگین دیده میشود که پایهٔ آنها گرد یا بشکل کثیر الاضلاع است و تصاویر و گل روی آنها نقره کوبی شده و با اینکه اشکال پرندگان و حیوانات و آرایشهای دیگر روی آنها بطور برجسته نقش شده است شمعدانهای بلند و استوانه‌ای شکل مفرغی مشبك نیز بدست آمده که در نتیجهٔ کندن نقشهائی روی آن بدینصورت در آمده است عودسوزهای مفرغی دارای سه پایهٔ کوتاه هستند وکاسهٔ آن دارای سرپوشی است که پرنده‌ای روی آن ساخته شده جعبه وصندوق مفرغی که تصاویر انسان و اشکال دیگر روی آنها نقش گردید در این دوره ساخته شده ، ولی نمونه‌های آن زیاد نیست از منابع تاریخی وادبی میدانیم که نقره در زمان سلجوقیان فراوان بوده است ، ولی از اشیاء نقرهٔ این زمان فقط مقدار کمی باقی است میگویند کارگری در ری در موقع حفر زمین بیش از صد عدد ظروف نقره متعلق بزمان سلجوقیان پیدا نمود و تمام آنهارا بغیر از یکی دوتا ذوب کرده فروخت و وقتیکه متوجه شد که یکی از ظروفی که نگاهداشته از تمام نقره های ذوب کرده بیشتر قیمت دارد ، سخت متأثر و پشیمان گردید

اشیاء نقره که در دست است اشکال متنوع دارند در بین آنها قاشق ، گلاب پاش ، کمربند ، زینتهای براق ، فنجان ، بطری ، سینی و آفتابه و بعلاوه نیز زنجیرهای ظریف دیده میشود

نقرهٔ زمان سلجوقی برای ظرافت و استحکام مشهور است اگر چه این اشیاء محکم و از حیث شکل خیلی عالی هستند ، ولی در جزئیات بعضی از نقشه‌ها دقت زیاد بکار برفته است با وجود این بطور کلی خود نقشه‌ها علائم علاقه و ابتکار در صنعت را

مایل بزرد است که رنگ طلائی ، بنفش وگاهی سبز را منعکس میسازد و رنگ یاقوت بندرت منعکس مینماید رنگ احمر اعلب در سفال شفاف اولیه دیده میشود عمل شفاف کردن ظروف و کاشی از خدمات صنعتگران و کارگران ایرانی است به صنعت سفال‌دردنیا

بالاخره میتوان گفت که دورهٔ سلجوقیان از ادواری بوده که ابتکار ومهارت زیاد در فن سفال سازی بکار رفته اشکال و رنگهای جدید و لباسهای نو ظاهر گردیده و برجسته کاری با نقشهای قالبی و حکاکی هردو ترقی نموده ساختن ظروف شفاف در این دوره بتدریج رو به تزاید و رسائی و کمال رفته‌است رنگهای شفاف وساده هردو روی یك طرف دیده میشود وترکیبی ازظروف شفاف وبرجسته کاری وکاشیهای اعلا برای محراب و مقاصد تزیینی دیگر تهیه مینماید ساختن ظروف مینائی با تزیین رنگارنگ و طلائی آن محرك بزرگی برای نقاشی تصاویر کوچك بوده و این‌طرز عمل در ازمنهٔ بعد در مینیاتور کاری و تصاویر کتب ادامه یافته است

۲ — فلز کاری

اگر چه مقداری نمونه های مفرغی ومسی از این دوره موجود است ، ولی در مکانهای مختلف و جدا یافت میشود و هنوز راجع بصنعت فلزکاری زمان سلجوقیان کتاب جامعی طبع و نشر نشده است وقتی محل شیئی نامعلوم و تحت مطالعات و وسائل دقیق علمی اکتشاف قرار نگرفته باشد ، مشکل است تاریخ حقیقی آنرا تشخیص داد از اشیاء فلزی که‌در اینجا بیان میشود ، شاید بعضی در اواخر دوره یعنی در اوائل قرن هفتم هجری مطابق با قرن سیزدهم میلادی ساخته شده باشد

اشیائی باشکال مختلف و متنوع از فلزی پست در کار های این دوره دیده میشود و اغلب اوقات ترکیبی است از مفرغ یا مس که با نقره مخلوط گردیده است . صنعت ترصیع مخصوصاً نقره کوبی درتصاویر وکتیبه‌ها خیلی ترقی کرده بود مثلاً در موزهٔ هرمیتاژ کتری مسی موجود است که خط کوفی روی آن نقره کوبی شده ودر موزهٔ تاریخی استکهلم

ولی بعضی از محققین عقیده مندند که از بعضی جهات این صنعت در زمان ساجوقیان بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسیده اگرچه شاید بش از ۵۰ تکه از پارچه های این دوره در دست باشد ، اما همین عده نقشها وطرحهای متعدد را نشان میدهند بعضی ازاین طرحها پرکار و پارچه دولا بافته شده است

نوعی پارچه در این دوره ترقی نمود که مرکب از دو پارچه برنگ مختلف بوده که با یکدیگر بافته شده و گاهی یك و گاهی دیگری رو آمده تشکیل شکل و طرح آنرا میداده است این نوع پارچه دارای تنوع زیادی بوده است دکتر فیاس ا کرمان در کتاب « صنایع ایران » شرح مفصلی در این باب نوشته است

تکه های پارچه که از آن عصر بدست آمده است انواع مختلف پارچه های ابریشمی را نشان میدهد یك قسم پارچهٔ ابریشمی دیده میشود که با تغییر نور تغییر رنگ میدهد و نیز پارچهٔ ابریشمی سبك و نازکی دیده میشود که روی آن طرح حیوانات و خطوط کوفی بسیار عالی نقش گردیده رنگهای آن عبارتست از سبز و سفید روی زمینهٔ طلائی و قرمز تیره و قهوه‌ای در موزهٔ لوور یك تکه پارچهٔ ابریشمی سفیدی است که نقشهٔ آن نیز برنگ سفید است و بقدری ریز بافته شده که نقش آن دیده نمیشود مگر آنکه آنرا از یکطرف نگاه کنند پیدا کردن نقشهٔ آن باعث تعجب ومسرت بیننده میگردد ، همچنانکه در تمام صنایع کارگران ایرانی همواره علاقه مند بودند که در بیننده ایجادحس تعجب کنند

روی بعضی از پارچه های ابریشمی طرحهای مفصل و پیچیده ای که اصل آن در زمان ساسانیان استعمال میشد دیده میشود ، مانند نقش پرندگان و حیوانات ومرغ خیالی علاوه بر اینها خط کوفی نیز اضافه شده و داخل در طرح گردیده است قسمت دیگر پارچه را با گل و برگ پر مینمودند و یا نقشی را به تکرار میکشیدند یا آنرا خالی میگذاشتند حقیقتاً صنعت ساجی این زمان از حیث طرز بافندگی ، ابتکار ، انواع نقشه و قشنگی رنگ بدرجهٔ خیلی عالی رسیده بود

اگرچه از نوشته های این دوره چنین بر میآید که در آنزمان قالی میبافتند ،

نحوی نشان میدهد بعضی از عناصر فوق العاده زیبا و بدیع هستند خط کوفی که مورد استعمال زیاد دارد بسیار جالب است و درزمینه و طرح آن تنوع زیادی دیده میشود پرندگان و حیوانات با جلوهٔ مخصوصی نمایش داده شده اند

بزرگترین ظرف نقرهٔ زمان سلجوقی سینی الب ارسلان است که عجالتاً درموزهٔ صنایع ظریفهٔ بستن قرار دارد این سینی هدیه‌ایست که ملکه بپادشاه تقدیم نموده و تاریخ آن سه سال بعد از جلوس الب ارسلان میباشد اسم شاه و ملکه با تمام القاب آنان واسم صنعتگر که به « حسن الکاشانی » موسوم بوده با خط قشنگ کوفی بیك اندازه نوشته شده است شکل سینی مدور و پشت آن کاملاً ساده است و از نقرهٔ نسبتاً نازك ساخته شده و شاید در اصل آنرا برای این ساخته اند که روی طرف دیگر یا روی پایه قرار داده شود در داخلهٔ لبهٔ سینی ودر وسط آن کتیبه‌ای بسیار عالی بخط کوفی حك شده وحاشیه‌ای ترتیب داده است و زمینهٔ کتیبه طرحی است از گل که دارای برگهای پنج پر و هفت پر میباشد و نوك آنها بپیچیده است این طرح در صنعت سفال و تزیین عمارات آنزمان نیز دیده میشود

در بالای این حاشیهٔ کوفی یك جفت غاز رو بروی یکدیگر نقش شده و پاهای آنها طوری محکم بزمین گذاشته شده که در داخل زمین فرو رفته است هر یك انتهاء شاخهٔ موطوبلی را در منقار دارد در قسمت پائین حاشیه دو بز کوهی بالداری است که پای آنها سردر زمین فرو رفته است در طرح ونقش بعضی‌قسمتها چندان دقتی بعمل نیامده و از این حیث مانند نقشهای ظروف نقرهٔ معمولی میباشد کلیهٔ نقشها با دست کشیده شده و علائمی نیست که بنماید از روی اندازه رسم شده باشد این سینی عالی بهترین نمونهٔ صنعت فلز سازی عصر سلجوقی است

۳ ـ بافندگی

اگرچه بافندگی از صنایعی است که همیشه در ایران مقامی ارجمند داشته ،

از اینگونه محرابهای قدیمی محراب مدرسهٔ معروف خارجرد است که در حدود ۴۶۰ هجری (۱۰۶۸ میلادی) ساخته شده یکی دیگر ازمحرابهای مشهورمحراب امام زاده کرّار در بوزون نزدیك اصفهان است که در تاریخ ۵۲۸ هجری (۱۱۳۳ میلادی) ساخته شده این محراب بموزهٔ دولتی تهران انتقال داده خواهد شد کتیبهٔ آن بخط نسخ نوشته شده و از اولین نمونه های استعمال این شیوه خط است زیرا که قبل از این تاریخ در کتیبه‌ها تقریباً بدون استثناء خط کوفی بکار میرفته است محراب مزبور را مستر مایرون اسمیت(۱) در گزارشی راجع به آثار باستان چاپ برلن (۲) مورخ ۱۹۳۵ کاملاً تشریح نموده است محراب جالب توجه دیگری که از آجر ساخته و گچ بری شده در برسیان است محرابهای دیگری نیز در زواره که تقریباً در ۵۳۰ هجری (۱۱۳۵ میلادی) ساخته شده و در اردستان که در حدود ۵۵۳ هجری (۱۱۵۸ میلادی) بنا شده توسط مسیو آندره گدار مدیر ادارهٔ آثار باستان در شمارهٔ دوم سال ۱۹۳۶ مجلهٔ «آثار ایران» کاملاً شرح داده است در شمارهٔ قبل همان مجله محراب معروف ابرقو نیز تشریح گشته است

محراب گنبد علویان همدان را بعضی متعلق به دورهٔ بعد میدانند ' ولی پرفسور پوپ و پرفسور مینورسکی(۳) معتقدند که متعلق بزمان سلجوقیان است راجع به تزیین آن پرفسور پوپ میگوید «از جهت نمایاندن مهارت درعمل ' و قشنگی نقشه و نفاست و زیبائی در جزئیات ' این گچ بری از شاهکار های این نوع صنعت محسوب میشود » در حقیقت نقشهٔ گچ بری داخل این مقبره با نفیس‌ترین نقشهٔ قالیهای شرقی برابری میکند

در اینجا باید حاشیهٔ مزین خط کوفی دور طاقی که محراب درآن قرار دارد نیز ذکر نمود این کتیبهٔ عالی دراغلب مساجد دیده میشود ' مثلاً حاشیهٔ کوفی که در مدرسهٔ حیدریهٔ قزوین موجود است ' از بهترین نمونه های گچ بری کوفی میباشد

Archaeologischen Mitteilungen Aus Iran -۲ Myron Bement Smith -۱

Prof V Minorsky -۳

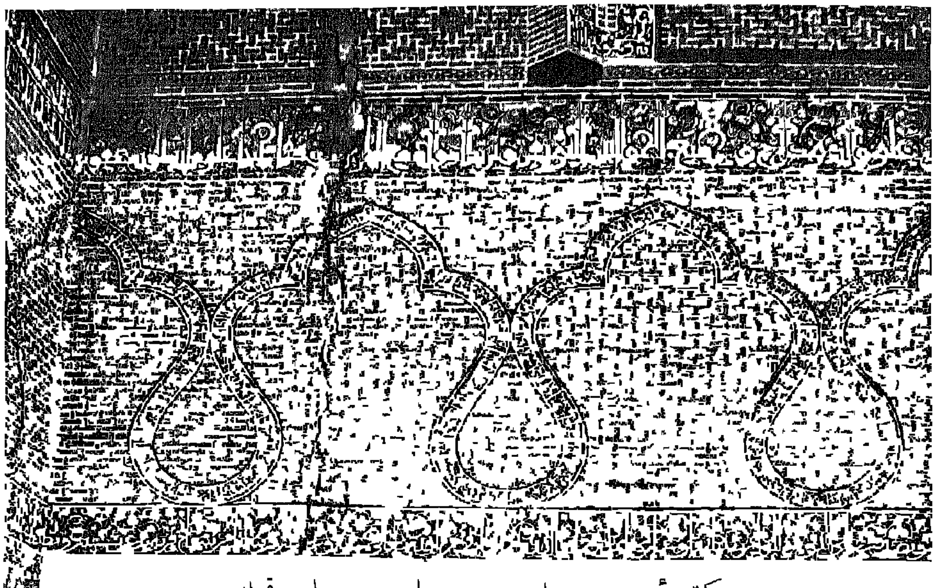
ولی تا آنجا که اطلاع داریم نمونه ای از این صنعت تا کنون بدست نیامده است

٤ - گچ بری

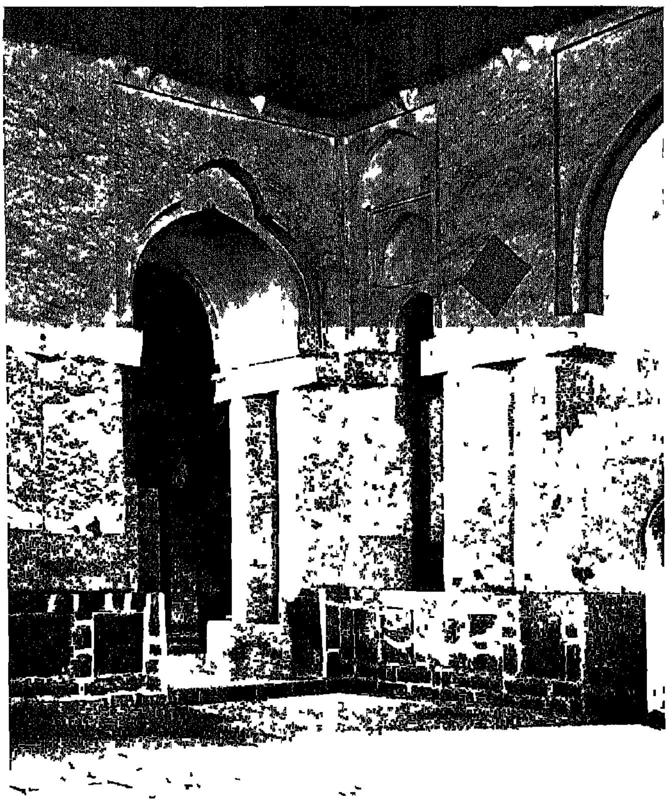
روح صنعت پرور ایران در قرون متوالی گچ بری را که از حیث حس چندان قابل ملاحظه نیست گرفته و از آن مظاهر قدرت و رسائی معماری را خلق کرده است

دکتر اریك اشمید و همکارانش چند عدد گچ بری که گویا برای آرایش ستونهای عظیم بکار میرفته در ری بدست آوردند هیئت اعزامی موزهٔ متروپولیتان قطعات یك دوره گچ بری اطاقی را در نزدیکی شهر ری کشف نمودند و آنها را با کمال دقت از زیر خاك بیرون آورده به تهران حمل نمودند پشت قطعات گچ بری مزبور را بوسیلهٔ سیم مستحکم نموده از روی آنها قطعات گچ بری دیگری که کاملاً شبیه آن است ساختند و نصف قطعات اصلی را با نصف قطعات تازه ساخته شده بموزهٔ دولتی تهران تحویل و بقیه را بموزهٔ متروپولیتان نیویورك فرستادند بدینطریق هر دو موزه گچ بری یك اطاق کامل را دارا هستند عمل مزبور یکی از دقیق ترین و علمی ترین طریقهٔ اکتشاف و تهیهٔ مصالح میباشد نقشه های این گچ بری با کمال دقت تهیه شده بطوریکه کاملاً متناسب با فضائی است که نقشه باید روی آن قرار گیرد و نقشه ها اغلب عبارتند از طرح گل ، نقوش عربی واشکال هندسی این دوره گچ کاری معرف خوبیست از تزیین نمای دیوار یك اطاق در عهد سلجوقیان

پیچیده تر و مشکلتر از اینها گچ بریهای مختلف محرابهاست که از این عصر بیادگار مانده است و آنها عبارتند از نقشهای مفصل و پرکار کتیبه‌هائی که در اطراف محراب با گچ رو بقباله ساخته شده است قسمت بالا و اطراف طاق نوك تیز طاقچه‌ای را حاشیه‌ای احاطه کرده ومعمولاً در قسمت بالا حاشیهٔ بهتری با نقشهای درشت‌تر گچ بری شده است دور طاق مرکزی و در حاشیهٔ مستطیلی معمولاً نقش گردیده و طرحها عبارتست از نقوش عربی ، نقش مو و تاك و برگهائیکه سوراخ شده و بشکل لانهٔ زنبور در آمده است



کتیبهٔ مسجد جامع قزوین از عصر سلجوقیان



پایه‌های عظیم از ساختمانهای اولیهٔ مسجد جامع اصفهان

اطاق گنبددار با نقشهای زیبای محراب و حاشیهٔ دور دیوار که باخط قشنگ کوفی نوشته شده و با گچ بریهای اعلا و رنگهای گوناگون و طلا مزین گشته ' بدون شك نتیجهٔ صنعتی عالی و مؤثر داشته

۵ — معماری

کمی قبل از آنکه سلجوقیان بر ایران دست یابند ' سلطان محمود غزنوی بناهای عظیم و زیبائی در غزنین بنا نموده بود برج ظفر وی و برج‌ظفر سلطان مسعود سوم نشان میدهد که معماری و مخصوصاً آجرکاری آن زمان پیش از آنکه سلجوقیان سر از اطاعت غزنویان بپیچند تا چه حد ترقی نموده بود بنابر این جای تعجب نیست که آجرکاری ایران درمعماری سلجوقی بآخرین درجهٔ ترقی رسیده و تقریباً کامل گردیده‌است باید دانست که‌معماری سلجوقیان تقلید از معماری غزنوی یا دیگران نیست ' بلکه سبك واسلوب خاصی داشته و دارای ابتکار و مظاهر زیبائی بزرگی است

بزرگترین ومهمترین آثار معماری اسلامی در ایران مسجدجامع اصفهان است عناصری در ساختمان آن دیده میشود که متعلق بادوار مختلف است بدون شك قبل از سلجوقیان مسجدی در این محل بوده است این مسجد و ساختمان از منهٔ بعد آن را مسیو آندره گدار مدیر ادارهٔ آثار باستان در شمارهٔ دوم مجلهٔ « آثار ایران » مورخ ۱۹۳۶ کاملاً شرح داده است

اگر چه جزئیات ساختمان این مسجد متعلق بادوار مختلف است ' ولی‌عمدهٔ آن عبارتست از قسمت بزرگ گنبددار سمت جنوب که خواجه نظام الملك در زمان سلطنت ملکشاه (۴۶۵_۴۸۵ هجری مطابق ۱۰۷۲_۱۰۹۲ میلادی) آنرا بنا نموده وگنبد و اطاق کوچك قشنگی درطرف شمال موسوم به گنبد خاکی که در ۴۸۱ هجری(۱۰۸۸ -۱۰۸۹ میلادی) ساخته شده است

این مسجد در سال ۵۱۵ هجری (۱۱۲۱ میلادی) آتش گرفت ولی بزودی

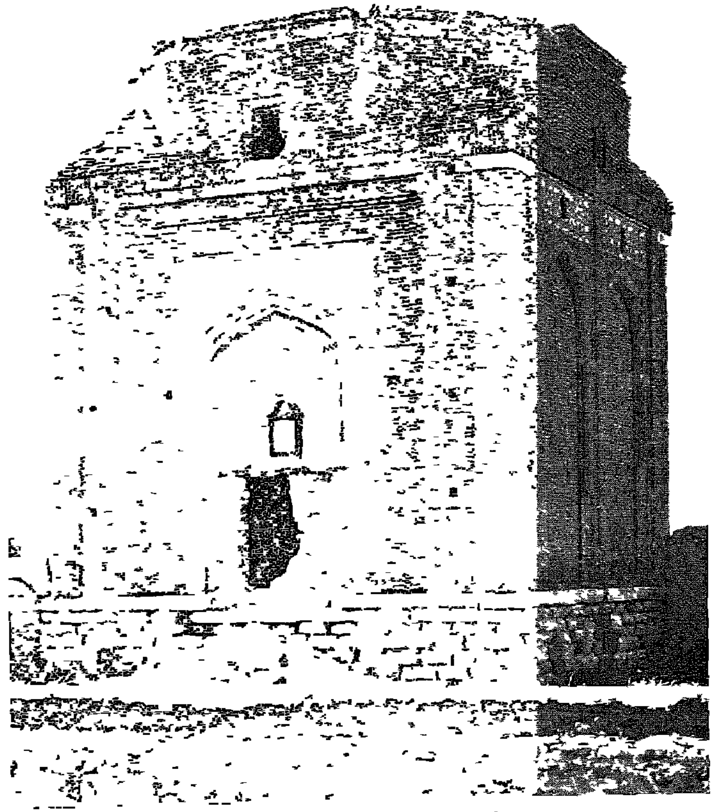
تعمیر وساخته شد چنانکه از کتیبهٔ بالای سردر قسمت شمال شرقی مسجد مفهوم میگردد از قرار معلوم در زمانی پس این تاریخ و آخر دورهٔ سلجوقی مسجد دوباره با اسلوب چهار ایوانی بنا گردیده

گنبد عظیم رو بقبله روی ستونهای ضخیم متصل بدیوار ساخته شده و شخص را بیاد بناهای ساسانی میاندازد تأثیر این اطاق و گنبد بیشتر از حیث حجم و بزرگی آنست تا از لحاظ زیبائی و قشنگی روی این ستونهای ضخیم گچ بری شده و با گل وبرگ زینت یافته است در قسمت بالا آجر کاری ساده و بدون آرایش طرز ساختمان گنبد را مینماید جای بسی تعجب است که پس از قرنها این ستونها گنبد عظیم و سنگینی را بدون اینکه آسیبی بدان رسیده باشد نگاهداشته است

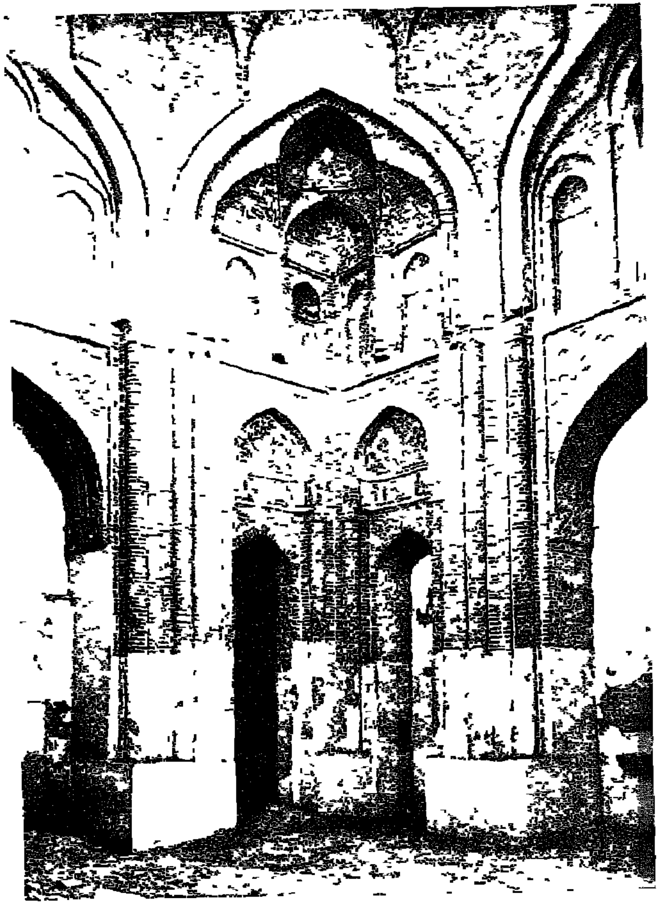
اطاق کوچك گنبددار شمالی نمونهٔ کاملی است از ساختمان و معماری زمان سلجوقی در داخل آن ردیفهای آجرکاری و طاقهای بلند نوك تیز توجه را به قبهٔ گنبد جلب کرده واثر مطلوب ساختمان عظیم را ظاهر میسازد اگرچه داخل طاقها با موزائیك وگچ بری زینت یافته و کتیبه‌های مزین دارد، ولی زیبائی این اطاق به آجر کاری آنست که با طرزی کامل بکار برده شده است

قسمت بالای اطاق مربع بوسیلهٔ طاقهائی به کثیر الاضلاع هشت ضلعی تبدیل یافته و در بین این طاقها اشکالی ساخته شده که اطاقرا بشکل کثیرالاضلاع شانزده ضلعی در میآورد که گنبد روی آن قرار داده شده است تمام این قسمتها نشان میدهد که نقشهٔ کامل آن بنا قبل از شروع در فکر سازنده بوده است مستر اریك شرودر (۱) در کتاب « صنایع ایران » آنرا با کمال خوبی شرح داده است و ثابت میکند که این گنبد کوچك که قطر آن از داخل بیش از ده متر نیست با گنبد کاملی که مهندسین پس از کشف اصول ریاضیات عالی توسط نیوتون تعیین نمودند، مطابقت تمام دارد پس ملاحظه میشود که شش قرن قبل از زمان نیوتون گنبد کامل از روی اصول ریاضی ساخته شده است و این مطلب افتخار بزرگی است که نصیب معماران دورهٔ سلجوقی میگردد .

Eric Schroeder - ۱



گنبد سرخ در مراغه



منظرهٔ فضای زیر گنبد کوچک مسجد جامع اصفهان

از سبک قدیم یعنی اطاق گنبد دار و ایوان جلو آنرا به سبک چهار ایوانی نشان میدهد تاریخ آن ۵۵۳ هجری (۱۱۵۸ میلادی) است آثاری از ساختمان قدیمی قبل از سلجوق مخصوصاً در قسمت عربی مسجد دیده میشود و از این بنای قدیم دیوار، ستونهای مدور و طاقهائیکه دارای گچ بری میباشد باقی مانده است اطاق و گنبد آن احتمال میرود بعداً در زمان سلجوقیان ساخته شده باشد بعقیدهٔ مسیو گدار بار درعهد سلجوقیان بوده که آن مسجد به طرح چهار ایوان دور صحن مبدل گردیده

در اینجا نیز آجرکاری سلجوقی سبک اصفهان پیدا میشود، مخصوصاً درقسمت اطاق گنبد دار نمونه‌های بسیار عالی آجرکاری یافت میشود و نیز محرابی با گچ بری و حاشیهٔ کتیبه دار دور اطاق در جائیکه گنبد شروع شده دیده میشود کتیبه بخط کوفی نیست، اما کلمات آن پیوسته است که دنبالهٔ حروف بلند تر آن سرحاشیه میرسد و زمینهٔ آنرا نقش گل و برگ پوشیده است گچ بری ایوانها دارای طرح بسیار قشنگ میباشد و ذوق وسلیقهٔ معمار را مینمایاند در همان مسجد نمای سقفهای هلالی سقفی است که از یکعده گنبدهای کوچکی که روی ستونها قرار گرفته تشکیل و احتمال میرود سبک تازه‌ای باشد در معماری این دوره و مزایای زیادی برسقف سازی گذشته دارد

تاریخ مقبرهٔ دوازده امام یزد کاملاً معین نیست و شاید اندکی قبل از فتح سلجوقیان بنا شده باشد اهمیت آن از این جهت است که گنبد آن روی ستونهائیکه تشکیل کثیرالاضلاع هشت ضلعی داده قرار دارد نه روی دیوار آن و نیز برای پایه هائیکه بعداً در بناهای سلجوقی متداول گردیده

جمال سنگ درکرمان بنای عجیب و بزرگی است که چنانکه از اسم آن برمیآید اغلب بجای آجر از سنگ ساخته شده و برای گنبد عظیمی که روی عمارت کثیرالاضلاع هشت ضلعی ساخته شده دراین دوره بی‌نظیر میباشد گنبد آن یا دو پوشه بوده ویا اینکه سازنده قصد داشته است آنرا دو پوشه بکند بهرحال از روی علائم و آثار معلوم میشود که این بنا ناتمام نرسیده

در دماوند مسجدی است که در زمان سلجوقی بنا گردیده یا دوباره ساخته

چند سال بعد از ساختمان گنبد های مسجد جامع اصفهان مسجد سلجوقی بوسیلهٔ محمود شاه درگلپایگان ساخته شده که فقط اطاق گنبد دار آن باقی مانده است ستونها ودیوارهائیکه گنبد روی آن ساخته شده خیلی نزدیك سبك ساسانی است و خود گنبد شبیه گنبد بزرگ مسجد جامع اصفهان است اقطار و اندازه‌های این اطاق گنبد دار بسیار دقیق و صحیح است گوشه‌های طاق مقرنس‌کاری شده و از نمونه های اولیهٔ این قسم تزیین‌است این مقرنس‌کاری ازروی اشکال بدوی آن که در بالای سردر گنبد قابوس و گلوئی گنبد علی ابرقو که بعداً بیان میشود ساخته شده ، نمو و تکمیل گردیده و در ساختمانهای زمان بعد اهمیت زیادی حاصل کرده است

در برسیان مسجد کوچکی است سبك مسجد سلجوقی در اصفهان ، ولی فقط قسمت گنبد واطاق آن از این دوره میباشد تاریخ محراب آن ۵۲۸ هجری (۱۱۳۳ میلادی) است

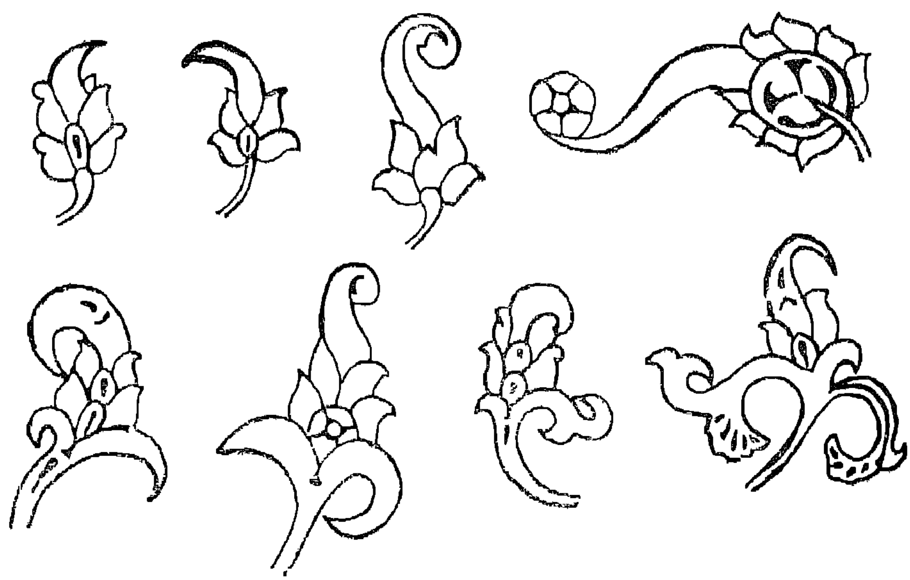
در زواره نزدیك اردستان نمونهٔ خیلی عالی از مسجد سلجوقی دیده میشود که درسال ۵۳۰ هجری (۱۱۳۵ میلادی) ساخته شده است قسمت قابل ملاحظهٔ آن این ست که ظاهراً سبك ساختمان چهار ایوانی ساخته شده بوده و این یکی از اولین نمونه های این سبك ساختمان است (۱) اطاق گنبد دار با آجرکاری اعلاو قشنگ آن شبیه به بهترین کارهای سلجوقی در اصفهان میباشد آن اطاق دارای چند ردیف طاقهای نوك تیز تو درتو است که دورهٔ تحول را از اطاق مربع به گنبد مدور میرساند گچ بری محراب ، کتیبهٔ دور اطاق و تزیینات داخل طاقها نمونه‌ای عالی از کارهای این دوره است که تاریخ آن کاملاً معلوم است طرح آن بشکل مربع میباشد و اگرچه مسجد کوچکی بیش نیست ، ولی چون مانند اغلب آثار دیگر چندین بار ساخته شده و نمونهٔ بنائی است که تقریباً بوضع اصلی باقیمانده قابل ملاحظه و شایان دقت است .

مسجد بزرگتری از عهد سلجوقیان در اردستان موجود است که دورهٔ تحول

---

۱ - رجوع شود بمقالهٔ مسیو گدار در مجلهٔ « آثار ایران » صفحهٔ ۲۹۸

قشنگی و تنوع این کتیبه‌ها بقدری است که جای تعجب نیست انجام آن سالها بطول انجامیده باشد این مطلب از تاریخهای مختلفی که روی آنست محرر میگردد بعضی از کتیبه ها آیات قرآن است اما اغلب راجع بموضوعهای مربوطه بوقف مسجد میباشد بین دو حاشیهٔ طرفین اطاق کتیبه ایست که بطرح برگ سه شاخه بالا و پائین میرود واثر صنعتی عجیبی دارد شکل انواع و اقسام برگهای روی این کتیبه‌ها خود موضوعی قابل دقت است و تکه کاشیهای کوچك رنگی لوزی شکل که در تزیین اطاق بکار رفته دیده میشود و از نمونه‌های قدیم این نوع آرایش است



نمونهٔ انواع برگها از گچ بری مسجد جامع قزوین
(نقل از کتاب « صنایع ایران »)

۶ — مناره ها

مناره های زیادی از زمان سلجوقیان باقی است و مانند ابنیه‌ای که شرح داده شد نمونهٔ بهترین آجرکاری هستند پایهٔ آنها چندان معلوم نیست و فرق بین پایه‌و تنه‌جلب توجه نمیکند انواع مناره ها از کوتاه وضخیم تا مناره هاي بلند که‌قسمت بالای آن باریك

شده است و شاید تاریخ آن در حدود ۵۰۰ هجری باشد این مسجد گنبد ندارد، اما ساختمانش متعاقب سبك دورهٔ قبل میباشد و سقف آن روی ستونهائی قرار دارد ساختمان مسجد نامنظم است، ولی دارای گچ بریهای قابل توجه در محرابها و درقسمتهای دیگرحتی روی بعضی از ستونها میباشد (۱)

یکی دیگر از ابنیهٔ تاریخی این عصر مسجد جامع قزوین است که اطاق عظیم گنبددار آن هنوز بوضع خوبی مانده است این مسجد بسال ۵۰۹ هجری (۱۱۱۵ میلادی) باتمام رسیده چندسال بعد قدری دورتر در شمال حوض مسجد سردر بزرگی که سقف آن از نیمه گنبدهائیکه پشت به پشت هم داده یا از ایوانهائیکه در دوجهت مخالف یکی رو بشمال و بطرف خارج و دیگری بطرف اطاق گنبد دار باز میشد، بنا گردید این، سردر خیلی مهم است، زیرا این قسم ساختمان بعداً پیشرفت نموده تا به سردر و جلو مساجد ایرانی که بنهایت درجهٔ کمال رسیده ترقی نموده است اطلاعات نگارنده در این قسمت مرهون آقای دونالدن ویلبر (۲) است که وقت زیادی صرف مطالعهٔ این بنای مخصوص نموده و تحقیقات دقیقی درآن کرده ومنتشر خواهد شد

از روی منابع تاریخی معلوم میشود که کلیهٔ فضای نزدیك اطاق گنبد دار و سردر آن مسجد بزودی با ابنیهٔ مدرسه و خانقاه دراویش و کتابخانه وغیره اشغال گردید شکل صحن امروزهٔ آن متعلق بدورهٔ بعد است

بسیاری از قسمتهای ساختمانی مسجد مربوط بعهد صفویه وقاجاریه است، ولی قسمت مهم آن اطاق عظیم گنبد داراست دیوار های داخلی آن کاملاً ساده و گنبد روی چهار پایه که نیز ساده است قرار دارد حاشیه و کتیبه های گچی بسیار دور تا دور سمت زیبائی آن میگردد اثر محراب بزرگی نیز رو بقبله نمایان است که ازآن چیزی باقی نمانده حروف کتیبه های مزبور یا بهم پیوسته اند یا به برگ وغنچهٔ زمینهٔ گلدار ختم میگردند

۱ ـ مایرون ب اسمیت در قسمت دوم جلد دوم کتاب « Ars Islamica » که در میشگان (ممالك متحده امریکا) بطبع رسیده کاملاً آنرا تشریح نموده است.

۲ ـ Donald N Wilber

آنها را بین ۵۲۵ و ۵۵۰ هجری قرار داده است (۱)

در مسجدی که اکنون باسم امام حسن در اردستان میباشد مناره ایست که در اصل با منارهٔ دیگری روی سردر مزین شده ساخته شده بود یك جفت مناره شبیه باین مناره در طبس موجود است (۲)

۷ — مقبره‌ها و برجهای مقبره‌ای

برجهای مقبره‌ای آجری در زمان سلجوقیان معمول بوده و در بسیاری از نقاط ایران دیده میشود علاوه بر برج مقبره ای که در دامغان به پیر علمدار معروف است و در فصل گذشته مذکور گردید ، مقبره ای شبیه آن در همان شهر موجود است که چهل دختران نامیده میشود و تاریخ آن ٤٤٦ هجری (۱۰۵۳ میلادی) است اگرچه این دو برج از حیث شکل شبیهند و هر دو سقف مخروطی بیاری شکل دارند ، ولی آجرهای چهل دختران بهتر و قشنگتر از آجر کاری پیر علمدار است نکتهٔ قابل توجه در تزیین برج چهل دختران وجود یك سلسله سواستیکا است

در ابرقو گنبدی است موسوم به گنبد علی که توسط حکام آن ناحیه در سال ٤٤٨ هجری (۱۰۵۵ میلادی) ساخته شده است و آن عبارتست از برجی بشکل کثیرالاضلاع هشت ضلعی که مطابق معمول آنزمان از آجر ساخته شده ، بلکه از سنگهای تراشیده و گچ بنا گردیده سقف آن گنبدی شکل وزیر مقرنس کاری آن کتیبهٔ مفصلی به کوفی نوشته شده کتیبهٔ مختصری نیز بالای سردر دارد

در ۱۸ کیلومتری مشرق دامغان نزدیك جادهٔ مشهد ودر حوالی قریهٔ مهماندوست برجی آجری است از زمان سلجوقیان که ۱۲ ضلع دارد و هر ضلع بواسطهٔ طاقنمای نادی تزیین شده لبه‌های تیزی این ۱۲ ضلع را از یکدیگر جدا میسازد ومقرنس کاری مفصل بالای آن طاقنماها از آجر تراش است در بالای این آرایش شکل برج مدور شده و

۱ ـ رجوع شود به مقاله تحت عنوان مناره های اصفهان در مجلهٔ آثارایران شمارهٔ ۲ ص۳۱۳ .

۲ ـ رجوع شود به مجلهٔ آثار ایران صفحهٔ ۲۹۹ و ۳۰

و طریف است دیده میشود مناره های آخر عصر سلجوقی در حدود اصفهان اغلب دارای سه قسمت است و قطر هریك کوچکتر از قطر قسمت زیرین است

تزیین این مناره ها عبارتست از نقشهای آجرکاری که تکرار شده و کاهی تمام بدنه را میپوشاند یا به منطقه و قسمتهای هندسی تقسیم میشود و کتیبهٔ روی آن با آجر بطور برجسته ساخته شده است بعضی از مناره ها تقریباً ساده هستند و ابداً دارای آرایشی نمیباشند و استعمال کاشی برای تزیین مناره دراواخر این دوره ظاهر میگردد ، اما کم دیده میشود چون شرح مفصل مناره های زمان سلجوقی مطول میشود واین کتاب گنجایش آنرا ندارد ، فقط صورتی از آنها با ذکر تاریخ هریك ذیلاً درج میگردد

مناره های مشهور عبارتند از منارهٔ نزدیك تاریخانهٔ دامغان که ازآخر کاری‌های سلجوقی است (۴۱۷-۴۲۰ هجری)، مسجد جامع سمنان (۴۲۰-۴۴۶ هجری)، مسجدجامع دامغان (تقریباً ۴۵۰ هجری) ، مسجد میدان‌ساوه (۴۵۳ هجری)، مسجد پامنار زواره (۴۶۱ هجری) ، مسجد جامع کاشان (۴۶۶ هجری)، مسجد جامع برسیان (۴۹۱ هجری) ، چهل دختران اصفهان (۵۰۱ هجری)، مسجد جامع ساوه (۵۰۴ هجری) ، خسروگرد نزدیك سبزوار (۵۰۵ هجری) و مناره سین نزدیك اصفهان (۵۲۶ هجری)

در قسمت بالای منارهٔ سین کاشی رنگی برای تزیین بکار رفته که مایرون اسمیت در مقالهٔ خود در « آثار ایران » میگوید که قدیمترین مثال رنگی برای آرایش خارج بنا است که تاکنون روی بنای با تاریخ پیدا شده است منارهٔ مسجد جامع دامغان نیز در قسمت بالا کاشی کاری دارد این کاشی کاری اگر متعلق بزمان خود مناره باشد ، احتمال میرود که از کاشی کاری منارهٔ سین قدیمتر باشد

مناره های دیگر سلجوقی که اهمیت چندانی ندارند در مسجد مالك کرمان و در میان ابنیه ای که متعلق به دوره های بعد در بسطام است دیده میشود شاید عالیترین مناره های زمان سلجوقی ، منار علی ومنارساربان در اصفهان باشند ، زیرا که دارای بدنهٔ بلند و تزیین عالی هستند تاریخ آنها بطور تحقیق معین نیست ، ولی مادام گذار تاریخ



تصویری از شاهنامه (اوائل عصر مغول)



تصویر رستم از تاریخ رشید الدین
۷۰۷ ـ ۷۱٤ هجری (۱۳۰۷ الی ۱۳۱٤ میلادی)

کتیبه‌ای نکوفی با آجر روی آن نقش گردیده است شاید گنبد آن در اصل مخروطی شکل بوده، ولی اکنون فرو ریخته و خراب شده است. این برج بسال ۴۹۰ هجری (۱۰۹۷ میلادی) ساخته شده است.

نزدیك تهران در مرکز ناحیه‌ای که سابقاً شهر عظیم ری بوده، یك برج مقبره‌ای است که از جهت کاملیت شکل از آثار مهم ابنیهٔ زمان سلجوقی است دیوارهای برج دارای یك رشته لبه های تیزی است که در امتداد محیط برج قرار دارد و سقف برج را نگاه میداشته طرز ساختمان آن شبیه به گنبد قابوس میباشد، با این فرق که در آنجا بس این لبه‌ها دیوار مدوری است دو قرن بعد برج مقبره‌ای در بسطام ساخته شد که دور تا دور آن مانند برج ری دارای چینهای باریك است تاریخ برج ری از روی قطعات درب آهنی که پیدا شده و در تصرف پرفسور هرتسفلد است تعیین شده و شاید ۵۳۴ هجری (۱۱۳۹ میلادی) باشد

در مراغه که در استان آذربایجان واقع است پنج برج مقبره‌ای وجود دارد که سه عدد از آنها متعلق بزمان سلجوقیان است قدیمی‌ترین آنها گنبد سرخ است که در ردیف اطاق کوچك گنبد دار مسجد جامع اصفهان و از قشنگترین بناهای سلجوقی بشمار میرود گنبد سرخ برجی‌است مربع شکل که از آجر ساخته شده، ولی پی آن ازسنگ تراش روشن رنگ‌است و با سنگهای قرمز و سیاه بشکل صلیب تزیین شده است در طرف شمال که جلوی برج است سردر آن واقع گردیده که با کاشی آبی آرایش یافته و این از نمونه های کاشی رنگی است که برای تزیین جدار خارجی بکار رفته این عمل بعدها عمومیت پیدا نموده نقش قسمت جلو از گچ است که روی آجر گچ بری شده است امتیاز این برج نه تنها بواسطهٔ آجرکاری عجیب آنست، بلکه برای تناسب کامل و نقشهٔ بدیع آن میباشد ستونهای گوشه که با خود بنا ساخته شده شاید بهترین آجر کاریهای ایران را نشان دهد، چنانکه مستر اریك شرودر در کتاب «صنایع ایران» می نویسد «ستونهای قسمت جلو بهترین نمونهٔ آجرکاری در ایران و بنا براین شاید بهترین آجرکاری در دنیا باشد»
گنبد سرخ درسال ۵۴۲ هجری (۱۱۴۸ میلادی) ساخته شده و اکنون یکی از بهترین

نمونه‌های صنعت سلجوقی است که تقریباً نمونهٔ کامل تناسب معماری میباشد

در وسط شهر مراغه دو برج مقبره ای وجود دارد یکی از آنها مدور است که سقف یا گنبد آن فرو ریخته ، ولی هنوز آثاری از تزیین دیوار درونی در روی گچ پیدا است تاریخ آن ۵۶۳ هجری (۱۱۶۸ میلادی) میباشد در نزدیکی آن گنبد کبود که برجی است هشت ضلعی و متعلق به اواخر دورهٔ سلجوقی میباشد قرار دارد تاریخ این بنا تقریباً محو شده ، ولی مسیو گدار از روی آثارش آنرا دوباره منظم نموده و تاریخ آنرا ۵۹۳ هجری (۱۱۹۷ میلادی) میداند . تمام سطح این برج تزیین شده است و از اینجهت شبیه بابنیهٔ دورهٔ بعد میباشد در زمانیکه کاشیهای رنگارنگ آن تازه بوده بیشك جلوهٔ عجیبی داشته است گچکاری داخل آن اغلب باقی است و کتیبهٔ زیر قاعدهٔ گنبد از گچ است باوجود اینکه بعضی از محققین معتقدند که تزیین گنبد کبود بیش از اندازه است و اهمیت تزیین در اینجا بر شکل ساختمان ترجیح دارد ، ولی این برج درحقیقت کاری صنعتی میباشد و یادگاری است که بر مهارت واستادی کارگران ایرانی گواهی میدهد

در خارج شهر رضائیه برج مقبره‌ایست بنام سه گنبد و آن مدور و در تاریخ ۵۸۰ هجری (۱۱۸۵ میلادی) ساخته شده است اطاق داخلی مربع شکل است و قسمت قابل توجه این برج تزیین جلو آنست که سنگ تراشیدهٔ قهوه ای روشن رنگ صیقلی شده را بجای کاشی بکار برده‌اند درجلو کتیبه ای بکوفی دارد و سابقاً کتیبهٔ بزرگی بکوفی از آجر وگچ دور برج را در قسمت بالا گرفته بوده است

در نخجوان آنطرف سرحد کنونی ایران و رودخانهٔ ارس دو برج مقبره‌ای هشت ضلعی از این زمان دیده میشود یکی از آنها که بنام یوسف بن کوثر معروف است در ۵۵۸ هجری (۱۱۶۳ میلادی) ساخته شده برج بزرگتر مانند گنبد کبود مراغه دارای تزیین زیاد و کاشی کاری میباشد و آن بنام مقبرهٔ مؤمنه خاتون معروف و تاریخ آن ۵۸۲ هجری (۱۱۸۷ میلادی) میباشد در کرمان برج مقبره‌ای دیگری وجود دارد که شاید تقریباً در همین زمان ساخته شده باشد این برج معروف به قبر خواجه اتابك است و تزیین آن نیز مانند بناهائیکه ذکر شد خیلی زیاد بوده ،



اسکندر کبیر در موقع بناء دیوار

نمونهٔ سبک نقاشی مغول

رنگی در آواخر دورهٔ سلجوقی معمول بوده و پایهٔ پیشرفت و توسعهٔ بی‌نظیر این نوع تزیین ادوار بعد در این زمان گذاشته شده است

خلاصه آنکه کاملیت معماری سلجوقیان بیشتر در تناسب و شکل ساختمان است نه در آرایش ابنیهٔ این دوره دارای اشکال حقیقی و مؤثر بوده در این زمان سبك ساختمان مسجد چهار ایوانی در شهرهای بزرگتر معمول گردید، ولی چون ساختمان آن مستلزم مخارج گزاف بود بدان سبك در شهرهای کوچك ساخته شد در سقف سازی ترقی و پیشرفتی داده شد چونکه طاقهای هلالی شکل تبدیل به یك سلسله گنبدهای کوچك گردید بعلاوه سبك های جدید بسیاری در قرار دادن گنبد روی پایه‌ها معمول شد

در قسمت مرکز ایران پایه هائیکه در هشت گوشه گنبد را نگاه میدارد جای دیوار را گرفت، اما در مسجد جامع قزوین و مقبرهٔ سلطان سنجر و نیز در خارجرد که در زمان نظام الملك ساخته شده به سبك اخیر یعنی گنبد روی دیوار است در ابنیه ای که دراین فصل مذکور گردید کمال معماری ایران را از حیث شکل و تناسب و از حیث ساختمان که اغلب در آنها آجر بکار رفته مشاهده نمودیم

اکنون گنبد و یکطرف آن خراب شده است داخل آن اطاقی مربع شکل بوده است و در گچ بریهای آن قطعات کوچك کاشی بکار برده شده زوایای مربع داخلی بقدری در دیوار نشسته که تقریباً به سطح خارجی آن که بشکل کثیر الاضلاع هشت ضلعی است میرسد

بیان صنعت معماری سلجوقی بدون اینکه شرحی در بارهٔ مقبرهٔ سلطان سنجر آخرین پادشاه اصلی سلجوقی گفته شود کافی نیست . این مقبره در مرو که امروزه جزو مملکت شاهنشاهی نیست قرار دارد و آن عمارتیست از بنای بسیار بزرگی که دور گنبد اطاقهائی دارد طبقهٔ پائین آن بشکل مربع از آجر ساخته شده و هر ضلع آن ۲۷ متر است که دیوارهای مستقیم و بلند آن بارتفاع ۱٤ متر میباشد روی آن اطاقهای نامبرده است که بوسیلهٔ پله‌های مارپیچ توی دیوار میتوان بدان رسید از این اطاقها طاقهائی بطرف بیرون باز میشود و نیز در چهار گوشهٔ پایه‌های اصلی گنبد سوراخی است که میتوان بدان رشته اطاقها وارد شد و با نقشهای آجری و گچ بریهای عالی تزیین شده دیوار های داخلی رنگ شده و در قسمت بالا کتیبه‌ای بخط کوفی دارد سلطان سنجر در سال ۵۵۲ هجری (۱۱۵۷ میلادی) وفات یافت این بنا گنبد دو پوشه بوده و مخالف طرز ساختمان معمولی سلجوقی است که گنبد های آن یك پوشه بوده است گنبد نامبرده از کاشیهای آبی رنگ پوشیده شده بود که برای زمان بعد سرمشق شد

نتیجه

معماران و اهل فن بیشتر از اشخاص عادی که مجذوب آرایش رنگارنگ و تزیینات ازمنهٔ بعد میشوند ، به اهمیت ابنیهٔ سلجوقی پی برده و از آن لذت میبرند باوجود این باید یاد آور شد که استعمال کاشی رنگی از این زمان شروع شد و روی بعضی از برجهای مقبره ای مذکور بعلاوه گنبد مقبرهٔ سلطان سنجر نمونه های آن دیده میشود آقای دونالد ویلبر در پشت مسجد جامع هرات در افغانستان ، اخیراً سر دری کشف نمود که در زمان بعد دو مرتبه ساخته شده در طرفین ساختمان قدیمتر آن کتیبه است از آجر برنگ معمولی که زمینهٔ آن فیروزه ای مایل به سبز است و احتمال میرود متعلق بزمان سلجوقیان باشد از نمونه های متعددی که پیدا شده واضح است استعمال کاشی

۱ ـــ نقاشی و مینیاتورسازی

راجع باصل و سابقهٔ نقاشی ایران چیزهای زیادی نوشته شده است مقدار زیادی از این مطالب فرضیاتی است که در خصوص نمود و تأثیر اشکال زمان قبل در نمو و ترقی نقاشی این عصر بعمل آمده است یقین داریم که ساسانیان دیوارهای قصرهای خود را با نقاشی تزیین مینمودند و گفته شده است که کتابی که دارای تصویر سلاطین ساسانی بوده وجود داشته است .

فرقهٔ مانویه که در ایران بوجود آمد دیوارهای معابد و کتابهای مذهبی خود را با نقاشیهای قشنگ زینت میدادند بر طبق روایات ، مانی مؤسس این فرقه نقاش بوده است بعضی از نمونه های این صنعت در خرابه های شهرهای نزدیك تورفان پیدا شده است محقق است که نقاشی مانویه در ایران تاریخ طویلی دارد ولی درجه و تأثیر آن در تجدید این صنعت در عصر مغول مشکوك و کاملاً محقق نیست

مسیحیان نسطوری نسخه‌های کتاب مقدس را نقاشی میکردند و این کتب در میان دانشمندان دربار خلفا و نیز در اطراف ایران انتشار یافته بود نقاشی و تصاویر این کتب ممکن است تا حدی در نقاشی اوائل دورهٔ مغول تأثیر داشته بعلاوه در زمان خلفای عباسی دسته‌ای از نقاشان به مصور نمودن کتب مشغول بودند و نقاشی اوائل این دوره از حیث سبك به کار آنها شباهت دارد

چنانکه در فصل قبل مشاهده شد صنعت نقاشی روی ظروف سفالی در زمان سلجوقیان باعلی درجهٔ ترقی رسید روی دیوارهای گچی نیز نقاشی میشد میگویند که مغولها عده‌ای از نقاشان چین را بایران همراه خود آوردند و به نقاشی آن مملکت توجه و نظر مخصوصی داشتند تأثیر سبك نقاشی چین در بسیاری از تصاویر اوائل عصر مغول دیده میشود

بنا بر آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که اغلب بلکه تمام عناصری که ذکر شد در نقاشی مغول که در اواخر قرن هفتم هجری (اواخر قرن سیزده میلادی) ظاهر میگردد تأثیر داشته است . تبریز مرکز نمو این صنعت بوده است .

فصل نهم

عصر مغول و تیموریان

در این فصل بمطالعهٔ دوره‌ای که از فتح چنگیزخان و حملهٔ مغول تا زمان صفویه امتداد دارد میپردازیم . در اوائل این دوره خرابی بیش از آبادی بود طوایف وحشی مغول تحت سرکردگی چنگیز خان و پسرانش شمال ایران و قسمتی از ممالک همجوار را مسخر نموده شهرهای بزرگ را ویران و شهرستانهای ایران را بخاک نشاندند ولی خوشبختانه جنوب ایران از این فتنه مصون ماند و بتدریج فرهنگ و صنعت ایران بر فاتحین غالب آمد بطوریکه در اواخر قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم میلادی) سلاطین مغول هواخواه صنعت ومعماری شدند و مشوق وحامی آن گردیدند

دورهٔ مغول مانند زمان سلجوقیان عصر ابتکار و اختراع نیست، ولی معهذا مشاهده میشود که بعضی قسمتهای صنعت بپایهٔ بلندی رسیده درمعماری بآرایش و تزیین بیشتر از طرحهای جدید توجه میشد مینیاتور سازی ایران و نقاشی کتب در این عصر شروع شده ومانند شهابی درآسمان صنعت درخشیده ودراواخر ایندوره بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسیده و در دورهٔ بعد نیز با طرزی بسیار عالی ادامه یافت

در این دوره فاجعهٔ وحشتناک دیگری برای این کشور دست داد و آن تسخیر و خرابی ایران بدست امیر تیمور که به تیمور لنگ مشهور است بود که در سنهٔ ۷۸۲ هجری (۱۳۸۱ میلادی) شروع گردید جای بسی تعجب است که این فاتح خونخوار درعین حال مشوق صنعت وادبیات بوده وپس از آنکه از تسخیر ایران فارغ شد بساختن ابنیه وآثارعالی پرداخت از نوادر ایام و عجائب روزگار است که در این دوره حتی در مواقع انقلابات و لشگرکشی‌ها صنعت بطور شگفت انگیزی ترقی و پیشرفت نموده .

این تصاویر نفوذ مسیحی دیده میشود و شاید نقاشی نسطوریان در این تصاویر تأثیر داشته است در بارهٔ رستم و افسانه های قدیم ایران و نیز مناظر و وقایع هندوستان تصاویری در این کتاب دیده میشود

قسمت دوم کتاب که قبل از قسمت اول نوشته شده بوده راجع به تاریخ مغول است تصاویر آن کاملاً سبک چین است ولی اشکال آن مغولها را بالباس واسلحه مخصوص خود نشان میدهد در این تصاویر رنگهای زیادی استعمال شده ولی به رنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده است سایه را با رنگ نقره نشان داده اند و این رنگ در طول زمان برنگ سیاه مبدل گشته نسخه های دیگری از جامع التواریخ موجود است که متعلق بهمین دوره است در کتابخانهٔ ملی پاریس (۱) نسخهٔ مشهوری از این کتاب وجود دارد که از قرار معلوم بعد از مرگ رشید الدین نوشته و مصور شده است

در بعضی از نسخ شاهنامه از این زمان مینیاتورهائی دیده میشود که ازحیث سبک با مینیاتورهای فوق الذکر کاملاً فرق دارد نفوذ تأثیر نقاشی چین در آن خیلی کمتر است و تصاویر آن بسیار شبیه باشکال روی سفال زمان سلجوقیان است در این مینیاتورها در قسمت زمینه و لباس اشخاص طلا زیاد استعمال میشد رنگهای آن قهوه ای روشن و تیره است وانواع مختلف سبز و آبی و سیاه و طلائی نیز استعمال میشد این رنگها ما را بیاد سفال مینائی قرن گذشته میاندازد و بعضی را عقیده برآنست که از حیث سبک این مینیاتورها از زمان سلجوقیان شروع شده است ، ولی چون تصاویر آن ملبس بلباس مغولی است این مطلب صحیح نیست ونمیتوان آنرا قبول کرد

سبکهای مختلفی که شرح دادیم شبیه به نقاشیهائیست که با قلم یا قلم مو طرح شده و بعد آنهارا رنگ زده اند ، ولی بعلاوهٔ اینها سبك دیگری در اوائل دورهٔ مغول دیده میشود در این قسم نقاشی بجای آنکه طرح مختصری کشیده و زمینهٔ آنرا باز گذارند ، زمینهٔ آنرا با نقشه پر میمایند مناظر طبیعی اینگونه نقاشیها معمولاً بسبك چینی است ، ولی تصاویر اشخاص بسبك مغولی یا اسلامی است و بسیاری ازصورتها بطوری بادقت و خوب کشیده شده که توسط آنها میتوان بمطالعهٔ خصائص نژاد مغول پی برد در بین

Bibliothèque Nationale — ۱

الف ـــ نقاشی در دورهٔ مغول

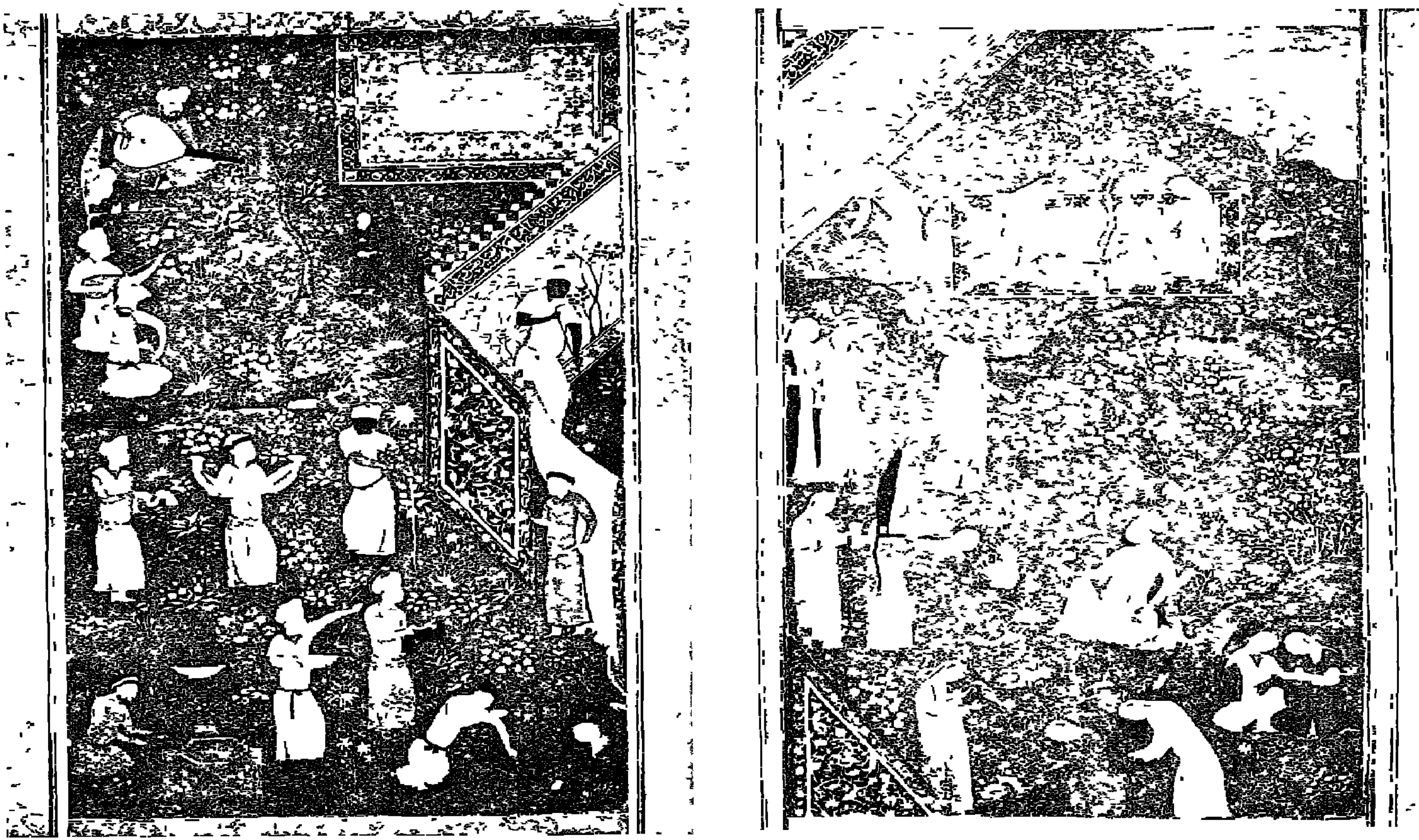
یك نسخه کتاب قدیم عصر مغول موسوم به منافع الحیوان که فعلاً در کتابخانهٔ پیرپانت مورگان (۱) نیویورك میباشد یکنوع تاریخ طبیعی است که در تاریخ ۶۹۹-۶۹۴ هجری (۱۳۰۰ - ۱۲۹۵ میلادی) در مراغه نوشته شده و ۹۴ تصویر دارد که از آدم و حوا گرفته تا اقسام حیوانات مختلف را نشان میدهد بسیاری از تصاویر باشکل طبیعی کاملاً مطابقت دارد ' اگرچه عموماً تصویر حیوان مخصوص نبوده ' بلکه شکل معمولی را نشان میدهد در تصاویر درخت ' مو' بوته و پرندگان که در فواصل خالی بین تصاویر حیوانات ترسیم گردیده سبك مخصوص ایران کشیده شده است طرح معمولی ابر که بعداً از عناصر مهم آرایش میگردد در این نسخهٔ اولیه و قدیمی دیده میشود تصاویر این کتاب ظاهراً کار چند صنعتگر مختلف بوده است 'زیرا در بین آنها سبکهای گوناگون دیده میشود

نسخه های مصور شاهنامهٔ فردوسی و جامع التواریخ رشیدالدین از این دوره باقی مانده و درموزه ها و گنجینه‌های شخصی در اروپا و امریکا موجود است رشیدالدین وزیر غازان شاه والجایتو که سلاطین مغولند بود و نیز نویسندهٔ تاریخ مفصل جهان که به جامع‌التواریخ موسوم است میباشد او عده‌ای از صنعتگران را در نقطه‌ای از شهر تبریز جمع نمود ووظیفه‌ای برای آنها مقرر داشت تا ازآن کتاب نسخ متعدد بنویسند ومصورنمایند گرچه این وظیفه بزودی پس ازمرگ رشیدالدین قطع شد ' اما چندین نسخه از این کتاب تهیه گردیده و هنوز موجود است معروفترین نسخهٔ این کتاب بدو قسمت شده که یك قسمت آن تحت اختیار انجمن سلطنتی آسیائی (۲) در لندن و قسمت دیگر در کتابخانهٔ دانشگاه ادینبرو(۳) در اسکاتلند است تاریخ این نسخه ۷۱۴-۷۰۷ هجری (۱۳۰۷-۱۳۱۴ میلادی) است قسمت اول این تاریخ دارای تصاویر متعددی از حکایات کتاب مقدس و قرآن ' مانند داستان یونس و نهنگ ' قصهٔ نوح وفامیلش درکشتی وغیره میباشد در

---

۱ — Pierpont Morgan Library ۲ — Royal Asiatic Society

۳ — Edinburgh University



از کارهای بهزاد در کتابیکه دو بانو در قسمت پائین گوشهٔ سمت راست در دست دارند

این عبارت نوشته است «عکس سلطان حسین میرزا، کار بهزاد»

(متعلق به دولت شاهنشاهی ایران)

موضوئیکه کشیده شده به عملیات بهرام گور و اسکندر کبیر توجه زیادی میشده است استعداد ولیاقت ایرانیان برای ترکیب رنگهای مختلف در این نقاشیها بخوبی نمایش داده میشود تباین رنگهای روشن وترکیب انواع الوان بطور کامل در این دیده میشده این تصاویر به نقاشیهای بزرگ مانند نقاشی دیوار و نیز به مینیاتورها شباهت دارند

درسبکهای مختلف اوائل دورهٔ مغول عناصری دیده میشود که بتدریج نمو و ترقی نموده و بفاصلهٔ یك قرن مینیاتور سازی مشهور ایران را بوجود آورده اشکال وسبکهای خارجی در نقاشی بتدریجاً تبدیل وتغییر یافته و سبکی بوجود آمده که کاملاً ایرانی است .

ب ـ نقاشی در عصر تیموریان

تیمور لنگ درسال ۷۸۲ هجری (۱۳۸۱ میلادی) شروع بتسخیر ایران نمود . مانند فتنهٔ مغول فتح تیمور با خرابی و ویرانی بسیار همراه بود ' ولی هنرمندان و صنعتگران شهرهای تسخیر شده به سمرقند برده شدند و معماری و صنعت در آنجا تشویق و ترغیب شد در این شهر و مخصوصاً در زمان جانشینان تیمور در هرات مینیاتورسازی بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسید

از زمان تیمور چند نسخه کتاب با تصاویر خیلی عالی موجود است ' ولی این کتب در شیراز و بغداد نوشته و مصور گردیده در کتابخانهٔ مصر در قاهره یك نسخه شاهنامه است که در سال ۷۹۶ هجری (۱۳۹۳ میلادی) در شیراز نوشته شده . یك نسخه کتاب در موزهٔ بریتانیا موجود است که شرح داستان عشق همای شاهزادهٔ ایرانی و همایون دختر امپراطور چین است و در سال ۷۹۹ هجری (۱۳۹۶ میلادی)نوشته شده این کتاب بخط میر علی تبریزی است که مخترع خط نستعلیق بشمار میرود . نسخهٔ دیگری از شاهنامه در سال ۸۰۰ هجری (۱۳۹۷ میلادی) نوشته شده که قسمتی از آن فعلاً در موزهٔ بریتانیا است

مینیاتورهای این کتب از حیث سبك بیکدیگر شباهت دارند و به شیوهٔ مینیاتورسازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد خیلی شباهت دارد خصائص این قسم مینیاتور عبارتست از کوههائیکه درفواصل معین با سبزه پوشیده ' افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون

گرچه شاهرخ چهارمین پسر تیمور بود، اماچون درموقع مرگ پدر در خراسان حکومت میکرد، در نتیجهٔ بعضی پیش آمدها وارث امپراطوری وسیع تیمور و جانشین او گردید. شاهرخ پایتخت خودرا به هرات انتقال داد. خود او شاعر و صنعتگر بود، پسر او بسرش بای‌سنقر بیش از پدر مشوق و حامی صنعت و علم و ادب گردید. او کتابخانهٔ بزرگی در هرات تأسیس نمود و در آنجا چهل نفر از بزرگترین نقاشان، خوشنویسان و صحافان را جمع کرد و در تحت نظر این «فرهنگستان صنعت» و بدست آنان عصرطلائی مینیاتور سازی ایران ظاهر گردید.

نقاشیها و تصاویریکه این صنعتگران کشیده‌اند بمقیاس کوچک است و در ساختن آنها دقت زیاد کرده و مخصوصاً به ریزه‌کاری خیلی اهمیت داده اند. این مینیاتورها تأثیر آرایشی فوق‌العاده دارند و رنگهای جدیدی که در آنها استعمال شده لطیف و خوش منظر است. دراین مینیاتورها فاصله‌های بین تصاویر بطرز تازه نشان داده میشود، چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند تا اینکه دوری و نزدیکی سمت یکدیگر را بنمایند. طبقات نازك صخره و کوههائیکه بافق منتهی میشود بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده. درختان، گل و گیاه و جزئیات آنها با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگ است و برای نشان دادن ابر پیچ نازکی سنك چین کشیده شده. آسمان شب را با رنگ سورمه‌ای و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده‌اند.

شاهرخ و بای سنقر بشعر سعدی ونظامی علاقهٔ مخصوصی‌داشتند وشاعرمعروف جامی بعداً در دربار هرات زندگی میکرد. اگرچه نقاشان بمصور ساختن و مینیاتورکاری شاهنامهٔ فردوسی ادامه میدادند، ولی دراین زمان آثار شعرای بزمی وسیله وصحنهٔ جدیدی برای ابراز این صنعت بوده وکتب سعدی ونظامی را استنساخ کرده و با مینیاتورهای عالی آرایش کرده‌اند.

اگرچه صنعت مینیاتور در دورهٔ تیموریان پیشرفت زیاد نموده و بآخرین درجهٔ ترقی رسید، ولی در عین‌حال این صنعت بیك سلسله قیودی مقید گردید که صنعتگر



تصویر از تاریخ طبری جمشید تعلیم صنایع و حرف میکند



تصویر قلم رشت از اواخر قرن نهم هجری

نوشته شده است، ولی تقریباً همهٔ آنها مورد تردید بعضی از خبرگان و اهل بصیرت است و معلوم نیست که کارهای اصلی استاد بزرگ کدام است در این خصوص باید بخاطر داشت که نقاشان عصر تیموریان قبل از بهزاد کارهائی انجام داده اند که اگر کاملاً بپای کارهای بهزاد نرسند، نزدیک به آن میباشند یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم علی بود که گرچه شهرت بهزاد را نداشت، اما کارهایش شبیهٔ کارهای وی میرسد دو نفر از شاگردان بهزاد نیز، شیخ زادهٔ خراسانی و آقا میرک تبریزی، تقریبا بهمان درجهٔ استادی بهزاد رسیده‌اند میتوان تصور کرد که بسیاری از نقشها را خود استاد طرح ریزی کرده و شاگردانش آنهارا تمام وکامل کرده‌اند مینیاتور دولائی از آن دوره که اکنون بدولت ایران تعلق دارد دارای منظرهٔ باغ و تصاویر متعدد است در گوشهٔ راست در سمت پائین تصویر دو نفر زن است که کتابی کوچك در دست دارند و روی آن کتاب این جملهٔ بسیار ریز نوشته شده «تصویر سلطان حسین میرزا - عمل بهزاد» مینیاتور ناتمام دیگری که تقریباً المثنای کامل منظرهٔ قسمت چپ آن مینیاتور دولائی میباشد در یك مجموعهٔ شخصی است

خصائص مهم سبك بهزاد بقرار ذیل است. ۱ - درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر، ۲ - نمایاندن وضع چهره و قیافهٔ اشخاص بطور شگفت انگیزی بوسیلهٔ ترکیب انواع رنگها، ۳ - حرکت ومفهوم بودن اشارات تصاویر، ٤ - ظرافت در کشیدن درختها، گلها و دورنماها و نیز در نمایش اشعهٔ خورشید و ابر، ٥ - شمارهٔ رنگهای گوناگون و توافق آنها با یکدیگر در نقاشی بهزاد به رنگهای «سرد» مانند سورمه‌ای، سبز سیر، فیروزه‌ای، سبز روشن، رنگ زیتون، زرد و قهوه‌ای بیشتر توجه شده طلا و نقره نیز بکار رفته و اقسام مختلف رنگ قرمز استعمال شده است

بهزاد را اعجوبهٔ زمان و استاد عصر خود نامیده اند، نه برای آنکه سبك جدیدی در مینیاتورسازی ایجاد نمود، بلکه بواسطهٔ اینکه او صنعت را در کلیهٔ جزئیات آن بمنتهی درجه رسانده و کامل کرده است کارهای او تا عصر بعد ادامه داشته وسبك او نقاشی میشده است.

بخاطر داشتن تاریخهای نقاشی و معماری عصر مغول و تیموریان مشکل نیست

را در شیوه و سبك محدود نموده آزادی او را سلب کرد و با اینکه صنعتگر در انتخاب موضوع کاملاً مختار بود، درسبك و طرز عمل مجبور بود که از اصول معینی پیروی نموده از آن منحرف نشود

یك موضوع چندین بار و بوسیلهٔ صنعتگران مختلف کشیده شده و با اینکه یك نقاشی عالی را سرمشق قرار داده از روی آن نسخه های متعدد برداشته اند باید بخاطر داشت که مینیاتور های ایرانی مانند عکاسی نیست بلکه بیشتر جنبهٔ آرایش و زینت دارد و هیچگاه سعی نشده است منظره‌ای که نشان داده میشود بعینه همان باشد که بچشم یا دوربین عکاسی میآید در نقاشیها قالی، کف اطاق، حوض و غیره بطوری نشان داده شده که تمام سطح همهٔ آنها دیده شود اینگونه نقاشی البته برای نشان دادن تزیین و ریزه‌کاری وسیلهٔ خوبیست بعلاوه مینیاتورهای ایران با تزیین آن بیشتر بصحنهٔ نمایش شبیه است تا به منظره ای از زندگانی حقیقی با مناظر طبیعی کوه و تپه و ابر و غیره برطبق دستور های معینی است و قوهٔ مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد درخت و گیاه و تصاویر اشخاص با دقت و ریزه‌کاری دقیق انجام یافته و صنعتگر هرگونه اثر تزیینی که بخواهد میتواند بوسیلهٔ ترکیب رنگهای مختلف ایجاد نماید

شاهرخ در سال ۸۵۰ هجری (۱۴۴۷ میلادی) وفات یافت و پسرش بای سنقر که حامی و مشوق صنعت و ادب بود قبل از پدر زندگانی را بدرود گفته بود پس از مرگ شاهرخ مملکت دچار اغتشاش بزرگی شده و مدعیان تاج و تخت سلطنت زیاد گشتند، ولی با وجود این انقلابات و تحولات نقاشی به ترقی و پیشرفت خود ادامه داد بالاخره سلطان حسین بایقرا به تخت سلطنت نشست او سی وهفت سال در هرات سلطنت کرد و درسال ۹۱۱ هجری (۱۵۰۶ میلادی) بدرود حیات گفت خود سلطان و وزیر معروفش میرعلی شیر، شاعر نامی، مشوق وحامی صنعت بودند.

بزرگترین نقاشان در تمام تاریخ ایران یعنی کمال‌الدین بهزاد در دربار سلطان حسین میزیسته است و گویند که او شاگرد پیر سید احمد تبریزی بوده است مینیاتورهای زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده و یا اسم او پای آنها

برجسته کاری در کاشی مقام مهمتری احراز مینماید مقدار زیادی از کاشیهای ستاره‌ای شکل زمان مغول دور لبه تاریخ دارند در وسط این کاشیها معمولاً شکل انسان یا حیوان لعاب داده و براق است و نوشته ای دور آن برنگ سفید روی زمینهٔ سورمه ای است یا اینکه فقط برنگ سیاه نوشته شده است.

بعلاوهٔ کاشیهای ستاره ای و صلیبی که در اوائل این دوره ساخته شده، بعداً کاشیهای بزرگ قالبی با کتیبه دیده میشود و معمولاً شکل محراب ساخته شده‌اند و یا اینکه کتیبهٔ قالبی روی یك رشته کاشی برای تزیین در معماری بکار میرفت کاشیهای مربع شکل حملی عالی نیز ساخته میشده که ترکیبی بود از طرح لعاب داده با اشکال و نقشهای برجسته کاشیهای دیگر کتیبهٔ برجسته دارند که روی زمینهٔ براق تزیین شده است یا روی زمینهٔ ساده و رنگ متضاد آن

در قرن ۱۵ میلادی یك قسم سفال در ایران ساخته شده که گل و غیره برنگ سیاه زیر لعاب سبز براق نقاشی میشد مقداری از این سفال که تاریخ هم دارد موجود است

در اینجا باید از کاشیهای ساختمان و موزائیك هائیکه با کاشی ساخته شده ذکری نمود نمونه های زیبای این قسم کاشی را در قسمت معماری این فصل بیان خواهیم نمود

کاشیهای خشك برنگهای مختلف ساخته میشد. در موزائیك کاری بیشتر رنگ سورمه‌ای و فیروزه‌ای بکار میرفت سفید، زرد، سبز، قهوه‌ای و سیاه نیز برای طرحهای پیچیده استعمال میشد صنعت کاشی سازی با بهترین رنگها و لعابها و بریدن کاشی به قسمتهای ریز برای تشکیل قطعات بزرگ موزائیك در زمان مغول و مخصوصاً در عصر تیموریان کاملاً تکمیل گردید و باعلی درجهٔ ترقی رسید

۳ — بافندگی و قالی بافی

تا کنون نمونه‌های کمی از منسوجات بدست آمده که میتوان حتماً از دورهٔ

دورهٔ فعالیت مغولها در این زمینه تقریباً شامل قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) میگردد و تجدد صنعت دردورهٔ تیموریان تقریباً با قرن نهم هجری (قرن پانزدهم میلادی) مطابقت میکند

۲ — سفال سازی در عصر مغول و دورهٔ بعد

پس از آنکه شهر ری بدست مغول منهدم گردید ، بنظر میرسد که آن شهر از مرکزیت صنعت سفال افتاد مقداری سفال مانند ظرف و کاشی و غیره در نواحی ورامین پیدا شده و ممکن است که آنجا مرکز ساختن سفال شده باشد خرابه های کورهٔ سفال سازی در سلطانیه و تبریز پیدا شده و معلوم میشود که کاشی و سفال در این نقاط ساخته میشده ، ولی در دورهٔ مغول سلطان آباد مرکز مهم سفال سازی گردید

در سلطان آباد سبکهای مختلف جدیدی در سفال سازی بوجود آمد اغلب ظروفیکه در آنجا پیدا شده دارای تزیین برجسته است وبعضی از آنها دارای خصائص صنعتی بسیار عالی از حیث زیبائی وشکل هستند سبو ، کوزه ، گلدان و غیره با اشکال حیوانات و گل بطور برجسته ساخته شده قالب ریزی تصاویر خیلی قشنگ و طوری است که با شکل ظرف متناسب باشد بعد تمام کوزه از لعاب رنگی پوشیده میشد که رنگ آن اغلب سرمه‌ای وگاهی ارغوانی ویا رنگ دیگر بوده .

شکل دیگر عبارتست از تصاویر سیاه رنگی که روی آنرا با لعاب شفاف میپوشانیدند که معمولاً برنگ فیروزه بود بعضی از نمونه های این سبک درجهٔ عالی سفال سازی را نشان میدهد . برخی از باستان شناسان این نوع سفال سازی را از کاشان میدانند نه ازسلطان آباد نقش دیگر سفالهائی که بیشتر بدست میآید عبارتاست از طرحی سیاه روی زمینهٔ سفید یا رنگ روشن بجای گل وگیاهائیکه درزمان قبل بطرز مخصوص کشیده‌میشد ، برگهای طبیعی ازخصائص مهم تزیین میگردد وحروف کوفی نیز برای آرایش استعمال میشود بشقابهای بزرگ سورمه‌ای که تصاویر برجسته روی آنها نقش گردیده سطح آنها بچندین قسمت تقسیم شده وهمچنین کاسه های نازکی برنگ سورمه‌ای یا نخودی پیدا شده است

اواخر این قرن چند آثار کشف گردیده است محراب مسجد جامع رضائیه در تاریخ ۶۷۶ هجری (۱۲۷۷ میلادی) ساخته شده و برج مقبره‌ای که در رادکان شرقی نزدیك مشهد واقع است درسال ۶۸۰ هجری (۱۲۸۱ میلادی) بنا شده برج مقبره‌ای ورامین درسال ۶۸۸ هجری (۱۲۸۹ میلادی) ساخته شده و برج مقبره‌ای عبدالله در دماوند نیز شاید متعلق باواخر همین دوره باشد

هلاکوخان که از سال ۶۵۴ تا ۶۶۳ هجری (۱۲۵۶–۱۲۶۵ میلادی) در ایران سلطنت نمود، رصد خانه‌ای در مراغه پایتخت خود بنا کرد از این رصد خانه چیزی باقی نمانده جز اینکه در بالای تپهٔ مجاور چند غار میباشد که ممکن است با رصدخانهٔ مزبور مربوط بوده است

غازان شاه که از ۶۹٤ تا ۷۰۳ هجری (۱۲۹۵ - ۱۳۰٤ میلادی) سلطنت کرد، عصر جدید ساختمانی در بعضی مناطق ایران شروع کرد و مخصوصاً در تبریز که پایتخت او بود چندین ابنیه بنا نمود مهمتر از همهٔ آنها مقبرهٔ اوست که در شام‌غازان است که در مغرب تبریز واقع گردیده این مقبره مشهور ترین ابنیهٔ زمان خود بوده که اکنون بکلی منهدم و خراب شده و یك آجر درست بسختی میتوان در آن مکان یافت و نیز محل زیبائی بنام رشیدیه که رشیدالدین وزیر معروف در شمال شرقی تبریز بنا نمود کاملاً از بین رفته و از آن بناهای عالی که شامل رصد خانه، کتابخانه، بیمارستان، مسجد و قلعه بود فقط تکه های کاشی رنگی آجر، سفال شکسته وسنگ باقی مانده است در اوائل قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) رشیدیه شاید مهمترین مراکز تعلیم و تربیت و دارالعلم مشهور دنیا بوده است

میگویند که مسجد علیشاه در تبریز که گویا توسط رقیب رشیدالدین ساخته شد، طاقی هلالی داشته که از طاق کسری یا تیسفون بزرگتر بوده و از منابع ادبی و تاریخی معلوم میشود که با کاشیهای الوان و مرمر تزیین شده بوده. بقایای این بنای بزرگ که امروزه بنام ارك تبریز نامیده میشود اثری از تزیینات رنگی ندارد، ولی باوجود خرابی مانند کوهی از آجر در وسط شهر قرار دارد و موجب شگفت و حیرت بیننده است. تمام

مغول و عصر تیموریان در ایران داشت ، ولی از قرار معلوم نحای نقشه و طرحهای مکرر دورهٔ سلجوقی معمولاً طرح گل استعمال میشده در این زمان کالای چینی زیاد مورد تحسین ایرانیها بوده و بسیاری از منسوجات چینی در ایران تقلید میشده است

میدانیم که قالی و قالیچه در این عصر مورد استعمال زیاد داشته بعضی از نقاشهای این دوره معروف به نقشه کش قالی بودند بهترین دلیل اینکه در این زمان قالی زیاد بافته شده اینست که در مینیاتورها نقشهٔ آنها را کشیده‌اند عصر مشعشع قالی بافی دوره بعد است و از اینجهت شرح این قسمت صنعت را به فصل آتیه محول میداریم.

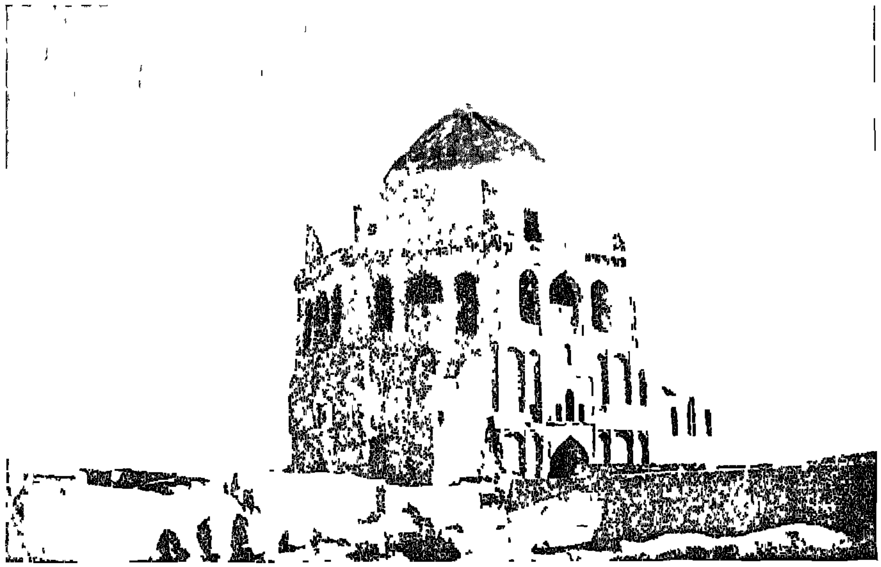
٤ — فلزکاری

تا آنجا که با اطلاعات فعلی میتوان قضاوت نمود پس از غلبهٔ مغول فلزکاری مقام مهمی در ایران نداشت و دلیل آن شاید آن بوده که بسیاری از صنعتگران و کارگران برای فرار از شر مغول ایران را ترک گفته و مهاجرت نمودند برای اثبات این مدعی از منابع تاریخی و ادبی معلوم میشود که صنعتگران ایرانی در اینموقع تا به مصر پراکنده شده بودند

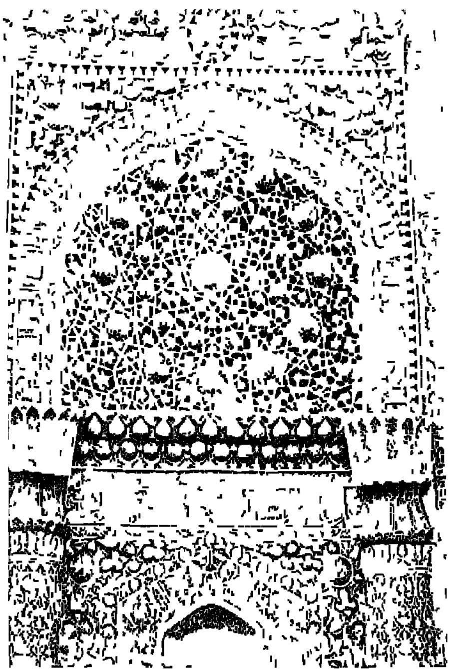
در اواخر دورهٔ مغول و مخصوصاً در عصر امپراطوری تیموریان بصنعت بیشتر توجه میشد و از اینجهت سبک جدیدی در فلزکاری بوجود آمد اشکال و تصاویری از قیافه و لباس اعضاء دربار ایران را داشتند جای اشکال و تصاویر عربی دورهٔ قبل را گرفتند مخصوصاً ترصیع فلز در عصر تیموری بمنتهی درجهٔ ترقی رسید .

٥ — معماری

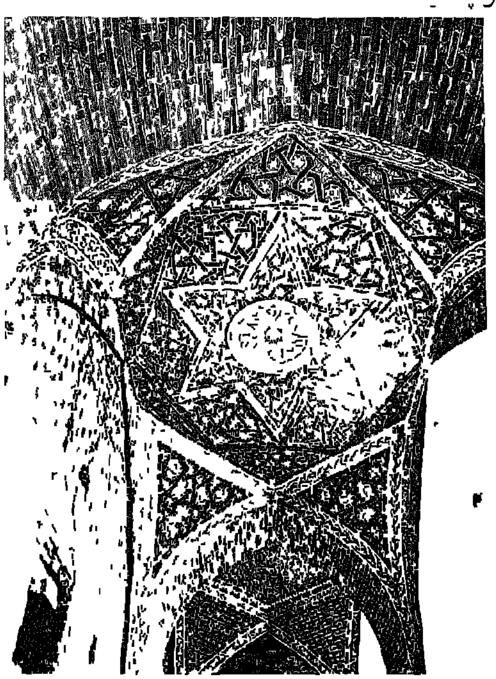
محرابی از کاشی شفاف مسجد میدان کاشان بدست آمده که فعلاً در یکی از موزه‌های برلن است تاریخ آن ۶۲۳ هجری (۱۲۲۶ میلادی) است که چند سال بعد از خرابی کاشان بدست مغول میباشد . این محراب نشان میدهد که لا اقل در بعضی نقاط ایران فوراً پس از غلبهٔ مغول دو باره بساختن ابنیه پرداختند از قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم میلادی) بقایای معماری و ساختمان زیادی هنوز بدست نیامده ، ولی



مقبرهٔ الجایتو خدابنده در سلطانیه بزرگترین گنبدهای ایران است
که تاکنون بر پا میباشد



محراب مسجد جامع رضائیه
(مورخ ٦٧٦ هجری ١٢٧٧ میلادی)



تزیین سقف اطاقهای اطراف گنبد مقبرهٔ الجایتو
در سلطانیه

بنا در اصل از هر حیث خیلی عظیم بوده منارهٔ بسیار بزرگی داشته و در زمان خود شاید یکی از بزرگترین و با همیت ترین ابنیهٔ دنیا بوده است

الجایتو خدابنده که از ۷۰۳ ـ ۷۱۷ هجری (۱۳۰۴ ـ ۱۳۱۷ میلادی) سلطنت میکرد، پایتخت خود را به سلطانیه درمشرق زنجان انتقال داد. مقبرهٔ او در این نقطه بزرگترین بناهای عصر مغول است که تاکنون مانده و از عالیترین آثار ساختمانی ایران بشمار میرود این بنا از حیث معماری، تزیین و عظمت مشهور میباشد و بنائی است هشت ضلعی که در قسمت بالای دیوار دور تا دور اطاق دارد و از هر ضلع آن سه طاق از اطاقها بطرف خارج باز میشود در بالای هرگوشه مناره‌ای بوده و بین اینها گنبد نوک تیزی قرار دارد این گنبد یک پوشه بوده اما تزیین روی آن تشکیل قشری داده که بوسیلهٔ دنده هائی نگاهداشته شده در سمت جنوب مسجد کوچکی با محراب و حاشیهٔ گچ بری به بنای اصلی اضافه شده است و در جهات دیگرش پلکان به اطاقهای بالا و ساختمانهای دیگر داشته است

گنبد از کاشیهای فیروزه‌ای رنگ پوشیده شده. گلوئی بالای دیوار ازکاشی است و اغلب قسمتهای دیگر بنا سر با کاشی زینت داده شده. سقف داخل اطاقهای بالا با گچ بریهای رنگی وآجر کاری تزیین یافته و هنوز نمونه های بسیاری از طرحهای زیبا و ظریف معماری ایران در این مکان دیده میشود قسمت پائین دیوارهای داخلی سابقاً با کاشی و آجر تزیین شده بوده چهار دیوار اصلی بنا با طرحی از کثیر الاضلاعهای متقاطع و ستاره‌های پنج پر بکاشی و گچ بری تزیین شده چهار دیوار دیگر با تکه‌های کاشی آبی و آجر قهوه‌ای روشن رنگ مزین شده بالای تزیین قسمت پائین دیوارهای فضای زیر گنبد یک حاشیهٔ گچ بری آنرا احاطه نموده و حروفی با رنگ قرمز روی آن نقش شده قسمت بالای دیوارها با کتیبهٔ رنگی گچی زینت یافته

این گنبد بزرگترین گنبد های ایران است ارتفاع فضای زیر آن تقریباً ۵۱ متر و عرض آن ۲۴ متر و ۴۰ سانتیمتر میباشد اگر کسی در داخل اطاق ایستاده باین گنبد عظیم نگاه کند، عظمت و بزرگی آن در او حس حیرتی ایجاد مینماید

طرز ساختمان اطاقهای دور گنبد نظیر مقبرهٔ سلطان سنجر که قبلاً شرح آن پرداختیم ومقبرهٔ خرابه طوس که بعداً شرح خواهیم داد میباشد این دو بنای اخیر شکل مربع هستند، درصورتیکه مقبرهٔ الجایتو هشت ضلعی است از نظر معماری این مقبره تقلید از هیچ بنائی نیست بلکه اختراعی است برای ساختن بنائی به این بزرگی مرکب از طرح هشت گوش و گنبد مکعب. تزیینات آن قشنگ و باشکوه است و نشان میدهد که صنعت کاشی کاری در این زمان بدرجهٔ خیلی عالی رسیده بوده

در ابرقو آثار متعددی از عهد مغول مانده از جمله مسجد جامع است که بسبك چهار ایوان ساخته شده و نیز مقبرهٔ حسن کیخسرو و ابنیهٔ دیگر محرابی در مسجد جامع پیدا شده که تاریخ آن ۷۳۸ هجری (۱۳۳۸ میلادی) است

بعضی از قسمتهای مسجد جامع نطنز و بناهای مجاور آن متعلق بزمان مغول است. این ابنیه و نیز آثار ابرقو را مسیو گدار در شمارهٔ اول آثار ایران کاملاً تشریح نموده است

یك بنای کوچك قابل توجه زمان مغول مقبرهٔ پیر بکران است که در درهٔ کوچك قشنگی در ۲۴ کیلومتری اصفهان واقع شده این بنا از حیث مصالح وطرح ساختمان شبیه معماری زمان ساسانی است و عبارتست از یك ایوان بزرگی که از سنگ ساخته شده طاق ایوان بجای اینکه مانند طاقهای ساسانی هلالی باشد، نوك دار است این بنا درسال ۷۰۳ هجری (۱۳۰۳ میلادی) ساخته شده وبه سال بعد تعمیر یا ساختمان آن تجدید گردیده است

مسجد جامع کاج که تقریبا صد کیلومتری جنوب غربی اصفهان واقع است، ازاین دوره میباشد و بواسطهٔ شکل عالی و تناسب بین گنبدواطاق و غیره مورد تحسین و تمجید اهل فن واقع گردیده

مسجد وقت‌الساعة یزد از جمله ابنیه‌ای است که در اصل علاوهٔ مسجد شامل مدرسه، کتابخانه، و رصدخانه نیز بوده و در سال ۷۲۶ هجری (۱۳۲۶ میلادی) ساخته شده است مسجد آن بنای بزرگ گنبد داری بوده که مدخل آن مانند اغلب بناهای این قرن ایوان بلند طاقدار داشته، ولی این مدخل از بین رفته گنبد بزرگ آن روی



کوزهٔ مسی رنگ جلادار



کاشی با کتیبهٔ برجستهٔ سورمه‌ای و نقوش مسی رنگ جلادار
(اوائل قرن هشتم هجری)

معطوف داریم خواهیم دید که در بسطام به کیلومتری شاهرود یکعده ساختمان است که بعضی از آنها بدورهٔ مغول تعلق دارد از سردری که با کاشیهای سبز رنگ و فیروزه ای و نقشهای برجسته و کتیبه دار تزیین شده و از طاقیکه مقرنسهای گچی دارد، شخص وارد صحن میشود. در اینجا دو برج مقبره‌ای کوچك وجود دارد که سقف مخروطی شکل دارند و با کاشیهای آبی پوشیده شده‌اند در عقب صحن سردر بزرگی است که با آجر کاشی زینت یافته در سمت چپ مسجد قدیمی است که برای محراب قشنگ و کتیبهٔ دور دیوار آن و نیز برای منبت کاری درهایش مشهور میباشد یکی دیگر از خصائص این بنا اینست که گنبد ندارد و سقف آن با ستونهای چوبی نگاهداشته شده این طرز ساختمان در نقاط مختلفه درهر عصر دیده میشود

در طوس که نزدیك مشهد و محل تولد فردوسی شاعر بزرگ ایران است و اخیراً بافتخار جشن هزار سالهٔ تولد او در آنجا بنائی بیادگار ساخته شده است، تقریباً تنها آثاری که باقی مانده مقبرهٔ مربع شکل گنبد داری است که شاید در قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) بنا شده باشد در بالای دیوار اصلی یك رشته اطاقهائی است که شبیه مقبرهٔ سلطان سنجر و الجایتو میباشد گنبد آن دو پوشه بوده و تا آنجاکه اطلاع داریم آرایشی از کاشی نداشته و فقط با آجر و گچ بری تزیین شده بوده در سرخس بنائی است شبیه به بنای نامبرده که شیخ محمد بن محمد لقمان برای آرامگاه پدر خود ساخته و تاریخ آن ۷۵۷ هجری (۱۳۵۶ میلادی) است

یکی از بناهای مشهور ایندوره مسجد ورامین است که در زمان سلطنت ابوسعید پسر الجایتو بنا شده. دو تاریخ روی آنست، یکی ۷۲۲ هجری (۱۳۲۲ میلادی) که از قرار معلوم تاریخ شروع ساختمان است و دیگری ۷۲۶ هجری (۱۳۲۶ میلادی) که در انتهاء کتیبهٔ فضای زیر گنبد، در گوشهٔ سمت راست بالای محراب دیده میشود این مسجد بطرح چهار ایوانی ساخته شده وزینت سردر جلوآن کاشی وآجر قهوه‌ای کم رنگ است دور صحن را طاقنماهائی احاطه نموده و پشت اینها راهروهائی است که سقفهای هلالی دارند این سبك ساختمان برعکس ساختمانهای عصر گذشته میباشد نقشهای گوناگونی که روی طاقها گچبری شده چشم انداز قشنگی دارند

پایه هائی قرار گرفته که سوراخ دارد تا داخل گنبدرا روشن نماید نقشهای دور گنبد باستثناء چند قسمت که گچ بری برجسته است رنگ شده این ساختمان اصلاً گچ بریهای مفصل داشته خود گنبد و بعضی از قسمتهای فضای زیر آن کتیبه‌های بزرگ رنگی به خط کوفی و نسخ دارد و بین آنها طرحهای گل و برگ عربی نقش شده است دیوارها و محراب با طرحهای قشنگی کنده شده و دارای تذهیب و رنگهای مختلف میباشد پرفسور پوپ میگوید که ظرافت و نازك کاری این تزیین شخص را بیاد زر دوزی و قلاب دوزی ایران میاندازد و این در شهر یزد که برای صنایع بافندگی خود مشهور میباشد موجب تعجب نیست .

مقبرهٔ شمس‌الدین نزدیك یزد نمونه ایست از ساختمانهائیکه دارای تزیینات مفصل کاشی و گچ بری است این بنای قشنگ و رنگارنگ در حوضی که حاوی آن ساخته شده بود منعکس میگردید بدون شك بسیاری از ابنیهٔ آن زمان چنین حوض یا استخری در جلو داشته‌اند ' ولی چون اطراف آنها تعمیر داده شده اثری از آنها نمانده است

مسجد جامع یزد تاریخ مفصلی دارد ' زیرا در ادوار مختلف ساخته شده است روی یکی از محرابهای آن تاریخ ۷۷۷ هجری (۱۳۷۵ میلادی) نقش شده قسمت بزرگی از ساختمان ممکن است متعلق به قرن بعد باشد ' ولی این مسلم نیست زیرا اخیراً کشف شده که بسیاری از ساختمانهای منسوبهٔ به قرن هشتم هجری جزو آن قسمت است که سابقاً از قرن بعد میدانستند چون آثار زیادی از این قرون باقی نمانده با اطلاعات فعلی راجع به تاریخ و دورهٔ ساختمان آن نمیتوان اظهار عقیده نمود ' ولی نظر باینکه اطلاعات ما در این زمینه روز بروز زیادتر شده و مطالب تازه کشف میگردد ' تعیین تاریخ ابنیهٔ دورهٔ قرون وسطی خود علمی صحیح و دقیق خواهد گردید مسئلهٔ قابل توجه اینست که معماران و سازندگان مسجد جامع یزد مسئلهٔ روشنائی غیر مستقیم را بوسیلهٔ انعکاس نور از گچ سفید گنبد و دیوارها حل کرده بودند. کاشیهای خیلی اعلا دراین بنا موجود است و شرح مفصل بنا و تزیینات آن اگر نوشته شود شیرین وجالب توجه خواهد بود

از یزد تا شاهرود مسافت زیادی است ' ولی اگر توجه خود را بدان نقطه

شمال مشهد واقع است شکل اصلی آن عبارتست از برج مقبره‌ای مدور که سقفی مخروطی شکل دارد داخل برج هشت طرفه است و بعلاوهٔ گنبد خارجی با سقف مخروطی این برج دارای گنبد مدوّر داخلی هم میباشد و پائین آنها شمعکهائی است که هردو گنبد را حفظ میکند از خصائص مخصوص این برج آنست که دیوار آن از خارج دارای سی و شش ستون نیمگرد آجری است این ستونها طرح آجری قشنگی دارند و در قسمت بالا بوسیلهٔ طاقهای سه ترگهٔ آجری بهم متصل شده‌اند دور برج درقسمت بالای طاقها کتیبه‌ای عالی از کاشی فیروزه‌ای بوده تاریخ برج ۶۸۰ هجری (۱۲۸۱ میلادی) است نیم ستونهائیکه دیوار را پوشانده دارای سبك بوشی است و این ساختمان از جهت طرح و تزیین جملی عالی است

برج مقبره ای علاءالدین در ورامین سقف مخروطی شکل دارد و اطراف آن مانند برج ری که در فصل قبل شرح دادیم لبهٔ تیز یا منشوری شکل دارد استعمال کاشی نیلی و فیروزه ای درخارج بنا که باهم تباینی دارند از نمونه های اولی چنین کاشی کاری در خارج بنا است تاریخ برج ورامین ۶۸۸ هجری (۱۲۸۹ میلادی) است برج مقبره‌ای عبدالله در دماوند تقریبا بهمین شکل و شاید تاریخ آن نیز در همین حدود باشد

در بسطام نزدیك مسجد جامع جدید برج مقبره‌ای نسبتا بزرگی است که دور دیوار آن مانند برج نامبرده در بالا لبه های تیز دارد تا کنون روی این برج تاریخ پیدا نشده، ولی درگچ کاری صومعهٔ نزدیك آن تاریخ ۷۴۵ هجری (۱۳۴۴ میلادی) دیده میشود تاریخ برج نیز ممکن است در همین موقع باشد، ولی بعضی معتقدند که قدری زودتر ساخته شده است

در نواحی سلماس در شمال غربی دریاچهٔ رضائیه برج مقبره‌ای مدوری از آجر قرمز وجود داشته که با کاشی تزیین شده بوده این برج مقبرهٔ زن علیشاه وزیر الجائیتو بوده که تقریباً در سال ۷۰۰ هجری (۱۳۰۰ میلادی) ساخته شده، ولی متأسفانه چند سال قبل در اثر زلزله منهدم شده از بین رفت

در مراغه برج مقبره‌ای مربع شکلی است موسوم به گنبد غفاریه و طرح این برج از ساختمان گنبد سرخ مشهور اقتباس شده که در فصل قبل بشرح آن پرداختیم

در طرف قبلهٔ این مسجد سردر بزرگی است که سه طاق دارد و به فضای زیر گنبد منتهی میشود در اینجا نیز کاشی آبی خیلی قشنگی بکار رفته و چون روی زمینهٔ آجر طبیعی ساخته شده رنگ آن خوب نمایانده شده است گنبد آن کوتاه و پایه های آن ضخیم و قسمتی از آن را مقرنس‌کاری آجری گرفته است . خصائص سه گانهٔ فضای زیر گنبد، یعنی دیوارهای کوتاه، تبدیل قسمت بالای دیوار های محوطهٔ مربع برای ساختن گنبد مدور وجود گنبد واضح میباشند واز این حیث بنظر میرسد که سبك آن از ساختمانهای عصر پیش میباشد در فضای زیر گنبد محرابی است که گچ بری مفصلی دارد این محراب درزمان شاهرخ موقع تعمیر مسجد ساخته شده، ولی کاملاً تمام نشده است

الف — کاروانسراها

در نقطه‌ای موسوم به هلاکو که در ۹۳ کیلومتری شمال تبریز و ۳۹ کیلومتری جنوب جلفا واقع است خرابهٔ کاروانسرائی از زمان مغول دیده میشود این بنا صحن مربع بزرگی داشته که با دیوارهای ضخیمی احاطه شده و پایهٔ دیوار را از سنگ رملی قرمز ساخته‌اند سردر اصلی طاق نوك تیزی دارد که ۲۵ر۸ متر بلندی آن است در این طاق کتیبه ایست بخط کوفی از آجر که زمینهٔ آن کاشی فیروزه ای رنگ است و قسمتی از آن افتاده است . در قسمت عقب سردر نیم گنبدی است که با کاشیهای سفید و آبی‌سیر و روشن تزیین شده و با رنگ طبیعی آجر تباینی تولید مینماید روی سطح دیوارهای طرفین فضای داخلی سردر اشکالی است بشکل ستارهٔ شش پر و کثیرالاضلاع شش گوش و در بالای اینها کتیبه‌ای بکاشی وجود دارد که آنقدر خراب شده که خوانده نمیشود .

در سرچم که قریه‌ایست بین میانه و زنجان کاروانسرای خرابه‌ای است که کتیبهٔ بالای سردر آن با سنگ حجاری شده هنوز باقی است . تاریخ آن ۷۳۳ هجری (۱۳۳۳ میلادی) است این بنا را مسیو گدار در قسمت دوم جلد اول آثار ایران درصفحهٔ ۱۵۰-۱۵۲ شرح داده است

ب — برجهای مقبره‌ای

برج مقبره‌ای که به میل رادگان یا رادگان شرقی مشهوراست درهشتاد کیلومتری

از محرابهای فوق‌الذکر است کتیبه‌ای روی آنست که آنرا بزمان سلطنت ابوسعید نسبت میدهد بدین مضمون « جدّد من فواضل انعام السلطان الاعظم مالك‌الرقاب‌الامم ابوسعید بهادر خان خلدالله ملکه فی سنه احدی و ثلاثین و سبعمائه » چنانکه ملاحظه میشود تاریخ آن ۷۳۱ هجری (۱۳۳۰ـ۳۱ میلادی) است بین دو ستونیکه طاق آنرا نگاه میدارند نوشته شده است . « عمل العبد الفقیر نظام بندگیر التبریزی »

د ـ مناره ها

اگرچه مناره های سلجوقی از حیث بلندی دارای اهمیت هستند، ولی پایهٔ آنها زیاد مورد توجه نبوده و باوجود مناره چندان فرقی ندارند. منارههای دورهٔ مغول معمولاً دارای پایه‌های قابل توجه بودهاند که اغلب مربع شکل یا بشکل کثیرالاضلاعند و با کاشیهای عالی تزیین شده بطوریکه با خود مناره کاملاً فرق دارند. مناره‌های عهد مغول معمولاً ضخیم‌تر و خیلی کوتاهتر از منارههای اواخر عصر سلجوقی هستند، مانند مناره های اصفهان تزیین بدنهٔ مناره اغلب کاشیهای فیروزه‌ای و نیلی رنگ است

بعلاوهٔ اینها در زمان مغول مناره های خشتی نیز میساختند و تقریباً اثری از آنها باقی نمانده است. ساختن مناره در طرفین ایوان یا سردر در زمان مغول مرسوم شد از این نوع مناره یکی دونمونه قبلاً ملاحظه کردیم، ولی ساختن مناره درطرفین سردر بزرگی که با کاشیهای الوان که بعدها در معماری ایران مقام مهمی احراز نمود، در دورهٔ مغول متداول گردید

۶ ـ معماری عصر تیموری

امیر تیمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورده به پایتخت خود سمرقند برد. این عده در ساختمان و طرح بنا سبکی ایجاد نمودند که با وجود اینکه صنعتگران آن ازنواحی مختلف آمده بودند، آن سبک کاملاً ایرانی بود ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزیین و آرایش عالی بودند.

از بناهای مهم قرن نهم هجری (قرن پانزدهم میلادی) که فعلاً در حال

برج نامبرده در زمان سلطنت ابوسعید در تاریخ ۷۱۶-۷۳۶ هجری (۱۳۱۶-۱۳۳۵ میلادی) ساخته شده و اگرچه کاشی‌کاری آن از گنبد برج کاملتر است ، ولی آجرکاری آن بآن خوبی و قشنگی نیست . این برج شاید آرامگاه یکی از معماران مشهور عصر اسلام باشد این مطلب را مسیو گدار در مجلهٔ آثار ایران صفحهٔ ۱۴۳-۱۴۹ مطرح و کاملاً تشریح نموده است

در مازندران یکعده برج مقبره‌ای است که بعد از برجهای نامبرده در بالا ساخته شده از حیث سبك و طرح بنا با برجهای مذکور با اینکه قبلاً ساخته شده چندان کامل نیست . قسمت جالب توجه درها و صندوق منبت کاری مقبره است و بسیاری از آنها متعلق بعهد تیموری است

ج - محرابها

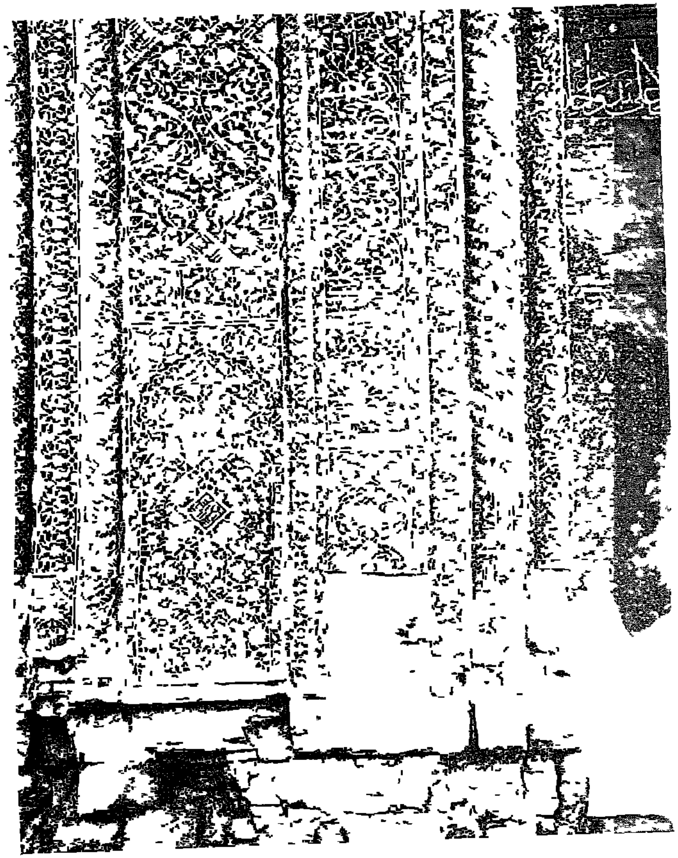
از دورهٔ مغول محرابهای زیادی با گچ‌بری عالی دیده میشود و بعضی از آنها خیلی خوب مانده و معدودی از آن قابل ملاحظه و دقت است

محراب مسجد جامع رضائیه قدیمترین و بهترین آنها میباشد که خیلی بزرگ و در زمان سلطنت اباقا ساخته شده . بلندی آن ۷ متر و ۸۲ سانتیمتر و عرض آن ۵ متر و ۴۸ سانتیمتر است . گچ بری آن خیلی عالی و شبیه به پارچه های توری میباشد . چند کتیبهٔ خیلی قشنگ در بین طرحهای گچی کنده شده . بین ستونهای طرفین محراب این جمله نوشته شده است «عمل عبدالمؤمن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع الاخر سنهٔ ست و سبعین و ستمأه» که ترجمهٔ آن اینست کار عبدالمؤمن پسر شرفشاه نقاش تبریزی مورخ ربیع الاخر سنهٔ ۶۷۶ هجری (۱۲۷۷ میلادی)

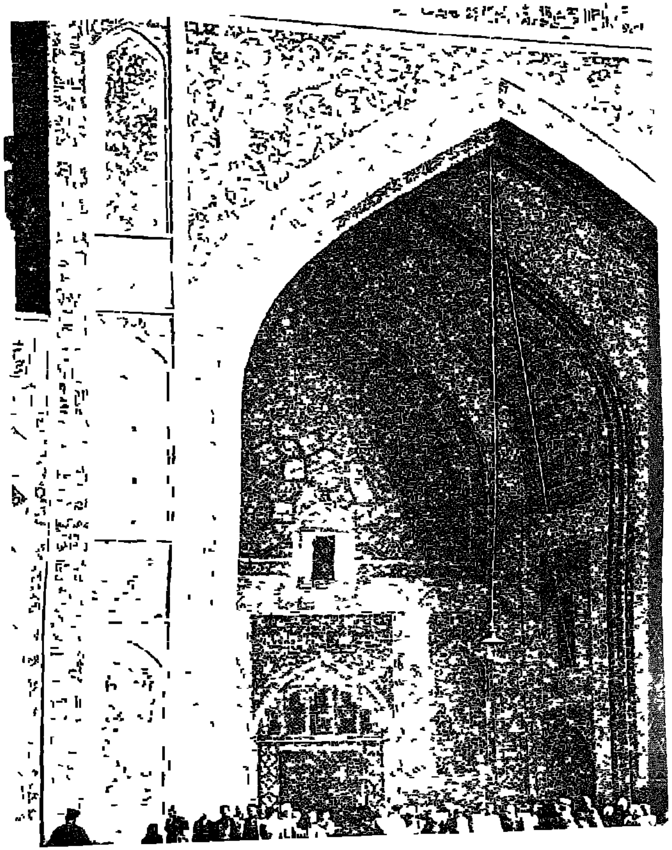
در بسطام دو محراب است که گچ بری قشنگی دارند . پرفسور پوپ معتقد است که تاریخ آنها ۷۰۲ هجری (۱۳۰۲ میلادی) و ۷۰۶ هجری (۱۳۰۶ میلادی) است .

در مسجد جامع معروف اصفهان محرابیست که در زمان سلطنت الجایتو ساخته شده و تاریخ آن ۷۱۰ هجری (۱۳۱۰ میلادی) است . این محراب را مسیو گدار در مجلهٔ آثار ایران صفحهٔ ۲۳۰ و ۲۳۴ شرح داده و در صفحهٔ ۲۳۷ شکل آن دیده میشود

در مسجد جامع مرند محرابی گچ بری شده است که از حیث ساختمان کمی پست‌تر



یکی از عالیترین نمونه های موزائیک کاری کاشی
کتیبه سمت چپ سردر مسجد کبود تبریز



کاشی کاری مسجد گوهر شاد در مشهد که یکی از زیباترین ابنیهٔ دنیا میباشد
از عصر تیموریان

ایران میباشد دو بنا از همه مهمتر است و آنها عبارتند از مسجد گوهرشاد در مشهد و مسجد کبود در تبریز بعلاوهٔ اینها مدرسهٔ خارجرد که نمونهٔ نوعی دیگر ساختمان این عصر است قابل توجه میباشد و نیز باید ابنیهٔ این دوره را در هرات مطالعه نمود، زیرا آن شهر پایتخت شاهرخ و عصر او یك دورهٔ ساختمانی معروف بوده

بنظر بعضی از باستان شناسان، مسجد گوهرشاد مشهد در زمرهٔ دوازده عالیترین بنای تاریخی دنیا بشمار میرود این مسجد تقریباً در سال ۸۲۱ هجری (۱٤۱۸ میلادی) تمام شد بنای آن دوازده سال بطول انجامید و تحت نظر قوام الدین معمار معروف شیرازی انجام یافت

چون مسجد گوهرشاد یکی از ابنیهٔ آستانهٔ امام رضا میباشد، سردر ومدخل مستقلی ندارد و جای آنرا سردر ایوان طرف قبله گرفته است این سردر عبارت از یك طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است که بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا باشند تا سطح زمین امتداد یافته اند زینتهای کاشی کاری آن حیرت آوراست و سردر عظیم را کتیبهٔ مفصلی از کاشی احاطه نموده که در آن بایسنقر محاسن و تقوای مادر خود گوهرشاد را تمجید میکند

داخل این ایوان کاملاً ساده است جز کتیبه های زیر گنبد عظیم که سورمه‌ای رنگ هستند و مقرنس کاری گچی زیاد قسمت جنوب

این مسجد بسبك چهار ایوانی ساخته شده در کاشی کاری ایوان رو بقبله برنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده و در ایوانهای طرفین رنگ فیروزه‌ای آبی و سبز بیشتر دیده میشود همه دارای موزائیك های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است و با اینکه در تزیین تنوع زیاد بکار رفته و در رنگ تباین دارد، توافق آن حفظ شده است

گنبد تا اندازه‌ای پیازی شکل، ولی مانند بعضی از گنبد های این عصر دراین قسمت زیاد افراط نشده رنگ آن سبز تیره است و نقش تاك زرد رنگ و کتیبهٔ بزرگ کوفی سیاه رنگ دارد گنبد مسجد چندان کامل نیست، ولی صرف نظر از گنبد، بنای مسجد گوهرشاد از هر جهت تقریباً کامل و یکی از شاهکارهای معماری دنیا است .

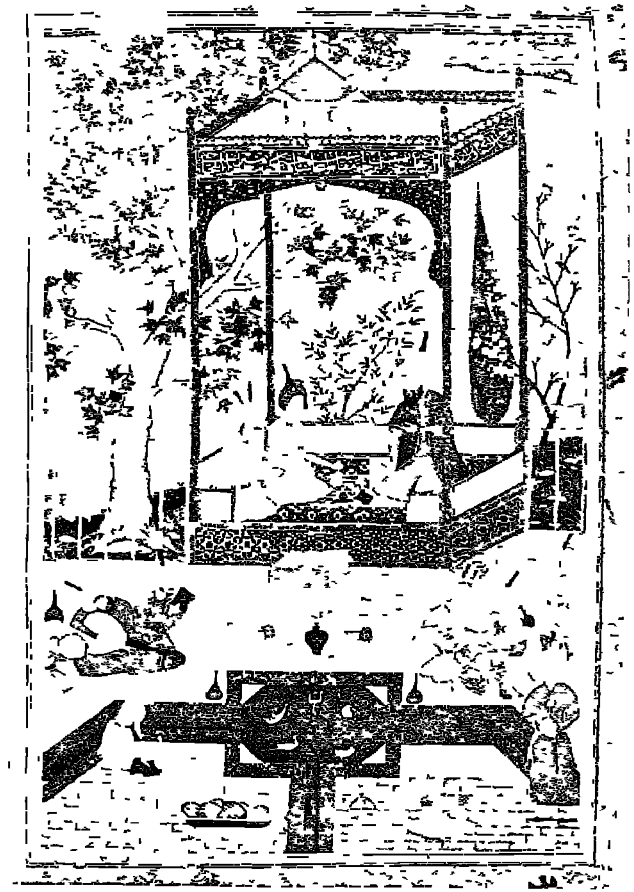
مسجد شاه مشهد بنای کوچکتری است که یك گنبد ودومناره دارد و در تاریخ ۸۵۵ هجری (۱۴۵۱ میلادی) توسط شمس‌الدین معمار مشهور تبریزی ساخته شده

مسجد کبود تبریز درزمان جهانشاه قره قویونلو ساخته شده دختر او صالحه بانی آن بنا بوده و چون از داخل و خارج با کاشیهای عالی مزین شده آنرا بنام فیروزهٔ اسلام مینامیدند کاشی‌کاری آن دارای موزائیك مفصل بوده و با رنگ قهوه‌ای کمرنگ آجر تباینی ایجاد مینموده

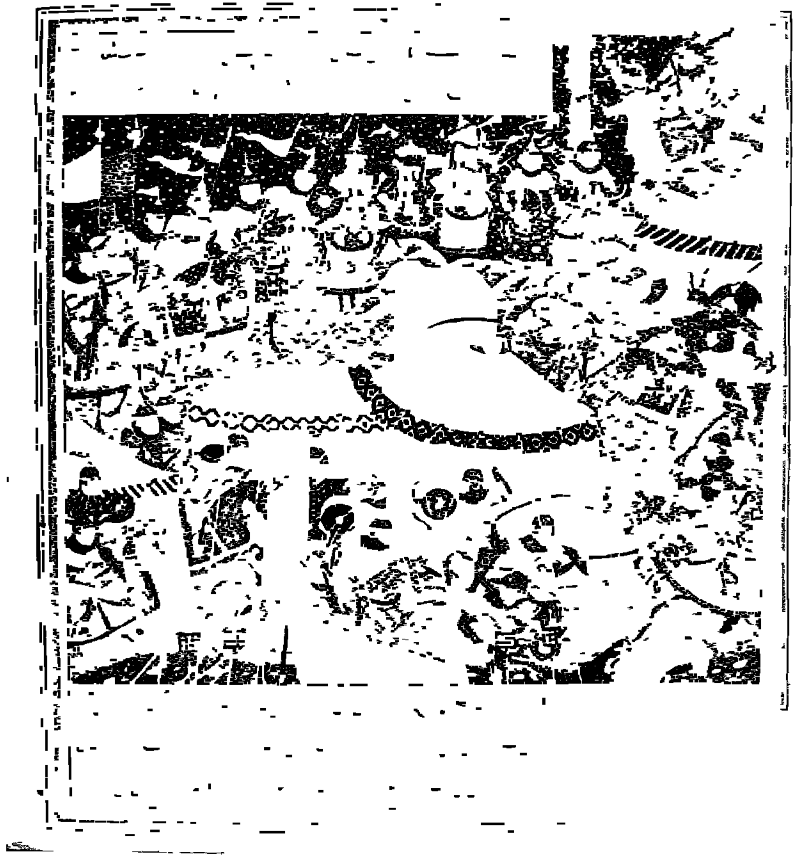
در وسط جلوی بنا، طاق عظیم کاشی‌دار و مدخل نیم گنبدی باقی مانده در کتیبهٔ سردر نام جهانشاه برده شده و در قسمت چپ طاق یعنی در آخر کتیبهٔ عظیم اسم نعمت‌الله بن محمدالبواب که نویسندهٔ کتیبه بوده نقش شده است تاریخ ختم بنا ماه رجب ۸۷۰ هجری (۱۴۶۵ میلادی) میباشد در هرگوشهٔ جلوخان منارهٔ مدوری ساخته شده پشت سردر دالان گنبد داری بوده و در عقب آن محوطهٔ زیر گنبد است این فضا بشکل کثیرالاضلاع هشت ضلعی است و هشت طاق گنبد را نگاه میداشته در طرفین دالان اطاقهای گنبدداری بوده و در هر طرف آنها هم اطاقهای گنبددار دیگر که بگوشهٔ جلوی بنا منتهی میشده در طرفین فضای زیرگنبد اطاقهائی وجود داشته و در عقب آن محوطهٔ گنبد داری که از فضای زیر گنبد اصلی کوچکتر بوده در روی دیوارهای این محوطه تکه‌های قشنگ سنگ مرمر بوده. داخل گنبد با کاشی سورمه‌ای برنگ آسمان نیمه شب تزیین و با طلا مزین شده بوده است

روبهمرفته به اطاق این بنا دارای گنبد بوده و این سبك مخصوصی است که به مسجد کلیسا مانند نامیده میشود متأسفانه این بنای مشهور دراثر زلزله بیك توده خرابه مبدل شده، ولی با اینحال حتی در وضع فعلی یادگار بزرگی از آن عهد است و کتیبه‌های قشنگ کوفی ونسخ و کاشی‌کاری و موزائیك آن گواه عظمت و بزرگی آن است در ادبیات آن عصر این مسجد بنام مسجد مظفریه موسوم بوده است

در قریهٔ طیبات که نزدیك مرز فعلی ایران وافغان واقع است، ساختمان کوچکی است که بمزار مولانا شیخ زین‌الدین موسوم است. روی سردر آن چند کتیبه است که



مجلس رسمی مینیاتور عصر تیموریان



منظره‌ای از زندگی تیمور اوائل قرن دهم هجری
(قرن شانزدهم میلادی)

نتیجه

در زمان تیمور، سبك گنبد بزرگ پیازی شکل تکمیل گردید و در ادوار بعد از آن زیاد تقلید شده است. برای نگاهداری این نوع گنبد، گنبدی دیگر از داخل میساختند که معمولاً بوسیلهٔ تیر و شمعکهای آجری به گنبد خارجی متصل میشود. در عصر تیمور در زیر گنبدها یك گلاو ساخته میشد که گنبد روی آن قرار میگرفت.

طاق رومی که در معماری ایران تاریخ طولی دارد در این زمان به طاق ضربی تبدیل گردید. طاق رومی طاقی است که از یك گوشه به گوشهٔ دیگر زده میشود ولی طاق ضربی مثلث مقعری است که دریك گوشه ساخته شده ورأس آن بطرف پائین است. با اینکه از حیث ساختمان بایکدیگر فرق دارند، ولی هردو یك مقصودرا انجام میدهند که عبارتست از نگاهداری گنبد مدور روی اطاق مربع.

در دورهٔ سلجوقی بهساختمان و آجرکاری بیشتر اهمیت داده میشد، ولی در عصر مغول و تیموری در تزیین بیشتر دقت شده و علاقهٔ ایرانیان به رنگهای گوناگون در بناهای عظیمی که با کاشیهای الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظیر ندارد پوشیده شده، ظاهر میگردد.

دارای خصائص مخصوص کتیبه های عصر تیموری است . در داخل سردر در سمت راست کتیبهٔ بزرگی است که با کاشی سفید روی زمینهٔ آبی نوشته شده واسم شاهرخ بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود .

در تربت شیخ جام که بین مشهد و مرز افغان واقع شده و شصت کیلومتر تا مرز بامبرده است بعضی از ابنیهٔ مقبره متعلق بزمان تیمور است ، ولی اغلب تزئین سردر در دوره‌های بعد اضافه شده است .

مقبرهٔ گوهرشاد هنوز در هرات باقی است و آن بنائیست مربع شکل که گنبد سه مرتبه دارد گنبد اولی برای تزئین فضای زیر گنبد بکار رفته ، گنبد وسطی برای نگاهداری و گنبد خارجی که به دندههای مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده است و هفت منارهٔ بسیار بزرگ باقی مانده در نزدیکی آن قرار دارد دوتای آن به مصلای معروف تعلق داشته که گوهرشاد آنرا ساخته بوده ، یکی به بنائی که وصل مقبره بوده و چهار منارهٔ دیگر بمدرسهٔ سلطان حسین بایقرا که بعداً ساخته شده تعلق دارد این منارههای بزرگ که با تکه‌های بزرگ سنگ مرمر که کتیبه روی آنها نقش شده و کاشی‌کاری که طرحهای مکرر دارد زینت یافته ، نشان میدهدکه معماری و تزیین عصر تیموری تا چه درجه زیبائی و عظمت رسیده بوده

بنای دیگری که باید در اینجا ذکر شود مدرسهٔ خارجرد است که قوام‌الدین معمار مشهور ساختن آن شروع کرد ، ولی قبل از اختتام آن بدرود حیات گفت وغیاث‌الدین شیرازی که از معماران مشهور عصر خود بود آنرا تمام نمود اینمدرسه سبك چهار ایوان است . در گوشه‌های صحن مرکزی اطاقهای گنبددار است ودور صحن را طاقنماهای دوطبقه احاطه نموده . سردر آن به محوطهٔ گنبدداری باز میشود و در طرفین آن اطاقهای گنبددار دیگری است از اختلاف بین طاق زدن این اطاقها چنین تصور میشود که یك سمت را قوام‌الدین و سمت دیگر را غیاث‌الدین ساخته این بنا تقریباً در سال ۸۴۸ هجری (۱۴۴۵ میلادی) تمام شده است .

که شاید متعلق بزمان قبل از اسلام است

در نقاشیهای بعضی از نقاشان قرون وسطی در اروپا قالیهائی نشان داده شده که بمناسبت ساخت ایران باشد. نمونه های اولیهٔ قالی و قالیچه که در موزه ها و گنجینه های شخصی است و محققاً میتوان آنها را بایران نسبت داد، متعلق به زمان قبل از دورهٔ صفویه است. علت اینکه از زمان قدیمتر از آن نمونهٔ قالی بدست نیامده آنست که اغلب اشیاء صنعتی برای نگاهداشتن ساخته نمیشدند و قالی برای استعمال، و اگرچه قالی نسبةً بادوام است، اما در نتیجهٔ استعمال زیاد پس از مدتی کهنه شده از بین میرود

در قالیهای قدیمی بندرت کم دیده میشود که تاریخ و محل ساخت آنرا بطور تحقیق بتوان معین کرد. گمان میرود که بعضی از این قالیها در تبریز در زمان حکمرانی سلاطین ترکمان و مغول که قبل از صفویه سلطنت میکردند ساخته شده است. بعضی از قالیهای قدیمی را باواخر قرن نهم هجری (از اخر قرن پانزدهم میلادی) نسبت میدهند زیرا نقشه‌های آنها خیالی‌تر و رنگ‌آمیزی آنها با قالیهای اوائل دورهٔ صفویه فرق دارد

احتمال میرود که قالی بافی در زمان سلطنت طویل شاه طهماسب باعلی درجهٔ ترقی رسیده باشد. درجهٔ تکامل صنعت در این زمان میرساند که قالی بافی تاریخ قدیمی داشته و با اینکه نمونه‌هائی از ترقی آن در دست نیست، معهذا ثابت میکند که دورهٔ مدیدی طول کشیده تا به این درجه رسیده

چون محل ساخت اغلب قالیهای اوائل این عصر معلوم نیست، معمولاً قالیهای دورهٔ صفوی را از روی نقشهٔ آنها طبقه‌بندی مینمایند. در میان نقشه‌های مختلف و مهمتر از همه طرحی است که در وسط ترنجی دارد. نمونهٔ خیلی مشهور این قسم نقشه، قالی مسجد اردبیل است که فعلاً در موزهٔ ویکتوریا و البرت در لندن میباشد. این فرش قالی بزرگی است که طول آن ده متر و نیم و عرض آن قدری کمتر از ۵ متر و نیم است (۳۴ ½ فیت در ۱۷ ½ فیت) از روی تخمین معین کرده‌اند که این قالی تقریباً ۳۲ ملیون گره دارد. دور ترنج مرکزی را نقشهای کوچکی که به گل شاه عباسی موسوم است احاطه نموده و آن عبارت از نقش مدور یا بیضی شکلی است که وسط آن گل و دور آنرا حلقه‌ای از گل یا برگ گرفته. در هر گوشهٔ

فصل دهم

عصر صفوی

مؤسس سلسلهٔ صفوی شاه اسمعیل از اولاد شیخ صفی‌الدین اردبیلی میباشد که در سال ۹۰۸ هجری (۱۵۰۲ میلادی) به تخت نشست فامیل شیخ صفی مدتها ساکن اردبیل بوده و در آنجا اهمیت زیادی داشتند آنها نسب خود را بامام موسی کاظم و به‌خانوادهٔ سلطنتی ساسانیان میرسانیدند مردم ایران ظهور سلسلهٔ صفوی را که ایرانی نژاد بودند با مسرت وخوشبختی استقبال کردند صفویه دویست سال در ایران سلطنت نمودند و در دورهٔ آنان ایران از هرجهت پیشرفت و ترقی نمود، مخصوصا در صنعت که پادشاهان این سلسله خود مشوق و حامی آن بودند اهمیت وکامروائی کشور سبب شدکه دراین عصر بناهای بزرگ و عالی ساخته شود، مخصوصاً درزمان شاه عباس کبیر، ۹۹۵ـ۱۰۳۷ هجری (۱۵۸۷ـ ۱۶۲۸ میلادی)، که او موفق به ساختن یك سلسله ابنیهٔ عظیم گردید برای تزیین عمارات و بناهای بزرگ طرز جدیدی در کاشی‌کاری بوجود آمد مینیاتورسازی و قالی‌بافی در اوائل این عصر بدرجهٔ کمال رسید

۱ ـــ قالی بافی

مهمترین محصول صنعتی ایران در عصر حاضر قالی و قالیچهٔ دست باف است. قالی بافی از صنایع خیلی قدیم ایران است میگویند که اسکندر کبیر وقتی برای اولین بار مقبرهٔ سیروس بزرگ را بازدید نمود، مشاهده کرد که آن با قالی خیلی خوب پوشیده شده و نیز میگویند که در قصر تیسفون یا طاق کسری در زمان ساسانیان یك قطعه قالی وجود داشته که با جواهرات و فلزات قیمتی پوشیده شده بوده، ولی شرح این قالی آنقدر با افسانه آمیخته شده‌که نمیتوان آنرا کاملاً باور کرد در آسیای وسطی تکه‌های قالی قدیمی پیدا شده

در کلیسای بزرگ کراکو(۱) در لهستان میباشد روی زمینهٔ قهوه‌ای روشن که حاشیهٔ سیاه و ترنج آنرا برجسته‌تر مینماید، حیوان، درخت و گل با الوان روشن دیده میشود علاوه بر اینها نقش یك عده پرنده روی آنست که نظیر آن در هیچ قالی دیگری دیده نشده است.

بعضی از قالی و قالیچه های اوائل عصر صفوی با نخهای طلا و نقره بافته شده، رنگ اصلی حاشیه معمولاً با رنگ زمینهٔ آن تماس دارد

در بسیاری از قالیهائی‌که طرح ترنجی دارند، تصویر حیوانات نیز نقش شده است و این طرح حیوانات در بعضی قالیها آنقدر اهمیت پیدا کرده که آنها مشهور به نقش حیوان شده‌اند نقشهٔ این قالیها معمولاً گل وگیاه است و در بین آنها حیوانات مختلف تنها یا جفت جفت و بعضی اوقات در حال جنگ دیده میشوند این حیوانات عبارتند از شیر، ببر، پلنگ، یوز پلنگ، روباه، شغال، آهو، بز کوهی، الاغ، گاو، شتر، گراز خرگوش وانواع مختلف پرندگان حیوانات خیالی که از منابع چینی اخذ شده مانند سیمرغ و اژدها نیز دیده میشود یکی از قالیهای مشهور نقش حیوان که اکنون در موزهٔ متروپلیتان نیویورك است، در مقبرهٔ شیخ صفی‌الدین در اردبیل بوده است

یکی از اقسام دیگر قالی آنهائیست که به شکاری معروفند، زیرا مناظر شکارگاه و صید روی آنها نقش شده یکی از مشهورترین این قالیها در موزهٔ پولدی پزولی (۲)در میلان ایتالیا میباشد بافندهٔ آن غیاث‌الدین جامی است که روی آن نوشته شده وتاریخ آن ۹۴۹هجری (۱۵۴۳ میلادی) است شاید مشهور ترین قالیهای بافت ایران قالی شکاری متعلق به دولت اطریش باشد که از ابریشم بافته شده و با نخهای طلا و نقره زینت یافته است. نقش آن عبارتست از ترنج مرکزی، مناظر مختلف شکار روی زمینهٔ آن و صیادان سواره و پیاده زمینهٔ قالی قرمز نزدیك به پرتقالی است و ترنج و لچکهای آن سبز رنگ است. رنگ اصلی حاشیه قرمز است و تصویر فرشتگان و تصاویر دیگر بهشتی کشیده شده. رویهم این قالی نمایندهٔ استادی نقش آنست به بافنده بعضی از تصاویر آن بقدری بنقاشیهای سلطان محمد که بعداً ذکر خواهد شد شباهت دارد که جمعی از اهل فن معتقدند که او نقشهٔ این قالی را تهیه کرده است

Poldi – Pezolli Museum — ۲ Cracow — ۱

متن قالی یك چهارم ترنج کشیده شده یکی از خصائص این قالی بزرگ نمایش قندیل مسجد میباشد که در دو سر ترنج کشیده مثل اینکه از آن آویزان است متن قالی از نقش گل و برگ پوشیده شده وآنها نقش تاك مشبك و پرکاری را با نظم کامل تشکیل میدهند گلها با رنگهای گوناگون خود روی زمینهٔ سورمه‌ای رنگ برجسته بنظر میآیند رنگ قرمز که با زمینهٔ سورمه ای تناسبی دارد زیاد شفاف نیست و مایل برنگ قندیل است. رنگ سبز سیر در این نقشه از رنگهای برجسته است در حاشیهٔ قالی نقشهای کتیبه است که بین آنها گل شاه عباسی میباشد مسئلهٔ قابل توجه آنکه نقش حاشیهٔ این قالی روی کاشی های دیوار صحن مسجد اردبیل دیده میشود

در حاشیهٔ این قالی اسم مقصودکاشانی برده شده است ، ولی معلوم نیست که این شخص سازنده و بافندهٔ قالی بوده یا تقدیم کنندهٔ آن تاریخ این قالی برطبق این نوشته ۹٤۲ هجری (۱۵۳۶ میلادی) است این قالی از شاهکارهای صنعت زمان شاه طهماسب میباشد و تصور میشود که در تبریز بافته شده باشد ، زیرا جنس پشم آن این مطلب را تأیید مینماید قالیهای معروف دیگر این عصر که دارای طرح ترنج هستند ، درموزه‌ها ومجموعه‌های شخصی در تمام دنیا دیده میشود

از طرحهای مهم دیگر این دوره چندین ترنج متصل بهم است و متن قالی را به چندین قسمت منقسم مینماید در موزهٔ ویکتوریا و البرت در لندن قالی باین طرح موجود است که از بهترین نمونه های این صنعت محسوب میگردد نمونهٔ عالی دیگری در موزهٔ متروپولیتان نیویورك است که حتی از قالی مسجد اردبیل نیز زیبا‌تر بافته شده است

بسیاری از قالیهای خوب این دوره مظهر استادی ومهارت نقاشان آن عصر است، در مجموعهٔ شخصی بارون هتوانی(۱) یك پارچه قالی وجود داردوطرح آن بقدری عالی است که اگر عکسی از آن برداشته شود کپیهٔ مینیاتور مینماید و با آن مشتبه میشود نظیر آن قالی بزرگ دیگری است که نصف آن در موزهٔ صنایع تزیینی پاریس(۲) و نصف دیگر

Musée des Arts Decoratifs — ۲ Baron Hatvany — ۱

مسافرت نمود مینویسد که بهترین قالیهای ایران در هرات بافته میشد

در دورهٔ صفویه قالیهای ابریشمی که نقش گل و برگ تیره رنگ داشت و در بافتن آنها نخهای طلا و نقره بکار میرفت تهیه و به عنوان تحف وهدایا جهت بعضی ازسلاطین اروپا فرستاده میشد عده‌ای از این قالیها در لهستان پیدا شده و تاچندی قبل بنام قالیهای لهستانی معروف بود با اینکه د مقایسه با قالی های نظیر آن ثابت شد که آن قالیها بافت ایران است عدهٔ زیادی از این قالیها که اشیاء قیمتی و صنعتی محسوب میشود محفوظ مانده و هنوز موجود است یك قطعه قالی نظیر قالیهای فوق الذکر که نقش درخت سرو و بوته گل دارد در مقبرهٔ شاه عباس ثانی درقم بوده زیر آن اسم نعمت الله خوشقانی بافندهٔ آن نوشته شده است با تاریخ ۱۰۸۲ هجری (۱۶۷۱ میلادی)

چند قالی که بطرز گلیم بافته شده و نخهای طلا و نقره در آن بکار رفته از این عصرموجود میماند نقشهٔ این نوع قالی اغلب گل و تصاویر است وطرح آن بهتر از قالی که با گره زدن پشم تهیه میگردد مجسم میشود ؛ زیرا ممکن است بواسطهٔ ترا کم کرك تصاویر بخوبی نمایانده نشود

قسم دیگری که بقالیهای باغی معروف است نیز باید ذکرشود عموماً طرح این قالیها عبارتست از نقشه ای که حوضی در وسط دارد اطراف آن بوسیلهٔ جویها بقسمتهای مربع مستطیل تقسیم شده و این قسمتها با نقش گل و گیاه تزیین یافته

یك قسم دیگر قالیهائیست که باسم شاه عباسی یا طرح اصفهان معروف است در اروپا و امریکا آنها را بنام قالی گلدانی میخوانند؛ زیرا نقشهٔ بعضی از آنها گلدانیست که از آن شاخ و برگ بیرون میآید از خصائص مخصوص این قسم قالی آنست که از خطوط موازی که سراسر قالی را گرفته اشکال گل و برگ منشعب میشود گلهای شاه عباسی و اشکال گل و برگ که در این نوع قالی دیده میشود ، شبیه به نقشهٔ بعضی ازقالیهای هرات است بعضی از این قالیها به کرمان نسبت داده میشوند؛ ولی احتمال میرود که همان نقشه در جوشقان که اغلب از قالیهای طرح اصفهان در آنجا بافته شده بکار رفته باشد

درفسور پوپ میگوید « شاید مطالعهٔ دقیق قالیهای اولیه بهترین مقدمه برای

قالیهای ابریشمی دیگر نیز از این زمان موجود است که معمولاً آنرا از کاشان میدانند این شهر مرکز مهم صنعت پارچه‌های ابریشمی و مخمل بوده در موزهٔ ملی تهران قالی ابریشمی سفید بسیار عالی است که ترنج آن سیاه رنگ میباشد روی این زمینهٔ روشن درختان انار برنگ سیاه و سفید است آهوئی برنگ قهوه‌ای روشن که بسیار دقیق کشیده شده مختصر سایهٔ بی با زمینهٔ کرم رنگ یا برنگ عاج دارد پرندگان مختلف قشنگی در میان شاخهای درختان نقش شده است این قالی قشنگ بعقیدهٔ پرفسور پوپ در ربع سوم قرن دهم هجری (ربع آخر قرن ۱۶ میلادی) بافته شده و سابقاً در مقبرهٔ اردبیل بوده است قالی نامبرده به بزرگی قالیهائیکه شرح دادیم نیست و قالیهای این دوره را به قالیچه‌های عصر بعد مربوط میسازد

یك عده سجاده به دورهٔ صفوی نسبت داده میشود نقشهٔ اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی بخط کوفی نوشته شده است نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه بقالیهای بافت تبریز است ، ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند بعضی را بافت آمل مازندران و عده‌ای را ساخت هرات افغانستان میدانند

از قالیهائی که بهرات نسبت داده شده عده‌ایست که نقشهٔ آنها گل و مو پیچ پیچ میباشد که در اطراف گل شاه عباسی بزرگ کشیده شده و آن عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه‌ای مدور یا بیضی شکل از برگ دارد نقشهای اسلیمی که شبیه بنواری است که عرض آن مختلف میباشد در این نوع قالی و قالیهای بسیار دیگر این عصر دیده میشود در قالیهای هرات نقش ماهی نیز دیده میشود که به رنگ بلند تا شده ای شباهت دارد یك قالی که باین سبك بافته شده و احتمال میرود که از زمان شاه عباس باشد در خزینهٔ امام رضا در مشهد محفوظ است

از اوائل دورهٔ صفوی تا آخر سلطنت شاه عباس بساختن این قبیل قالیها مبادرت میشد هرچه زمان میگذرد نقشهٔ گل شاه عباسی بزرگتر میشود قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته اولئاریوس(۱) آلمانی که در زمان شاه عباس بایران

۱ — Olearius

جلوس کرد فقط ده سال داشت و بیش از ۵۰ سال سلطنت کرد سبک جدیدی که در زمان سلطنت او توسعه یافته بعقیدهٔ بسیاری مینیاتورسازی ایران را بمنتهی درجهٔ ترقی رسانید در اوائل سلطنت شاه طهماسب بهزاد در قید حیات بود آقا میرك از شاگردان بهزاد و از دوستان نزدیك سلطان بود یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت بمقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عده‌ای از نقاشان معروف بود سلطان محمد بشاه جوان درس نقاشی میداد سه سال بعد از جلوس به تخت سلطنت یك نسخه شاهنامه به جهت شاه طهماسب تهیه گردید که دویست و پنجاه و شش تصویر داشت این کتاب در تصرف بارون ادوارد روتشیلد (۱) در پاریس است و نقاشیهای آن به سلطان محمد نسبت داده شده است کارهای این استاد از حیث نوع، رنگ آمیزی، نقشه، ترکیب و نیز برای توجه مخصوص به ریزه کاری مشهور است نقاشیهای زمان صفوی رو بهمرفته از کارهای نسبتاً ریز عصر تیموری درشت تر میباشد با وجود این در بعضی از مینیاتورهای زمان صفوی بقدری دقت در نمودن لباس بعمل آمده که حتی نقشهٔ پارچه بخوبی نمایانده شده عمامهٔ سلاطین اولیهٔ صفوی دور کلاهی پیچیده میشد بطوریکه نوك کلاه از وسط عمامه بیرون میآمد این قسم کلاه وعمامه مخصوص فامیل صفوی بود نوك آن در اوائل همیشه قرمز رنگ بود، ولی بعد رنگهای دیگر نیز در مینیاتورها دیده شده و سرگذاردن آنها متداول گردیده تاریخ یك مینیاتور را میتوان اغلب از شکل عمامه و لباس تعیین نمود

یکی از معروفترین مجموعه های نقاشی ایران نسخهٔ مصور خمسهٔ نظامی میباشد که اکنون در موزهٔ بریتانیا است تصاویر این کتاب بوسیلهٔ نقاشان مشهور دربار برای شاه طهماسب وقتی در سالهای بیست عمر خود بود تهیه گردیده نام اشخاص ذیل زیر مینیاتورهای آن دیده میشود آقا میرك، سلطان محمد، میرزا علی، مولانا مظفر علی و میر سیدعلی این اشخاص مشهورترین نقاشان عصر خود بوده و در این یك جلد کتاب شاهکارهای هر پنج نفر صنعتگر جمع آوری شده است؛ چهارده نقاشی اصلی آن کتاب بوسیلهٔ لارنس بینیون (۲) چاپ رنگی شده و انتشار یافته است علاوه بر اینها سیصد

۱ — Baron Edouard Rothschild   ۲ — Lawrence Binyon

آگاهی از صنایع ایران باشد ، زیرا این صنعت بیش از تمام صنایع خصائص مخصوص ورسوم تنوع قدیمی را در بر داشته و مراحل مختلف زندگی و فرهنگ ایران را نشان میدهد . قالیهای عالی ایران را شعرا مدح گفته و سیاحان آنهارا تمجید و تعریف کرده‌اند سلاطین کشورها برآن حسد برده و کشورهای دیگر از آن تقلید کرده‌اند قالیهای ایران روح حقیقی صنعت این کشور را مجسم میسازد »

هر وقت نقاش و بافنده هریك در كار خود استادی و مهارت بخرج داده‌اند ، قالیهائی بوجود آمده که در زمرهٔ بهترین شاهکارهای صنعتی دنیا بشمار میرود

۲ - نقاشی

وقتی که شاه اسمعیل در سال ۹۱۶ هجری (۱۵۱۰ میلادی) هرات را تسخیر نمود ، بهزاد هنوز نقاش دربار هرات بود شاه اسمعیل بهزاد و عدهٔ دیگر از نقاشان را با خود به تبریز برد گفته‌اند که شاه اسمعیل آنقدر بهزاد را گرامی میداشت که اورا با نصف ممالکت خود معاوضه نمینمود این نقاش مشهور تا زمان پیری وتا سال ۹۲۸ هجری (۱۵۲۲ میلادی) بکار ادامه داده و بریاست کتابخانهٔ سلطنتی که در حقیقت فرهنگستان هنر یعنی نقاشی ، خوشنویسی وصحافی بود گماشته شده بود مینیاتور شکار زیبا و جالب توجهی که منظرهٔ جنگ شتران را نشان میدهد در تصرف دولت ایران میباشد که میگویند بهزاد درسن ۷۰ سالگی آنرا ساخته است

اگر چه عدهٔ زیادی از صنعتگران بدربار صفوی در تبریز منتقل شدند ، ولی بعضی از آنها در هرات مانده آن سبك مخصوص را ادامه دادند بسیاری از مینیاتورهای عالی هرات پس از رفتن بهزاد ساخته شده است این صنعتگران به ریزه‌کاری که ازخصائص سبك تیموری است اهمیت زیاد میدادند این توجه به جزئیات اشیاء مانند قالی ، کف اطاق ، لباس و تزیینات معماری نقاشیهای هرات را در میان بزرگترین مینیاتور های ایران قرار میدهد و ثابت میکند که بهزاد تنها نقاش بزرگ هرات نبوده و رقبائی نیز داشته است

وقتیکه شاه طهماسب درسال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۴ میلادی) به تخت‌سلطنت

در زمان شاه طهماسب سبک مهم نقاشی در بخارا ایجاد و بدرجهٔ عالی رسید
از صنعتگران مشهوری که در این شهر مشغول بودند ، شیخ زاده و محمود مذهب هستند
میگویند شیخ زاده شاگرد بهزاد بوده و مینیاتورهای بخارا سبک کارهای آن استاد بزرگ
است وآن برای رنگهای روشن مخصوصا رنگ قرمز روشن که در بسیاری مشهود است
معروف میباشد . عمامه هائیکه در نقاشیهای بخارا دیده میشود وضع مخصوصی دارند و
دور کلاه مخروطی شکل پیچیده شده که نوک آن از وسط عمامه بیرون است

شاه عباس کبیر از بزرگترین حامیان ومشوقین صنعت بود و خود نیز نقاشی
میکرد در تاریخچهای زمان شاه عباس اسم عدهٔ زیادی از نقاشان و خوشنویسان ذکر شده ،
ولی اغلب آنها مشهور نیستند صنعت مینیاتور سازی که در زمان شاه طهماسب بمنتهی
درجهٔ ترقی خود رسیده بود ، در اینموقع رو بانحطاط رفت و صنعتگران عصر شاه عباس
وقت خود را به نسخه برداشتن از آنها صرف مینمودند از کتبی که زیاد مصور شده
و مینیاتور کاری میشد شاهنامهٔ فردوسی بود

تصویر اشخاص و نقاشیهائی از زندگانی روزانه و معمولی این زمان مرسوم
گردید تأثیر صنعت اروپا در این زمان نیز مشهود میگردد و سعی شده که بجای سبک
تزیینی مینیاتورهای اولیه مناظر طبیعی و تصویر اشخاص ودورنما کشیده شود رو بهمرفته
رنگ آمیزی این زمان با اینکه نوع تازه‌ای از رنگهای پرتقالی و بنفش بکار برده شده،
بخوبی دورهٔ قبل نیست

وضع لباس در زمان شاه عباس تغییر میکند در اوائل سلطنت او عمامه بزرگتر
شده وبجای اینکه منظم و مرتب بسته شده باشد ، شل و دور سر پیچیده میشد انواع دیگر
کلاه در این زمان نیز مرسوم گردید تصاویری که از بانوان این عصر کشیده شده آنها را
معمولاً در شالی نشان میدهد که روی شانه انداخته و مانند روسری روی سر کشیده اند .
لباسهائیکه در مینیاتورهای هر زمان دیده میشود قبای بلند است که تا روی زمین میرسد ،
ولی در زمان شاه عباس کمر چینی که تا بالای زانو میرسید و روی آن کمربند می بستند
بعضی اوقات در مینیاتورها جای قبا را گرفته لباس مردم معمولی و درباری این زمان در
بعضی مینیاتورها دیده میشود

و نود و شش ورق این کتاب دارای حاشیهٔ تزیین شدهٔ بسیار عالی از طلا میباشد که نقش آن اشکال حیوانات و گل و غیره است

در میان این گروه اساتید فن میر سید علی مقامی بلند دارد که در تجسیم مناظر زندگی طبیعت و زندگی دهقانی ید طولائی داشته حیوانات حمل شده کشیده ، چادر را بطرز زیبائی تزیین کرده و دست هنرمند صنعتگر حقیقی در اشکال گل و پرنده و اشیاء دقیق دیگر مشهود است همایون امپراطور هند پس از شکست از دست افغانها بدربار شاه طهماسب گریخت و شاهنشاه ایران از او پذیرائی مجللی نمود او چندین سال در دربار شاه طهماسب اقامت نمود و پس از آنکه بمحل حکمرانی خود برگشت ، میر سید علی را که در تبریز با او آشنا شده بود و نیز عبدالصمد شیرازی را با خود برد این دو صنعتگر که در خدمت همایون بهند رفتند مؤسس سبك مخصوص صنعت مغول در شمال هندوستان گردیدند بوسیلهٔ نقاشیهای آنها ، سبك جدیدی از ترکیب عناصر نقاشی ایرانی و مناظر و تصاویر هندوستان ایجاد گردید

تصاویر زمان شاه طهماسب معمولاً مناظری از شاهکارهای ادبی ایران است مانند شاهنامهٔ فردوسی ، اشعار نظامی ، سعدی ، حافظ و داستان یوسف و زلیخای جامی علاوه بر مصور ساختن کتب ، تصاویر و نقاشیهای جداگانه نیز کشیده میشد بسیاری از اینها تصویر جوانهای خوش اندام است که لباس قشنگی در بردارند و بعضی از آنها ممکن است تصویر خود شاه طهماسب باشد از کارهای دیگری که در این زمان بدرجهٔ عالی رسید ، تزیین حاشیهٔ صفحات کتب بود در این حاشیه‌ها درخت ، گل و حیوانات برنگ طلا و نقره در زمینهٔ رنگی کشیده شده ومعمولاً جداگانه ساخته و تهیه میشد و بعداً به صفحه های کتاب متصل میگردید

در اواخر سلطنت شاه طهماسب نقاشی باسم استاد محمدی شهرت یافت و میگویند که او پسر وشاگرد سلطان محمد بوده علاوه بر نقاشیهائیکه کشیده ، سبك جدید و قشنگی در نقاشی رنگی بوجود آورد و نیز برای طراحی که در تصویر سازی انسان و حیوانات بکار برده مشهور است .

مشهورترین پارچه‌های این زمان زری و مخملهائی است که با ابریشم بطور برجسته روی آنها تزیین شده. پارچه بافی این زمان مانند قالی و قالیچه نمونه ایست از صبر و حوصله و مهارت و استادی بافندگان آن، زیرا که بافتن این طرحهای پیچیده برنگهای گوناگون محتاج به‌صبر و تحمل بی انتهای دولت و شاهانه است. طرح و نقشهٔ پارچه‌های ابریشمی از روی زندگی آن عصر و ادبیات اقتباس میشد. از نقشه های مشهور و متداول تصویر لیلی و مجنون بود و نقشه‌های گل و برگ و پرندگان و حیوانات نیز دیده میشود. از کارهای معروف پارچه‌های ابریشمی عالی است که با نخهای طلا و نقره بافته شده بود و بافت این قسم پارچه در زمان شاه عباس که به‌پارچه بافی علاقهٔ مخصوصی داشت بسط و توسعه‌یافت. بعلاوهٔ دستگاههای ساحی یزد و کرمان که مدتها برای پارچهٔ ابریشمی معروف بودند، شاه عباس از این دستگاهها در اصفهان نیز تأسیس کرد که پارچه‌های دربار را تهیه مینمودند.

بزرگترین ساحان عصر صفوی خواجه غیاث‌الدین علی میباشد که مورد توجه دربار شاه عباس بوده. دکتر فیلیس اکرمان که در قسمت صنایع ساحی این دوره و اعصار دیگر ایران اطلاعات زیادی دارد، معتقد است که غیاث‌الدین در زمان سلطنت شاه عباس پیرمرد بوده. روی بعضی از بهترین پارچه‌های ابریشمی غیاث‌الدین امضا شده است. این شخص استعداد و هوش فوق‌العاده‌ای برای اختراع و ایجاد طرحهای مختلف داشته و در نقل آنها به روی پارچه مهارتی بسزا نشان داده است. در این قسمت صنعت غیاث‌الدین در ایران نظیر نداشته و کسی بپای او نرسیده است.

٤ — ظروف سفالین

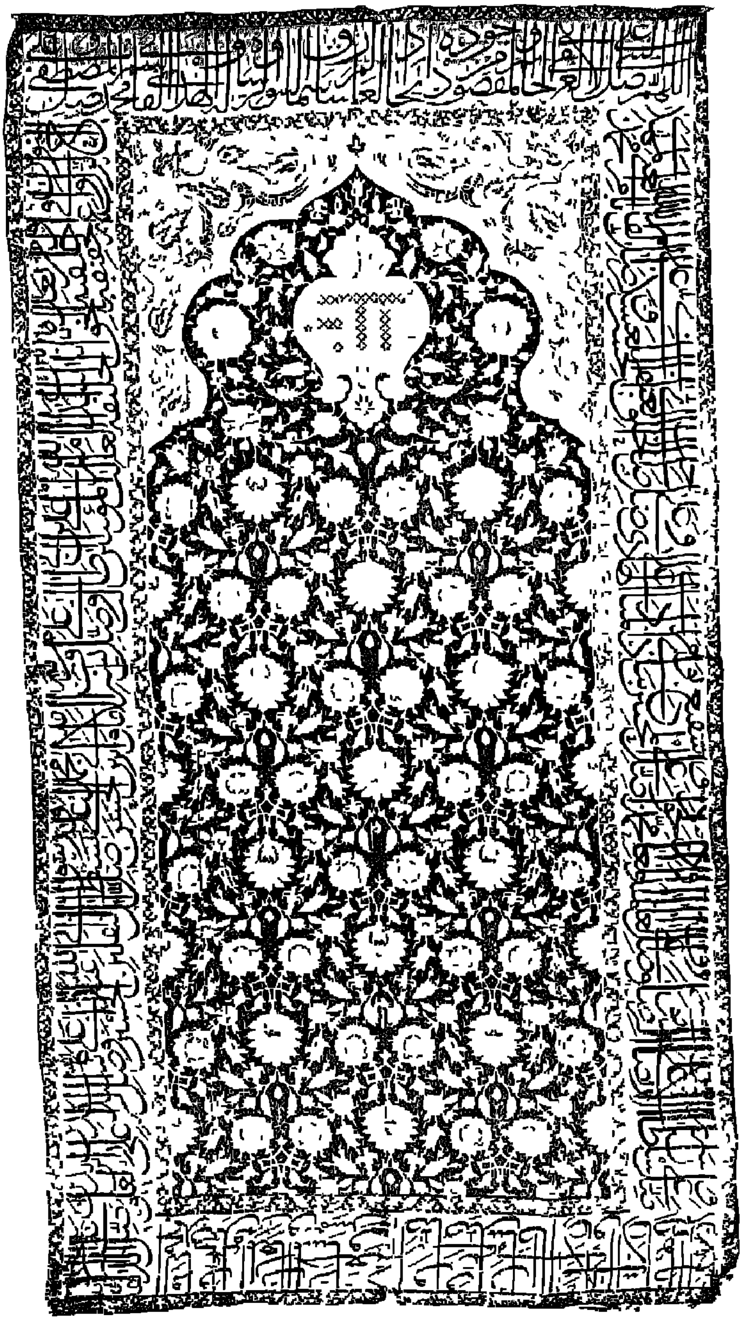
شاه عباس علاقهٔ زیادی بجمع‌آوری ظروف سفالین داشت و در عالی‌قاپو اصفهان و مقبرهٔ اردبیل اطاقهای مخصوصی برای اینکار ساخته و جاهائی در دیوار برای نگاهداشتن ظروف تعبیه کرده، ولی صنعت سفال سازی در زمان صفویه آن مقام و درجه‌ای را که چند قرن قبل بدست آورده بود حاصل نکرد. ظروف سفالین بمقدار زیاد از چین بایران میامد و سفال سازان ایران از آنها تقلید میکردند. اگرچه ظروف ایران سختی و ظرافت ظروف

در بین صنعتگران این دوره نام یکی از همه مشهورتراست و او رضای عباسی است اگرچه او مینیاتورسازی نیز میکرد ، ولی برای نقاشی رنگی معروف است در این فن او مؤسس سبك مخصوصی است ودست او در ترسیم خطوط منحنی خیلی قوی است این خطوط با خطوط دیگر توأم شده و مخصوصا موی سر و ریش خوب نمایش داده شده است موضوعهائیکه کشنده اغلب تصاویر روار ، درباویش و جوانان را نشان میدهد سبك او بعد از خودش مورد تقلید سایرین واقع گردید و بسیاری از صنعتگران بشیوهٔ او نقاشی میکردند یکی ازپیروان معروف اوشفیع عباسی پسر اواست که درزمان شاه عباس ثانی مشغول بوده است ، ولی دراین ایام انحطاط شروع شده وصنعت نقاشی ایران رو بهپستی رفته

صحافی و جلدکردن کتاب با خوشنویسی و مصور ساختن کتب که در زمان تیموریان پیشرفت کرده بود ، در زمان صفوی بآن ادامه وتوسعه داده شد بعضی از صحافیها از چرم است که روی آنرا نقوشی کنده و طلا و رنگهای دیگر از زیرش نمایان گردیده . جلدهای چرمی دیگری دیده میشودکه نقشهٔ آنرا بوسیلهٔ قالب روی آن نقش کرده‌اند بعضی‌از جلدها با طرحهای قشنگ تذهیب شده ودر تصاویر آن پرندگان ، حیوانات و نقشه‌های گل و برگ بکار رفته است در زمان شاه طهماسب صحافی با عوا مرسوم بود این جلدها با نقوش د رزما و گل و مناظر شکار با رنگهای بسیار عالی نقاشی و روی آن لاك شفاف زده میشد . این قسم صحافی و جلدسازی در زمانهای بعد ادامه یافته است صنعتگران ایران در تهیهٔ کتاب از ساختن کاغذ ، نوشتن ، تذهیب صفحات ، مصور کردن ، نقاشی و صحافی بسیار عالی آن برای تمام دنیا بهترین سرمشق بودند

۳ ــــ بافندگی

یکی دیگر از شعبه‌های صنعتی که ایران عصر صفوی در آن سرمشق و مورد تحسین دنیا واقع گردیده ، بافتن پارچه‌های ابریشمی است همانطورکه درقالیها و مینیاتور مشاهده شد ، پارچه‌های این عصر نیز برای رنگ‌آمیزی و طرح مشهورمیباشند و بسیاری از طرحهای پارچه های ابریشمی شباهت زیادی به‌صنعت مینیاتورسازی خصوصاً تصاویر دارد .



پارچهٔ زری ابریشمی از مقبرهٔ شیخ صفی در اردبیل
یکی از عالیترین نمونه های زربفت ابریشمی

چینی را ندارد ، ولی بعضی از آنها با بهترین ظروف چینی رقابت میکند طرحهای ظروف ایران نیز اغلب از ظروف چین اقتباس میشد ظروف اعلای شفاف نیز ساخته شده ، ولی ظرافت صنعتی خودرا در این دوره از دست داده است

دکتر م س . دیمند (۱) عضو موزهٔ متروپولیتان نیویورك ظروف سفالی عصر صفوی‌را به طبقات ذیل تقسیم نموده است

۱ ــ ظروفیکه تزیین لعابی و شفاف دارند .

۲ ــ ظروفیکه تزیین آنها برنگ آبی و سفید است

۳ ــ ظروفیکه تزیین آبی و سفید و رنگهای مختلفهٔ دیگر دارند و بظروف کرمانی معروفند

٤ ــ ظروفیکه روی زمینهٔ سورمه‌ای یا سیاه رنگ آنها نقوشی کنده شده

۵ ــ ظروفیکه نقشهای رنگارنگ داشته و بظروف شمراز معروفند

ظروف طبقهٔ سوم یعنی کرمانی اغلب بسبك چینی ساخته شده يك‌قسم ظرف دیگری که رنگ زرد ، قهوه‌ای و یا سیاه دارد در آمل مازندران ساخته میشد

۵ ــ کارهای فلزی

در زمان صفویه مصنوعات طلاکاری ، نقره‌کاری و برنج سازی رونق زیادی داشت . آهن و فولاد نیز گاهی طلا و نقره‌کوب میشد شاه‌عباس عدهٔ زیادی از ارامنهٔ جلفای آذربایجان‌را باصفهان آورده شهری در آنجا باسم جلفا بنا نمود و مقصوداو این بود که از استعداد تجارتی آنان استفاده نموده و صنعتگران از نیز در آبادی اصفهان که پایتخت بوده کمك بزرگی باشند

صنایع برنجی مانند قدیم که چیزهای تازه‌ای ایجاد میکردند نبود ، بلکه چند نقشهٔ دیگر بکار رفته نقشهٔ ظروف برنجی را با رنگ سیاه پر مینمودند تادر مقابل سطح شفاف برنج خوب نمایش داده شود این قسم کار درعصر حاضر نیز در اصفهان مرسوم است

از کارهای دیگر فلزی ساختن اسلحه و زره بود و در این قسمت مهارت و

(۱) Dr M S Dimand

استعداد صنعتی عجیبی نشان میدادند. آهن و فولاد که در اسلحهٔ آتشی، کلاه خود و سینه‌بند بکار رفته اند، نقره و طلا کوب شده‌اند. در زمان شاه عباس توپ برنجی نیز در ایران ریخته شده.

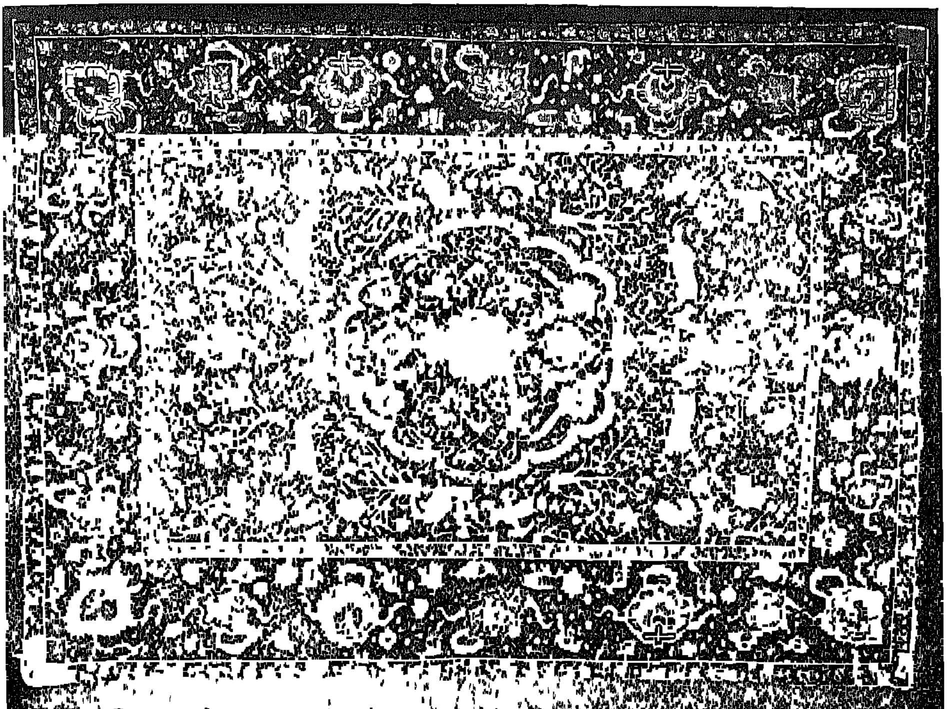
۶ — معماری

گویند شاه اسمعیل صفوی، اولین سلطان آن سلسله، بناهای مفصل و معظمی ساخته بوده، ولی از آنچه که ممکن است در سر در و جلوی ساخته باشد، چیز قابل توجهی باقی نمانده است. از ابنیهٔ مهم زمان او که تا بحال مانده، مسجد جامع ساوه است و حتی آن سر از صورت اصلی خارج و مقدار زیادی از بناهای آن از بین رفته، ولی گنبد بزرگ و قشنگی از آن زمان بر پا است. از خدمات صفویه بمعماری ایران، متناسب بودن گنبد با سایر قسمتهای بناء مسجد میباشد. بهترین نمونهٔ آن مسجد شاه اصفهان است که تقریباً صد سال بعد از مسجد ساوه ساخته شده. گنبد مسجد ساوه از کاشی فیروزه‌ای رنگ پوشیده شده و نقشی برنگ سورمه‌ای و سفید دارد. در قسمت داخلی گنبد طرحهای هندسی با کاشی ساخته شده و دیوار فضای زیر گنبد با کاشی‌های شش گوش فیروزه‌ای رنگ زینت یافته. اغلب تزیینات خارج بنا از بین رفته است.

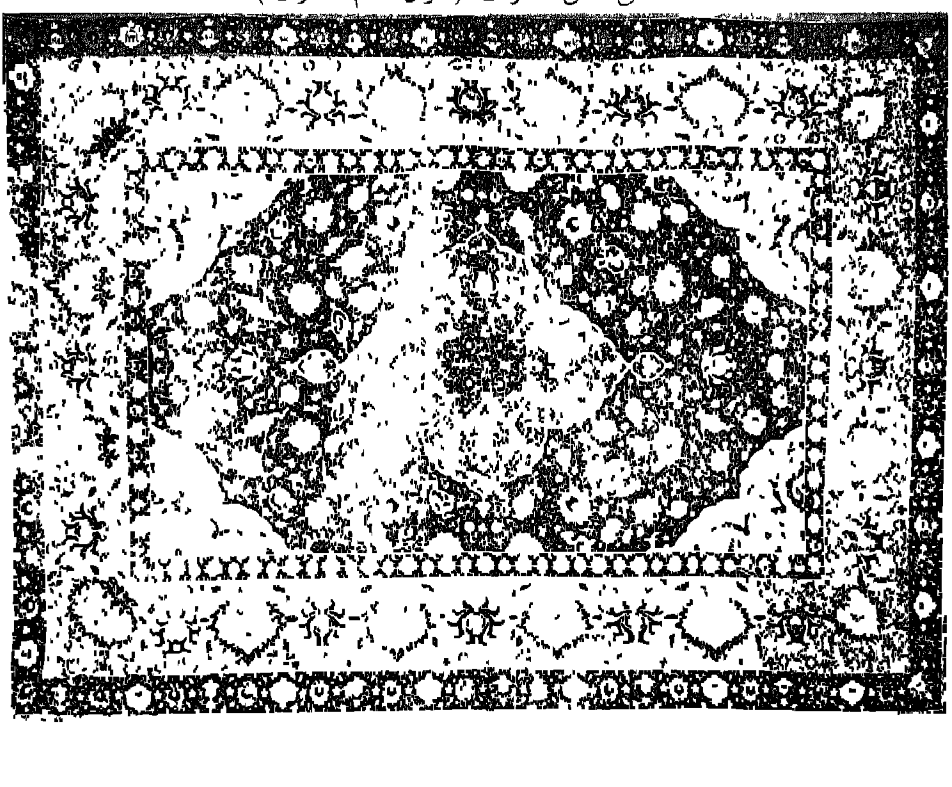
در محوطهٔ زیر گنبد محراب گچ بری قشنگی است که با رنگهای مختلف نقاشی شده. این گچبری را با ماده ای سفید رنگ پوشانیده‌اند تا زمینه برای نقاشی مناسب باشد. و آن بهترین نمونهٔ کاری است که در مینیاتورها نیز دیده میشود.

محراب گچبری دیگری که روی آن نقاشی شده در مسجد میدان ساوه است، این محراب بطراوت و بزرگی محراب مسجد جامع نیست، ولی چهار قسم کتیبه بکوفی و نسخ روی آن نوشته شده و برای این کتیبه‌ها معروف شده است.

کاشی‌کاری مسجد جامع و مسجد علی در اصفهان و نیز کاشی‌کاری مقبرهٔ هارون ولایت در آن شهر توسط شاه اسمعیل ساخته شده. آنچه که در این ساختمانها مانده ثابت میکند که در اوائل دورهٔ صفوی کاشی های عالی ساخته میشد.



قالی نشمی نقش حیوان (قرن دهم هجری)



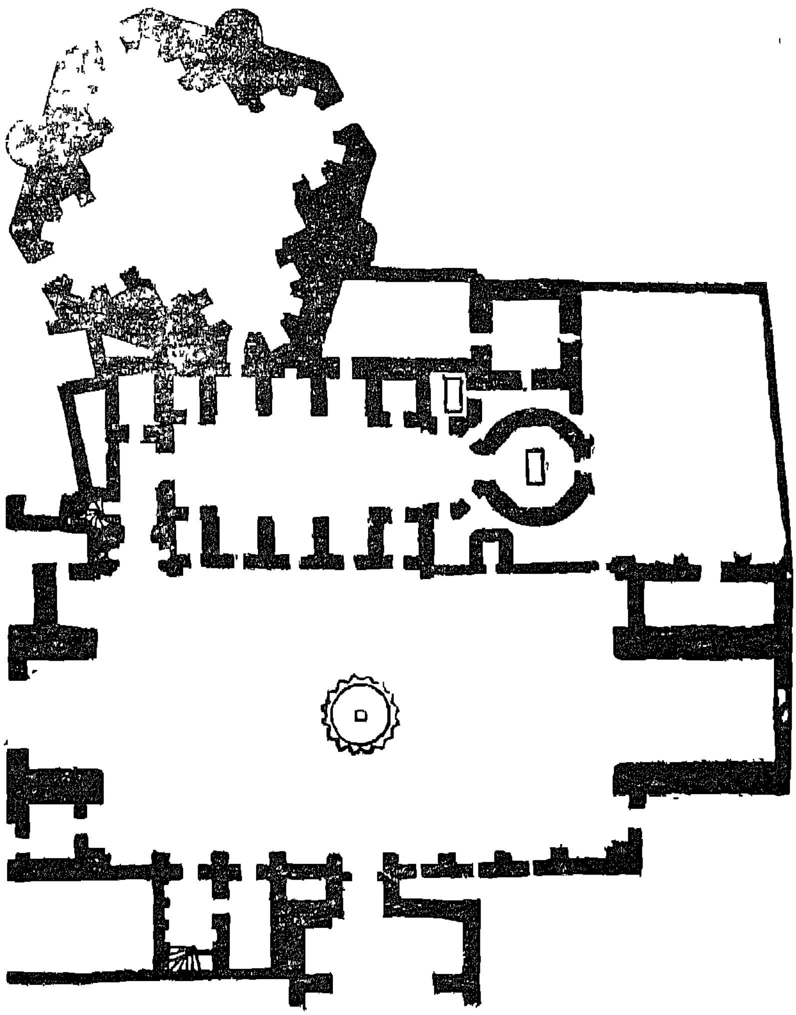
میباشد و نیز حیاط جلو آرا

راهروی کوچکی در سمت چپ بنا ساخته شده که از آن به تالار عبادت وارد میشوند. این تالار در نقرهٔ مشبکی دارد و قالی معروف اردبیل آنرا مفروش میکرد در طرفین این تالار طاقنماهائی است مانند لژ نمایشگاه در طرف دیگر این تالار شبکهٔ طلائیست که باطاق کوچکی مربوط میباشد و از آن به برج مقبره‌ای شیخ صفی وارد میشوند. در طرف چپ برج دیگری است که مقبرهٔ شاه اسمعیل میباشد و آن از چوب تیره رنگی تراشیده شده و با عاج و مروارید زینت یافته است

در پشت تالار عبادت اطاق گنبددار هشت گوشی است که در دیوارهای آن برای نگاهداری مجموعهٔ ظروف چینی وبلور جاهائی متناسب وبراحور ظروف تعبیه شده که اشیاء نفیس صنعتی مقبره را دراین اطاق نگاهداری میکردند. دور برج مقبره‌ای شیخ صفی از خارج کتیبهٔ بزرگ آجری است که نام الله با کاشی روی آن مکرر شده است کاشی‌کاری حیاط و سردر که در انتهای خیابان شیخ در مسافت کمی واقع شده فوق‌العاده زیبا است موزائیک کاری آن طرح قشنگی دارد و با دقت بریده شده و رنگهای گوناگون در آن بکار رفته دور سردر حاشیه ای مانند طناب ضخیمی از کاشی فیروزه رنگ ساخته شده است مقبرهٔ شیخ صفی نه تنها از لحاظ معماری جالب توجه است، بلکه بعضی از بزرگترین شاهکارهای صنعتی ایران که اکنون در نقاط مختلفه است سابقاً در این مقبره بوده

اصفهان از حیث معماری از همهٔ شهرهای دیگر ایران مهمتر است، زیرا بناهای زیادی از اعصار قدیم و عمارات بزرگی از دورهٔ صفویه دارد که اغلب با کاشی‌کاریهای زیبا تزیین شده. وقتی شاه عباس اصفهان را پایتخت خود نمود، نقشهٔ جدیدی برای شهر طرح کرد خیابان بزرگ ومعروف چهارباغ را او ساخت وطرفین آن‌را درختان چنار غرس نمود این خیابان به پل بزرگی که روی زاینده رود است منتهی میشود در وسط شهر میدان بزرگیست که مسجد شاه در سمت جنوب و قصر عالی‌قاپو در مغرب و مسجد شیخ لطف‌الله در مشرق ومدخل بازار در سمت شمال آن قرار دارد. این میدان محل چوگان بازی بوده و دروازه های سنگی که برای این بازی ساخته شده هنوز درطرفین میدان موجوداست قصر عالی‌قاپو ایوان بلندی در جلو دارد که اعضاء دربار در آنجا نشسته و بازی، مسابقه و سان

از زمان شاه طهماسب بنای مهمی باقی نمانده، زیرا او بصنایع تهیهٔ کتاب و قالی بافی بیشتر توجه داشت تا بساختن ابنیه. او مسجد و قصری در قزوین بنا نمود، ولی تقریباً چیزی از آنها باقی نمانده است. از ابنیهٔ مهم زمان این سلطان که تا کنون برپا میباشد، مقبرهٔ جدش شیخ صفی در اردبیل است. اگر چه سابقاً بناهائی در آنجا بود، ولی شاه طهماسب آنها را تکمیل و بهم مربوط نمود و تالاری برای عبادت ساخت که به برج مقبرهٔ شیخ صفی مربوط



نقشهٔ مقبرهٔ شیخ صفی در اردبیل

صحن مسجد ایوانی است و ایوانیکه بفضای زیر گنبد منتهی میشود در هرطرف منارهای دارد که از کاشی پوشیده شده این بنای عظیم در داخل و خارج از هرسمتی که بنظر آید با کاشی رنگی پوشیده شده کاشی موزائیك زیاد دارد و طرز عمل جدیدی که بنام کاشی هفت رنگ موسوم است دیده میشود و آن عبارتست از کاشیهای یك پارچهٔ بزرگ که روی آن طرحی نقاشی شده این طرز کار در زمان صفویه بوجود آمد والبته زودتر از کار کم زحمت موزائیك کاری پیشرفت نمود

سه قسم کاشی کاری مهم در این نوع تزیین معماری ایران مشاهده میشود

۱ ــ کاشی یکرنگ . با اینکه کاشیهای رنگ مختلف برای ایجاد نقشه روی آجر استعمال میشد ، ولی هرکاشی منفرداً یك رنگ معین داشت

۲ ــ کاشی موزائیك . کاشیهای رنگا رنگ را به قطعات کوچك بریده وآنها را طبق نقشه بپهلوی یکدیگر میگذارند این قطعات کوچك را وارونه قرار داده وپشت آنها را گچ میریزند ووقتی که گچ سفت میشود آن را روی دیوار نصب میکنند .

۳ ــ کاشی هفت رنگ روی کاشی ساده نقشهای برنگهای مختلف نقاشی نموده روی آنرا لعاب میدهند

ساختن سردرهای بزرگ که دارای کاشیهای نفیس است در عصرصفویه پیشرفت بسیار نمود زیر سم گنبد سردر را معمولاً با گچ مقرنس کاری نموده روی آنرا اغلب با کاشی تزیین میکردند این مقرنس کاری بوسیلهٔ تیرهای چوبی که به سقف گنبد وصل بود ساخته و آویزان میشد ترکیب سردر بزرگ و منارههای طرفین آن با صحن چهار ایوان و ساختمانهای اطراف آن و قرار دادن گنبد به نحویکه با کلیهٔ ساختمان متناسب باشد در معماری زمان صفوی بدرجهٔ کمال رسید اگرچه جنس و انتخاب رنگ کاشی بخوبی ساختمانهای عظیم زمان تیموری نیست ، ولی رویهمرفته ابنیهٔ کاشی کاری زمان صفوی در هیچ جای دنیا نظیر ندارد .

پل اللهوردی خان و پل خواجو که روی رودخانهٔ عریض زاینده رود ساخته شده ، بنای مهم دو طبقهای است که با آجر روی پی سنگی ساخته شده پل اللهوردی خان

قشون را از بالا تماشا میکردند سقف این ایوان از کاشی ساخته شده وطرحهای مسبع شکل دارد و شبیه طرح مشمع‌هائیست که امروز برای پوشش کف اطاق در کشور ها مغرب زمین ساخته میشود این عمارت هفت طبقه ودیوارهای آن نقاشی شده وبعضی اطاقهای آن دارای طاقچه‌های شیشه‌شان عسل میباشد در باغ پشت عالی‌قاپو قصر چهل‌ستون قرار دارد که بیست ستون چوبی بلند در ایوان آن است. وجه تسمیهٔ آن بچهل ستون آنست که عکس این بیست ستون در استخر جلوی آن منعکس شده و بدینطریق عدهٔ ستو بطر چهل میآید روی دیوارهای چهل ستون نقاشیهای بزرگی کشیده شده که مناظر جنگ و مهمانیهای سلاطین صفوی را نشان میدهد. نقاشیهای کوچك دیگری نیز روی دیوار کشیده شده که تصاویر آن سبك نقاشیهای مینیاتور است

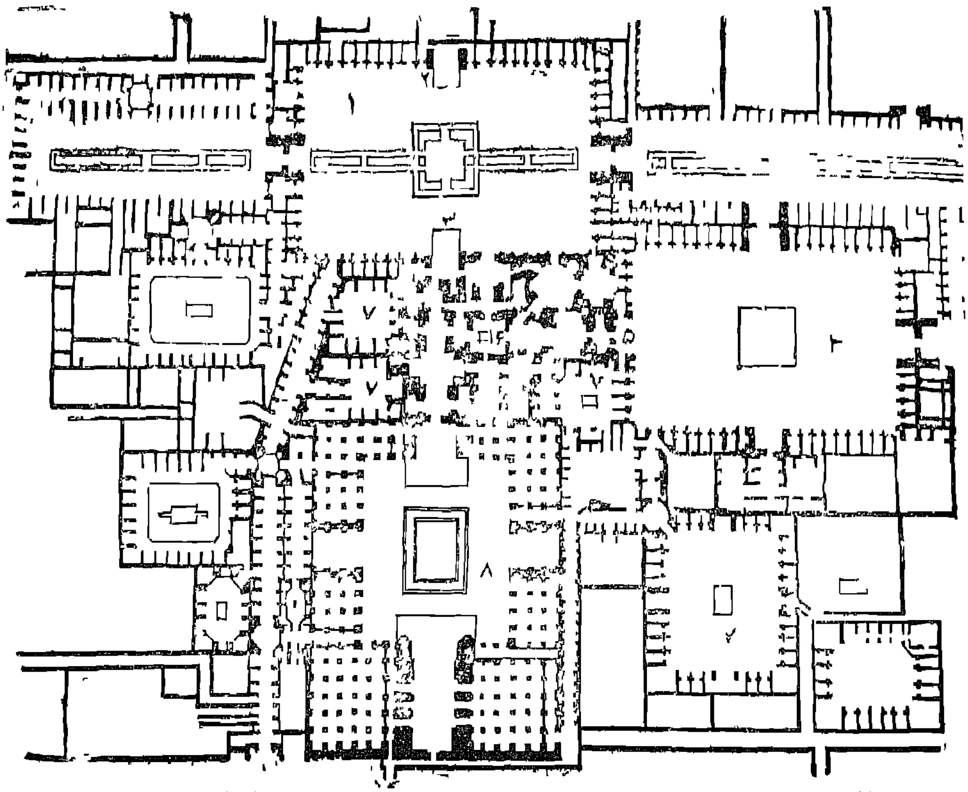
مسجد شیخ لطف‌الله در سمت مشرق میدان بزرگ واقع است و گنبد قشنگ دارد که از کاشی پوشیده شده و طرح آن نقش تاك با اسلیمی بزرگ است که تناسب کامل با شکل و اندازهٔ گنبد دارد. محوطهٔ زیر گنبد هشت قطعهٔ بزرگ کاشی موزائیك دا که دور آنرا کاشی فیروزه‌ای رنگ احاطه نموده است در این قطعه‌ها کتیبه‌هائیست که بهترین خط نوشته شده و حروف بلند سفید در مقابل کاشیهای زمینه سورمه‌ای نما قشنگی دارند.

در قسمت داخلی گنبد دروسط ستارهٔ بزرگ چند پره‌ای برنگ طلا است که نقش تاك مانند ترنج قالی معروف مسجد اردبیل پوشیده شده رنگهای فیروزه‌ای، سفید ها کستری کاشی داخل گنبد نمونهٔ خوبیست از استعمال رنگهای مختلف و از حیث تناسب کاشی‌کاری مشهور میباشد شیخ لطف‌الله پدر زن شاه عباس و این مسجد محل عبادت خصوصی سلطان بوده.

در سمت جنوب میدان سردر بزرگ مسجد شاه اصفهان دیده میشود که در هرطرف منارهٔ بزرگی دارد. از فضای زیر طاق بلند بوك سر کاشی‌کاری شخص بطرف راست برگشته و داخل صحن مسجد میشود. این صحن کاملاً درقسمت جنوب میدان قرار نگرفته بلکه درگوشه‌ای از آن تا اینکه محراب مسجد بطرف قبله قرار گیرد در هر چهار طرف

ساخته بوده این قصر روی تپهٔ بسیار قشنگی واقع شده بود پشت آن کوههای پوشیده از جنگل و درجلوی آن دشت پهناوری است که به دریای خزر منتهی میگردد در نزدیکی آن شهر خرابه‌های چند بنای صفوی دیده میشود، زیرا باغ وقصرها مسافت زیادی را اشغال کرده بوده

از زمان صفویه ابنیهٔ تاریخی زیاد دیگر در ایران وجود دارد، ولی فقط بذکر ساختمانهائیکه درمقبرهٔ امام رضا درمشهد بعمل آمده میپردازیم میگویندکه گنبد طلای معروف که فوق اطاق مقبرهٔ است بوسیله شاه طهماسب ساخته شده، ولی مسلم است که شاه عباس کبیر آنرا تعمیر کرده و اسم او در کتیبهٔ طلائی دور گلوی گنبد برده شده است



نقشهٔ آستانهٔ امام رضا در مشهد

۱ ـ صحن کهنه ۲ ـ ایوان عباسی ۳ ـ ایوان طلای نادری ۴ ـ صحن نو ۵ ـ ایوان طلای نادری ۶ ـ حرم ومرقد حضرت رضا ۷ ـ مدارس ۸ ـ مسجد گوهرشاد

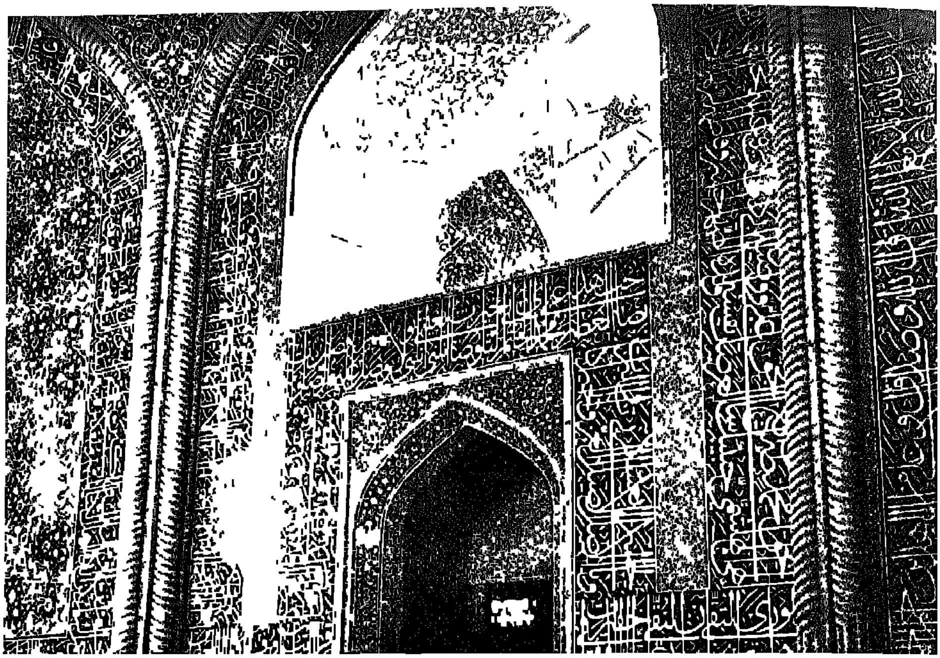
از کتاب « بحر عالم شیعه »

تقریباً ۳۰۰ متر طول دارد و در طرفین جادهٔ اصلی راهرو سرپوشیده ای برای پیاده رو ساخته شده طاقهای طبقهٔ پائین و بالا شکل قشنگی دارد. اطاقهائی برای استراحت و پلکانی نیز برودخانه ساخته شده پل خواجو دوباره در زمان شاه عباس ثانی ساخته شده و طاقهای آن با کاشی هفت رنگ زینت یافته است

شاه عباس کبیر در سراسر کشور ایران کاروانسراهای بزرگ که اغلب از آجر وگاهی از سنگ است ساخت این بناها بسیار محکم ساخته شده و محل توقف و استراحت کاروانهائی بود که مدام درکشورشاهنشاهی او مسافرت میکردند ساختمان آنها عبارت است از صحن مربع بزرگی که اطاقهای بزرگ وکوچك برای مسافرین و مکانهای مخصوص برای دواب دور آن ساخته شده در جلو آن سردر بزرگی است که عموماً کتیبهٔ سنگی دارند و اسم سلطان ، محل کاروانسرا و تاریخ بنای آن ذکر شده است در پای گردنهٔ شبلی که در سی و سه کیلومتری تبریز رو به تهران واقع شده ، شاه عباس ثانی کاروانسرائی ساخته که سقف آن از گنبد های کوچکی که روی طاقها قرار گرفته تشکیل یافته و خود کاروانسرا صحن ندارد ساختمان کاروانسراهای عصر صفوی بسیار محکم و بادوام است و اگرچه در این عصر موتوری زیاد مورد استعمال ندارد ، ولی بناهای تاریخی جالب توجهی است که در تمام ایران دیده میشود .

بنای جالب توجه دیگر در اصفهان مدرسهٔ شاه سلطان حسین در خیابان چهار باغ است ساختمان آن بسبك معمولی است ، یعنی صحن مربع چهار ایوانی میباشد دور صحن طاقنماهای دوطبقه ساخته شده ودرطرف قبله سردر بزرگیست که گنبدهای طرفین آن با کاشی پوشیده شده است این بنا نشان میدهد که در اواخر دورهٔ صفوی هنوز میتوانستند کاشیهای عالی بسازند .

مقبرهٔ میر بزرگ در آمل مازندران نمونه‌های چندین طرح کاشی‌کاری دارد . دیوار محوطهٔ زیر گنبد کاشی هفت رنگ دارد و رنگ اصلی آن زرد و دارای نقش تاك درشت است . رنگهای دیگر آن عبارتند از آبی ، سورمه‌ای ، سبز ، قهوه‌ای و سفید . یکی از قصرهائیکه مورد توجه شاه عباس بود قصری است که در نزدیکی بهشهر (اشرف مازندران)



کاشی‌کاری شگفت انگیز فضای زیر گنبد مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان
(عصر صفویه)



کاشی کاری طاقها و سقف مسجد شاه اصفهان با رنگها و نقشهای بسیار عالی
(از زمان شاه عباس کبیر)

سردر اصلی مقبره بصحن کهنه باز میشود میگویند که ساختمان آن در عصر تیموریان شروع شد، ولی بطورکلی قسمت مهم آن که فعلاً وجود دارد بوسیلهٔ شاه عباس کبیر ساخته شده کاشی‌کاری آن متجاوز از ۴۰ سال طول کشید و بالاخره در زمان سلطنت شاه عباس ثانی تمام شد در کتیبهٔ بزرگ ودور مدخل عربی اسم عایرضای خوش ونس بردهشده است دو منارهٔ طلا در اینجا وجود دارد که میگویند یکی را شاه سامان صفوی و دیگری را نادرشاه ساخته است.

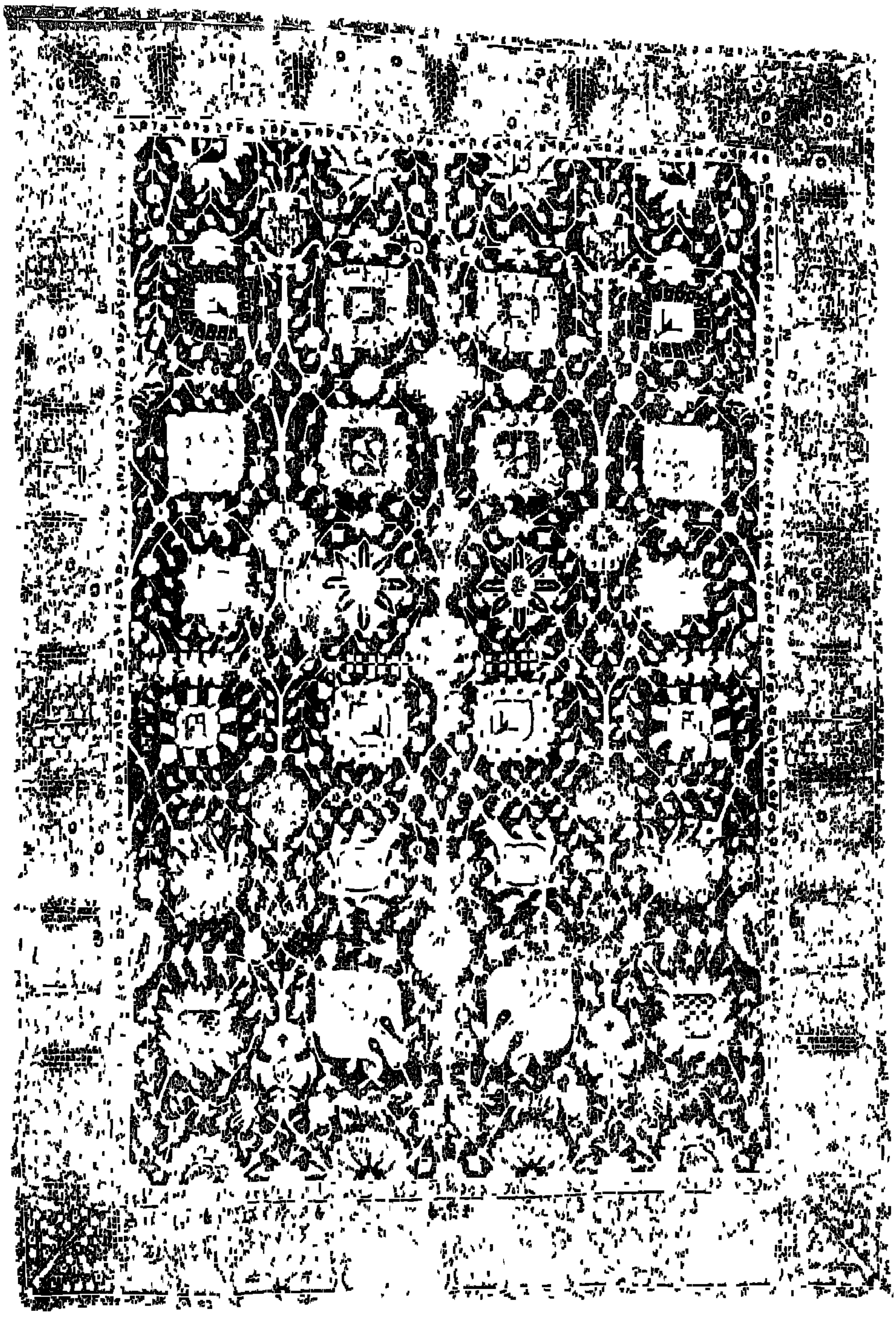
ایوان طلای عظیم صحن کهنه را میگویند اول شاه طهماسب ساخت، ولی بنام ایوان نادر شاه معروف است و احتمال میرود که بصورت فعلی نادر شاه آنرا ساخته باشد بعضی از بهترین نمونهٔ کاشی‌کاری سه دورهٔ تاریخی متوالی در مقبرهٔ امام رضا دیده میشود، زیرا مسجد گوهرشاد در زمان تیموریان، صحن کهنه در زمان صفویه و صحن نو در دورهٔ قاجاریه ساخته شده است

ظهور نادر شاه بسلطنت سلسلهٔ صفویه خاتمه داد او یکی از نوابغ ارتشی دنیا است واورا ناپلئون آسیا لقب داده‌اند. اما نادر حامی صنعت شمرده نمیشود، گرچه او پس از فتح هندوستان جرائن بسیاری با خود بایران آورد که تخت طاؤس مشهور از جملهٔ آن جرائن است. زرگری زمان نادر مشهور است و روی طلا نیز میناکاری میشد بعضی از قرآنهای نفیس مذهّب بزمان اونسبت داده میشود که ترجمهٔ فارسی آن بخط قرمز زیر خط عربی نوشته شده

کمی بعد از مرگ نادر، کریم خان زند در شیراز مستقر شد و در آن شهر عمارات بزرگی بنا نمود که باسم اومشهور است از جملهٔ آنها قصر، مسجد، حمام وبازاری است که بشکل علامت بعلاوه ساخته شده. از خصائص کاشی‌کاری این دوره استعمال نوعی رنگ گل سرخی است که درزمان قبل دیده نمیشود

در زمان صفویه پس از مدتی در ایران وحدت ملی تحت نظر یك سلسلهٔ ایرانی بوجود آمد وچون صلح و امنیت مجرر گردید، صنعت و تمدن درتمام مراحل زندگی از نو بوجود آمد و در راه ترقی و تعالی افتاد. ذوق و استعداد صنعتی ایران همچوقت مغلوب

نمیشود و هر وقت که فرصت پیدا میکنند زنده میگردد؛ همچون غنچه‌ای که به گل زیبائی کمال یابد چنانکه مشاهده شد منسوجات زری و بافتن قالی و قالیچه در زمان سلطنت طولانی شاه طهماسب باعلی درجهٔ ترقی رسید. در زمان شاه عباس کبیر صنعت در تمام قسمتهای مختلف ترقی و پیشرفت نمود. طرح و بافت ابریشم که با نخهای طلا و نقره بافته میشد با بهترین پارچه‌های دنیا رقابت و برابری میکرد. در زمان شاه عباس نیز معماری ایران به آن درجه ترقی رسید که میتوان آنرا دورهٔ تجدد معماری نامید، ولی قبل از آنکه سلسلهٔ صفویه منقرض گردد انحطاطی در تمام قسمتهای صنعت مشاهده میشود. با اینحال این دوره را باید یکی از بهترین و بزرگترین ادوار صنعتی ایران دانست.



قالی نقش اصفهان یا نقش شاه عباس از اواخر عصر صفویه

فتحعلیشاه در راه صنعت آرزوهائی داشت و مایل بود از حجاریهای بزرگ سلاطین ساسانی تقلید نموده نام خود را در صفحهٔ سنگ ثبت نماید بدین منظور یکی از حجاریهای بزرگ و گرانبهای ساسانی که در چشمه علی نزدیك طهران ساخته شده بود محو کرده تصویر خود و پسرانش را روی آن نقش نمود قدری بالاتر در همان دره در طرف دیگر قامهٔ قدیم ری فتحعلیشاه تصویر دیگری از خود حجاری کرده است در این حجاری وی براسب سوار و با نیزهٔ بلندی مشغول کشتن شیری است در حالیکه کاملاً خونسرد و بی توجه بنظر میآید در غار بزرگ طاق بستان نزدیك کرمانشاه تصویر فتحعلیشاه روی سنگی دیده میشود و نیز روی تخته سنگی نزدیك دروازهٔ قرآن در شیراز . بعضی از این حجاریها برنگهای مختلف رنگ شده است .

تصاویر نقاشی شدهٔ فتحعلیشاه بی زیاد است که هم روی کرباس برای تزیین دیوار و هم در روی مینیاتور کشیده شده است فتحعلیشاه تصویر خود را روی کاشی نیز ترسیم کرده این تصاویر شاه را با جواهرات زیاد نشان میدهد و باسلحه‌های مختلف مانند کمان ، شمشیر و خنجر مساح و عصای سلطنتی در دست دارد تصویر فتحعلیشاه را همه‌جا از ریش بلند و کمر باریك میتوان تشخیص داد

۱ ـ فلزکاری

زرگران دورهٔ قاجاریه ظروفیکه جنبهٔ صنعتی داشت ساخته و روی آنرا با مینا نقاشی کرده‌اند فابانهائی از طلا و نقره ساخته و روی آنرا طرحهای برجسته انداخته و با مینا و سنگهای قیمتی تزئین نموده اند

در اصفهان انواع و اقسام ظروف برنجی مانند سینی‌های بزرگ و کوچك ، قندیل یا چراغهای مشبك و انواع کاسه ، بشقاب ، شمعدان و غیره میساختند ظروف نقره نیز در اصفهان ساخته میشد و روی آن طرح گل و تصاویر وغیره نقش میکردند . تکه‌های کوچك فلز ، استخوان و غیره پهلوی یکدیگر قرار داده خاتم سازی میکردند یك قسم ظرف نقره در شیراز ساخته میشد که طرح گل و تاك بطور برجسته

فصل یازدهم

انحطاط صنعت در دورهٔ قاجاریه

قبل از انقراض سلسلهٔ صفویه انحطاطی در صنعت پیدا شد، ابتکار و احترا از بین رفت و صنعت رو به پستی نهاد. این انحطاط در دورهٔ قاجاریه ادامه داشت، ز سلاطین قاجار عموماً برعکس شاهنشاهان ادوار گذشته اغلب فاقد ذوق صنعتی بوده علاقهٔ زیادی نشان نمیدادند. البته قالی ایران مقام خود را در دنیا محفوظ داشت، و قالیهای این دوره هرگز قابل مقایسه باشاهکارهای عصر صفویه نبوده و از آنها پست‌تر است.

نقاشیهای بزرگ روی دیوار که در زمان قاجاریه کشیده شده گرچه اغلب به نقاشی اروپائی در آنها دیده میشود، قابل توجه نمیباشد. مینیاتور سازی این دوره نظیر سابق نیست. در بعضی نقاط ایران ظروف فلزی ساخته میشد و گاهی بدرجهٔ حقیقی صنعت میرسید، ولی این ظروف بیشتر نمایندهٔ مهارت و هوش کارگر است نه ذوق صنعتی.

بغیر از بعضی ابنیهٔ مذهبی دورهٔ قاجاریه معماری و عمارات قابل توجهی ندار در ابنیهٔ مذهبی به تزیین و کاشی‌کاری توجه زیادی شده و چندین گنبد طلا نیز در نق مختلف ساخته شده است. اگرچه این ابنیه تاحدی قشنگی و فریبندگی دارد، ولی بیش آنها تقلید از بناهای دوره های گذشته است و این تقلید هم اغلب پست تر از اصل است.

با وجود انحطاط سریع وفقدان ذوق صنعتی در این دوره، همیشه آن استعد وذوق صنعتی طبیعی دربین ایرانیان باقی مانده. آری صنعت در ایران هنوز زنده ولی درخو بوده وفقط منتظر و مترصد فرصت و وضعیت مناسب بود تا اینکه بار دیگر با تمام قو حدیتی که چندین مرتبه در تاریخ طویل صنعت ایران مشاهده شد، شکوفه کرده آثار صنعت گرانبهائی بوجود آورد.

ساروق — قالیهای قدیم این نقطه از محکمترین قالیهای ایران بشمار میرود نقشهٔ آن عبارتست از ترنجی در وسط و زمینهٔ باز که فقط از چند تصویر پوشیده میشد رنگهای آن خوب است و به رنگ سورمه‌ای و قرمز بیشتر اهمیت داده شده است

محلات — قالیهائی که معمولاً قالی محال نامیده میشود خیلی زیر بافته شده، ولی منظم و مرتب است نقشهٔ آنها عموماً گل و برگ است و رنگهای آن بیشتر به رنگهای تیره متمایل است رنگ قرمز متن برجسته ومتباین با رنگ سرمه‌ای حاشیه بوده

سرابند — قالیهای قدیمتر و خوش جنس‌تر این محل به قالیهای میر معروف است نقشهٔ آن بوته های سرمه‌ای است این بوته ها متن قالی را گرفته و ازجهت شباهت به اسم گلابی وبادامی معروف است حاشیهٔ آن نقشه‌ای از خطوط راه راه ونقش مو دارد

فراهان — قالیهای فراهان کرك کوتاه داشته و اغلب زمینهٔ سورمه‌ای دارند دوقسم نقشه در آنها دیده میشود یکی نقشهٔ ماهی که از ماهیهای کوچك که گاهی شکل برگ بخود بنظر میآید تشکیل یافته و دیگری نقش گلخانه است که از دسته های گل مرتب ترکیب شده است

اکنون بشرح مراکز دیگر قالی بافی خوب و مرکز ایران میپردازیم .

۱ / ۱۰ **کاشان** — در دورهٔ صفویه کاشان برای قالیهای ابریشمی معروف بود، ولی پس از صفویه تا مدتی صنعت قالی بافی در این شهر متروك شده بود تا اینکه در عصر حاضر قالی بافی در آنجا دوباره برقرار شده رواج یافت قالیهای کاشان از حیث بافت از بهترین قالیهای ایران است. نقشهٔ آن درهر دور بخوبی نمایان است، کرك آن کوتاه و معمولاً دارای نقش ترنجی در وسط ولچکهائی درگوشه میباشد واز پشم و ابریشم بافته شده است. ابریشم آنرا از سواحل دریای خزر می آوردند بعضی از قالیهای پشمی عالی را از پشم و نخ وارده از انگلیس بافته اند

جوشقان — جوشقان در دورهٔ قاجاریه برای یك نوع نقشهٔ مخصوص ترنج وسط و اشکال مستطیل معروف میباشد.

۱/۱ **اصفهان** — اصفهان مرکز قالی بافی مهمی نبوده، ولی دستگاههای قالی‌بافی آنجا

روی آنها نقش میشد طرز ساختن این ظروف معمولاً این بود که تیرهٔ نازك را روی قالب طرح دار حکاکی کرده و میکوبیدند و موضوعهای آنرا اغلب از حجاریهای تخت جمشید اقتباس میکردند

زنجان برای ساختن ظروف نقرهٔ نازك و معمول کاری معروف شده بود این ظروف طرحهای مفصل و مشکل را با مفتول خیلی نازك نقره میساختند . طلا و نقره کاری در تبریز نیز رائج بود بطوریکه در ساختن این اشیاء ابتکار نشان داده نشده ؛ بلکه بیشتر از طرحهای قدیمه تقلید گردیده و با اینکه سازندگان مهارت خود را نشان داده ولی چیزی که بتوان در درجهٔ کارهای صنعتی قرار داد بوجود نیامده است

۲ — قالی بافی

از صنایع ایران که در زمان قاجاریه در خارجه اهمیت داشت و مورد توجه بود قالی و قالیچه است ایران در این صنعت همیشه مشتریانی داشته و صنعت از کشور های دیگر نتوانسته اند با آن رقابت کنند در اینجا بطور اختصار انواع قالیهای مهم را که در این دوره بافته شده با ذکر محل آنها شرح خواهیم داد

بزرگترین مرکز قالی بافی ایران در زمان قاجاریه اراك و نواحی اطراف آن بوده است قالی بافی در حدود شهر سلطان آباد و بلوك اطراف رواج داشت قالیهای این منطقه را تجار قالی به چهار طبقه تقسیم میکردند بهترین قالیهائیکه در آن شهر یا در دهستان آن بافته میشد ساروق نام داشت قالی درجهٔ دوم را محال مینامیدند و قالیهای درجهٔ سوم را مشیرآباد میگفتند که چندان طراوتی نداشت و خشن بود آخرین قسم قالی باسم لیلاهان معروف بود که کرك بلند داشته و اغلب در دهات ارمنی نشین بافته میشد چون این قالیها برای مصرف تجارت وفروش ساخته میشد ، طرح ورنگ آنها را دلالها وتجار معین میکردند و قالیهای این ناحیه بهمین جهت خصائص اصلی و طرحهای قدیمی را از دست داده و قالی بافی از لحاظ صنعت به پست‌ترین درجه رسیده و بطور کلی جنبهٔ تجارتی بخود گرفت .

است این گلیمها را با رنگهای قشنگ میبافند و پشت و رو ندارد نقشهٔ ماهی زیاد بکار میرود در سنندج نیز قالی و قالیچه بافته میشود بعضی از آنها بسیار نازك و ظریف هستند و از خصائص آن گرهٔ مخصوصی است

کردستان ــ در **گروس** ومخصوصاً در **بیجار** قالیهائی بافته میشود که تار و پود آن هردو از پشم است این قالیها خیلی سخت و گاهی در موقع تا کردن می شکند نقشه آن عبارتست از ترنج وسط و لچکهائی بشکل همان نقش زمینه نقشهٔ ماهی دارد و طرحهائی که رنگ آن متمایز رنگ ترنج است قالیهای خشن دیگری که کرك بلند دارند در کوهستان کردستان و مخصوصاً آن ناحیه طرف کرمانشاه بافته میشد

( ) قالیهای خراسان یا **مشهد** از حیث جنس خیلی عالی است و سطح آنها از گلهای مناسب پوشیده شده و طرح ترنجی در وسط دارند درنقشهٔ بعضی قالیها تصویر حیوانات نیز دیده میشود و دیگر ترنج و لچکی و زمینهٔ ساده در بیرجند و سیستان نیز قالی بافته میشود، ولی قالیهای سیستان نسبه خشن و کرك آن بلند است

( ) قبائل چادر نشین نواحی خراسان قالیهائی میبافتند که نام قالی **ترکمن** یا **بخارا** معروف است . زمینهٔ این قالیها قرمز تیره ونقشهٔ آنها از یك سلسله کثیر الاضلاع تشکیل یافته و باسم نقشهٔ پای فیل موسوم است بعضی از این قالیها را به چهار قسمت کرده اند و آنهارا قالی چهار فصل مینامند قالیهای **بلوچ** نیز بوسیلهٔ قبائل چادر نشین بافته میشود زمینهٔ آنها مانند قالیهای ترکمن قرمز تیره است، ولی تُنلتر و نرمتر از آنها میباشد این قالیها طرحهای مختلف داشته و رنگ سورمه‌ای و قرمز تیره و رنگهای روشن در نقشه آنها بکار رفته است این قالی ها معمولی و قیمت آنها ارزان است

( ) **آذربایجان** از قرنها پیش برای صنعت قالی بافی مشهور بود در **تبریز** همه جور قالی به انواع و اقسام نقشه‌ها بافته میشود از حیث جنس نیز قالیهای مختلف درتبریز دیده میشود تار همهٔ آنها پنبه است قالیهای کهنهٔ تبریز اغلب دارای رنگ قرمز و نقشهٔ ترنجی هستند، ولی نقشهٔ مخصوصی نیست که بتوان آنرا نقشهٔ تبریز گفت . قالیهای ابریشمی از زمان پیش در تبریز بافته میشد، ولی ازحیث جنس بخوبی قالیهای ابریشمی

چند قالی جنس عالی بافته است و قالیهای آن معمولاً نقش شاه عباس دارند که همان ترنجها و گلهای شاه عباسی باشد

کرمان ـ قالیهای قدیمی معمولاً زمینهٔ روشن داشته و رنگهای آن طوری است که منظرهٔ روشنی بقالی میدهد . طرح و نقشهٔ آن اغلب عبارتست از درخت زندگی که گاهی در گلدان قرار داده شده و درختان سرو و نقشهٔ گل و برگ و تاك پیچ پیچ بعضی از قالیهای اعلا در نقشهٔ خود اشکال حیوانات دارند در رفسنجان وسایر نواحی کرمان نیز قالی بافته میشد

شیراز ـ قالیهای معروف به شیراز اغلب بوسیلهٔ قبائل قشقائی وچادرنشینهای دیگر بافته میشود این قالیها خیلی نرم و شل بافته شده است و معمولا ترنجهای لوزی شکلی در وسط مکرر شده رنگهای آن اغلب جالب است و رنگ سورمه‌ای وقهوه‌ای بعلاوهٔ رنگهای روشنتر که متناسب آن است بکار رفته

همدان ـ در همدان و دهستان اطراف آن قالیهای زیادی بافته میشود قالیهای قدیم این ناحیه خصائص مخصوص بخود داشته و زمینهٔ آن با پشم شتر بافته شده . از این قالیها فعلاً در ایران کمتر پیدا میشود و آنهارا معمولاً بشکل کناره میساختند قالیهای کوچکی که بنام قالیهای موصل معروف است نیز بافته شده این اسم فقط از لحاظ اندازه بآنها الحاق میشد که از قالیهای دو ذرعی قدری کوچکتر است

ملایر ـ در نواحی ملایر قالیهائی بافته میشد که شبیه قالیهای همدان و مخصوصاً اراك است ملایر بین این دو شهرستان واقع است قریهٔ درجزین برای رنگ قالی خود معروف است علت آنکه رنگ قالی آن خوب بعمل میآید خوبی آب آنجا است ، زیرا در شستن پشم تأثیر دارد و رنگ آنرا خوب نمایش میدهد بطور کلی میتوان گفت که خوبی وبدی آب درقالیهای ایران تأثیر زیاد دارد ، زیرا پشم را باید خوب بشویند تا برای گرفتن رنگ حاضر شود و برای این منظور آب باید صاف و بدون مواد معدنی باشد

سنه که اکنون به سنندج موسوم است ، مرکز بهترین گلیمهای ایران



تصویر نقاشی فتحعلی شاه از عصر قاجار

کاشان نسبت روی الغلب آنها تصاویری نقش شده است

هریس ـ قالیهای هریس از بهترین قالیهای نواحی تبریز است این قالیها سنگین و کلفت و برای دوام خود مشهور میباشند زمینهٔ آنها معمولاً برنگ قرمز روناسی است که از ریشهٔ گیاهی که در آن نواحی میروید گرفته میشود رنگ این قالیها ثباتی و اصل است و طرح و نقشهٔ آنها اغلب اشکال هندسی است که با خطوط مستقیم کشیده شده و عموماً دارای ترنجی نیز میباشند قالی بافان هریس و نواحی آن نقشهٔ کشیده ندارند بلکه نقشه را از حفظ داشته و از روی فکر طرح آنرا میسپارند هریس مانند سایر نقاط مشهور قالی بافی ، برای شستن پشم آب خوب دارد

گوراوان ـ قالیهای گوراوان در قریه‌ای باین اسم و نقاط دیگر اطراف هریس بافته میشود نقشهٔ آنها همان نقشهٔ قالیهای هریس یعنی اشکال هندسی است ، ولی بخوبی قالیهای خود هریس نیستند

بخشایش ـ قالیهای قدیم بخشایش بهتر از قالیهای جدید است واکنون این اسم به نوعی قالی اطلاق میگردد که شبیه قالی گوراوان است

قره‌جه ـ قالیهای قره‌جه در ناحیهٔ قره‌داغ شمال تبریز بافته میشود این قالیها معمولاً کوچك و بشکل کناره هستند ودر وسط ترنج لوزی یا ستاره‌ای شکل مکرر دارند . رنگ زمینهٔ آنها معمولاً سورمه‌ای یا قرمز است .

سراب ـ قالیهای این ناحیه را معمولاً سرابی مینامند . اینها کناره‌های ضخیمی هستند که تار آنها پشم و زمینهٔ آن با پشم شتر بافته شده و در وسط نقش ترنج لوزی شکل مکرر شده است .

نیز کناره هائی که در **اردبیل** بافته میشد نقشه های مختلف داشته و برای رنگ آمیزی مشهور بودند اغلب زمینهٔ آنها قهوه‌ای کم رنگ یا تیره رنگ است اخیراً بافتن این جنس قالی از بین رفته است .

در زنجان در دورهٔ قاجاریه قالیهای کوچك بافته میشد . در این قالیها رنگهای جوهری بکار میرفت و خوب بافته نمیشد این رنگهای شیمیائی که از خارجه بایران وارد

میشود از رنگهای نباتی اصل که در ایران میسازند ارزانتر است استعمال رنگهای مصنوعی و شیمیائی که در دورهٔ قاجاریه مرسوم گردید، ضرر و لطمهٔ بزرگی بهشهرت قالیهای ایران در دنیا وارد آورد خوشبختانه استعمال رنگهای جوهری قدغن شده است در سالهای اخیر در ریحان قالی کم بافته میشود

از حیث تنوع در نقشه، رنگ آمیزی و مهارت در بافتن قالی و قالیچهٔ ایران حتی در دورهٔ قاجاریه که صنعت رو به پستی رفته بود در دنیا نظیر نداشت قالی خوب ایران مانند قطعهٔ شعر زیبائی است که بافندهٔ آن مانند شاعر جمال طبیعت را ترجمه و صورت شیء زیبائی در آورده که هم قشنگ و هم قابل استفاده است

۳ — معماری

در این دوره بعضی ساختمانهای بزرگ شده که نباید از ابنیه و ابتکارهای ادوار گذشته است . معماران این عصر هر موقع سعی کردند که ابتکار بخرج داده و ازخود بنائی بسازند، ولی موفق نشده و نتیجهٔ مطلوب نگرفته‌اند بعلاوه اغلب کارهای آنان از روی دقت انجام نشده و فاقد مهارت فنی هم بوده است در کاشی کاری طرحهای تازه و ترکیب رنگهای جدیدی بوجود آمد، ولی از کارهای دوره‌های قبل خیلی پست تر است و علت آن بیشتر عدم ذوق صنعتی میباشد طرحهائی مانند خوشهٔ بزرگ انگور، عماراتی بسبك فرنگ و تصاویری ملبس بلباس آن زمان روی کاشی ساخته شده است، ولی همهٔ اینها فاقد طراوت و قشنگی نقشهای پاك و برگ و گل و کتیبه‌های عالی ازمنهٔ قبل میباشد

در تهران و اطراف آن دو نمونهٔ مهم از معماری قاجاریه دیده میشود یکی مقبرهٔ حضرت عبدالعظیم است که بنای مقبره و گنبد طلای آن قابل توجه است، ولی نقصهای این زمان در تنزل سبك کاشی‌کاری و کثرت استعمال رنگهای روشن مشاهده‌میشود . بناء دیگر قابل توجه عصر قاجاریه مسجد سپهسالار جدید تهران است . بااینکه اغلب کاشی‌کاری آن از کاشی معروف به هفت رنگ است، ولی بعضی نمونه های کاشی کاری معرق (موزائیك) دیده میشود که خوب ساخته شده است . در مقابل این کاشی کاری خوب



آفتابه لگن طلای میناکاری از عصر قاجار
(متعلق به دولت شاهنشاهی ایران)

و تزیین آن مهارت زیادی بکار رفته است

مقبرهٔ امام رضا درمشهد شامل نمونه های معماری دنج قرن است صحن های وسیع آن ، کاشی کاری اعلا ، دو ایوان بزرگ ، مناره های بلند و گنبد طلا ، مساجد بزرگ آن ، مدرسه و بناهای دیگر که در اینجا گنجایش وصف آنها نیست ، از بهترین مجموعهٔ معماری دنیا ومورد توجه دانشجویان صنعت ومعماری است (به شکل صفحهٔ ۲۰۷ مراجعه شود)

اگرچه انحطاط صنعت در زمان قاجاریه ادامه یافته به درجهٔ پست رسید ، ولی تاریکترین ساعتها همیشه قبل از طلوع فجر است و شب تیره و تار صنعت و فرهنگ قاجاریه زمینهٔ مناسبی بود برای طلوع عصر منعشع اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی ، تا دورهٔ همایونش باجلالتر و با شکوه‌تر جلوه نماید .

مقدار زیادی کاشی‌کاری بد شده است صنعت رنگ آمیزی از بین رفته رنگ کاشی بیشتر قرمز و صورتی و سفید است در حالیکه درآفتاب درخشان ایران رنگهای قدیم مانند فیروزه‌ای و سورمه‌ای مطلوبتر است ساختمان مسجد زیاد محکم نیست و برای محکم کردن این بنا درجاهائیکه شروع بخراب شدن بوده، تیرهای آهن بکار برده شده

طرحهای داخل گنبد متناسب با گنبد نیست و در قسمتهای دیگر همین نقص دیده میشود، ولی روی‌هم‌رفته نقشهٔ مسجد سپهسالار برای یک بنای عظیم و مجللی مانند این مسجد خوب است و گنبد و مناره‌های آن از دور منظرهٔ جالب توجهی دارند

سلاطین قاجاریه چند گنبد طلا در بعضی از اماکن مقدسهٔ عراق عرب و گنبد طلائی در مقبرهٔ حضرت معصومه در قم ساخته اند. شاه عباس ثانی و بعضی از سلاطین و اشخاص مهم دیگر در مقبرهٔ حضرت معصومه مدفون هستند این مقبره مانند مقبرهٔ امام رضا فضای بزرگی دارد و علاوه بر گنبد طلا مناره‌های بلند و کاشی‌کاری زیاد دارد

در سراسر کشور ایران بناهای مذهبی زیادی از عهد قاجاریه دیده میشود یکی از بهترین ابنیهٔ این دوره مسجد شاه سمنان است که در زمان فتحعلیشاه ساخته شده معمار و سازندهٔ آن صفرعلی اصفهانی بوده که نامش در قسمتی از بنا حک شده است کتیبهٔ بزرگ ایوان آنرا محمد اصفهانی امضا نموده و تاریخ آن ۱۲۴۳ هجری (۱۸۲۷ میلادی) است سازندهٔ کاشی های رنگی محمدعلی کاشی‌پز نام داشته در سنندج مسجد کوچکی است که در زمان قاجاریه ساخته شده که نمایندهٔ ظرافت و نیز نواقص معماری این دوره است.

بهترین نمونهٔ معماری عصر قاجاریه شاید صحن نو مقبرهٔ امام رضا در مشهد باشد که بنا و کاشی کاری آن در زمان فتحعلیشاه و ایوان طلای سمت غرب در زمان ناصر الدین شاه ساخته شده. در کاشی‌کاریهای صحن نو رنگهای مختلفهٔ آبی بیش از رنگ صورتی که در کاشی کاریهای تهران دیده میشود و متعلق به اواخر دورهٔ قاجاریه است استعمال شده علت آنکه در کاشی کاری صحن نو سلیقه نشان داده شده و نسبةً خوب است، شاید این باشد که صحن کهنه که در زمان صفویه ساخته شده در نزدیکی آن واقع و نمونهٔ خوبی بوده است ولی نباید انکار کرد که صحن نو دارای ظرافت و زیبائی است ودر ساختن

ایجاد اشیاء صنعتی عالی لازم است نیز موجود میباشد در صورتیکه مشتریانی یافت شوند که خریدار چنان شاهکارهای صنعتی باشند ، اشیاء صنعتی که با بهترین اشیاء فلزی قدیم برابری کند بدست خواهند آورد فعلاً بیشتر اشیاء وظروف برنجی ونقره که درایران ساخته میشود برای منظور تجارتی ورفع احتیاجات روزانه است و بدین جهت با سرعت وار روی طرحهای معینی ساخته میشود .

آموزشگاه صنایع دولتی در تهران بسیاری از طرحها و نقشه‌های کاشی‌کاری گذشته را تقلید نموده و نقاشیهای دیوار ومینیاتورهای خیلی خوب ساخته است پارچه‌بافی با دست از روی اسلوب قدیم ادامه داشته و ثابت میکند که استعداد فنی دوباره بعرصهٔ ظهور آمده و فقط محتاج نقشه و طرح صنعتگران بزرگ است تا پارچه‌هائی بافته شود که در ردیف پارچه‌های ادوار گذشته باشد .

سفال سازی در اصفهان و سایر نقاط مجدداً احیا شده و ظروف زیبائی ساخته شده است رو بهمرفته چون ظروف سفال هنوز فقط برای استفادهٔ مادی و رفع احتیاج ساخته میشود بخوبی سفال گذشته که در تمام دنیا بی‌نظیر بوده نمیباشد

نقاشی عصر حاضر دو جنبه دارد یکی آنست که عقائد و اصول تصویرسازی و نقاشی فرنگی را تعقیب کرده ، ولی موضوعهای ایرانی کشیده میشود ، دوم آنکه سبك و روش مینیاتور سازی قدیم ایران را احیاء نموده و تعقیب میشود در قسمت مینیاتورسازی بعضی کارهای خوب کشیده شده است کتاب رباعیات عمر خیام که در نیویورك بچاپ رسیده مینیاتورهای رنگی خوب دارد بعضی از نقاشان معاصر سبك مینیاتور سازی قدیم ایران‌را با طرز نقاشی طبیعی اروپا توأم کرده‌اند

گرچه اینها چیزهای قابل توجهی بوجود آورده اند ، اما هنوز منتظر تجدد صنعتی عالی در نقاشی باید بود در اصفهان صنعتگرانی هستندکه مینیاتورهای ظریف روی عاج ، استخوان و صدف میکشند جلد کتاب ، جعبهٔ مقوائی و درهای چوبی ساخته شده که روی آنها بسبك مینیاتورسازی نقاشی شده است دست بندهائی که از عاج یا صدف ساخته وروی آنها را مینیاتورسازی‌میکنند اخیراً درایران زیاد معمول شده وبعضی ازآنها

فصل دوازدهم

خاتمه

این کتاب که تاریخچهٔ مختصری از صنایع ایران است با این فصل خاتمه مییابد، زیرا تاریخ شامل زمان حال نمیگردد. شرح مفصل صنعت و معماری دورهٔ حاضر موضوعی جالب توجه است، ولی آن خود بحث فصل وجداگانه‌ایست که ازحدود کتاب ما خارج، ولی لازم است در خاتمه چند کلمه در باب وضع عمومی صنعت در دورهٔ معاصر سخن گفته و اظهار امیدواری کنیم که روح وعلاقهٔ جدیدی که بوجود آمده سبب احیاء صنعتی شود که با شکوه و جلال ادوار گذشته رقابت و برابری نماید.

اداره‌ای بنام باستان شناسی تحت نظر وزارت معارف تشکیل شده و بسیاری از بناهای معماری قرون قبل را بنام آثار ملی ثبت نموده و از خرابی آنها جلوگیری و ممانعت بعمل میآید. آثار قدیم که مرمت لازم داشته تعمیر شده و این تعمیر ها که در چند سال اخیر صورت گرفته ثابت میکند که صنعت کاشی کاری و طرز قراردادن آنها هنوز درایران وجود دارد و کاشی کاری معرق (موزائیك) این عصر با کاشی کاریهای زیبای گذشته رقابت و برابری میکند. مجله‌ای از طرف ادارهٔ باستان شناسی بنام « آثار ایران » منتشر میشود و توجه علما و دانشجویان جهان را به صنعت ایران جلب نموده و در آن مقاله‌هائی در خصوص صنعت و آثار معماری ایران نگاشته میشود. این اداره مشغول جمع‌آوری نمونهٔ شاهکارهای صنعتی ایران از تمام ادوار گذشته میباشد وآنها را در موزهٔ ملی بمعرض نمایش خواهد گذاشت. این موزه بموقع خود مرکز علاقهٔ عامی دانشجویان ایران و دانشجویان این رشته در تمام دنیا خواهد شد.

فلزکاری دراغلب شهرهای ایران رواج دارد و مهارت و ذوق صنعتی که برای

در معماری ایران بوجود آید که دارای خصائص مخصوص ایرانی بوده و زیبا و قابل استفاده و محکم باشد

بنظر میآید که در عصر حاضر عناصر لازم برای یك تجدد بزرگ صنعتی موجود است در طی فصول این کتاب مشاهده کردیم که چگونه استعداد صنعتی این کشور با وجود تهاجم و لشکر کشی‌ها و حوادث و اتفاقات دیگر از بین نرفته و ذاتی و جبلی ملت ایران است مهارت فنی و روح صنعتی وجود دارد و این مطلب بوسیلهٔ کار های متعدد صنعتی که در عصر حاضر انجام داده شده ثابت میگردد بعلاوه تاریخ این کشور نشان میدهد که صلح و امنیت ورفاه اقتصادی همیشه با ایجاد کارهای بزرگ صنعت ومعماری توأم بوده است سلطنت اعلیحضرت همایون رضاشاه پهلوی چنان امنیت و رفاهی باهالی این کشور بخشیده که انتظار همه گونه پیشرفت و احیاء بزرگ صنعتی در این کشور میرود

از اساس و لوازم این پیشرفت معرفت بکار های گذشتهٔ صنعتی در زمان قبل است این کتاب کوچك سعی میکند که در این راه خدمتی نموده باشد اخیراً در بین ملل اروپا و امریکا علاقهٔ زیادی به صنعت و معماری ایران پیدا شده ونمایشگاههای بزرگی مانند نمایشگاه صنایع ایران در لندن و انجمن‌هائی مانند کنگرهٔ لنین‌گراد تشکیل یافت در پاریس کنگره‌ای از علماء و ایران شناسان با پنج نمایشگاه از صنایع ایران در تمام‌ادوار تشکیل گردید کتاب صنایع ایران بتألیف پرفسور پوپ منتشر ودر چاپخانهٔ دانشگاه اکسفورد تحت چاپ است این کتاب مقاله های متعدد دارد که بقلم متجاوز از یکصد نفر از علماء و اهل فن است ودارای هزاران تصاویر مختلف میباشد تـا بحال کتابی باین تفصیل و اهمیت در بارهٔ صنعت هیچ ملتی نوشته نشده البته کشور ایران باید درقدردانی ومعرفت راجع بصنعت خود از ملل دیگر عقب نماند . جلال و شکوه گذشته باید قلب هرایرانی میهن دوست را شاد کرده و یکی از شرائط مهم میهن پرستی باید معرفت در بارهٔ شاهکارهای صنعتی گذشته باشد .

در تعلیم و تربیت و برنامهٔ تحصیلات ایران باید تدریس صنایع و فنون اضافه

را جلی خوب ساخته‌اند

در قسمت قالی بافی ترقی محسوسی مشاهده میشود و دو عامل مهم موجب آنست اولاً اینکه در صادرات قالیهائیکه رنگ جوهری دارند مالیات سنگینی بسته شده و ثانیاً طرحهای مخصوص ایران و رنگ آمیزی قدیم تشویق شده است با وجود این صنعت قالی بافی هنوز از حیث جنس و رنگ و نقشه، زیاد تحت تأثیر تجارتی میباشد بعضی قالیهائیکه اخیراً در ایران و مخصوصاً در تبریز بافته شده در نهایت خوبی است و از حیث ظرافت بافت با قالیهای قدیم برابری میکند برای بافتن آنها نخ پشمی نازك از نقاط دور مانند یزد و نخ ابریشمی از نقاط مختلف ایران میآورند این قالیها ثابت میکنند که صنعت قالی بافی خصائص قدیمی خود را از دست نداده و هنوز قالیهائی میتوان بافت که از حیث مهارت فنی با بهترین قالیهای دوره های گذشته رقابت و برابری کنند

اگرچه دورهٔ ساختمانی عصر حاضر با ساختن جاده‌ها، کارخانه ها و راه آهن که از مهمترین و اولین لوازم و احتیاجات احیاء زندگانی اقتصادی کشور است شروع شده، ولی در قسمت معماری نیز کارهای زیادی شده است مقدار زیادی از عمارات و ابنیهٔ امروز بسبك معماری فرنگ ساخته شده و با عناصر معماری ایرانی توأم و ترکیب گشته است بناهائی نیز ساخته شده که کاملاً با اسلوب واصول معماری ایرانی مطابقت دارد و درعین حال دارای همه گونه لوازم راحتی احتیاجات زندگانی جدید میباشد از جملهٔ آنها چهار بنا در تهران برجسته است در میان اولین بنائیکه بسبك معماری قدیم ایران ساخته شده بنای مرکزی کالج البرز است عمارت بانك شاهنشاهی ایران از ابنیهٔ زیبائیست که با اصول معماری قدیم ایران ساخته شده و آجر و کاشی در ساختن آن ترکیب یافته. عمارت بانك ملی ایران طرحهای قدیم را با اصول جدید و عناصری از معماری شوش و تخت جمشید توأم نموده در ساختن موزهٔ ملی از طاق هلالی ابنیهٔ ساسانی تقلید شده و در ضمن برای اینکه اشیاء نفیسه خوب نمایانده شود روش جدیدی برای روشنائی بکار برده شده است از ترکیب اصول این ابنیه و ساختمانهای دیگر شاید سبك جدیدی

مارا به کمال مطلوب و سرمنزل حقیقی زندگی برساند همانطور نیکی یکی از عوامل اصلی در رساندن شخص به زندگانی عالی میباشد درصورتیکه بدی بلندی روح را از بین برده و بشررا در ردیف حیوانات میکشاند حس زیبائی، قدردانی جمال و ذوق و سلیقه در تبدیل آن به شاهکارهای صنعت باید با راستی و نیکی توأم باشد این عناصر تنها پایهٔ اصلی زیبائی میباشند تا تشکیل تمدنی دهند که قابل دوام و بقاء باشد.

پایان

شود و تمام دانش‌آموزان لازم است از این قسمت تاریخ کشور خود آگاهی یافته و تعلیم داده شوند استعداد و پیشوائی ایران در دنیای صنعت مورد تصدیق همهٔ علماء و اهل فن است پروفسور پوپ میگوید « صنعت اساسی‌ترین و مهمترین فعالیت قوم ایرانی بوده و گرانبهاترین خدمت آنان به تمدن دنیا است و تاریخ صنعت ایران بسیاری از مسائل تاریخ فرهنگ بشری را روشن میسازد »

بنا براین بر هر دانشجوی ایرانی واجب است که از تاریخ صنعت خود آگاه باشد نه تنها تمام مردم تربیت شدهٔ ایران باید از صنعت ایران و تاریخ آن اطلاع داشته باشند ، بلکه ایران باید اهل فن و علمائی در این رشته تربیت و تهیه نماید نمابای زیادی از ما قبل تاریخ در ایران تهیه است و شاهکارهای بزرگ ادوار گذشته در این کشور فراوان و همه جور وسیلهٔ مطالعه و تحقیق فراهم است بعلاوه موزهٔ دولتی در تهران مجموعه‌ای خواهد داشت که نظیر آن در هیچ نقطهٔ دنیا دیده نخواهد شد در اینجا جوانان ایران نمابای ادوار گذشته را دیده و مطالعه خواهند نمود و از این اطلاع وعلم براحوال گذشته نوری خواهد درخشید که راه انجام کارهای بزرگ را درآتیه روشن خواهد نمود وقتی که صبر و حوصله و مهارتیکه در ساختن قالیهای ایران و بناهای پر از کاشی بکار رفته در قسمت تفحص و تحقیق بکار افتد ، این کشور از پیشوایان بزرگ علم وتربیت دنیا خواهد شد

عشق به زیبائی و جمال در تمام ادوار موضوع اصلی صنایع ایران بوده است زیبائی و جمال طبیعت ملاحظه و به طرحها و نقشه‌هائی که بتوان آنرا بوسیلهٔ اشیاء صنعتی نمایاند تبدیل شده است قدردانی وعلاوه به‌چیزهای عالی زندگی علامت ترقی و فرهنگ است فرهنگ و تمدن حقیقی بسته به منش و سیرت نیکو است و ایمان بخدا و محبت و خدمت بنوع تنها اساس منش و سیرت پسندیده است . عقلا و علماء ازمنهٔ گذشته کمال مطلوب زندگانی عالی را در سه چیز دانسته اند ، نیکی ، راستی و زیبائی . صنعت یکی از عوامل بیان زیبائی است و بنا بر این از عناصر اصلی زندگانی عالی و تمدن است . ولی در صنعت مانند همه چیز دیگر فقط راستی قابل دوام و بقا است و چیز نادرست نمیتواند

آثار ایران، تألیف آندره گدار چاپ پاریس
(Athar-e Iran Annales du Service Archeologique de l'Iran Paris Librairie Orientaliste Paul Geuthner M André Godard (Ed))

باستان شناسی و اعصار قدیمه

یادداشتهای هیئت باستان شناسی در ایران تألیف ج دومرگان چاپ پاریس
(Memoires de la délégation en Perse J de Morgan Volumes I - XIII From 1899 Paris)

آثار عتیقهٔ ایران و حفریات شوش، تألیف م دیولافوی چاپ پاریس
(L'Art Antique de la Perse M Dieulafoy Paris 1884-5 L'Acropole de Suse M Dieulafoy Paris, 1890)

حفریات ترکستان، تألیف ر پمپلی چاپ واشنگتن
(Explorations in Turkistan, Expedition of 1904 Prehistoric Civilizations of Anau Raphael Pumpelly Two volumes Washington, D C, 1908)

حفریات تپهٔ حصار دامغان، تألیف دکتر اشمیت چاپ فیلادلفیا
(Tepe Hissar Excavations at Damghan Preliminary report in the Museum Journal No 4, 1933, Complete Report Dr E F Schmidt University of Pennsylvania, Philadelphia)

آثار ماقبل تاریخ ایران، تألیف دکتر هرتسفلد چاپ برلن
(Vorgeschichtliche Denkmaler Ein steinzeitlicher Hugel bei Persepolis Dr Ernst Herzfeld, Berlin)

حفریات تپه گیان نزدیک نهاوند، تألیف ج کنتنو و ر گیرشمان چاپ پاریس
(Fouilles du Tepe Giyan près de Nehavand, 1931-1932 G Contenau et R Ghershman Paul Geuthner Paris, 1935)

گزارش حفریات تپهٔ سیالک نزدیک کاشان، تألیف ر گیرشمان چاپ پاریس
(Rapport Preliminaire Sur Les Fouilles de Tepé Sialak près de Kashan R. Ghershman Paul Geuthner, Paris, 1935)

صورت کتاب ها

(Bibliography)

از میان کتبهای زیادی که بزبانهای اروپائی درباره صنایع، معماری و باستان شناسی ایران نوشته شده چند کتاب زیرین که بسیار مهم است مورد استفاده مؤلف بوده

صنایع ایران

صنایع ایران در شش جلد، تألیف پروفسور پوپ، چاپ لندن
(The Survey of Iranian Art Six Volumes and Index Oxford University Press London, 1938 Edited by Arthur Upham Pope)

دائره المعارف اسلامی، در چهار جلد، چاپ لیدن و لندن
(The Encyclopaedia of Islam Leyden and London, 1908 to 1936 Four Volumes and Supplement)

تاریخ ایران، تألیف سایکس چاپ لندن
(A History of Persia Sir P M Sykes McMillan Co London, 1915.

عتیقهٔ ایران، تألیف دکتر ارنست هرتسفلد چاپ لندن
(Archaeological History of Iran Dr Ernst E Herzfeld. The Early Periods up to the Sassanian Oxford University Press London, 1935)

مقدمهٔ صنایع ایران، تألیف آرثر پوپ چاپ لندن
(An Introduction to Persian Art. Arthur Upham Pope. Peter Davies, London, 1930)

صنایع تزیینی عصر اسلام، تألیف دکتر م س دیمند چاپ نیویورک
(A Handbook of Mohammedan Decorative Arts. Dr. M. S. Dimand. Published by the Metropolitan Museum of Art. New York, 1930.)

صنایع ایران، تألیف دنیسن راس، چاپ لندن
(Persian Art. Various Writers Edited by Dennison Ross. Very brief. Luzac and Co. London, 1930.)

مینیاتور سازی ایران، تألیف آرمناك بی ساکیسیان چاپ پاریس
(La Miniature Persane du XIIme au XVIIIme siècle Armenag Bey Sakisian. Paris, 1929)

مینیاتور سازی اسلامی ایران، تألیف و شولز چاپ لیپزیك
(Die persische-islamische Miniaturmalerei Ph Walter Schulz Leipzig, 1914)

نقاشی ایران، تألیف بازیل گری چاپ لندن
(Persian Painting Basil Gray Ernest Benn Ltd London, 1930)

مجموعهٔ نقاشی ایران، تألیف لارنس بینیون و ج و ویلکینسن. چاپ لندن
(A Book of Persian Paintings Laurence Binyon and J V S Wilkinson Oxford University Press, London, 1930)

بهزاد و نقاشیهای او در ظفرنامه، تألیف سر توماس آرنولد چاپ لندن
(Bihzad and His Paintings in the Zafar Namah Ms Sir Thomas W. Arnold London, 1930)

شاهنامهٔ فردوسی، تألیف ج ویلکنسن
(The Shah Nameh of Firdawsi J V S Wilkinson London, 1931)

مینیاتور سازی اسلامی، تألیف م س دیمند چاپ نیویورك
(Islamic Miniature Painting M S Dimand. Metropolitan Museum of Art. NewYork 1933-1934.)

سفال سازی

سفال سازی اسلامی، تألیف ا ج بتلر چاپ لندن
(Islamic Pottery. A J Butler London, 1926)

سفال سازی قدیم اسلام و منشأ آن، تألیف م پزارد چاپ پاریس
(La céramique archaique de l'Islam et ses origines Two Volumes Maurice Pezard Paris, 1929)

سفال سازی در صنایع اسلام، تألیف هانری ریویر چاپ پاریس
(La céramique dans l'art musulman Two Volumes Henri Rivière Paris, 1914)

حفریات تورنگ تپه نزدیک استراباد، تألیف ف. ر. وولسن چاپ نیویورک
(Excavations at Tureng Tepe near Astarabad. F R Wulsin Supplement to the Bulletin of the American Institute of Iranian Art and Archaeology Vol II, No 1 March, 1932)

مفرغهای لرستان، تألیف اندره گدار چاپ پاریس
(The Bronzes of Luristan André Godard Paris)

مفرغهای لرستان در موزهٔ دانشگاه فیلادلفیا، تألیف ل. لگرین چاپ فیلادلفیا
(Luristan Bronzes in the University Museum Leon Legrain Philadelphia)

ادوار اشکانیان و ساسانیان

امپراتوری ساسانیان، تألیف آ. کریستنسن چاپ کوپن هاوک
(L'Empire des Sassanides Par Arthur Christensen Kbenhavn, 1907.)

حفریات تیسفون چاپ برلن
(Die Ausgrabungen der zweiten Ktesiphon Islamische Kunstabteilung der Staatlichen Museen Berlin, 1933.)

سفال عصر اشکانی از سلوکیه، تألیف ن. دبوار چاپ آمریکا
(Parthian Pottery from Seleucia on the Tigris Neilson C Debevoise University of Michigan Press Ann Arbor, 1934)

هفتمین سلطنت بزرگ شرقی، تألیف جورج رالینسن چاپ نیویورک
(The Seventh Great Oriental Monarchy George Rawlinson Two volumes, Dodd Mead and Co New York, 1882.)

نقاشی و مینیاتور سازی ایران

مینیاتور سازی و نقاشی ایران و هندوستان و ترکیه، تألیف ف. ر. مارتین، چاپ لندن
(The Miniature Painting and Painters of Persia, India and Turkey from the eighth to the eighteenth century F R Martin. London, 1912.)

فهرست آثار تاریخی ایران

الف

قالی بافی

قالی‌های قدیم مشرق، تألیف ف. سار و هـ. ترنکـ والد چاپ وین و لندن
(Old Oriental Carpets Friedrich Sarre and Hermann Trenkwald Two Volumes Vienna and London, 1926)

قالیهای قدیم از مشرق زمین، تألیف و. فان بود و ارنست کوهنل چاپ نیویورك
(Antique Rugs from the Near East Wilhelm Von Bode and Ernst Kuehnel NewYork, 1922)

شرح قالیهای مشرق، تألیف دکتر لـ. لویس چاپ فیلادلفیا
(A Practical Book of Oriental Rugs Dr G Griffin Lewis Lippincott Philadelphia and London, 1920)

معماری

معماری در صنایع اسلام، تألیف هانری سالادن چاپ پاریس
(Manuel d'Art musulman l'Architecture Henri Saladin Paris, 1907

آثار معماری خراسان، تألیف ارنست دیز چاپ وین
(Churasanische Baudenkmäler I Ernst Diez Vienne, 1912 1914)

آثار معماری ایران چاپ برلن
(Denkmäler Persische Baukunst Two Volumes Berlin, 1910)

بهترین و معتبرترین مطالب راجع به معماری در مجلهٔ آثار ایران و در کتاب صنایع ایران یافت میشود

مجلات

صنایع اسلامی چاپخانهٔ دانشگاه میشیگان آمریکا
(Ars Islamica Dr Mehmet Aga Oglu (Ed) University of Michigan Press, Ann Arbor Semi Annual)

گزارش بنگاه آمریکائی برای صنعت و باستان شناسی ایران چاپ نیویورك
(Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeology 724 Fifth Avenue, New York City Prof, Arthur Upham Pope, Director)

اصفهان - مسجد خارجی مورخ سال ۱۰۱۹ هجری عهد صفوی

« - مسجد لنبان از زمان شاه عباس کبیر عهد صفوی

« - امامزاده شاهزید عهد صفوی

آمل - مشهد میر بزرگ

« - گنبد ناصرالحق

« - مقبرهٔ سه سید

« - مقبرهٔ شمس تبریزی

« - امامزاده ابراهیم

اهر - مقبرهٔ شیخ شهاب‌الدین

اهواز - خرابه‌های هرمز اردشیر قدیم

ایج (شمال شرقی نیریز) - مسجد قرن ششم

ایوان کرخه - خرابه‌های شهر عهد ساسانیان

ب

بارسیان (اصفهان) - مسجد جمعه و منارهٔ قرن پنجم هجری

بارفروش - امامزاده محمد باقر

بار در جنوب شرقی سوریان (فارس) امامزاده همزه قرن دهم

بروجرد (لرستان) - مسجد جامع مربوط بعهد سلجوقیان

بسطام - مسجد شیخ بسطامی که در ۵۱٤ هجری ساخته شده است

بروجرد - برج مقبره‌ای که مجاور مسجد جمعه است

بیستون - محل بغستان قدیم

« - محل موسوم به تخت شیرین

« - حجاریها و کتیبه های عهد هخامنشی

بوشهر - محل شهر قدیم

پ

پاسارگاد - محل شهر عهد هخامنشیان

پشت کوه لرستان - سلیمان تپه یا زیر زیر تپه

پشت کوه - تل تکسایه

« « - تل سپاهان حریز

پل دختران - روی رود خانهٔ قزل اوزن

ت

تبریز - خرابه‌های مسجد آبی

« - « وزیر علیشاه

« - « مسجد جمعه

تخت جمشید - تخت و محل شهر سلطنتی قدیم

« « - دو تپه متعلق بعهد ماقبل تاریخ

اصفهان ـ مسجد شاه

« ـ عمارت چهل ستون

« ـ چهار باغ

« ـ پل الله وردی خان (سی و سه پل)

« ـ پل خواجو (بابا رکن الدین)

« ـ مسجد سفیا

« ـ مسجد ساروتقی

« ـ مدرسهٔ امامی

« ـ منارهٔ دارو دشت

« ـ مدرسهٔ نادر شاه

« ـ امامزاده جعفر

« ـ مقبرهٔ بابا رکن الدین

« ـ درب امام

« ـ سردر مسجد قطبیه

« ـ سردر بقعهٔ آشیخ امیر مسعود

« ـ مقبرهٔ هارون ولایت

« ـ مسجد ظلمات

« ـ مقبرهٔ موسوم به ستی فاطمه و چهار مقبره که درآنجا است و تاریخشان بترتیب ۱۰٤۱ و ۱۰٤۱ و ۱۰٤۱ و ۱۰۷۲ است

« ـ مسجد حکیم

اصفهان ـ مدرسهٔ ملا عبدالله

« ـ مسجد علیقلی آغا

« ـ حمام علیقلی آغا

« ـ عمارت هشت بهشت و اراضی که فعلا از ع قدیمی باقی مانده متعلق بعهد صفویه

« ـ منارهٔ چهل دختران مورخ سال ۵۰۱ هجری

« ـ منارهٔ ساربان متعلق بعهد سلجوقیان

« ـ منارهٔ واقعه در رهروان پنج کیلومتری شمال اصفهان متعلق بعهد سلجوقی

« ـ امامزاده احمد متعلق بعهد صفوی

« ـ خانقاه ومقبرهٔ شیخ ابوالقاسم در نصرآباد مورخ سال ۸٥٤ هجری

« ـ مسجد ایلچی قرن یازدهم

« ـ دو منارهٔ دارالضیافه نیمهٔ اول قرن ششم

« ـ مسجد مصری قرن یازدهم

« ـ مسجد دربجوباره قرن دهم

« ـ مسجد سرخی قرن یازدهم

دزفول (خوزستان) ـ پل عهد ساسانیان
دزفول (خوزستان) ـ مسجد جامع قرن
اول هجری
دماوند ـ شهر و نقاط مجاور آن
« ـ مسجد جمعه متعلق بعهد سلجوقیان

ر

رورك ـ خرابه‌های عهد ساسانیان
رادکان (نزدیك بندر گز) برج مقبره‌ای
رادکان (نزدیك قوچان) ـ برج مقبره‌ای
رامهرمز ـ (طاق نصرت) ـ خرابه‌های
عهد ساسانیان
رباط کریم (تهران) ـ معبد موسوم به
تخت رستم عهد اشکانی
رضائیه (آذربایجان) ـ برج مقبره‌ای
موسوم به سه گنبد مورخ بسال
۵۸۰ هجری
« (آذربایجان) ـ مسجد جامع که
محرابش مورخ بسال ۶۷۶
هجری است
ری ـ برج مقبره‌ای منسوب بطغرل
« ـ تپهٔ چشمه علی و باروی شهر
« ـ کوه نقاره خانه
« ـ مرکز شهر سلجوقیان (حسین
آباد ـ منصورآباد ـ حاجی‌آباد)
ری ـ سطح زمینیکه بشعاع سیصد متر
که مرکز آن تپهٔ بزرگ خالی
چال‌باخان است و تقریبا در ۲۴
کیلومتری جنوب غربی تهران است
ری ـ مقبرهٔ بی بی شهربانو

ز

زرنج ـ خرابه‌های پایتخت قدیم سیستان
زواره (اصفهان) ـ مسجد جامع قرن
ششم هجری
« (اصفهان) ـ مسجد پامنار قرن
پنجم هجری
زیار ـ منار اواسط قرن ششم

س

ساوجبلاغ (مهاباد) ـ خرابه های شهر
قدیم نزدیك گردنهٔ گاروشیمکا
« (مهاباد) ـ خرابه های شهری
نزدیك اندرکش
« (مهاباد) ـ کانگا تپه
ساری ـ مقبرهٔ محمد سلطان زیدا
« ـ « ملاّ مجدالدین
« ـ امامزاده یحیی
ساروق (عراق) ـ امامزاده همداد و دو
تن قرن ششم هجری

شاپور ـ حجاریهای عهد ساسانیان
« ـ مجسمهٔ شاپور در یك غار کوهستان
شهرار ـ تخت مادر سلیمان و نقاط مجاور آن
« ـ حجاریهای عهد ساسانیان در مجاورت تخت مادر سلیمان
« ـ خرابه های مسجد عتیق که عمرو بن لیث ساخته است
« ـ مسجد نو که اتابك سعد بن زنگی آنرا ساخته است
« ـ باغ و عمارت هفت تن
« ـ مدرسهٔ خان
« ـ مقبره‌ای که میگویند متعلق به دختر اتابك است
« ـ مقبرهٔ سید علاءالدین مورخ بسال ۹۶۴ هجری عهد صفوی
« ـ مقبرهٔ کریم خان زند موسوم به کلاه فرنگی کریم خان در ۲۳ صفر ۱۱۹۳ هجری وفات یافت
شهرار ـ مسجد وکیل
شوش ـ محل شهر و تپه‌های مجاور آن
شوشتر (خوزستان) ـ پل عهد ساسانیان
« مسجد جمعه قرن سوم هجری

ص

صحنه ـ مقبره‌ای که در کوه کنده شده متعلق بعهد ماد

ط

طاق بستان ـ نقاط مجاور طاق بستان
« « ـ محل کارخانهٔ قدیم
« « ـ غارها و حجاریهای عهد ساسانیان
طاق کسری ـ بنای عهد اشکانیان
طبس (خراسان) ـ منار کسر متعلق بعهد سلجوقی
« « ـ منارهٔ مدرسهٔ دو مناره عهد سلجوقی
طوس « ـ بنای گنبد داری که معروف به گنبد هارونیه است

ف

فخریکه (در جنوب دریاچهٔ رضائیه) ـ دخمهٔ سنگی عهد ماد
فراش بند ـ بنای کوچك گنبددار متعلق بعهد اشکانیان
« « ـ نقاط اطراف بنای کوچك گنبد دار
فسا ـ تپه‌ای که در محل به قلعهٔ ضحاکی موسوم است
فیروزآباد ـ خرابه‌های آتشکدهٔ عهد ساسانی
« « ـ عمارت عهد ساسانیان که اردشیر ساخته است
« « ـ قلعهٔ دختر
« « ـ محل گور قدیم

ساوه - منارهٔ مجاور مسجد میدان که تاریخش ۴۵۳ هجری است

« - مسجد جمعه

« - منارهٔ مجاور مسجد جمعه که تاریخش ۵۰۴ هجری است

« - امامزاده زین‌الدین قرن هفتم هجری

« - مقبرهٔ سید اسحق

سبزوار (خراسان) - منارهٔ که در حدود ششصد هجری ساخته شده است

سروستان - قصر و نقاط مجاور آن

سرپل ذهاب - محل حلوان قدیم آشوریها

« « - دو حجاری در سنگ کوه متعلق به ۲۸۰۰ قبل از میلاد

« « - دو حجاری در سنگ کوه متعلق به ۲۸۰۰ قبل از میلاد

« « - حجاری در سنگ کوه متعلق بعهد اشکانیان

« « - دکان داود - مقبرهٔ متعلق بعهد مد

« « - دخمهٔ سنگی معروف به اطاق فرهاد دورهٔ مد

سرپل ذهاب - نقش برجستهٔ سنگی واقع در هورین شمال غربی سرپل در قرن ۲۰ تا ۳۰ قبل از میلاد

سرجان - خرابه‌های پایتخت قدیم کرمان

سرخس - مقبره‌ای که در قرن هشتم ساخته شده است

سلطانیه - مقبرهٔ سلطان الجایتو خدابنده

« - مقبرهٔ چلبی اغلی

« مقبرهٔ ملا حسن شیرازی

سلماس - حجاریهای اردشیر بابکان

سمنان - منارهٔ عهد سلجوقی

« مسجد جمعه

« - مسجد سلطانی

سمیره (لرستان) پل شیروان

« « - لالار

« « - دره شهر

« « - تاقهای تارهان

« « - تاقهای لورب

سنگ بست - مقبره و منارهٔ عهد غزنوی

سوریان (فارس) - مسجد قرن ششم

سین (اصفهان) - مسجد قرن ششم

ش

شاپور - محل پایتخت قدیم

قم ـ مسجد جامع قرن هفتم هجری
« ـ گنبد جامع عهد سلجوقی
کر (اصفهان) ـ منارهٔ قرن ششم هجری
کنادس ـ خرابه های شهر قدیم موسوم
به اسپوس
کنگاور ـ محل کنگاور قدیم ـ
خرابه‌های اشکانیان
کوه خواجه ـ خرابه های عهد اشکانیان
و ساسانیان
کشمار ـ منارهٔ متعلق بقرن هفتم هجری

گ

گرگان ـ محل شهر قدیم و تلال خارج آن
« ـ گنبد قابوس
گرماشیر (کرمان) محل نادری
گلپایگان ـ مسجد جامع
گلپایگان ـ منارهٔ سلجوقی
« ـ امامزاده هفده تن مورخ بسال
۱۰۳۱ الی ۱۰۳۲ عصر صفوی

ل

لاجیم ـ منارهٔ که بصورت برج است

م

مال امیر ـ حجاریکه درسنگ کوه احداث
شده و کتیبه‌ها
« ـ محل ساختمان قدیم
ماهون ـ بقعه و مرقد شاه نعمت الله ولی
مرو دشت ـ نقش رستم
« « ـ نقش رجب
« ـ محراب مسجدیکه ابوسعید ساخته است
محلات ـ در شمال خمین ـ خرابه های
معبد عهد اشکانیان
« ـ محراب امامزاده ابوالفضل و
یحیی متعلق بعهد مغول
مراغه ـ قبرهٔ قرمز
« ـ مقبرهٔ منسوب بمادر هلاکو
« ـ مقبرهٔ مدور مجاور نمرهٔ ۱۳۵
« ـ گنبد غفاریه
« ـ کوی برج
مسجد سلیمان (خوزستان) آتشکدهٔ زمان
اشکانیان و ساسانیان عهد اشکانی وساسانی
مشهد ـ مجموعهٔ بناهائیکه متعلق به بقعهٔ
حضرت ثامن الائمه است
« ـ مصلی
« ـ مقبرهٔ خواجه ربیع
« ـ مسجد شاه
مشهد ـ مدرسهٔ دودر مورخ بسال ۸۴۳
هجری قرن نهم هجری
مهماندوست (دامغان) ـ برج معصوم زاده
سلجوقیان

ن

نائین ـ مسجد متعلق بقرن چهارم موسوم
به مسجد علویان

فیروز آباد - پل عهد ساسانیان
فیروزآباد (خراسان) منارهٔ عهد سلجوقیان
فهلیان (فارس) - دخمهٔ سنگی موسوم
به داود دختر
« « - خرابه‌های یك شهر هخامنشی

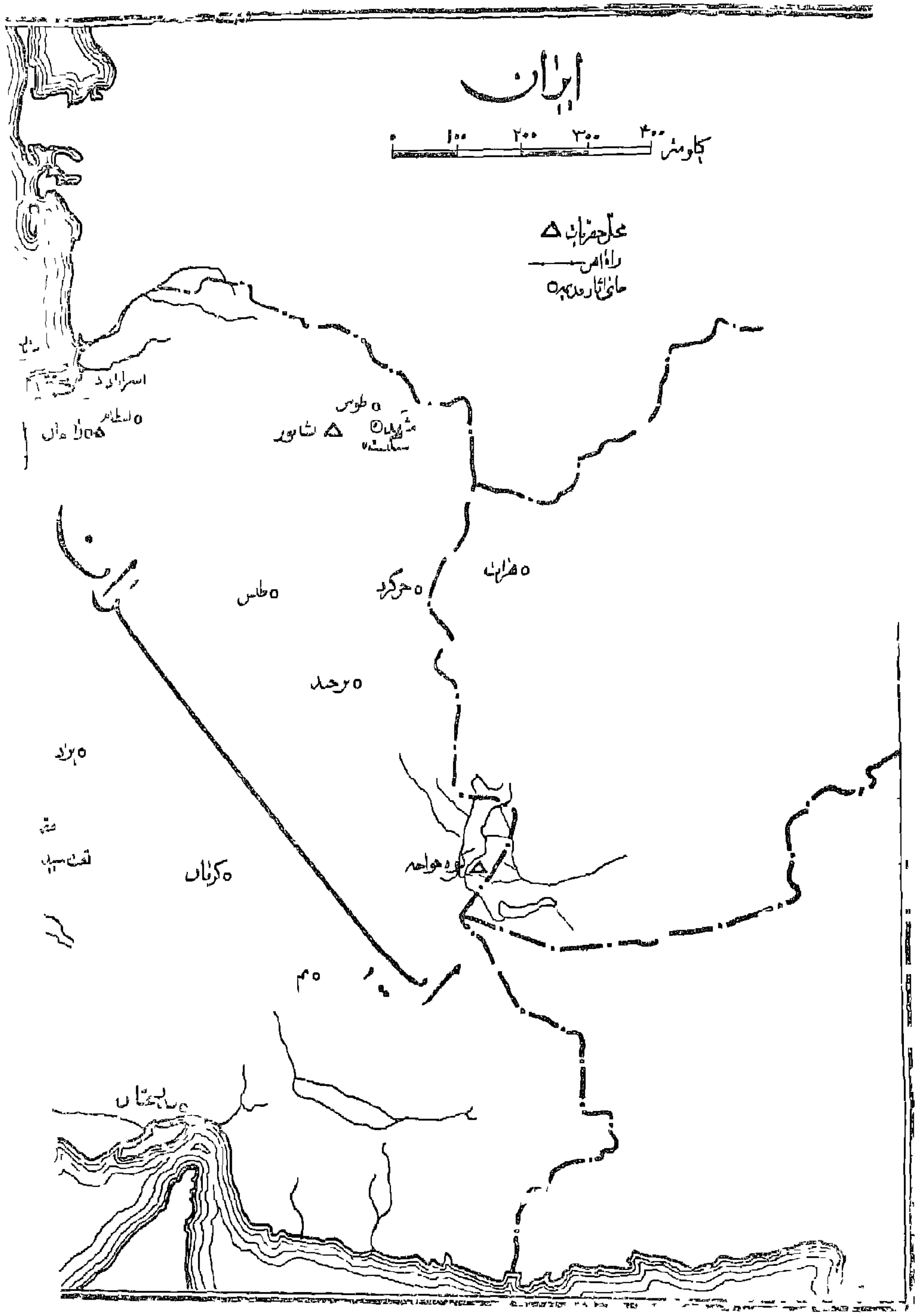
ق

قائن (مکران) - مسجد جامع مورخ
بسال ۷۷۰ هجری قرن هشتم هجری
قدمگاه (خراسان) مورخ سال ۱۰۹۱
هجری
قصرشیرین - دو بنای عهد ساسانیان موسوم
به قصر شیرین و حوش کوری
قزوین - سردر عمارت عالی قاپو
« مدرسهٔ حیدریه
« مسجد جمعه
« - مسجد شاه
« - امامزاده حسین بنای عهد صفوی
که در سلطنت شاه طهماسب بنا
شده است
قم - امامزاده شاهزاده ابراهیم قرن
هشتم هجری
« - مرقد حضرت معصومه (ع) و مقبرهٔ
شاه صفی اول و شاه عباس ثانی
« - مقبره‌هائیکه در ۵۱۹ هجری ساخته
شده است نزدیك دروازهٔ کاشان

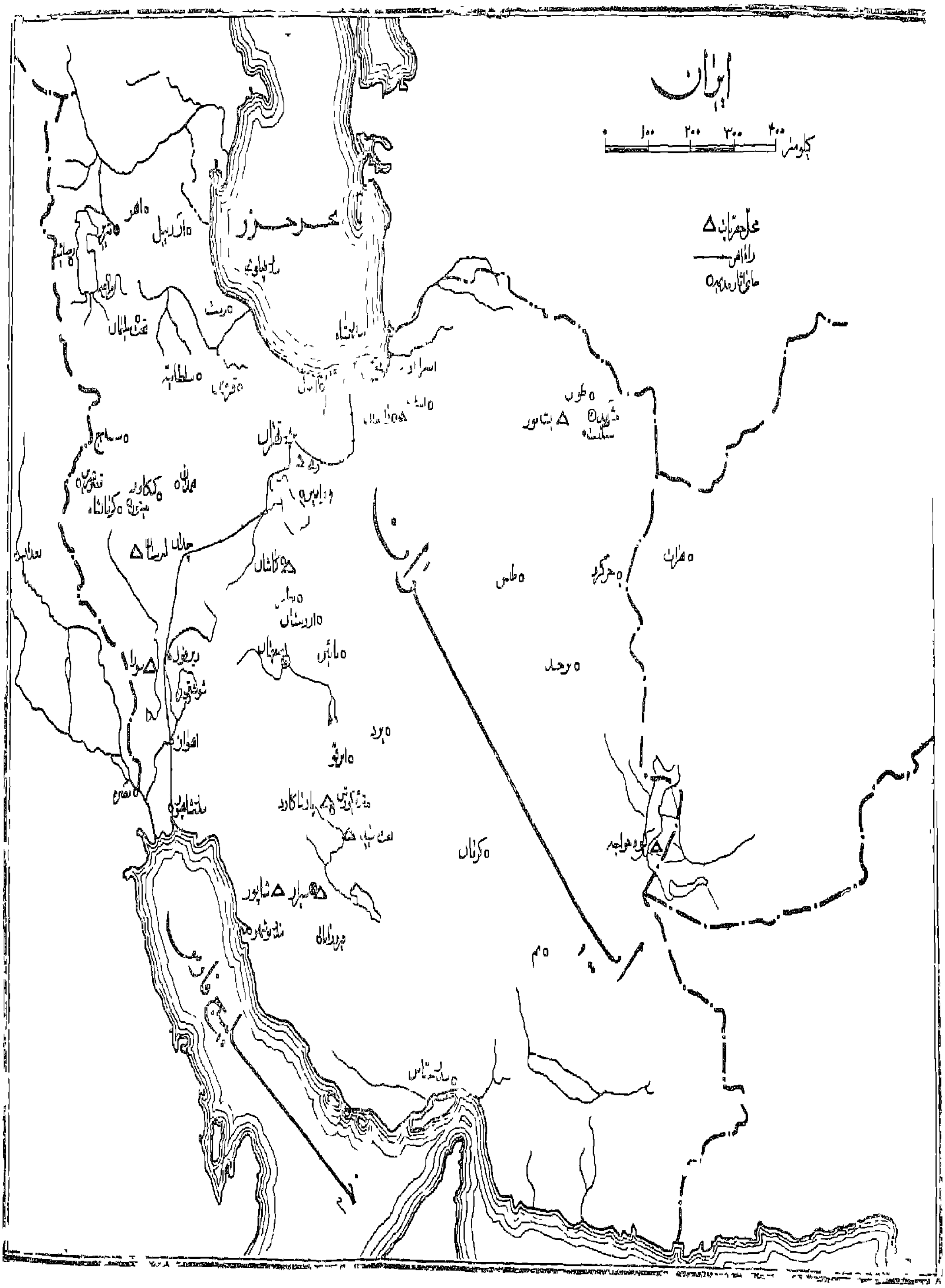
قم - مسجد جمعه
« - امامزاده علی بن جعفر مورخ سال
۷٤ هجری
قمشه - مقبرهٔ شاه رضا

ك

کاشان - محل و نقاط اطراف معبد عهد
سلوکید
« - مسجد میدان
« منارهٔ ایکه در قرن پنجم بنا
شده است
کاشان - امامزاده حبیب بن موسی متعلق
بعهد صفویه
« - باغ شاه فین متعلق بعهد صفویه
« مدرسهٔ سلطانی
« - منارهٔ مسجد جمعه عهد سلجوقی
کالم آباد (سمنان) منارهٔ ایکه درعهد
سلجوقیان بنا شده است
کورانگون (فارس) - حجاری عهد عیلام
کردوب - (سمنان) - خرابه‌های معبدی
که در عهد ساسانیان ساخته شده است
کرات - برجیکه متعلق بقرن پنجم باقی است
کرمان - گنبد سبز
« - مدرسهٔ گنجعلی خان عهد صفوی
« - مسجد پامنار
« - مقبرهٔ خواجه اتابك



نقشهٔ باستان شناسی ایرا



ایران
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰
کلومیٹر
بحر خزر
اردبیل
تبریز
رشت
قزوین
سلطانیہ
تہران
ہمدان
کرمانشاہ
کاشان
اردستان
اصفہان
نائین
یزد
طبس
مشہد
نیشاپور
ہرات
اہواز
بصرہ
کرمان
بندر عباس